



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



قطره ای از دریای معارف

شیرین

عباسعلی حقیقی زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قطره ای از دریای معارف شیعه

نویسنده:

عباسعلی حقیقی زاده

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	قطره ای از دریای معارف شیعه
۸	مشخصات کتاب
۸	تقریظ استاد بزرگوار حوزه علمیه اصفهان
۸	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۰	دعای شروع مطالعه نمودن
۱۰	مقدمه بحث توحید
۱۱	جهان‌بینی اسلامی یا جهان‌بینی توحیدی :
۱۳	جهان‌بینی توحیدی :
۱۵	فطری بودن توحید :
۱۷	عدل الهی و فطرت :
۱۸	صفات خدا :
۲۰	معرفت مولا :
۳۱	ایمان و کفر :
۳۸	صفات مومن :
۴۱	عزت نفس :
۴۴	۲۵ فایده خواندن نماز شب
۴۵	عزت نفس :
۴۷	مراقبه و محاسبه :
۵۱	دوزخ هفت درب دارد که عبارتند از:
۵۱	درب اول:
۵۱	درب دوم:

- ۵۲: در ب سوم:
- ۵۲: در ب چهارم:
- ۵۲: در ب پنجم:
- ۵۲: در ب ششم:
- ۵۲: در ب هفتم:
- ۵۲: علامات اهل بهشت شش صفت زیر است:
- ۵۳: اما هدیه عزرائیل چهار چیز است:
- ۵۳: اشاره
- ۵۳: هدیه قبر چهار چیز است:
- ۵۴: هدیه میزان چهار چیز است:
- ۵۴: اشاره
- ۵۴: هدیه صراط چهار چیز است:
- ۵۴: هدیه نگهبان بر جهنم چهار چیز است:
- ۵۵: هدیه نگهبان بهشت چهار چیز است:
- ۵۵: هدیه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله چهار چیز است:
- ۵۵: هدیه جبرئیل چهار چیز است:
- ۵۵: هدیه خداوند متعال چهار چیز است:
- ۵۹: به علل زیر دعاهاى شما مستجاب نمى شود:
- ۶۰: سه تا آخرت ، سه تا دنیا
- ۶۱: تأثیر ربا و نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله :
- ۶۵: به مناسبت ولادت با سعادت حضرت ختمی مرتبت
- ۶۶: چهل حدیث از خاتم الانبیاء :
- ۷۸: میلاد حضرت فاطمه علیها السلام
- ۷۹: لوح فاطمه زهرا علیها السلام

- ۷۹ چهل حدیث از حضرت فاطمه علیها السلام
- ۸۱ چهل حدیث از امام حسن علیه السلام
- ۸۶ چهل حدیث از امام حسین علیه السلام
- ۹۴ پنج مناجات از حضرت سجاد علیه السلام
- ۹۴ اشاره
- ۹۴ مناجات اول:
- ۹۴ مناجات دوم:
- ۹۵ مناجات سوم:
- ۹۵ مناجات چهارم:
- ۹۶ مناجات پنجم:
- ۹۷ چهل حدیث از امام محمد باقر علیه السلام
- ۱۱۰ چهل حدیث از امام رضا علیه السلام
- ۱۱۴ چهل حدیث از امام محمد تقی علیه السلام
- ۱۱۷ چهل حدیث از امام علی النقی علیه السلام
- ۱۲۱ مختصری درباره امام حسن عسکری علیه السلام
- ۱۲۱ اشاره
- ۱۲۱ چهل حدیث منصوب به آن حضرت
- ۱۲۶ پس آیا طول عمر صاحب الزمان برای خداوند کاری دارد؟
- ۱۲۸ چهل حدیث از مصلح جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه
- ۱۴۰ درباره مرکز

قطره ای از دریای معارف شیعه

مشخصات کتاب

نویسنده: عباسعلی حقیقی زاده

ناشر: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

تقریظ استاد بزرگوار حوزه علمیه اصفهان

حضرت آیة الله حاج سید حسن فقیه امامی دام ظلّه العالی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بعد از حمد و صلوات، چه سعادت مند کسانی که در مسیر تکامل، خویش را از سرچشمه پر فیض و بی کران قرآن و اهل بیت علیهم السلام سیراب کرده سعادت دنیا و آخرت خود را بدین وسیله تأمین می نمایند.

چه موفقند مردانی که از معارف کتاب خدا و خاندان پاک رسول اکرم صلی الله علیه و آله مایه می گیرند، و به کلمات نورانی آن استناد کرده خط زندگی را ترسیم می کنند.

چه خوش ذوقند گروهی که سخنان پروردگار و کلمات پیغمبر و ائمه علیهم السلام را زیب و زینت صفحات سینه و اوراق دفاتر خود قرار داده و به جان و دل خود صفا می بخشند.

چه عاقلند افرادی که از شعاع تابناک قرآن و اهل بیت استفاده نموده، افکار و عقاید و منشهای انسانی خویش را بر این اساس استوار می نمایند.

چه دین باورند اشخاصی که سفارش رسول گرامی صلی الله علیه و آله را به گوش جان شنیده، دست به دامن قرآن و عترت زده راه هدایت را در پیش گرفته و خود را از چنگال ضلالت و گمراهی نجات می دهند.

چه منصفند محققینی که در مقام مقایسه کلام خدا و رسول خدا و ائمه هدی را که ریشه وحی دارد بر کلمات دیگران ترجیح داده، قلم و زبانشان را گویا و حاکی همان الطاف قرار می دهند، خوشابه حالشان و خداوند یارشان باد.

جناب عمده الاعزه آقای عباسعلی حقیقی زاده دام توفیقه کتابی به نام قطره ای از دریای معارف شیعه تالیف نموده اند که واجد مراتب مرقومه فوق می باشد، خداوند بر توفیقشان بیفزاید و زیر سایه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در راه ترویج مذهب شیعه بیش از پیش مورد تأیید و عنایات حضرت پروردگار قرار گیرند.

و السلام

اصفهان، مدرسه نیم آورد

سید حسن فقیه امامی ۱۳۷۷/۸/۱۴

تقدیر و تشکر

پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با حمد و سپاس بیکران به ساحت مقدّس باری تعالی و مسئلت از دربار ملکوتیش، در نیل به دستورات کتاب مَطُول و اطاعت از خلفای برحق، خصوصاً آخرین ذخیره هستی حضرت صاحب العصر و الزمان روحی له الفداه و به پاس قدردانی از رهنمودهای سرور گرامی حضرت آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی دامت افاضاته و زحمات مدیریت مؤسسه امّ الکتاب، حضرت حجّه الاسلام و المسلمین حاج سید محمّد رضا ابطحی و برادر بزرگوارشان جناب آقای سید ابوالقاسم ابطحی که در راستای حروفچینی و ویراستاری و تجدید چاپ این مجموعه تلاش نمودند، از پیشگاه امام زمان ارواحنا فداه، توفیق روز افزون آن بزرگواران را مسئلت دارم.

امیدوارم اینگونه توفیقات توشه‌ای برای قیامت ما باشد.

آمین رب العالمین

تحصیلات : کاردانی

تلفن تماس : ۰۹۱۳۳۱۹۹۷۴۱

مقدمه

هر انسان که قدم به زندگی دنیا می‌گذارد سرانجام باید روزی دنیا را وداع کند این آمدن و رفتن هیچ کدام به اختیار انسان نیست. در دوران اقامت پس از رسیدن به تکلیف انتخاب راه صواب یا خلاف با اوست و از آنجایی که خداوند باری تعالی می‌فرماید:

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَ فَلَا يَعْقِلُونَ

و هر کس را که عمر (دراز) دهیم، خلقت (و رفتارش) را واژگونه کنیم، آیا تعقل نمی‌کنید ..

این جانب در سراشیب زندگی بر آن شدم از خود باقیاتی به یادگار گذارم چون:

«کل نفس ذائقة الموت» (هر نفسی مرگ را می‌چشد). (سوره یس، آیه ۶۸)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ.

(سوره آل عمران، آیه ۱۸۵).

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ.

(سوره انبیاء، آیه ۳۵).

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ.

(سوره عنکبوت، آیه ۵۷).

توضیح این که مرگ بدین مفهوم نیست که مرگ ما را از بین می‌برد، بلکه مفهومش این است که مرگ چشیده می‌شود همانند شیرینی، شوری، تلخی و ... که حاصل یک عمر اعمال و رفتار ما است، در آخرت هم خلاصه می‌شود که انشاء الله از غسل شیرین تر خواهد بود و یا خدای ناکرده از زهر تلخ تر خواهد گردید.

از این رو با لطف و عنایت خداوند متعال در حد توانایی اقدام به تهیه و جمع‌آوری مطالبی نمودم و فقط تنها آرزویم درخواست عنایت خداوند متعال و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و توفیق انجام خدمتی هرچند ناقابل به مکتب گرانبهای شیعه بوده است که به حمد الله حاصل شد.

از این باب اگر نقصی در نوشتار یا هرگونه نارسایی در عبارات مشاهده می‌شود به دیده اغماض نگریسته و با تذکرات مفید خود

بهره‌مند سازید.

از خداوند متعال مسئلت داریم این خدمت ناچیز را پذیرفته و آن را ذخیره عالم آخرت و مایه آمرزش والدینم قرار دهد.

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ

(سوره حشر، آیه ۱۰).

غرض نقشی است که از ما باز ماند= که هستی را نمی‌بینم بقایی = مگر صاحب دلی روزی ز رحمت= کند در حق درویشان دعایی =

دعای شروع مطالعه نمودن

«اللهم اخرجني من الظلمات الوهم و اكرمني بنور الفهم».

خداوندا: مرا از تاریکیهای وهم و ابهام خارج کن و به من نور فهم کرامت فرما.

«اللهم افتح علينا ابواب رحمتك و انشر علينا خزائن علومك

برحمتك يا ارحم الراحمين».

خداوندا: درهای رحمت خود را بر ما باز کن و از گنجینه‌های علوم خودت

بر ما بگستران ای بهترین بخشنندگان.

در پایان، این اثر ناچیز را به پیشگاه آخرین ذخیره حق، مظهر ولایت مطلقه

پروردگار جهان، دادرس ستمدیدگان، و پناهگاه مستضعفان و تشکیل دهنده

حکومت جهانی اسلام در صحنه گیتی باذن الهی، حضرت بقیة الله الاعظم مهدی موعود

عجل الله تعالی فرجه هدی می‌کنم.

(عباسعلی حقیقی زاده)

مقدمه بحث توحید

آدمی فطرتاً دانش دوست و حقیقت‌جو آفریده شده است و این فطرت، انسان را به کنجکاوی و دریافت حقیقت وا می‌دارد. تا اینکه

به تحقیق در مورد زمین اکتفا نکرده (اگر چه هنوز اسراری در زمین وجود دارد مانند مثلث برمودا و غیره که هنوز برای انسان

شناخته نشده است) بلکه به آسمان چشم دوخته و به تحقیق در مورد ستارگان و کنترل نقاط مختلف و مطالعه در دیگر کرات

توسط ماهواره و موشکها و آپولوها از راه کنترل با کامپیوتر پرداخته و هر روز که می‌گذرد به نتایج شگفت‌انگیز جدیدی نائل

می‌شود.

در طول حیات برای هر انسان سؤالات پیش می‌آید، از قبیل اینکه از کجا آمده‌ام؟ آمدنم برای چیست؟ هدف از زندگی کدام

است؟ این آمدن و رفتن‌ها چه محصولی دارد؟ این جهان چگونه و برای چه منظوری پدید آمده است؟

آیا اساساً جهان هستی، آفریدگاری دانا و حکیم دارد و طبق نقشه و طرح و هدف خاصی آن را پی‌ریزی کرده‌اند؟ و برای تکامل

هدایت انسانهاست یا عاملها یا دست قدرتی در کار نیست با اتفاقات و تصادفات کور و کر به وجود آمده است و به همین صورت

ادامه می‌یابد. آیا سرانجام همه با مرگ تمام می‌شود؟ یا حیات ادامه پیدا می‌کند اما به نوعی دیگر؟ پاسخ این پرسشها جهان‌بینی هر

انسان را تشکیل می‌دهد.

کشف علم، مزایایی دارد و نارسائیهای. بزرگترین مزیت کشفیات علمی دقت آنهاست. درباره هر موضوعی هزاران اطلاع به انسان

می‌دهد، اما با این همه اینها محدود است، محدود به تجربه و آزمون، علم تا آن حد پیش می‌رود که بتواند آزمایش کند اما آیا می‌توان همه هستی را آزمایش کرد؟ علمی که وابسته به خدا نباشد در بعضی از مسائل به بن بست می‌رسد! از قبیل این جهان از کجا آمده است؟ به کجا می‌رود؟ به طور کلی زشت است یا زیبا؟ خوب است یا بد؟ آیا این عالم در مقابل اعمال انسان عکس‌العملی دارد یا نه؟ چگونه؟ در جواب تمام این پرسشها، علم، جواب قاطع و قانع کننده‌ای ندارد. چون این نوشته به عنوان قطره‌ای از دریای معارف شیعه مطرح است لذا در آغاز مقداری درباره توحید و انواع آن گفته می‌شود و سپس درباره معاد، زیرا معتقد هستیم هر کس خللی در اعتقادش باشد ناشی از سست بودن توحید یا معاد است و هر چه اعتقاد به این دو موضوع بیشتر باشد یقین شخص کاملتر است و بالطبع عملش دقیقتر خواهد بود.

کسی که در امور روزمره از گناهان کوچک نمی‌گذرد، کم کم به گناهان بزرگتر دست می‌یابد، مثلاً شهروندی که با داشتن پول و بلیط از ارائه بلیط به اتوبوس و کرایه راننده تاکسی طفره می‌رود چگونه ممکن است، دیون شرعی خود را پردازد.

بر اثر این ترفندها بمرور مال مردم شبهه‌ناک، و حرام و حلال برایش مفهومی ندارد و هدفش رسیدن به امیال و شهوات است، حال به هر قیمت و به هر طریق که باشد برایش فرقی ندارد و متأسفانه به درجه حیوانیت، بلکه کمتر از آن تنزل پیدا می‌کند.

مبحث توحید :

خرم آن دل که ز خود آگاه است - نفسش سوی اثبات دلیل راه است = هر چه نظر کند خدا بیند و بس این معنی لا اله الا الله است = همه خصایص و صفاتی که لازمه یک جهان‌بینی خوب است در جهان‌بینی توحیدی جمع است و جهان‌بینی توحیدی یعنی درک اینکه جهان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده است و نظام هستی بر اساس خیر و رحمت، رسانیدن هر موجود به کمال خود استوار است.

برای اقامه دلیل، بهترین سند، قرآن کریم است و پس از آن احادیث و روایات چهارده معصوم علیهم السلام که مکمل و متمم یکدیگرند. لذا جهت استدلال، متمسک به قرآن کریم و سیره معصومین خواهیم شد.

جهان‌بینی اسلامی یا جهان‌بینی توحیدی :

توحید در اسلام بدین طرز بیان شده است .

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ

(سوره شوری، آیه ۱۱).

«هیچ چیز و هیچ کس مانند او نیست و مانند ندارد».

و در فقر ذاتی انسان می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

(سوره فاطر، آیه ۱۵)

هان ای مردم، شما (نا دار و فقیر) و نیازمند به خداوند هستید، و خداوند است که بی‌نیاز و ستوده است.

إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (سوره شوری، آیه ۱۲).

همانا او به همه چیز تواناست.

و در سوره حج، آیه ۶ می‌فرماید:

وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (سوره حج، آیه ۶).

و او بر هر کاری تواناست.

فَأَيْنَمَا تُولُوْا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ (سوره بقره، آیه ۱۱۵).

پس هر طرف رو کنید پس آنجا خداست.

به عبارت دیگر، خدا همه جا هست و هیچ جا نیست، که او نباشد.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا تَوْسُوْسُ بِهِ نَفْسُهُ (سوره قاف، آیه ۱۶).

و همانا خلق کردیم انسان را و می‌دانیم آنچه را که وسوسه می‌کند به آن نفسش.

به عبارت دیگر:

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (سوره قاف، آیه ۱۶)

و ما نزدیکتر هستیم به او از رگ گردن.

و لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (سوره اعراف، آیه ۱۸۰).

و برای خداست نامهای نیک.

خداوند مجمع کلمات است و از هر عیب و نقصی پاک است.

اگر در خلوت نور خدا نیست=ترا دردی بود، کان را دوا نیست =خدا در دل هر بیگانه پیداست=ولی بیگانه با او آشنا نیست =یکی

گفتا که ایزد در کجا هست؟=بدو گفتم که ای غافل کجا نیست =فروغش در دل روشن هویداست=ولیکن پیر دل، گوید خدا

نیست =نصیب زرپرستان زردی رو است=نشان رو سفیدی در طلا نیست =بیا ای خواجه دنیا را رها کن=وگر نه جانت از چنگش رها

نیست = لا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ. (سوره انعام، آیه ۱۰۳).

چشمها او را نمی‌بیند و او چشمها را درک می‌کند.

توحید گوی او نه بنی آدمند و بس=هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد = و إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا

دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَليُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (سوره بقره، آیه ۱۸۶)

و چون بندگانم درباره من از تو پرسش کنند (بگو) من نزدیکم و دعای دعا کننده را وقتی که مرا بخواند اجابت می‌کنم، پس به

فرمان من گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند.

و می‌فرماید:

أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ (سوره بقره، آیه ۷۷)

آیا نمی‌دانند که خداوند آنچه پنهان و آنچه آشکار است، می‌داند.

و در جای دیگر می‌فرماید:

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (سوره علق، آیه ۱۴)

آیا نمی‌داند که همانا خداوند (همه چیز را) می‌بیند.

آیات مذکور و صدها آیه دیگر خصوصیات باریتعالی را برای ما مشخص می‌کند.

در همین راستا و برای آشنایی عمیق با قرآن مجید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ستایش از کسانی که قرآن را می‌آموزند،

می‌فرماید: «خيارکم من تعلم القرآن و علمه» بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران بیاموزاند.

یک شیعه بایستی حداقل روزانه ۵۰ آیه از قرآن را تلاوت کند و نسبت به معنای آن تفکر کند و از امام سجاد علیه السلام نقل است

در ازای شنیدن هر حرف از کلمات قرآن کریم یک حسنه منظور خواهد شد. من باب مثال برای گفتن بسم الله الرحمن الرحيم،

نوزده حسنه منظور می‌شود.

پس از قرائت و تفهیم قرآن، مرحله عمل به قرآن مهم است و باید کسی که با قرآن مأنوس است، برای دیگران در عمل الگو باشد نه اینکه مصداق حدیث زیر باشد: رَبُّ تَالِ الْقُرْآنِ وَ هُوَ يَلْعَنُهُ. چه بسیار کسانی که قرآن می‌خوانند ولی قرآن آنها را لعنت می‌نماید.

توسط زبان نباید چیزی گفته شود ولی در کردار، عملی که مورد تأیید خداوند متعال (قرآن) و رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیست صادر گردد.

معصوم می‌فرماید: کونوا لنا زینا و لا تکونوا لنا شینا. آبروی ما باشید و باعث خجالت ما نشوید.

جهان بینی توحیدی:

جهان به باطل و بازی آفریده نشده است. نظام موجود، نظام اکمل و احسن است.

جهان به حق و عدل برپاست، «بالعدل قامت السموات و الارض» آسمانها و زمین به عدل برپاست.

در مبحث توحید مباحث استدلالی با ابعاد فلسفی که شامل استدلال ممکن الوجود و اصل علت و معلول و اقسام علت که شامل علت تامه، علت ناقصه، علت مادی، علت صوری، علت فاعلی، علت غایی، بطلان دور و تسلسل و نتایج آن و برهان نظم و سؤال و جواب اشکالات هیوم و غیره وجود دارد که جنبه تخصصی دارد و با رویه مختصر نویسی تنها به شاخه‌های توحید و یا فرازهایی از آن به اختصار اشاره می‌شود.

شاخه‌های توحید:

۱ - توحید صفاتی: خدا عین ذاتش است نه زائد و سوی آن.

مثال: چربی هر چیز از روغن است. چربی روغن عین ذات اوست.

۲ - توحید افعالی: یعنی همه فعلهای هستی از خدا نشأت گرفته است، عالم هستی فعل خداوند است.

۳ - توحید عبادی: یعنی در دستگاه هستی هیچکس واسطه نیست.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (سوره حمد، آیه ۵)

(خداوندا) تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم.

۴ - توحید در ربوبیت: یعنی حکمی نیست مگر برای خدا. «لا حکم الا لله».

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدْبِرُ الْأُمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (سوره یونس، آیه ۳۱)

بگو چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد، یا کیست که بر گوشها و چشمها حاکم است و کیست که زنده را از مرده و مرده را از زنده برمی‌آورد، و کیست که کار (جهان) را تدبیر می‌کند؟ زودخواهند گفت خدا، بگو پس چرا پروا نمی‌کنید.

۵ - توحید ذاتی: یعنی ذات خداوند همانند و عین صفات اوست.

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ

(هیچ چیز و هیچ کس مانند او نیست و مانند ندارد). (سوره شوری، آیه ۱۱).

انسان بر اساس فطرت، گرایش به خدا دارد و پیغمبران آمده‌اند این گرایش را در مسیر صحیح، که پرستش خدای یگانه است قرار دهند. هر چه انسان فکرش را بکند مخلوق ذهنی است نه خدا، ذات خدا یگانه است.

در سوره نساء، آیه ۱۱۶ می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (سوره نساء، آیه ۱۱۶)

خداوند این (گناه) را که برایش شریک قائل شوند نمی‌بخشد، و (هر گناهی) فروتر از این را برای هر کس که بخواهد می‌بخشد و هر کس به خداوند شرک ورزد، دچار گمراهی دور و درازی شده است.

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (سوره انبیاء، آیه ۲۲)

اگر در جهان خدایانی (متعدد) جز خداوند (یگانه) بود، تباہ می‌شدند، خداوند صاحب عرش از توصیف منزّه است.

قال علی بن الحسین علیه السلام: ان الله لا يوصف بمحدودية عظم ربنا عن الصفه فكيف يوصف بمحدودية من لا يوجد.

حضرت سجاد علیه السلام می‌فرماید: همانا خداوند توصیف نمی‌شود به محدودیت، بزرگ است پروردگار از توصیف، پس چگونه توصیف می‌شود به محدودیت، کسی که حد ندارد.

۶ - توحید در خالقیت:

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَشْفَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَشْفَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (سوره رعد، آیه ۱۶)

بگو (و بپرس) پروردگار آسمانها و زمین کیست بگو خداوند است. بگو پس آیا بجای او سرورانی برای خود می‌گیرید و می‌پرستید که برای خویشان هم اختیار سود و زیانی ندارند بگو آیا نابینا و بینا برابر است، یا آیا تاریکیها و روشنائی برابر است، یا شریکانی برای خداوند قائلند که همانند آفرینش او، آفریده‌اند، و آفرینش (ها) بر آنان مشتبّه شده است بگو خداوند آفریدگار هر چیز است و او یگانه قهار است.

۷ - توحید در رازقیت:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَى تُؤَفَّكُونَ (سوره فاطر، آیه ۳)

ای مردم نعمت الهی را بر خودتان یاد آورید، آیا آفریدگاری غیر از خداوند هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد خدایی جز او نیست، پس چگونه بیراهه می‌روید.

۸ - توحید در مالکیت: آنچه در نزد مردم است مانند خانه، ماشین، کتاب و غیره مالکیت اعتباری است ولی خداوند متعال مالکیتش حقیقی است. (انا لله وانا الیه راجعون).

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا (سوره فرقان، آیه ۲)

کسی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست، و فرزندی برنگزیده است، و در فرمانروایی شریکی ندارد، و همه چیز را آفریده است و به اندازه‌اش مقرر داشته است.

و قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْتْ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مَلَكُهُ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره بقره، آیه ۲۴۷)

و پیامبران به ایشان گفت خداوند طالوت را به فرمانروایی شما برگماشته است، گفتند چگونه او بر ما فرمانروایی کند، حال آنکه ما از او به فرمانروایی سزاوارتریم، و مال و منال چندانی نیز ندارد، گفت، خداوند او را بر شما برگزیده است و به او دانایی و توانایی بسیار بخشیده است و خدا فرمانرواییش را به هر کس که بخواهد ارزانی می‌دارد و خدا گشایشگری داناست.

۹ - توحید در توکل: یعنی فقط متکی به او باشیم.

وَ لَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ

أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَتِهِ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتٌ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (سوره زمر، آیه ۳۸)

و اگر از ایشان بررسی که چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است، بیشک گویند خداوند، بگو ملاحظه کنید که آنچه به جای خداوند می‌پرستید، اگر خداوند در حق من بلایی خواسته باشد، آیا آنان بلاگردانش هستند یا اگر در حق من خیری خواسته باشد، آیا آنان بازدارنده رحمت او هستند، بگو خداوند مرا کافی است، که اهل توکل بر او توکل می‌کنند.

۱۰ - توحید در رجاء: رجاء به معنی امیدواری به رحمت الهی. ولی باید مواظب بود از حد امید نگذرد که:

لطف حق با تو مدارها کند = چون که از حد بگذرد رسوا کند = قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (سوره آل عمران، آیه ۲۶)

بگو خداوند، ای فرمانفرمای هستی، به هر کس که خواهی فرمانروایی بخشی و از هر کس که خواهی فرمانروایی بازستانی، و (تویی که) هر کس را که خواهی گرامی داری و هر کس را که خواهی خوار کنی، (سر رشته) خیر به دست توست، تو بر هر کار توانایی.

۱۱ - توحید در خوف: خوف به معنی ترس است و ترس از مقام الهی است.

(قاضی دادگستری مجرم را که محاکمه می‌کند ممکن است پیرمردی باشد ولی مجرم از او خوف دارد، چون به سر قلم و دست قاضی، حکم صادره بستگی دارد).

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (سوره آل عمران، آیه ۱۷۵)

آن شیطان است که دوستدارانش را می‌ترساند، پس اگر مؤمن‌ید از آنان نترسید و از من بترسید.

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (سوره زمر، آیه ۵۳)

بگو ای بندگانم که زیاده بر خویشتن ستم روا داشته‌اید، از رحمت الهی نومید مباشید، چرا که خداوند همه گناهان را می‌بخشد، که او آمرزگار مهربان است.

قابل توجه: «در مورد حق الله بله، ولی حق الناس جای تأمل دارد لذا در مورد حقوق هم کیشان باید نهایت دقت را مبذول داشت، چون هم حق الله است و هم حق الناس.»

۱۲ - توحید در شدت محبت: دوستی زیاد و محبت وافر را عشق گویند و بهترین نوع عشق، عشق به خداست.

و مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ (سوره بقره، آیه ۱۶۵)

کسانی از مردم هستند که همتایانی برای خداوند قائل می‌شوند و آنها را همچون دوست داشتن خدا دوست می‌دارند، حال آنکه مؤمنان، خداوند را دوست‌تر دارند، و اگر ستمکاران (مشرکان) بدانند هنگامی که عذاب (روز قیامت) را مشاهده می‌کنند، هر قدرتی از آن خداوند است و خداوند سخت‌کیفر است.

۱۳ - توحید در عرفان: در این مرحله مصداق، آیه:

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (سوره انعام، آیه ۱۶۲) بگو نماز و نیایش من و زندگانی و مرگ من، در راه خدا، پروردگار جهانیان است، (و خواهد بود انشالله). یعنی دنیا را وسیله قرار می‌دهند، نه هدف و همه چیز را برای خدا می‌دانند، حتی حیات و ممات خود را، لذا اینان دنیایشان کوچک است و آخرتشان بزرگ.

موافقت و هماهنگی احکام و قوانین اصلی و اساسی دین با سرشت آدمی، همچنانکه انسان خیرخواه و عدالت طلب است قوانین دین هم دعوت به احسان و عدالت می‌کند.

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (سوره اعراف، آیه ۱۵۷)

کسانی که از فرستاده و پیامبر امی پیروی می‌کنند، که نام (و نشان) او را در تورات و انجیل که در نزدشان است، نوشته می‌یابند، (هم او) که آنان را به نیکی فرمان می‌دهد و از ناشایستی باز می‌دارد، و پاکیزه‌ها را بر آنان حلال و پلیدها را حرام می‌دارد، و از آنان قید و بندهای (پیمانهای) سنگین را که بر آنان مقرر شده بود برمی‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آورده و او را گرامی داشته و یاری کرده‌اند و از نوری که همراه او نازل شده پیروی می‌کنند، اینانند که رستگارانند.

تسلیم محض در برابر خدا: «الاسلام هو اليقين و اليقين هو التسليم و التسليم هو العمل الصالح».

تمام پیامبران دعوت به اسلام می‌کردند، اما تنها دین مقدس اسلام به این نام نامیده شده است به جهت آنکه تبلور تسلیم محض در برابر خدا، در اسلام بیشتر است.

حضرت ابراهیم از خدا چنین خواست:

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةً لَكَ وَ أَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ تَبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (سوره بقره، آیه ۱۲۸)

پروردگارا ما را فرمانبردار خویش بگردان و از زاد و رود ما امتی فرمانبردار خویش پدید آور و مناسک ما را به ما بنما، و از ما در گذر که تویی توبه‌پذیر مهربان.

در سوره روم، آیه ۳۰ خداوند می‌فرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سوره روم، آیه ۳۰)

پاکدلانه روی به دین بیاور، این فطرت الهی است که مردمان را بر وفق آن آفریده است، در آفرینش الهی تغییری راه ندارد، این دین استوار است، ولی بیشترین مردم نمی‌دانند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «فطرهم علی التوحید» (خداوند مردم را در فطرت توحید سرشته است). بحار الانوار، جلد ۳، صفحه ۳۰۸، جلد ۴۷).

در سوره نساء، آیه ۸۷ می‌فرماید:

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (سوره نساء، آیه ۸۷)

خداوند است که خدایی جز او نیست، (هم او) شما را در روز قیامت که در (فرارسیدن) آن شکی نیست، گرد می‌آورد، و کیست از خدا راستگوتر.

و در سوره بقره، آیه ۲۱۶ در مورد دستورات الهی چنین می‌فرماید:

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (سوره بقره، آیه ۲۱۶)

بر شما جهاد مقرر شده است، و آن برای شما ناخوشایند است، و چه بسا چیزی را ناخوش داشته باشید و آن به سود شما باشد، و چه بسا چیزی را خوش داشته باشید و آن به زیان شما باشد، و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

و در مورد علت پر کردن برکات یا عذاب در سوره اعراف، آیه ۹۶ می‌فرماید:

و لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنَّ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (سوره اعراف، آیه ۹۶)

و اگر اهل (آن) شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، بر آنان (درهای) برکاتی از آسمان و زمین می‌گشودیم، ولی (آیات و پیامهای ما را) دروغ انگاشتند، آنگاه به خاطر کار و کردارشان ایشان را فرو گرفتیم.

گاهی غرور ناشی از نعمت و قدرت، انسان را در معرض سقوط و به دام شیطان افتادن قرار می‌دهد که لازم است برای شکست غرور، حوادثی هر چند ناگوار اما سازنده پیش بیاید و خداوند مهربان که می‌خواهد انسان را به کمال برساند گاهی چنین حوادثی را برای تربیت پیش می‌آورد افراد عادی را پول می‌فریبد و افراد بهتر که پول نتواند آنها را بخرد زن آنها را می‌فریبد و اگر نه پول و نه زن نتواند، مقام او را خواهد فریفت و آن موقع بلایی که بر سر فرزند نوح یا شیطان آمد سرش نازل می‌شود. لذا شیطان را تکبر، و آدم را حرص و قاییل را شهوت به خزلان کشید.

سئل عن الصادق علیه السلام: نحن تفسیر التقوی، یفقد امرک و لا یراک حیث نهاک.

سؤال شد از امام صادق علیه السلام: از معنای تقوا، پس فرمود تقوا این است که نیابد ترا خدا آنجایی که نهی کرده ببیند. دلا- تا به کی از در دوست دوری= گرفتار دار سرای غروری = نه در دل ترا از غم دوست دردی= نه چهره از سرای آن کوی گردی = همه کار تو سر به سر خاکبازی= نه عشق حقیقی نه عشق مجازی =

عدل الهی و فطرت :

قرآن کریم در مورد عدل الهی چنین می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَ لَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ (سوره یونس، آیه ۴۴) خداوند هیچ ستمی بر مردم روا نمی‌دارد، ولی مردم خودشان بر خود ستم می‌کنند.

و در حدیث است که: «ما جاع فقیر الا بما استغنی به غنی»

(گرسنگی نمی‌خورد فقیری مگر اینکه حق او را کسی خورده باشد). بنا براین هر گونه خدعه و نیرنگ از مسلمانی علیه مسلمان دیگر حرام و شخص خاصی از اسلام خارج است .

و چه بسا ثروتمندانی که به خاطر امتناع از کمک به محرومین و مستمندان خداوند ثروت را از دست ایشان بیرون کشیده و به افرادی که گذشت و سخاوت دارند منتقل نموده است.

و در سوره یس، آیه ۴۷ چنین آمده است:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تُطْعَمُوا مَن لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (سوره یس، آیه ۴۷)

و چون به ایشان گفته شود از آنچه خداوند به شما روزی داده است، بخشش کنید، کافران به مؤمنان گویند آیا کسی را خوراک دهیم که اگر خداوند بخواهد خوراکش می‌دهد، شما جز در گمراهی آشکار نیستید.

و عوام هم نسبت ناروایی به ملا نصرالدین داده‌اند که روزی هارون الرشید مبلغی پول به وی داد و گفت بین فقرا تقسیم کن، وی رفت و بین اغنیا تقسیم کرد از او علتش را سؤال کردند گفت که خدا عقلش و حکمتش از ما بیشتر است که به اغنیا داده و به فقیران نداده است. البته این مطلب هیچ گونه سند علمی و شرعی ندارد. مگر قرآن نمی‌فرماید:

وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ (سوره ذاریات، آیه ۱۹)

و در اموالشان سهمی برای سائل و محروم قرار دادیم. (کسیکه از سیر کردن گرسنه ای امتناع ورزید از پذیرش مهمان، از او انتظار

هیچ خیری را نداشته باشید)

در نظر یک فرد شیعه موحد، قطره و دریا یکی است. ثروت و فقر، مقام والا- یا ساده و جزء بودن تفاوتی ندارد. فقط مُخْلِص و مُخْلِص شدن مهم است. لذا هبیتی که شخص فقیر با تقوا دارد بیش از ثروتمندی است که فاقد تقواست. روانشناسان این عوامل را در انسان شناسایی کرده‌اند، و شامل:

۱- راه حقیقت جویی.

۲- گرایش به فضائل انسانی.

۳- تمایل به زیبایی.

۴- گرایش به کمال مطلق.

بنابراین یکی از روحیات و ذاتیاتی که در انسان نهفته شده و تعبیر به فطرت می‌شود گرایش به کمال مطلق است و عیب و نقصی ندارد. لذا انسان گرایش به آن ذات بی همتا دارد.

وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (سوره بقره، آیه ۱۳۲)

و ابراهیم و یعقوب پسرانشان را به آن سفارش کردند که ای فرزندان من خداوند این دین را برای شما برگزیده است، پس مبدا که جز به فرمانبرداری، از خداوندو تسلیم او بمیرید. (مواظبت از عبادت طاغوت و شیاطین انسی و جنی)

حضرت ابراهیم علیه السلام از اصل فطرت خداجویی مردم استفاده کرده، آنجا که قرآن می‌فرماید:

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُجِبُّ الْآفِلِينَ (سوره انعام، آیه ۷۶)

زمانی که شب بر او پرده انداخت، ستاره‌ای دید، گفت این پروردگار من است، آنگاه چون اُفول کرد، گفت اُفول کنندگان را دوست ندارم.

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ (سوره انعام، آیه ۷۷)

آنگاه چون ماه را تابان دید، گفت این پروردگار من است، اما چون اُفول کرد گفت اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند بی گمان از گمراهان خواهم شد.

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (سوره انعام، آیه ۷۸)

آنگاه چون خورشید را تابان دید گفت این پروردگار من است، این بزرگتر است، و چون اُفول کرد گفت ای قوم من، من از شرکی که می‌ورزید، بری و برکنارم.

دانشمندان روانشناس احساس کننده خدای را، در دل می‌دانند، نه در عقل و آنچه سوز و عشق ارتباط نزدیک را برقرار می‌کند همان خداجویی فطریست (لذا، هم خداجویی، هم خداشناسی و هم خداگرایی فطریست).

در سوره روم، آیه ۳۰ چنین می‌فرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سوره روم، آیه ۳۰) پاکدلانه روی به دین بیاور، این فطرت الهی است که مردمان را بر وفق آن آفریده است، در آفرینش الهی تغییری راه ندارد، این دین استوار است، ولی بیشترین مردم نمی‌دانند.

صفات خدا:

صفات خداوند متعال شامل صفات ثبوتیه و صفات سلبیه است.

صفات ثبوتیه صفاتی است که در خداوند متعال وجود دارد مانند:

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (سوره حدید، آیه ۳) اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به همه چیز داناست.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: بود قبل از قبل، بدون قبل و بعد از بعد بدون بعد و انتهای برای او نیست تا به آن غایت و نهایت می‌رسد.

با اثبات وجود واجب الوجود، پس او اول است و قبلی برای او متصور نیست، و آخر است و بعدی برای او متصور نیست از اول تا ابد وجود داشته و دارد. این معنای ابدی بودن و ازلی بودن خداست.
صفات ثبوتیه بر دو قسم است:

۱ - صفات ذات

۲ - صفات فعل

صفات ذات صفاتی است که بدون توجه به این عالم هستی در ذات مقدس خداوند وجود دارد نظیر قدرت الهی.

صفات فعل با توجه به عالم هستی و نسبت عالم هستی با خداوند، صفات فعل است. مثلاً عالم مخلوق خداوند است و خداوند خالق است.

صفات سلبيه صفاتی است که در خداوند متعال وجود ندارد و شامل موارد زیر است:

جسمیت: خداوند جسم نیست چون جسم احتیاج به مکان دارد و تحت تاثیر قرار می‌گیرد به عبارت دیگر از چند چیز به وجود نیامده است.

ظلم: خداوند متعال چنانچه توضیح داده شد عادل است و ظالم نیست. چون ظلم ناشی از ضعف و کمبود است و خدا صمد است، یعنی بی نیاز است.

وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ (سوره محمد، آیه ۳۸)

و خداوند بی نیاز است و شما نیازمندانید.

جهل: خداوند جاهل نیست و چون او علیم و حکیم است دانا و با حکمت است.

غفلت: خداوند غافل نیست و صفات کمالیه خداوند حدی ندارد، بی نهایت است. تعریف باریتعالی علاوه بر سوره توحید و دعای جوشن کبیر در مفاتیح الجنان و در قرآن کریم در سوره حشر چنین آمده است:

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (سوره حشر، آیه ۲۳)

اوست خداوند که خدایی جز او نیست، فرمانروای قدوس، سلام، مؤمن، مهیمن پیروزمند جبار صاحب کبریاست، پاک و برتر است خداوند از آنچه برای او شریک می‌انگارند.

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِي الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (سوره حشر، آیه ۲۴)

اوست خداوند آفریدگار پدیدآورنده صورتگر، او راست نامهای نیک، آنچه در آسمانها و زمین است او را تسبیح می‌گویند، و اوست پیروزمند فرزانه.

در دعای جوشن کبیر هم اگر چه هزار اسم از خداوند متعال نقل شده ولیکن در مورد هر اسم باید توجه داشته باشید که خدایی جز آن خدایی که آن اسم را به حد کمال دارد نداریم و همه به یک حقیقت منتهی می‌شود و آن خدای واحد است.

امام حسین در دعای عرفه می‌فرماید: «عمیت عین لا تراک علیها رقیبا».

(کور باد چشمی که ترا مراقب خود نبیند).

شخصی نزد امام حسین علیه السلام آمد و عرض کرد یا بن رسول الله من گناه می‌کنم مرا نصیحت فرما. حضرت فرمودند: پنج کار انجام بده و هر چه خواهی گناه کن.

۱- روزی پروردگار را نخور و گناه کن.

۲- جایی را پیدا کن که خدا تو را نبیند و هر چه خواهی گناه کن.

۳- از تحت ولایت و سرپرستی خدا خارج شو و هر چه خواهی گناه کن.

۴- به ملك الموت اجازه نده تراقبض روح کند و هر چه خواهی گناه کن.

۵- وقتی که ملائکه خواستند تو را به جهنم ببرند فرار کن و به جهنم نرو و آنگاه هر چه خواهی گناه کن.

در فرازی از دعای عرفه امام حسین علیه السلام چنین می‌فرمایند:

«الهی انت الذی ازلت الاغیار، عن قلوب احبائک و اولیائک حتی لا یرجوا سواک...»

(خداوندا تو آن کسی هستی که غیر خودت را از دل دوستانت زائل می‌کنی تا به غیر از تو امید نداشته باشند..).. و قال امیرالمو

نین علیه السلام: من استعان بغیر الله ذل: کسیکه یاری طلب کند از کسی مگر خدا ذلیل می‌شود. (حال خود قضاوت کنید، اگر

کسی مسلمان است و از دشمن خدا استمدادجویید، چگونه می‌شود)

در کتاب کافی از عبد الرحمن از ابن ابی بحران آمده است که گفت من سؤال کردم از امام باقر علیه السلام از معرفت خدا، پس

گفت من آیا تصور بکنم او را چیزی و شیء، فرمود بلی شیء غیر معقول و غیر محدود (به نحو غیر معقول غیر محدودی او را تصور

کن) پس چیزی که واقع می‌شود تصور تو بر آن چیزها و اشیاء، پس او خلاف و مخالفت حقیقت او باشد.

شباهت ندارد او را چیزی و درک نمی‌کند او را اذهان. چگونه درک کند او را اذهان در حالی که او خلاف آنچه در عقل است

می‌باشد. خلاف آنچه تصور می‌شود در اذهان می‌باشد. زیرا که هر تصور شده‌ای، چیزی غیر معقول و غیر محدود می‌باشد.

جامعترین تعریف، سوره توحید است:

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (سوره اخلاص، آیه ۱) بگو او خداوند یگانه است.

اللَّهُ الصَّمَدُ (سوره اخلاص، آیه ۲) خداوند مهتر (بی‌نیاز).

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (سوره اخلاص، آیه ۳) نه فرزند آرد و نه از کسی زاده است.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (سوره اخلاص، آیه ۴) و او را هیچ کس همتا نیست.

در این سوره سه بار کلمه لم که نفی است آمده است.

و بطور خلاصه، صفات ثبوتیه و صفات سلویه باریتعالی عین ذات پروردگار است و قابل تفکیک از یکدیگر نمی‌باشند چون واحد،

احد است.

برای معرفت بیشتر شما را به مطالعه توحید مفضل و اشارات حضرت امام جعفر صادق علیه السلام توصیه می‌کنم که عظمت خلقت

انسان و سایر موجودات را کامل توضیح داده است.

معرفت مولا:

در خود نگر و هدایت دوست بین = در هر چه نظر کنی همه اوست بین = تو دیده نداری که بینی او را = ورنه ز سرت تا به قدم

اوست بین = خداوند متعال می‌فرماید: هر کس دیدار (باطنی) پروردگار را آرزومند است باید عمل به جای آورد و در عبادت

پروردگارش احدی را شریک نگرداند.

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا (سوره اسراء، آیه ۲۲)

در جنب خداوند، خدایی دیگر قائل مشو، که نکوهیده و بی‌یار و یاور می‌شوی.

ای صانع پاک، جفت و همتای تو نیست = در عرش مجید، جای و مأوای تو نیست = ای صانع ذو الجلال و رحمان و رحیم = هستی همه جا و هیچ جا، جای تو نیست = خدایا مرا به وحدانیت خود بیارای و مرا به احدیت خود عظمت بخش تا وقتی بندگانت ببینندم گویند ترا دیدم، تو من باشی و من تو باشم (ان شاء الله).

از بایزید بسطامی:

عشق تو ز هر بی خبری خالی نیست = درد تو ز هر بی بصری خالی نیست = هر چند که در خلق جهان می‌نگرم = سودای تو از هیچ سری خالی نیست = از امام صادق علیه السلام در دعای روزانه ماه رجب می‌خوانیم:

«یا من يعطی الكثير بالقليل یا من يعطی من سئله یا من يعطی من لم یسئله و من لم يعرفه تحنفا منه و رحمه...»

(ای خدائی که در برابر عمل اندک، بسیار می‌بخشی به کسی که از تو چیزی بخواهد و کسی که از تو چیزی نخواست و حتی تو را نشناخته است از روی مهرورزی و رحمت خود می‌بخشی - تو که با دشمنان رحمت داری، دوستان را کجا بری از یاد. آن کس که تو را شناخت جان را چه کند = فرزند و عیال و خانمان را چه کند = دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی = دیوانه تو هر دو جهان را چه کند = و دل‌باخته دیگری می‌گوید:

ای خلق دو کون، ذکر گوینده تو = وی جمله کائنات، پوینده تو = هر چند به کوشش، نتوان به تو رسید = تو با همه‌ای، و همه جوینده تو = اللهم ما بنا من نعمت فمناک: خداوندا کدام نعمتی هست که از تو نباشد. (تعقیبات نماز عصر).

در صدر نعمتها، نعمت ولایت اهل البیت است و خداوند می‌فرماید:

ان تعدوه نعمت الله لا تحصوها: اگر بخواهید نعمت ولایت را بحساب آورید، بحساب نمی‌آید.

افعال خدا:

آن شنیدستم که در عهد کهن = گفت شاهی با وزیر خویشتن = کای به هر جا مونس و غم خوار من = در جهان مشکل گشای کار من = مطلبی دارم کنم افشای تو = تا بسنجم فکر و هوش و رای تو = از تو می‌پرسم سه مطلب، ده جواب = تا دهم من بر تو خلعت بی حساب = اولاً بر گو چه می‌پوشد خدا = از خوراکی‌ها چه‌اش باشد غذا = در جهان بر گو چه باشد کار او = چیست رمز گرمی بازار او = کن تفحص بهر پاسخ ای وزیر = ده جواب و خلعت شاهی بگیر = گر نسازی نیز مطلب آشکار = بر سر دارت زخم منصور وار = شد وزیر از این معما در شگفت = بهر مطلب دامن شه را گرفت = داد یک مه مهلتش آن شهریار = تا نماند ستر مطلب آشکار = شد وزیر آشفته حال و نیمه جان = جانب دولت سرای خود روان = از قضا او را غلامی بنده بود = قلب او از نور حق آکنده بود = دید چون مولای خود را او پریش = وز پریشانی سرافکننده به پیش = با ادب جویا شد از احوال او = تا نماید حل، مگر اشکال او = گفت با مولایش آن فرخنده فال = از چه روی گردیده‌ای افسرده حال = آنچه را بشنیده بود ابراز کرد = عقده دل در بر او باز کرد = تا غلام از حال او آگاه شد = از وفا او را امین راه شد = گوش دل بگشا و بنشین شادمان = تا کنم آگاهت از اسرار آن = مطلب اول اگر خواهی جواب = گویمت بشنو، ای عالیجناب = آنچه می‌پوشد خدا اسرار ماست = او فقط آگه ز ستر کار ماست = مطلب دوم که گفتم ذات پاک = از خوراکی‌ها چه‌اش باشد خوراک = پرده بر می‌دارم از اسرار آن = می‌خورد او غصه ما بندگان = سومین مطلب که باشد دلپذیر = نزد شه مطرح نمایم ای وزیر = گر مرا در نزد شه با خود بری = پاسخش را می‌دهم با دلبری = شد وزیر از این محبت شادمان = با غلامش شد به نزد شه روان = چون رسیدند آن دو در نزد امیر = ماجرا را کرد مطرح آن وزیر = شاه گفتا با محبت با غلام = ستر این مطلب نما بر ما تمام = با ادب چون غنچه لب باز کرد = آن دو مطلب را به شه ابراز کرد = شاه گفتا ای غلام نیک‌خو = مطلب سوم برایم باز گو = در جوابش گفت آن روشن ضمیر = آنچه فرمایی مطاع است ای امیر = ستر این مطلب که حل باید نمود = شرطها دارد عمل باید نمود = امر فرما تا وزیرت همچون من = جامه خود را برون آرد ز تن = او بپوشد جامه و دستار من = من بپوشم جامه او

را به تن = او نشیند جای من، من جای او = او شود مر بنده، من مولای او = تا نمایم ستر مطلب آشکار = تا بدانی چیست کار، کردگار = شاه فرمان داد و کردند آنچه‌ان = گفت باشد آن غلام نکته دان = آری، آری این بود کار خدا = کو گدا را شه کند، شه را گدا = او وزیری را کند اینسان حقیر = او کند اینسان غلامی را وزیر = هر که را خواهد بلندش می کند = و نخواهد مستمندش می کند = کار او این است اندر روزگار = او بود بر شهریاران شهریار = هستی عالم همه از هست اوست = عزت و دولت همه در دست اوست =

××××××

افعال خدا :

شنیدستم که روزی یک کبوتر = به سوی مقصدی می زد همی پر = که ناگه یک عقاب تیز چنگال = ز بهر طعمه او را کرد دنبال = کبوتر بود پیش و باز در پی = به سرعت می نمودی راه را طی = به چشم آورد ناگه آن کبوتر = درختی را که بودی سایه گستر = ز خوف باز سر در زیر پر کرد = به ناگه زیر پایش را نظر کرد = بدید آن دم یکی صیاد خونخوار = گرفته او به ره تیر شرر بار = نشان بگرفت خال سینه او = که سوزاند دل بی کینه او = نظر کردی به بالا آن نگون بال = بدید آنجا عقاب تیز چنگال = برون شد از نهادش آه جانسوز = که شد عمرم تبا، شد سیه روز = اسیر آن دو دشمن شد آن کبوتر = بشد نوید و کرد او زیر پر سر = بنالید از جگر آن زار نالان = که ای پروردگار حی سبحان = نظر بنما به این زار و دل افکار = گرفتارم، گرفتارم، گرفتار = تویی آگه ز حال جوجه‌هایم = رهایم کن، رهایم کن، رهایم = چه سازم چون کنم کز بامداد = ندارم من خبر از حال آنان = تو می دانی که آنان بی قرارند = ز بهر دانشان چشم انتظارند = خداوندا بود ترس من از آن = ز بی قوتی روند از دستم آنان = تو رحمان و رحیم و مهربانی = تو خلاق زمین و آسمانی = خلاصم کن نجاتم ده الهی = که تو بر حال زار من گواهی = دعایش شد اجابت نزد دادار = ز امر خالق عالم یکی مار = بزد نیشی به شصت پای صیاد = کز او برخواست آه و داد و فریاد = در آن لحظه خطا شد تیر صیاد = به قلب باز خورد و باز افتاد = کبوتر از آن بلا آزاد گردید = ز الطاف خدا دلشاد گردید = افعال خدا :

این شنیدستم که درویشی گدا = غافل از الطاف بی حد خدای = جامه‌ای ژولیده در بر داشتی = در ره باطل قدم برداشتی = بر در یک خانه‌ای آمد فرود = که خدای خانه عین الدوله بود = گرد خود را خط کشید، او نشست = چشم امیدش را به صاحبخانه بست = گفت عین الدوله باشد چاره ساز = گر که بر ما لطف او آید فراز = در کنار او یکی ژولیده‌ای = بر نشستی از جمال، ببریده‌ای = گفت باید حق کند حاجت روا = نی خدای خانه کو باشد گدا = تا که عین الدوله آمد از سرا = دید ذکر و صحبت این ماجرا = کله بی مغز او پر باد شد = زود از درویش اول شاد شد = گفت تا یک مرغی بریان کنند = پر ز لعل و از جواهر آن کنند = سوی آن مردک فرستادند زود = کز قضا و حکم حق آسوده بود = از قضا او را نبود میل طعام = سوی درویش دوم برداشت گام = مرغ بریان را به آن درویش داد = گفت اینک این طعام از آن تو = باز جای آن از او گرفتی چند پول = مرد دوم مرغ را کردی قبول = گفت الحق حق بود غمخوار ما = ار بود مشکل گشای کار ما = رفت آن درویش سوی کار خود = هم گرفتی اجرت افکار خود = تا که عین الدوله آمد از فراز = دید آن آشفته را بنشسته باز = خواست علت را، و گفتش ماجرا = کز چه باز اینجا نشستی و چرا = اندرون مرغ بودی سیم و زر = هان چه کردی مرغ بریان را بی خبر = تا حقیقت بهر آنان فاش شد = سوی آن مردک بسی پرخاش کرد = و ندر آن درب سرا درویش را = تا نبیند مرد بداندیش را = گفت عین الدوله با خلق جهان = چاره ساز ماست خالق خلق جهان = هر که از لطف خدا غافل بود = هر که باشد بی گمان جاهل بود = نزد لطف او تمام خسروان = چون گدا باشد بی شک ای فلان = هستی و افلاک ریزه‌خوار او = عقل ما و امانده اندر کار او = عابدی، از لطف او مایوس نیست = هستی ما پوچ و بی حاصل نیست = از حضرت سجاد علیه السلام نقل است که می فرمودند:

«رب لا تکلنی الی نفسی طرفه عین ابداً فی الدنيا و الاخره»

(خداوندا مرا حتی به مقدار یک چشم بر هم زدن به خودم و امگزار در دنیا و آخرت). مقصود این است که اگر خداوند ما را

لحظه‌ای به خود واگذارد ناپود خواهیم شد همانند تصویری که ما از یک منظره در ذهنمان بیاید و بعداً محو شود. کار ساز ما در فکر کار ماست --- فکر ما در کار ما آزار ماست (منظور فکر بدون توکل است) در قدرت حق نظاره کردن چه خوش است = وز مردم بد کناره کردن چه خوش است = هر دل که در آن مهر الهی نبود = آن دل به هزار پاره کردن چه خوش است = دلیل مطلب در بیت زیر است:

اگر بت پرستی بتی را پرست = که او آفریده بت و بت پرست = از دیگر افعال خداوند باریتعالی به اثبات رسانیدن حقیقت بندگان به وسیله انتخاب اعمال خودشان است چون علم خداوند محیط بر گذشته و حال و آینده خواهد بود ولی علم مجوز اعمال بشریت نیست لذا هر انسان فهمیده بایستی پس از تحقیق و تجربه و تحلیل اعتقاداتش از نظر عقل و علم (ما حَكَمَ بِه الْعَقْلُ حَكَمَ بِه الشَّرْع) وظیفه دارد عمل نماید یکی از کارهای خداوند متعال آزمایش تک تک بندگان از آدم تا خاتم و پایان انسانیت است چون در قرآن می‌فرماید:

وَ لَتَبْلُوَكُمْ بَشِيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ (سوره بقره، آیه ۱۵۵)

و همواره شما را به نوعی از ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود محصول می‌آزماییم و صابران را نوید بده. بنابراین انسانی که از نظر اعتقادات خوب تحقیق کرده و از مرز و حدود اسلامی تجاوز و تخطی ننموده است در مراحل آزمایش صبور و با مقاومت است و اگر اتفاق ناخوشایندی پیش آید آن را از باب امتحان یا ارتقاء مقام بندگی می‌داند. در آیه شاکله خداوند انسانها به شاکله خود راغب هستند عمل کنند، یعنی به چیزی که دوست دارند و راحت هستند و توانائی دارند که تمام پیامبران و ائمه آمده‌اند بگویند، ای انسان تو حق انتخاب داری و با حیوان از این جهت که به غریزه خود عمل می‌کند، فرق داری.

در بعضی مواقع بایستی شاکله خود را با مطابقت از شرع و عقل انتخاب نمود و عمل نمود مانند حرّ بن زیاد ریاحی، نه مانند یزید بن معاویه.

در جای دیگر می‌فرماید:

وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَ أَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (سوره انفال، آیه ۲۸)

و بدانید که اموال و اولادتان مایه آزمون شما هستند و پاداش بزرگ نزد خداوند است.

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سوره سبأ، آیه ۳۶)

بگو بی گمان پروردگار من روزی را برای هر کس که بخواهد گشاده یا تنگ می‌دارد، ولی بیشترین مردم نمی‌دانند.

در مقام امتحان در نزد خدا هر دو بنده یکی هستند با این که محاسبه اغنیاء سختتر و مشکلتر خواهد بود.

در هر حال

وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (سوره نجم، آیه ۳۹)

و اینکه برای انسان هیچ چیز نیست مگر آنچه کوشیده است. یعنی بایستی دست از فعالیت صحیح و مشروع هم برداشت.

آیه دیگر

وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ لَتَسْتَلْنَ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (سوره نحل، آیه ۹۳)

و اگر خداوند می‌خواست شما را امت یگانه‌ای قرار می‌داد، ولی هر که را بخواهد بیراه می‌گذارد، و هر که را بخواهد به راه می‌آورد، و از چون و چند آنچه می‌کردید، از شما خواهند پرسید.

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (سوره اسراء، آیه ۳۰)

بی گمان پروردگارت (درهای) روزی را بر هر کس که بخواهد می‌گشاید و فرو می‌بندد، چرا که او به بندگانش آگاه و داناست.

یکی از افعال خداوند متعال این است که اگر چیزی از او خواستید و به مصلحت دنیا یا آخرت و یا هر دو شما نباشد به شما عنایت نمی‌شود ولی طبق روایتی این دعا ذخیره آخرت شماست و در عالم برزخ و قیامت اجر و پاداش دنیا آن چنان داده می‌شود که آرزو می‌کنیم، ای کاش هیچ یک از دعاهای دنیا مستجاب نمی‌شد.

از طرف دیگر آنچه از طرف خداوند متعال به انسان می‌رسد همه خیر و برکت است ولی آنچه از خودمان به دست می‌آوریم ممکن است خیر یا شر باشد. مثلاً کسی که از اول تکلیف تصمیم به اصلاح خود نگرفته و یا تا سن چهل سالگی و بالا تر هنوز امید به بیدار شدنش از خواب غفلت نیست چطور انتظار زندگی خوب و سالم دارد و به قول معروف بیماریهای قرن ما شامل بیماریهای روانی، سرطان و سکت (آنفاکتوس) می‌باشد که اگر علت آن را جستجو کنیم مقدار زیادی از عواملش را در ضعف ایمان می‌یابیم. مولوی می‌گوید:

این جهان کوه است و فعل ما، ندا=سوی ما آید صداها را، ندا= در جای دیگر داریم:

از مکافات عمل غافل مشو= گندم از گندم بروید جو ز جو= ای کشته که را کشتی تا کشته شدی زار= تا باز کجا کشته شود آنکه تو را کشت= دوستی دارم که قدری از برزخ افراد مطلع است. شخصی خدمت ایشان رسید و گفت فلا- نی مالم را خورده، علتش چیست؟ آن بزرگوار بلافاصله به او گفت، علتش در ندادن خمس است. (مالت را پاک کن تا مشکلت حل شود) از افعال دیگر خداوند متعال، خلق و خلقت بشر و غیر بشر است. در جایی می‌فرماید:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَشَأُ يُذْهِبُكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (سوره ابراهیم، آیه ۱۹)

آیا ندانسته‌ای که خداوند آسمانها و زمین را به حق آفریده است، اگر بخواهد شما را (از میان) می‌برد و آفریدگان جدیدی به میان می‌آورد.

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (سوره آل عمران، آیه ۶)

او کسی است که بدانگونه که خواهد شما را در رحمها نقشبندی کند، جز او که پیروزمند فرزانه است خدایی نیست. و در جای دیگر می‌فرماید: اگر خداوند بخواهد به زوجی پسر عنایت کند و اگر بخواهد دختر و اگر بخواهد هم پسر می‌دهد و هم دختر، و اگر بخواهد آنها را عقیم قرار خواهد داد.

برای بنده مطیع خدا، ثروتمند بودن یا فقیر بودن، فرزند داشتن یا نداشتن و نوع آن، مقام داشتن یا مقام نداشتن تفاوتی ندارد، چون تمام امور مثبت یا منفی به خاطر تربیت اوست به عبارت دیگر همه داده‌ها و گرفته‌ها به خاطر امتحان است و همه شیرینی‌ها و خوبیها از طرف خداست و آنچه تلخی و بدی است از ناحیه خود یا اعمال گذشته است. چه خوب است انسان خود را در مسائل مادی با پایین‌تر از خود مقایسه به عمل آرد و در امور معنوی با بالاتر از خود مقایسه کند. چون، نه درویش بی کفن در خاک خفت= نه دولتمند برد از یک کفن بیش= و یا این دو بیت:

تا که دستت می‌رسد کاری بکن= پیش از آنکه از تو نیاید هیچ کار= نام نیکی گر بماند ز آدمی= به کزو ماند سرای زرنگار= از امام صادق روایت داریم که می‌فرماید: «کسی که دنیایش را به خاطر آخرتش یا آخرتش را به خاطر دنیایش از دست بدهد از ما نیست.»

از این روایت استفاده می‌شود امور مادی و معنوی، دنیوی و اخروی همانند دو کفه ترازو می‌باشند که در یک کفه وزنه، یا بار اگر چند گرمی اضافه شود تعادل به هم می‌خورد. دستورات مکتب هدایت بخش هم چنین است، افرادی که ابعاد دینی را در نظر می‌گیرند و به آنها اهمیت می‌دهند در حال تعادل، آرامش و آسایش و اطمینان قرار دارند. به عکس آنهایی که «یومن ببعض و یکفر ببعض» به دستورات الهی هستند مدام در ستیز و جدال و ناراحتی‌های روحی و اضطراب قرار دارند گویا دو لبه ترازو تعادلش به هم خورده است.

خداوند می‌فرماید:

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (سوره آل عمران، آیه ۸۵)

و هر کس که دینی غیر از اسلام برگزیند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است.

و اگر می‌فرماید،

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (سوره

حجرات، آیه ۱۳)

هان ای مردم همانا ما شما را از یک مرد و یک زن آفریده‌ایم و شما را به هیأت اقوام و قبایلی درآورده‌ایم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید، بی گمان گرامی‌ترین شما در نزد خداوند پرهیزکارترین شماست، که خداوند دانای آگاه است.

به دلیل این است که خداوند خویشاوندی با کسی ندارد و تقوای افراد ملاک است و لا غیر. در زندگی پر پیچ و خم ماشینی فعلی هر کس از دیدگاه حواس ظاهری به دنیا می‌نگرد و فکر می‌کند آن کس برنده‌تر است که حریص‌تر است و برای نیل به اهدافش تمام وسیله‌ها را باید به بازی بگیرد، تا به آمال و آرزوهای خود نائل شود، غافل از اینکه کاخهایی که بر این منوال برافراشته شده‌اند آه مظلومان آن کاخها را بر سرشان خراب شده. در زمان حضرت سلیمان علیه السلام ابابیلی به حضرت سلیمان گفت: این همه مال و ثروتی که در اختیار توست اگر قطره‌ای از مال یتیم در آن قرار گیرد به نابودی منتهی می‌شود.

هر بلا- و ناراحتی که پیش آمد می‌شود، برای کافر یا منافق اتفاق می‌افتد که این اثر اعمالشان است و عقوبت دنیای او را شامل می‌شود و اگر جزء اولیای خداوند باشد عامل رتبه و درجه ایشان است.

معرفت به خداوند اگر کامل شود و انسان خود را در محضر احدیت احساس کند هیچگاه گناه نخواهد کرد و کسی که در راه قرار گیرد شامل، آیه ذیل می‌گردد. وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (سوره عنکبوت، آیه ۶۹).

و کسانی را که در راه ما کوشیده‌اند به راههای خاص خویش رهنمون می‌شوید، و بی گمان خداوند با نیکوکاران است. گر مرد رهی میان خون باید رفت=از پای فتاده سرنگون باید رفت=تو پای به راه نه و هیچ مپرس=خود راه بگویدت که چون باید رفت=اگر معتقد باشیم که

أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (سوره بقره، آیه ۷۷)

آیا نمی‌دانند که خداوند آنچه پنهان و آنچه آشکار می‌دارند می‌داند.

دیگر خود را در برابر خداوند جسور و طغیانگر نمی‌دانیم بلکه زندگی را در صداقت و خلوص جستجو کرده، چون:

وَمَكْرُؤًا وَّمَكْرَ اللَّهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (سوره آل عمران، آیه ۵۴)

و (منکران) مکر ورزیدند و خداوند هم (در پاسخشان) مکر در میان آورد، و خداوند بهترین مکرانگیزان است.

یعنی بهترین مکر کنندگان خداوند است چون از هویت گذشته و حال و آینده کاملاً با اطلاع است و چون اراده او در خلقت بشر موثر بوده است بنابراین از سعادت و شقاوت او هم با اطلاع است و چون علم با عمل نباشد حجت را تمام نمی‌کند. لذا دستوراتی به عنوان امر و نهی در قرآن و متمم آن، کلمات اهل البیت آمده است که در این گیر و دار اطاعت و عناد بشر به امتحان گذاشته شود. گویند در زمان قدیم شخصی به بازار برده‌فروشان رفت، برده‌ای دید. از کار و قیمت او سؤال کرد؟ گفته شد کار او وزنه‌برداری است و قیمتش ده درهم است. از کار و قیمت دیگری سؤال کرد؟ گفته شد قیمت او بیست درهم است و کارش هم مثلاً کشاورزی است و دام‌داری و چند برده دیگر را سؤال کرد تا به غلامی رسید که قیمتش هزار درهم بود. از او سؤال شد چه کاره‌ای؟ گفت آنچه تو فرمان دهی آن کار را به تمام و اصلح انجام می‌دهم. سؤال شد چه می‌خوری؟ گفته شد آنچه عنایت کنی کم و زیاد برایم تفاوت ندارد و در هر حال از اعتدال خارج نمی‌شوم. گفته شد کجا می‌خوابی؟ گفت هر کجا که دستور فرمایی.

مولای من اطاعتش واجب است.

همچنین در مورد آن وزیری که پادشاه به غایت به او محبت می‌ورزید و دیگر وزیران به او حسادت کردند. تا اینکه علت آن را از شاه جویا شدند. شاه گفت در مجلس فردا آن را برایتان اثبات خواهم کرد.

روز بعد شاه گوهری به مجلس آورد و به تک تک وزیران عرضه داشت که آن گوهر را بشکنند، ولی آنها به عقل ناقص خود مراجعه کرده و امتناع ورزیدند و می‌گفتند ارزش گوهر به سالم بودنش است نه به شکسته شدن، ولی چون گوهر را به دست وزیر محبوب شاه دادند، شکست و گفت ارزش این گوهر از حرف شاه کمتر است و کلام و فرمان او بالاترین گوهرهاست.

امروز شاه انجمن دلبران یکی است=دلبر هزار بود دل برما یکی است=من بهر آن یکی دو جهان می‌دهم به باد=قربان آن کسی که دلش با زبان یکی است= حال خود قضاوت کنید و به قول معروف کلاه خود را قاضی کنید تا چه حد بندگی خدا کرده‌ایم اگر شما مدیر یا کارفرما یا کارمند یا کاسب یا تاجر باشید و به زیر دستانتان دستوراتی را ابلاغ کنید دو حالت دارد اگر ایشان به وظایف خود آشنا و مسلط باشد و به عدالت شما ایمان داشته باشد با تمام وجود به اتمام کار با وجود موانع و مشکلات مبادرت می‌کند و شما را خرسند، و رضایت شما را کسب کرده ولی اگر شخص ناوارد یا تنگ نظر و غیر متعهد باشد و یا به عدالت شما ایمان نداشته باشد از انجام ساده‌ترین کارها هم طفره رفته و از انجام کار هر چند ساده امتناع می‌ورزد. در حالت اول کمال رضایت شما حاصل شده و شما را بر آن می‌دارد که تا جایی که برایتان امکان دارد زحمات او را تلافی کنید و در حالت دوم در صدد اخراج یا خلاص شدن او بر می‌آیند، و اگر امکان ندارد یا مصلحت نباشد او را به خودش واگذار خواهید کرد. به هر حال آینده‌ای تیره و تاریک در انتظار اوست حال بلا تشبیه موارد پایین را به بشر و موارد بالا را با احدیت مقایسه کنید. آیا در مقام امتحان در مقابل دستورات باری تعالی به چه درجه‌ای رسیده‌ایم. خود خداوند می‌فرماید:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (سوره بقره، آیه ۲۵۷)

خداوند سرور مؤمنان است و آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی به در می‌برد، و کافران سرورشان طاغوت است که ایشان را از روشنایی به سوی تاریکیها به در می‌برد، اینان دوزخی‌اند و در آن جاودانه می‌مانند.

حضرت سجاد علیه السلام می‌فرماید: «اللهم لا تكلني الى نفسي طرفه عين ابدًا» (خداوندا مرا یک چشم بر هم زدن هم به خودم وامگذار). توضیح اینکه اگر طاعت نکردیم ممکن است خداوند، ما را به خودمان واگذارد آن وقت شامل قسمت دوم حدیث بالا خواهیم شد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «اذكروا انقطاع اللذات وبقاء التبعات»

(لذتهای دنیا پایان می‌پذیرد و عواقبش می‌ماند).

توحید افعالی یعنی تمام آنچه به وجود می‌آید، هر کاری که انجام می‌شود و هر امکاناتی که در اختیار بشر قرار دارد به خاطر امتحان بشر است.

خداوند دارای بالاترین غیرتهاست و کسی که محبت غیر خدا را با محبت و ستایش خداوند مساوی بداند یا شریک قرار بدهد، مشرک است و خداوند گناه شرک را نمی‌بخشد و در مورد اینکه انسان امیدش به غیر خداوند باشد به عزت و جلال خودش قسم یاد کرده که امیدش را به یأس تبدیل خواهد کرد.

در سوره عنکبوت، آیه ۴۱ تا ۴۳ چنین می‌فرماید:

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَمَبِيَّتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (سوره عنکبوت، آیه ۴۱)

داستان کسانی که به جای خداوند سرورانی را به پرستش گرفتند همانند داستان عنکبوت است که خانه‌ای ساخت، و اگر درمی یافتند سست ترین خانه‌ها، خانه عنکبوت است.

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (سوره عنکبوت، آیه ۴۲)

بی گمان خداوند آنچه را که به جای او به پرستش می گیرند، می شناسد و او پیروزمند فرزانه است.

وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَصْرِئِهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ (سوره عنکبوت، آیه ۴۳)

و این مثلها را برای مردم می‌زنیم و جز دانشمندان کسی آنها را تعقل نمی‌کند.

XXXXXXXXXX

عبودیت و عزت نفس :

در آیه‌ای از قرآن کریم آمده است که:

... وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (سوره منافقون، آیه ۸)

... عزت، خاص خداوند و پیامبر او و مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند.

حال اگر کسی عزت و احترامی که برای خداوند قائل شود، برای غیر خدا قائل شود آیا چنین کسی بی حرمتی به ساحت مقدس باری تعالی نکرده است که این قرین شرک است.

اگر شما دوستی دارید که با دشمن قسم خورده شما مراد دستانه دارد و اگر چه شما به او تذکر دادید که این دشمن من است و دشمن مؤمن دشمن خداست و دلایل کافی برای دوستان بیایید و او باز صمیمیت دو چندان با دشمن شما نشان دهد آیا می‌توان او را هنوز دوست دانست؟ عقلا و شرعاً خیر. پس کجا انتظار محبت الهی را خواهیم داشت در صورتی که دیگران را به اندازه او در زندگیمان موثر می‌دانیم و خدای ناکرده بعضی مواقع بالاتر، که دیگر مرحله کفر است.

انسان فطرتاً خداجو و خدادوست است:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سوره روم، آیه ۳۰)

پاکدلانه روی به دین بیاور، این فطرت الهی است که مردمان را بر وفق آن آفریده است، در آفرینش الهی تغییری راه ندارد، این دین استوار است، ولی بیشترین مردم نمی‌دانند.

اگر در همین راستایی که آفریده شده ایم و دستوراتی که برایمان دیکته شده عمل کنیم، خوشبخت دنیا و آخرت خواهیم شد، ولی اگر از مرز تعادل افراط یا تفریط، تجاوز کنیم ایجاد تزلزل، انحراف و انهدام برایمان حاصل می‌شود.

اگر لذت ترک لذت بدانی دگر لذت نفس لذت ندانی هزار در از خلق بر خود ببندی گرت باز باشد در آسمانی سفرهای علوی کند مرغ جانت گرت از چمبر آز بازش بداری

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا ... (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳)

و همگی به رشته الهی در آویزید و پراکنده نشوید .. (توصیه به کمال توحید است.)

در اوایل سوره بقره از آیه ۵ تا ۲۰ خلق و خوی منافقان و کافران را توضیح می‌فرماید و دو روش آنها را چنین توضیح می‌دهد:

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (سوره بقره، آیه ۸)

و کسانی از مردم هستند که می‌گویند به خداوند و روز بازپسین ایمان آورده‌ایم، ولی آنان مؤمن نیستند.

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ (سوره بقره، آیه ۹)

می‌خواهند به خداوند و مؤمنان نیرنگ بزنند، در حالی که جز به خودشان نیرنگ نمی‌زنند، و نمی‌دانند.

در ادامه آیات خداوند می‌فرماید: در دل‌های کافران و منافقان مرضی است و به خاطر این مرض (نفاق و سرکشی) خدا به مرضشان بیفزود و به خاطر دروغشان عذاب دردناکی در انتظار دارند، و اگر گفته شود به ایشان فساد نکنید در زمین، گویند نیستیم ما جز اصلاح کنندگان. همانا آنان مفسدانند ولیکن در نمی‌یابند. و اگر به ایشان بگویند ایمان بیاورید، گویند ایمان آوریم همانا بی‌خردانند ولیکن نمی‌دانند. و هر گاه ملاقات کنند مؤمنان را، گویند ایمان آوردیم و چون خلوت کنند با شیاطین، گویند همانا ما با شمائیم و ما نیستیم جز مسخره کنندگان مؤمنین. خدا مسخره کند ایشان را و مهلتشان دهد در سرکشی خود (در گناه) و پس از آن آیات عذابی است که خدا به افراد کافر و منافق وعده داده است.

تکامل معنوی در بندگی کامل اوست. خود پیامبر و دیگر پیامبران تا به حقیقت بندگی واقف نشدند به درجه قرب و پیامبری نرسیدند، نبی نشدند.

در سوره اسراء آمده است:

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (سوره اسراء، آیه ۱)

پاکا کسی که بنده‌اش را شبی از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی که پیرامونش را برکت بخشیده‌ایم، سیر داد، تا به او نمونه‌هایی از آیات خویش نشان دهیم، اوست که شنوا و بیناست.

در ادامه آیات در مورد حضرت موسی علیه السلام و حضرت نوح علیه السلام که بنده‌ای سپاسگزار بود تا جایی که می‌فرماید: *إِنْ أَحْسَبْتُمْ أَحْسَبْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ يَلْبِسُوا مَا عُلُوا تَتَبِيرًا* (سوره اسراء، آیه ۷)

اگر نیکی کنید در حق خویش نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید، به زیان خویش کرده‌اید، و چون وعده آخرشان فرارسید (کسانی برگماشتیم تا) چهره شما را اندوهگین کنند، و به همان مسجد (بیت المقدس) وارد شوند، همچنانکه بار اول هم وارد شده بودند، و به هر چه دست یابند به کلی نابود کنند.

مقامات دنیوی و اخروی بدون بندگی حق تعالی میسر نمی‌شود. در آیات مذکور یا در تشهد نماز کلمه عبد مقدم بر مطلب، رسول یا دیگر امورات است. یعنی اول بندگی بوده است بعد از آن به مقام و موقعیت رسیده است که گفته‌اند:

از عبادت نی توان الله شد=می‌توان موسی کلیم الله شد= خلاصه کلام، تمام طراحی‌ها و تئوریها، مقدم بر عمل می‌باشد. بنابراین باید موارد مذکور در زندگی روزمره ملموس باشد. از طرف دیگر کل کمال هستی خداست و هر کسی نسبت به قدرت علمی خود نسبت به خداوند معرفت دارد و چون بشر هر چند هم کامل باشد باز نسبت به مقایسه با خداوند ناقص است، به طور کامل معرفت به خداوند ندارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ما عرفناك حق معرفتك» یعنی حق معرفت الهی را هیچ کس نشناخت و عبارت «من عرف نفسه فقد عرف ربه» یعنی هر کس که نفس خود را شناخت خدای خود را شناخته است، این شناخت درجه دارد همانند کسی که طبیب نیست، ولی جوارح بدنش را می‌شناسد نسبت به پزشکی که علاوه بر شناخت بدن انسان و تشریح و تحقیق در عوامل سرطان و غیره تسلط دارد.

آیا می‌توان گفت این هر دو یک نوع معرفت نسبت به بدن انسان دارند؟

... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (سوره زمر، آیه ۹)

... بگو آیا کسانی که می‌دانند، با کسانی که نمی‌دانند برابرند (هرگز) فقط خردمندانند که پند می‌گیرند.

تا اینجا امید است حالتی را برای خوانندگان فراهم آورده باشم که خود را در محضر خدا ببینند و خود را مطیع اوامر و نواهی

حضرت احدیت بدانند اگر چنین باشد، دیگران از برخورد با آنان خرسند می‌شوند چون شخص موحد، عبوس و خمود نیست بلکه شاد و خوش خلق است و آن به این دلیل است که:

قطره چون واصل به دریا می‌شود دریا شود=ورنه قطره، قطره و دریا، دریاست= از این به بعد خود بی نهایت کوچک را، در برابر بی نهایت بزرگ احساس می‌کنیم و به توصیه ائمه معصومین علیهم السلام تاب و توان فکر کردن در ذات خدا را نداریم و از طریق خلقت پروردگار پی به عظمت خویش خواهیم برد و آیه:

وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا ... (سوره ابراهیم، آیه ۳۴)

... و اگر نعمت الهی را بشمارید، نمی‌توانید آن را (چنانکه هست) شمارش کنید ...

را در نظر داریم که می‌توان گفت «ان تعدوا خلقت الله لا- تحصوها» اگر خلقت پروردگار را به شمار آوریم بشمارش نیاید و این درجه بندگی افتخاری بس با عظمت است. خلاصه کلام، موحد بودن با درغگو بودن، تزویر کردن، خدعه‌گری، غش در اخلاق و معاشرت، تنگ نظری، حسادت و رذالت‌های دیگر اخلاقی را داشتن، یا لثیم بودن و حب دنیا و آنچه به دنیا صرف منتهی می‌شود منافات دارد. بنابراین باید خالص شویم. ان شاء الله.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الناس كلهم هالكون الا العالمون و العالمون كلهم هالكون الا العاملون و العاملون كلهم هالكون الا الخالصون و الخالصون في خطير عظيم.»

حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرماید: مردم همه در هلاکتند، مگر عالمان و عالمان هم در هلاکتند، مگر عاملان به علم و عاملان به علم هم در هلاکتند، مگر آنهایی که خلوص دارند و آنهایی که خلوص هم دارند اگر لطف و عنایت خداوند نباشد در خطر بزرگی هستند.

در این مرحله انسان به حالتی می‌رسد که به هر چه و هر چیز و هر کس نگاه می‌کند نظاره‌گر خداست. بابا طاهر می‌گوید:

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم=به دریا بنگرم دریا تو بینم=به هر جا بنگرم کوه و در و دشت=نشان از قامت رعنا تو بینم=توبه و دوستی خالق

پس از این باید بنای دوستی و رفاقت را با خالق خود گذاشته، که پیش از آن باید به تخلیه و تزکیه پرداخت. یعنی از گناهان گذشته توبه نمود و در آینده مصمم بود که پیرامون محرمات نگردیم و آنچه باید جبران کنیم، تلافی نمائیم، چون حق الناس اگر دیناری باشد سخت است که در این رابطه داستانی تعریف می‌کنند از بزرگان که عالمی در زمانهای قدیم پای پیاده به شهری وارد شد. چون کفشهایش احتیاج به تعمیر داشت مغازه کفاشی را سؤال کرد. گفتند در فلان محل است. با مراجعه به محل به شخصی یهودی برخورد می‌کند که تنها کفش شهر بود. لذا کفش خود را جهت تعمیر به او داد و در پایان کار متوجه می‌شود که پول خرد ندارد و مثلاً چند سکه جزیبی او طلبکار می‌شود و چون پول خرد نمی‌یابد، بنا می‌شود فردا بیاید و پولش را بدهد. شخص یهودی هم قبول می‌کند. فردا که مراجعه می‌کند، با بسته بودن مغازه یهودی مواجه می‌شود. علتش را سؤال می‌کند، می‌گویند شب گذشته او فوت کرد. لذا او هم از ادای دین خود صرفنظر می‌کند. مدتی می‌گذرد و در خواب می‌بیند که قیامت شده و محشر است و پل صراط. لذا پس از انجام مراحل در حال رد شدن از پل می‌شود که می‌بیند کوهی از آتش راه او را سد کرده و می‌گوید من همان یهودیم که کفش تو را تعمیر کردم و تو پولش را حتی به فرزندانم ندادی. لذا من حالا می‌خواهم تو را در آغوش بگیرم تا کمی از حرارت من کاسته شود. او می‌گوید نه! من تحمل ندارم. یهودی می‌گوید پس کف دستم را در سینهات قرار می‌دهم باز با امتناع آن مسلمان مواجه می‌شود. در پایان می‌گوید لا اقل نوک انگشتم را روی سینهات قرار می‌دهم. دیگر جوابی ندارد، و به این عمل، با سکوت خود راضی می‌شود و چون درد شدیدی در ناحیه سینه خود احساس می‌کند از خواب بیدار می‌شود. محل سینه خود را نگاه می‌کند می‌بیند، بله، اثری از سوختگی هست لذا به جستجوی فرزندان آن یهودی می‌پردازد و رضایت آنها را جلب می‌کند.

توبه کردن خود هنری است و باید با اراده قوی با آن برخورد کرد و در این راه از خداوند متعال و چهارده معصوم علیهم السلام استمداد جست. زیرا از اوجب (واجبترن) واجبات است.

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «من اصلاح بينه و بين الله، اصلاح الله بينه و بين الناس و من اصلاح امر الآخرة اصلاح الله امر الدنيا». پیامبر می‌فرماید: کسی که اصلاح کند بین خود و پروردگارش را، خداوند بین او و مردم را به صلاح می‌کشاند و کسی که در فکر صلاح آخرتش باشد، خداوند دنیای او را تأمین خواهد کرد.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل است که فرمودند: کسی که با حقیقت و خلوص توبه نماید و توبه او قبول شود، درهای رحمت بر روی او باز خواهد شد، بطوری که اگر دست در زیر خاک کند، طلای سرخ بیرون می‌آورد. و مانند کسی است که لا ذنب له (گناهی برای او نیست).

کسی که معتقد به «ان الله ولي المؤمنين» است اعتبار این کلام خدا و آن کلام رسولش را از صدها میلیارد تومان پول افضل می‌داند، اگر چه از نظر مادی، وضع آنچنان خوبی هم پیدا نکند، باید بداند صلاح دنیا و آخرتش در همین است. او باید در هر حال از جاده دین منحرف نشود که به پرتگاه و بن‌بست خواهد رسید. بنابراین، شرایط توبه چنین شد:

۱ - ندامت از گذشته و جبران کاستیها (یا دینها که اگر با خلوص برخورد شود خداوند کمکش خواهد کرد).

۲ - ترک آنها در آینده با تصمیم جدی و اراده قوی.

۳ - گفتن کلمه استغفار و یا خواندن دعای توبه که چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم الرحمن الرحيم ذو الجلال و الاكرام و اسئله ان يتوب عليه توبتاً عبد ذليل، خاضع خاشع فمتذلّل، فقير مسكين المستكين مستجير لا يملك لنفسه نفعاً و لا ضراً و لا موتاً و لا حياتاً و لا نشوراً». خلاصه کلام معرفت الهی در آیه:

و ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَّ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (سوره ذاریات، آیه ۵۶)

(یعنی ما جن و انس را خلق نکردیم مگر برای عبادت). که مقصود «لتعرفون» می‌باشد یعنی برای معرفت و شناخت و هر چه معرفت انسان نسبت به مولا بیشتر باشد اطاعت آن دقیقتر و خالص‌تر خواهد شد. کسی که تصمیم می‌گیرد که به نامحرم نگاه نکند در روایت آمده است اگر به آسمان نگاه کند، که به نامحرم نگاه نکند تمام ملائکه برای او طلب مغفرت می‌کنند و اگر به زمین نگاه کند، خداوند به اندازه جن و انس برای او ثواب منظور می‌کند، و اگر حواس خود را پرت کند که گناه نکند، خداوند قسم یاد می‌کند که مقامی به او خواهیم داد که همه او را تحسین کنند.

توبه مقدمه ایمان است و در این دنیای وانفسا با تبلیغات وسیع جوامع کفر و وجود ماهواره‌ها و انواع فیلمهای مبتذل شخص توبه کننده ممکن است ابهاماتی برایش پیش آمد کند. او باید بداند که حتی برای موسی علیه السلام در همراهی با حضرت خضر علیه السلام، برای ابراهیم علیه السلام در رابطه با دعوت توحید و پرتاب نمودن ایشان در دریای آتش، برای حضرت نوح علیه السلام در رابطه با نفرین کفار قومش و صبر ایشان به مدت نهصد سال تا ساختن کشتی و بعداً استجاب دعایش و در رابطه با حضرت عیسی علیه السلام با وجود شفا دادن افراد کور و لک و پیس و زنده کردن مرده‌ها از قبور به اذن خدا و در رابطه با دعوت حضرت رسول اکرم خاتم الانبیاء و تحمل شدائد و ناملايمات و جدیت ایشان در تبلیغ و هدایت بشریت همه و همه عنوان امتحان و تعالی و حجت داشته است. بنابراین اگر غفلت یا نسیان باعث گناه شد، در اولین فرصت باید مجدداً توبه نمود و استمرار حالت توبه را فراموش نکرد که این خود عامل ترک محرمات و عمل به واجبات خواهد بود و کسی که این مطلب را رعایت کند از با تقویان است و شخص با تقوا در نزد خداوند متعال اکرام شده است.

... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ... (سوره حجرات، آیه ۱۳)

بی گمان گرامی‌ترین شما در نزد خداوند پرهیزکارترین شماست ...

در اینجا لازم است راجع به کفر و ایمان مقداری توضیح داده شود که خوانندگان عزیز خود را محک زنده و درجه ایمان خود را بدانند و انشاء الله تعالی روز به روز به معرفت خود بیفزایند و شامل آن چند بیت سعدی شوند که:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت= نه همین لباس زیباست نشان آدمیت = اگر آدمی به چشم است و زبان و گوش و حلق و بینی = چه میان نقش دیوار و میان آدمیت = رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند = بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت = افرادی که توسط سفینه‌های هوایی به کره ماه مسافرت کرده‌اند یا دانشمندانی که در علم ستاره‌شناسی توسط تلسکوپهای قوی تحقیق کرده‌اند و یا پزشکی که تحقیقات میکروب‌شناسی یا عامل بیماری را پیگیری کرده‌اند، همه و همه پس از فراغت از کار با دلایل خود ایمان به خدای قادر، حی و دانا را اقرار نموده‌اند.

جز یاد تو دل به هر چه بستم توبه = بی ذکر تو هر جا بنشستم توبه = در حضرت تو، توبه شکستم صد بار = زین توبه که صد بار شکستم توبه = (سنایی) لاف طاعت زنی، از خودسری است = ای نکرده در جوانی هیچ کار = آنچه را در روز روشن کس نجست = کی توان جست در شبهای تاریک = (پریشان قآنی)

ایمان و کفر:

انتخاب ایمان و کفر فقط مخصوص انسانهاست، ایمان از نظر لغت عبارتست از تصدیق دل به آنچه پیامبر آورده است. ایمان از تصدیق دل به معنای آمَن و آمال هم آمده است.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «ان المؤمن یری یقینه فی عمله» (همانا مؤمن، یقین و ایمانش در عملش دیده می‌شود) و «ان الکافر یری انکاره فی عمله» (همانا کافر، کفرش در عملش دیده می‌شود)، که شامل شرک به خداوند متعال است و انجام محرمات، که بعد از شرک، یأس از رحمت الهی است. چنین کسی هرگز در صدد توبه بر نمی‌آید و در ارتکاب هر گناه و معصیت جری شده و کم کم به حیوانی درنده، به ظاهر انسان تبدیل می‌شود. پایین‌ترین درجه ایمان این است که شخص شهادت به یگانگی خداوند دهد و اینکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بنده و فرستاده او بدانند و عمل به احکام و اعتقاد به قیامت و ملائکه و کتاب و موجودات مجرد داشته باشد و امام زمان خود را بشناسد.

ایمان بر دو نوع است:

۱ - ایمان لسانی.

۲ - ایمان قلبی.

ایمان لسانی پایین‌ترین درجه ایمان است و به زبان فقط اظهار می‌شود.

ایمان قلبی آن است که در قلب، ایمان دارد که شامل اقسام زیر است:

۱ - تقلیدی

۲ - برهانی

۳ - عینی

ایمان تقلیدی مانند اطاعت جاهل از عالم و اطاعت غیر متخصص از متخصص.

ایمان برهانی مانند ایمان علماء و دانشمندان که به طور استدلال و تبادل نظر و اشکال گرفتن و رد نمودن حاصل می‌شود.

ایمان عینی مانند پروانه که گرداگرد شمع می‌گردد تا بسوزد یا ایمان آهن در برابر آتش.

ایمان چیزی را که قلب قبول کند و عقل آن را تأیید کند گویند.

امام محمد باقر علیه السلام یکی از نشانه‌های ایمان را نماز خواندن می‌داند.

ایمان را بعضی هفت قسم دانسته‌اند:

۱ - نیکو کاری

۲ - راستگویی

۳ - یقین

۴ - رضای به قضای خداوند

۵ - وفاداری به عهد و پیمان

۶ - علم به احکام

۷ - بردباری و صبر

۱ - در مورد نیکو کاری خداوند می‌فرماید:

... إِنَّ أَحْسَنَتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ ... (سوره اسراء، آیه ۷)

... اگر نیکی کنید در حق خویش نیکی کرده‌اید ...

چون خوبی همانند شاخه گلی است که به دوستان تقدیم می‌کنید ولی این گل قبل از اینکه دست دوست شما را لمس کند دست شما را لمس کرده است.

... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (سوره بقره، آیه ۱۹۵)

... خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

۲ - راستگویی نشان ایمان است و در چندین مورد (در سوره طور، آیه ۱۱ - در سوره مرسلات آیات: ۱۵ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۸ و ۳۴ و ۳۷ و ۴۰ و ۴۵ و ۴۷ و ۴۹) خداوند «وای بر دروغگویان گفته است و دروغگو هم دشمن خود، هم دشمن مردم و هم دشمن خداست».

در مورد دروغ گفته‌اند در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله من تمام گناهان را انجام می‌دهم و تصمیم توبه دارم ولی نمی‌دانم از کدام گناه شروع کنم. حضرت گفتند فقط دروغ نگو. لذا آن شخص به ترک همه گناهان پرداخت. چون اعلان توبه نموده بود و اگر مثلاً می‌خواست مشروب بخورد یا زنا کند یا دزدی کند و از او سؤال می‌شد؟.

چون بنا بر راستگویی داشت و باعث آشکار شدن گناهش می‌شد آن گناهان را انجام نمی‌داد و چه زیبا گفته که: «الکذب مفتاح کل شر» (دروغ کلید همه بدیهاست).

۳ - یقین مراتبی دارد که شامل علم یقین (یعنی به مطلب علم داشته باشد)، عین یقین (یعنی مطلب را به چشم ببیند) و حق یقین (یعنی آن مطلب در وجودش جا بگیرد و احساس کند مانند گرمی آتش یا سردی یخ). یقین مرحله‌ای از تکامل است که اگر به حق یقین برسد به حقیقت بندگی خواهد رسید.

۴ - رضا به قضاء و قدر حق تعالی: بسیاری از امور زندگی ما چیزی غیر اختیاری است مانند مونث و مذکر بودنمان:

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (سوره آل عمران، آیه ۶)

او کسی است که بدانگونه که خواهد شما را در رحمها نقشبندی کند، جز او که پیروزمند فرزانه است خدایی نیست.

یا اینکه والدینمان چه کسانی باشند، در کدام منطقه زمین و در چه مقطع زمانی پا به عرصه دنیا گذاریم و کی و چگونه از دنیا برویم و ...، ولی پس از آن انتخاب عمل خوب و بد به اختیار خودمان است.

در تردد مانده‌ایم اندر دو کار=این تردد کی بود بی اختیار=اینکه گویی این کنم یا آن کنم=خود دلیل اختیار است ای صنم=رضا به قضاء و قدر یعنی در مورد اندازه‌ای که خودمان با سعی و کوشش که انجام داده‌ایم به آن رسیده‌ایم و به حدی بالاتر دست نیافته‌ایم و از صراط دین هم منحرف نشده‌ایم، مقامی بس والا است چون مؤمن باید عمل به تکلیف کند و راضی به رضای حق باشد.

امام حسین علیه السلام و خواهر گرانمایه‌شان پس از جریان کربلا، هیچگونه شکوه و شکایتی از خدا نداشتند بلکه می‌گفتند «رَضاً بِرِضَاكَ» خداوندا راضی به رضای تو هستیم و حضرت زینب در مجلس یرید شهادت برادر گرامی خود را زیبا و با عظمت اعلان کردند (وما رایت الا جمیلاً) و خداوند در این مورد می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (سوره فجر، آیه ۲۷)

هان ای نفس مطمئنه.

ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (سوره فجر، آیه ۲۸)

به سوی پروردگارت که تو از او خشنودی و او از تو خشنود است، باز گرد.

فَاذْخُلِي فِي عِبَادِي (سوره فجر، آیه ۲۹)

و در زمره بندگان من در آی.

وَاذْخُلِي جَنَّتِي (سوره فجر، آیه ۳۰)

و به بهشت من وارد شو.

و در جائی دیگر می‌فرماید:

... رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (سوره مائده، آیه ۱۱۹)

... هم خداوند از آنان خشنود است و هم آنان از خداوند خشنودند، و این رستگاری بزرگ است.

کسی که رضایت از وضع موجود دارد و تلاش برای بهبود آتیه خود می‌کند و به آینده هم امیدوار است هیچگاه روانش تزلزل پیدا نمی‌کند و سلامتی روانی و آرامش خود را حفظ خواهد کرد. کسی که به اندک قانع و راضی است به زیاد هم بهتر راضی خواهد بود ولی کسی که حریص است هر قدر هم زیاد داشته باشد حرص او افزایش پیدا خواهد کرد. (عینک فکری هر کسی شخصیت دارین افراد را مشخص میکند).

کاسه حرص، حریصان پُر نشد= تا صدف قانع نشد، پُر دُر نشد

کسی که یاد گرفته همیشه از خدای خود طلبکار باشد و بگوید چرا به فلانی آن را دادی و چرا به من ندادی و به اصرار چیزی را که شاید به مصلحتش هم نباشد از خدا بخواهد، این شخص با مقام رضا فرسنگها فاصله دارد و به عکس کسی که در عین بندگی و عمل به وظایفش در راز و نیاز خود، به طور پیشنهاد و خواهش و اینکه اگر خدا صلاح و مصلحت می‌داند چیزی را از خدایش درخواست کند و به وضع موجود هم راضی است به مقام قضا و قدر رسیده:

گر به قسمت قانعی بیش و کم دنیا یکی است=تشنه گر سیراب گردد قطره و دریا یکی است. در این گیر و دار، داشتن و نداشتن، محروم یا متنعم بودن، ضعیف یا قوی بودن، زشت یا زیبا بودن اگر چه وجود هر چیز از عدمش بهتر است ولی در عین حال امتحان الهی است.

آن یکی خر داشت پالانش نبود=یافت پالان، گرگ خر را ربود=نکته‌ها چون تیغ پولاد است تیز=گر نداری تو سپر واپس گریز. آقایمان امیر المومنین علیه اسلام میفرمایند، غصه گذشته‌ها و آنهاییکه از دست داده‌ای را مخور، زیرا آنچه بدست نیآورده‌ای بمراتب بیشتر از آن است که از دست داده‌ای و میفرمایند نعمت آنست که از آن متنعم می‌شوی یا برای آخرت ذخیره می‌کنی و ما

بقی یا انباردار است یا مظلوم . ۵- وفاداری به عهد و پیمان: یکی از صفات بارز مؤمنین وفای به عهد است. و شرط ایمان را طولانی بودن رکوع و سجود ندانسته‌اند بلکه راستگویی، رد امانت و وفای به عهد را از شاخصهای مهم ایمان دانسته‌اند. انسانی که توانایی انجام تعهدی را ندارد بهتر آن است که قول ندهد که گفته‌اند عهد ناپستن به از آن است که ببندی و نپائی. کمال ایمان شما آن باشد که بیش از آنچه می‌دانید، مگوئید و در آنجا که از دیگران یاد می‌کنید خداوند دانا را فراموش نکنید، یعنی جز به حق مگوئید.

بندگی کن تا همه سلطانت کنند=جان رها کن تا همه جانت کنند= ۶- علم به احکام: علم یعنی آگاهی داشتن به احکام که شامل واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح می‌باشد.

در سوره فاطر، آیه ۲۸ خداوند می‌فرماید:

... إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ.

از میان بندگان خداوند فقط دانشوران از او خوف و خشیت دارند ...

«اول العلم معرفة الجبار و آخر العلم تفويض الامر اليه». (سرآغاز دانش، شناختن خداوند قادر است و پایان علم رسیدن به آن حد از معرفت که کارها را به او واگذارند و تسلیم او شوند که تقدیر در همه جا بر تدبیر چیره است تا آنجا که تدبیر را در هم می‌شکند و تصمیم را تغییر می‌دهد.

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود=ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است= حدود هفتصد آیه در قرآن درباره علم آمده است و دانایان را از نادانها تمیز داده است مانند آیه:

... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (سوره زمر، آیه ۹)

... بگو آیا کسانی که می‌دانند، با کسانی که نمی‌دانند برابرند (هرگز) فقط خردمندانند که پند می‌گیرند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید خاموشی آرایش دانا و پوشش نادان است.

«العالم من يذکرکم الله رؤيته» عالم کسی است که وقتی شما نگاهش می‌کنید به یاد خدا بیفتید.

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: هر که کمتر فکر می‌کند بیشتر حرف می‌زند.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: دانش و علم زینت اغنیاء و ثروت فقر است.

«الناس موتی و اهل العلم احیا» مردم بی‌سواد مردگانند و اهل علم زندگانند.

مردی از انصار از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد یا رسول الله اگر جنازه شخصی در میان است و باید تشییع و سپس دفن شود، و مجلس علمی هم هست و وقت و فرصت هم نیست و می‌خواهیم در هر دو جا شرکت کنیم، در هر کدام از این دو شرکت کنیم از دیگری محروم می‌مانیم، شما کدام یکی از آن دو را دوست می‌دارید تا من در آن شرکت کنم؟

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر افراد دیگری هستند که همراه جنازه بروند و آن را دفن کنند، در مجلس علم شرکت کن. همانا شرکت در یک مجلس علم از حضور در هزار تشییع جنازه و از هزار عیادت بیمار و از هزار شب عبادت و هزار روز، روزه و هزار درهم صدقه و هزار حج غیر واجب و هزار جهاد غیر واجب بهتر است، مگر نمی‌دانی به وسیله علم است که خدا اطاعت می‌شود و به وسیله علم است که عبادت خدا صورت می‌گیرد، خیر دنیا و آخرت توأم با علم است.

گفتم از آموختن چه یابم؟ گفت اگر بزرگ باشی نامی شوی و اگر بینوایی توانگر گردی و اگر مجهول باشی شناخته گردی.

بی‌بهره‌ترین مردمان از دانشمندان، خویشاوندان و همسایگان آنانند. تعداد هفتصد و پنجاه آیه در قرآن مؤمنین را به تأمل و تفکر توصیه می‌کند. و کلمه علم و مشتقات آن در قرآن حدود هشتصد و هشتاد بار تکرار شده است.

«اقرب الناس فی درجه نبوة اهل العلم و اهل الجهاد».

نزدیکترین مردم به مقام نبوت، دانشمندان و جهاد کنندگان در راه حق می‌باشند.

«العلم حیاة الاسلام و عماد الایمان» (علم حیات اسلام و ستون ایمان است).

امام حسن علیه السلام فرمود: «عَلِمَ النَّاسَ عِلْمَكَ وَ تَعَلَّمَ مِنْ غَيْرِكَ». دانش خود را به دیگران بیاموز و خود، دانش مردم را بیاموز. «افضل الصدقة يتعلم المرء المسلم علماً يعلم اخاه». (بهترین صدقه‌ها آن است که مرد مسلمان دانش بیاموزد و به برادران خود تعلیم دهد).

علمایی که از اندرز دادن خودداری کنند به خود خیانت کرده‌اند، نادانی در انسان زیانش از خوره در بدن بیشتر است.

جُستن علم بر هر مسلمانی واجب است و همه چیز حتی ماهیان دریا، برای جوینده علم، طلب آموزش می‌کنند.

ساعتی علم جستن بهتر از نماز گزاری یک شب و روزه‌داری سه ماه است.

دو رکعت نماز کسی که متوجه خدا باشد بهتر از هزار رکعت کسی است که از خدا غافل باشد.

قال الصادق علیه السلام: «الناس ثلاثة: عالم و متعلم و غناء». (مردم سه دسته‌اند: عالم، متعلم و محصل و کسی که نه عالم است و نه محصل مانند خاشا کهای روی سیل است).

«غایة العقل اعتراف بالجهل». (نهایت عقل، اعتراف به جهل است).

قال امام الحسن علیه السلام: «لا فقر مثل الجهل». (هیچ فقری چون فقر علمی نیست).

امام باقر علیه السلام: داناترین شما کسی است که از مردم نادان فرار کند.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله : ارزش آن کس که در دانش از دیگران پیشتر است، از دیگران بیشتر است.

«نوم العالم خیر من صلاة الجاهل». (خواب عالم از نماز جاهل بهتر است).

«نوم العالم عبادة و نفسه تسبیح». (خواب عالم عبادت و تنفس آن ذکر است).

حضرت محمد صلی الله علیه و آله : شفای نادانی پرسش است.

امام کاظم علیه السلام: دانش مایه تمام خوبیها و جهل مایه تمام بدیهاست.

امام صادق علیه السلام: این جهان و آن جهان با خرد به دست می‌آید. آنکه خرد ندارد، هیچیک را ندارد.

عقل و علم و ایمان و دولت قرین یکدیگرند، هر که را عقل نیست هیچ نیست.

امام باقر علیه السلام: مرگ یک دانشمند، شیطان را بیش از مرگ هفتاد عابد خوشحال می‌سازد، زیرا ارزش علم هفتاد برابر عبادت بدون علم است.

مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله دانش چیست؟ فرمودند: سکوت کردن. گفت بعد چه؟

فرمود گوش دادن. گفت سپس چه؟ فرمودند به آن عمل کردن. گفت بعد چه؟ فرمودند انتشار دادن. (کافی، جلد ۱)

امام جواد علیه السلام: هرگاه مرگ کسی که در حال کسب دانش است، فرا رسد شهید مرده است.

امام جواد علیه السلام: تفکر و اندیشیدن نورانیت می‌آورد و غفلت و بی‌خبری، تاریکی.

امام جواد علیه السلام: علم خویش را به مردم بیاموز و علم دیگران را فرا گیر در این صورت دانسته‌ها را انفاق کرده و ندانسته‌ها را فرا گرفته‌ای.

امام علی علیه السلام: دانش آدم پست را بلند می‌کند، و نادانی شخص بزرگ را پست می‌کند.

امام علی علیه السلام: کسی که سواد ندارد از یاد گرفتن حیا نکند و کسی که نمی‌داند خبری را که از او پرسند، بگویند نمی‌دانم.

امام هادی علیه السلام: خوشا به حال کسی که با دانشمندان و خردمندان همنشین باشد.

امام علی علیه السلام: مال از بخشیدن کاهش پذیرد ولی علم از بذل فزونی یابد.

امام علی علیه السلام: دانشی که تو را اصلاح نکند گمراهی است.

امام علی علیه السلام: سودمندترین دانش آن است که بدان رفتار شود.

امام علی علیه السلام: بهترین دانش آن است که تو را به رستگاری برساند.

امام علی علیه السلام: همه چیز محتاج عقل است، و عقل محتاج به ادب است. یتیم آن نیست که پدرش مرده باشد بلکه یتیم آن است که از عقل و ادب بی بهره باشد.

امام علی علیه السلام: آنگاه که خرد کامل شود سخن اندک شود. بالاتر از هر عبادتی به کار انداختن نیروی تفکر و تعقل است. هر که می‌خواهی باش فقط ادب کسب کن که محسنات ادب، تو را از حسب و نسب بی‌نیاز می‌کند.

امام علی علیه السلام: علم حاکم و امیر است و مال محکوم آن است.

امام علی علیه السلام: دانش تو را محافظت می‌کند و مال را تو باید حفظ کنی.

امام علی علیه السلام: هیچ دارویی پر سودتر از خرد نیست. هیچ تنهایی موحشر از خودپسندی نیست. هیچ شرافتی بالاتر از اسلام نیست. هیچ عزتی والاتر از تقوا نیست. هیچ واسطه‌ای نجاتبخش‌تر از توبه نیست. هیچ گنجی پر مایه‌تر از قناعت نیست.

احمق از همه فقیران فقیرتر است، غنی‌ترین اغنیاء دارنده عقل است.

غنی‌ترین ثروتها عقل است. دردی بالاتر از نادانی نیست.

امام معصوم علیه السلام: کسی که نه دانشمند است نه دانشجو، از ما نیست.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لا فقر أشد من الجهل ولا عبادة مثل التفکر».

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: فقر با آن همه مذلت و خواریش از نادانی سخت‌تر نیست و نیز هیچ عبادتی بالاتر از تفکر نیست.

امام علی علیه السلام: خوشبختی در آن نیست که مال و فرزندان را زیاد کنی، بلکه در آن است که علمت را افزون کنی.

چه بسا اشخاصی بودند که نسبشان پایین بود، به وسیله علم بزرگ شدند و مقام بالا گرفتند.

کسی که حرفی می‌زند و حتماً دروغی در آن است و وعده‌ای می‌کند و خلف وعده می‌کند و امانتی به او بسپارند و خیانتی بکند حتماً نزدیکترین فرد به کفر است.

کفر شش رکن دارد:

۱ - تکبر ۲ - نادانی ۳ - غفلت ۴ - شک و شبهه ۵ - حرص ۶ - حسد

توصیه امام علی علیه السلام به کمیل در رابطه با کسب علم:

ای کمیل دانش از مال بهتر است، دانش تو را نگه می‌دارد در صورتی که تو نگهدارنده مال هستی. ثروت بر اثر خرج کردن نقصان می‌یابد ولی دانش بر اثر یاد دادن به دیگران فزونی می‌یابد.

متمکن به ثروت، با از بین رفتن ثروت، از بین می‌رود (مگر آنکه ثروتش در امور باقیات الصالحات مصرف شود) در حالی که اثر دانشمند پس از مرگش باقی است.

ای کمیل: این دلها ظرفهایی هستند و بهترین آنها فرا گیرنده‌ترین آنهاست.

پس آنچه را به تو می‌گویم از من نگهدار. (از کتاب کمیل، صفحه ۴۵)

علمی که حقیقی است در سینه بود=در سینه بود هر آنچه درسی نبود=صد خانه تو را کتاب سودی ندهد=باید که کتابخانه در سینه بود=دیگری می‌گوید:

آن کس که درون سینه را دل پنداشت=دانست که هر چه هست حاصل پنداشت=علم و عمل و زهد و تمنا و هوس=این جمله ره

است و خواجه منزل پنداشت = کسی نزد من عاقل است که مشغول خود و از کسان غافل است.

ارزش انسان ز علم و معرفت پیدا شود = بی هنر چون دعوی بیجا کند رسوا شود = ای که بر ما می‌کنی از جامه نو افتخار = افتخار آدمی کی جامه زیبا شود = هر که با مردان حق پیوست، عنوانی گرفت = قطره چون واصل به دریا می‌شود، دریا شود = ارزش گوهر شود پیدا بر گوهرشناس = قدر ما در پای میزان عمل پیدا شود = امام علی علیه السلام میفرماید: خرد زیباترین زینت و دانش برترین مزیت است.

چه زیبا گفته که بیان آن خالی از لطف نخواهد بود:

زهدت به چه کار آید گر رانده در گاهی = کفرت چه زیان دارد گر نیک سرانجامی = لذا بهترین دعا، عاقبت به خیری است: «اللهم اجعل عواقب و خواتم امورنا خیراً».

کام همه دنیا را بر هیچ بنه سعدی = چون باد گران باید، پرداخت به ناکامی = گر عاقل و هشیاری وز دل خبری داری = تا آدمیت خوانند ورنه کم از انعامی = ۷ - بردباری و صبر: یکی دیگر از صفات ایمان آورندگان بردباری و صبر است. مؤمن باید صبور باشد و در ناملايمات زندگی بردبار بوده و به قول معروف زود از کوره برون نشود. در مقابل شدائد روزگار پایداری کردن و با درد و رنج و مرض ساختن و آه نکشیدن، با فقر و فاقه به سر بردن و دست تمنا و خواهش پیش کس و ناکس دراز نکردن، دوری یاران یکدل و صمیمی را با صبر و بردباری تحمل کردن، راست گفتن و دروغ نشنیدن و باز در راستی اصرار ورزیدن، پاک بودن و ناپاکی دیدن و از خط مشی و طریقه خود انحراف حاصل نکردن، شبهای دراز تا صبح با افکار پریشان دست به گریبان بودن و با نیروی خود بر اضطراب و تشویش غلبه یافتن، ماحصل یک عمر کار و زحمت را بر اثر یک تصادف و اتفاق نامساعد به باد دادن و خم به ابرو نیاوردن، در راه آمال و آرزوهای مشروع جهد و کوشش نمودن و به جایی نرسیدن و باز دست از تعقیب مرام خود نکشیدن، هر حادثه‌ای را هر قدر سخت و ناگوار باشد با متانت و خونسردی تلقی کردن، در مصاف زندگی مغلوب شدن و پس از مغلوبیت باز در تدارک حمله دیگر بودن، بر چهره خشمناک عبوس زندگی لبخند زدن و بر نامساعدتهای بخت و اقبال تمسخر نمودن، همه اینها نمونه‌هایی است از جرأت و شجاعت و شهامت که شخص را در ردیف افراد صبور قرار می‌دهد.

صبر و ظفر هر دو از دوستان قدیمند = بر اثر صبر نوبت ظفر آید = «الصبر مفتاح کل الفرج». (صبر کلید هر گشایش است).

صبر و بردباری اگر چه تلخ و ناگوار است در عوض میوه‌ای بس شیرین دارد.

پیمودن راه ایمان تا رسیدن به منزل مقصود بدون راهنمایی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین آن قدر احتمالش ضعیف است که می‌توان گفت کسانی که متوجه این موضوع نبوده‌اند شامل این تک بیت هستند:

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی = این ره که تو می‌روی به ترکستان است = صبر و یا هر صفت حمیده دیگر مانند علم، قدرت، سخاوت، شجاعت، ایثار و غیره را چهارده معصوم به نهایت کمال داشته‌اند و دارند.

صبر پیامبر صلی الله علیه و آله در رابطه با آن یهودی که به ایشان اذیت می‌کرد و حتی در سر راه حضرت خاراها می‌غیلان می‌ریخت و موقعی که یهودی مریض شد، ایشان به عیادتش رفتند قابل تقدیر است. و یا صبری که امیر المؤمنین در جنگ خندق با عبود انجام دادند چون آب دهان به صورت مبارک حضرت انداخت، که حضرت را ناراحت کند، ولی حضرت حکم الهی را جاری نمودند. و در اجرای حکم هیچ ناراحت نشدند.

و به همین ترتیب امام حسن مجتبی علیه السلام با صلحشان که کمتر از جنگی که پیروز شوند نبود و امام حسین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام و دیگر ائمه معصومین، اگر کسی به ایشان اهانت می‌کرد با کمال خونسردی می‌فرمودند حتماً تو غریبی و سرپناهی نداری ما به تو پناه خواهیم داد و اگر گرسنه‌ای ما تو را سیرت خواهیم کرد و دستور است اگر کسی به شما فحاشی نمود نگویید در ازای هر فحش ده برابر جوابت می‌دهم بلکه باید گفت اگر ده فحش هم دهید یکی جواب نمی‌دهم چون آن موقع مانند

او می‌شوید کسی که منطوق دارد هیچ گاه به داد و فریاد احتیاج ندارد و کسی که داد نمی‌زند مرافعه نمی‌کند و نقل است از پیامبر شخص فحاش وارد بهشت نمی‌شود. در قرآن خداوند بدترین صداها را صوت الاغ ذکر کرده است:

... إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (سوره لقمان، آیه ۱۹)

... ناخوشترین آوازه بانگ دراز گوشان است.

کسی که صبر ندارد معمولاً- ادب ندارد و بدون تحمل و خودداری قضاوتها و اعمال عجولانه انجام می‌دهد و بعداً که محکوم می‌شود باید عذرخواهی کند که تکرار این مطلب باعث خودخوری خواهد شد.

شاگردی به نزد طیب حاذقی که از دوستان پدرش بود برای فراگیری علم طبابت رفته بود، استاد برای او درخواست بهترین زیورها را نمود. شاگرد به رسم جوانی به استاد پرخاش کرد و گفت آنچه مردم درباره تو می‌گویند خلافتش را می‌شنوم ولی استاد گفت تو سؤال نکردی مقصودم از بهترین زیورها و زینتها چیست؟ و من خود می‌گویم که آن داشتن ادب است. امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید بهترین زیورها و زینتها ادب است لذا اگر تو تصمیم به کسب طبابت داری باید ادب را رعایت کنی.

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل است که فرمودند بهترین ارث تربیت صحیح و ادب فرزندان است.

تیر از کمان چو رفت نیاید به شصت باز= پس واجب است در هر کاری تأملی = مثل معروف: گر صبر کنی ز غوره حلوا سازم، حقیقتی است که باید تجربه کنید. حافظ در توصیف صبر می‌گوید اگر عمل مباحی را هم انجام ندادی و یا گناهی پیش آمد کرد و صبر کردی شیرینی آن همانند شاخه نبات در روحتان احساس خواهد شد و می‌گوید:

این همه شاهد و شکر کز سخنم می‌ریزد= اجر صبری است کز آن شاخه نباتم دادند= معصومین علیهم السلام اگر فقط در تبلیغاتشان می‌گفتند و عمل نمی‌کردند بالاخره تاریخ جایی آن را عنوان می‌کرد بلکه آنها بیش از آنچه می‌گفتند، عمل می‌کردند، و مصداق بارز «حسنات الابرار سیئات المقربین» بودند و کارهای نیک مردم برای آنها گناه محسوب می‌شد و به خود اجازه نمی‌دادند در ظهر تابستان که همه به استراحت پرداخته‌اند ایشان هم کمی استراحت کنند و حق مظلومی گرفته نشود و از این نوع وقایع بسیار است که چون تصمیم به اختصار نویسی می‌باشد از حوصله این جزوه خارج است که مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد. لذا به صفات مؤمن می‌پردازیم که سر سلسله مؤمنین چهارده معصوم هستند که آن هم به هیچ وجه این حقیر ادعایی ندارم حق مطلب را ادا کرده باشم و تنها قطره‌ای از دریای معارف این شجره طیبه را جمع‌آوری نموده‌ام و در خدمت خوانندگان عزیز قرار خواهم داد.

کند حفظ و حراست مؤمن از دین= دهد دنیا برای حفظ آیین= ولی فاجر فروشد دین به دنیا= بود مسرور از این افعال بیجا

صفات مومن:

۱- مؤمن عزت دارد.

... لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ... (سوره منافقون، آیه ۸)

... عزت، خاص خداوند و پیامبر او و مؤمنان است.

۲- مؤمن رستگاری و نجات در دنیا و آخرت دارد.

... أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (سوره مجادله، آیه ۲۲)

... بدانید که خداخواهان رستگارانند.

۳- ابهتی از مؤمن را خداوند در دل عالمیان قرار می‌دهد.

۴- مؤمن توکل بر خدا دارد.

... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ... (سوره طلاق، آیه ۳)

... و هر کس بر خداوند توکل کند، هم او وی را کافی است.

۵- مؤمن راضی به رضای حق است. (و خداوند هم از او راضی است).

۶- مؤمن مطیع امر الهی است.

۷- مؤمن تفویض کننده امور به خدا است. (یعنی پس از سعی و کوشش خود، کارها را به خدا وا می‌گذارد).

۸- مؤمن ایمانش توأم با یقین است و آن در عملش معلوم می‌شود.

۹- مؤمن صابر است.

«ان الله مع الصابرين» (سوره بقره، آیه ۱۵۳) - (سوره انفال، آیه ۴۶).

(همانا خداوند با صبر کنندگان است).

۱۰- مؤمن عادل است در همه موارد رعایت بر قسط و عدل دارد.

۱۱- مؤمن در حالت دفاع یا جهاد با نفس یا دشمن، و مرد پیکار است.

۱۲- مؤمن بشاش و شادابی در صورت و حزن و اندوه در درون دارد.

۱۳- مؤمن سعه صدر دارد. (از کوره زود در نمی‌رود و حال و حوصله دارد). بعبارتی از شرح صدر (یعنی اگر حقی مطرح شود

زیر بار حق و منطق می‌رود اگر چه به ضررش باشد) بهره مند است.

۱۴- مؤمن شکسته نفسی می‌کند. (خود را از حدی که هست پایین تر می‌بیند و متواضع است).

۱۵- مؤمن مقام گرا، نیست. (مقامهای بالا را نمی‌طلبد مگر اینکه به او پیشنهاد کنند).

۱۶- مؤمن آوازه و شهرت را بد می‌داند، لذا مؤمن همه جا هست و هیچ جا نیست.

۱۷- مؤمن زیاد سکوت می‌کند و جواب سؤال را به اندازه می‌گوید.

۱۸- مؤمن بیکار نیست. (معتقد است خدا از شخص بیکار خوشش نمی‌آید لذا مشغول الوقت است).

۱۹- مؤمن شاکر و صبور است (یعنی شکرگذار است). از نعمتهایی که خداوند به او داده در جهت خود و دیگران از آنها استفاده

می‌کند. (مثلاً- چشم برای دیدن آنچه حلال است و پا برای رفتن آنجایی که مجاز است و خرج کردن جائی که مباح یا مستحب

است ..

۲۰- مؤمن دوستی و فداکاری و ایثار در راه خدا را، ناچیز می‌داند. (و در دوستی با مردم بیش از دیگران حق دوستی را ادا

می‌کند).

۲۱- مؤمن خلق و خوی خوشی دارد و خوش نفس است.

۲۲- مؤمن از سخت‌ترین سختی‌ها محکمتر است. (المؤمن كالجبل الراسخ) مؤمن مانند کوه راسخ است.

۲۳- مؤمن بیدار است. (المؤمن يقظان) مؤمن بیدار است یعنی هوشیار است و خوابش اندازه دارد.

۲۴- مؤمن کمکش زیاد و خرجش کم است.

۲۵- مؤمن از نظر تدبیر راهنمای خوبی است.

۲۶- مؤمن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود. او هر تجربه تلخ را اگر غافل شود یک بار انجام می‌دهد.

۲۷- مؤمن موقعی که راضی شد، رضایتش او را به گناه و نمی‌دارد.

۲۸- مؤمن اگر کمبودی داشت و عصبانی و غضبناک شد از حق و حد منحرف نمی‌شود.

۲۹- مؤمن هنگامی که به قدرت رسید، قدرتش او را به تجاوز و ادا نمی‌کند.

۳۰- مؤمن قانع است. (در همه ابعاد)

- ۳۱ - مؤمن اگر در مجلسی باشد که همه ذکر می‌گویند غافل نیست و اگر دیگران ساکتند او ذاکر است.
- ۳۲ - مؤمن نماز شب را به پا می‌دارد. (عزت المؤمن قم اللیل) عزت مؤمن به شب زنده‌داری است.
- ۳۳ - مؤمن جوینده حکمت است، می‌جوید او را اگر چه از دهان منافقین باشد.
- ۳۴ - مؤمن زیرک است. (المؤمن کیس) ساده‌لوح نیست که هر که هر چی گفت قبول کند.
- ۳۵ - مؤمن خوابش کم و عبادتش زیاد است.
- ۳۶ - مؤمن خوراکش کم و فعالیتش زیاد است. (برای عمر و وقتش ارزش قائل است)
- ۳۷ - مؤمن را مردم از دست و زبانش در امان هستند و او را ایمن دارند.
- ۳۸ - مؤمن از کار لغو دوری می‌جوید.
- وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (سوره مؤمنون، آیه ۳)
- و همان کسانی که از (کار و سخن) بیهوده رویگردانند.
- ۳۹ - مؤمن به فروع دین (نماز، روزه، خمس و زکات و حج و امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری و جهاد) عمل می‌کند.
- ۴۰ - مؤمن به عهد و پیمان عمل می‌کند. «اذا وعد المؤمن وفی».
- ۴۱ - مؤمن در مقابل هیچ کس و هیچ چیز خود را خوار و ذلیل و زبون نمی‌کند مگر خدا و آنهایی که در خط خدایند.
- ۴۲ - مؤمن به والدین خود احسان می‌کند.
- ۴۳ - مؤمن صله رحم به جا می‌آورد.
- ۴۴ - مؤمن اگر اشتباهی از کسی پیش آید و طلب بخشش کند، زود گذشت می‌کند و در صدد انتقام نیست.
- ۴۵ - مؤمن نه ظلم به کسی می‌کند، نه زیر بار ظلم می‌رود.
- ۴۶ - مؤمن مواظبت می‌کند بر خواندن ۵۱ رکعت نماز در شبانه روز. (۱۷ رکعت نماز یومیه و ۳۴ رکعت نافله)
- ۴۷ - مؤمن جمله بسم الله الرحمن الرحیم را بلند می‌گوید. به خصوص در خواندن نمازها.
- ۴۸ - مؤمن دارای انگشتر عقیق می‌باشد. (طبق تحقیقاتی عقیق تشعشعات مضر خورشید را دفع می‌کند) و آنرا بدست راست، انگشت کوچک تر حیا قرا می‌دهد.
- ۴۹ - مؤمن دارای تسبیح می‌باشد (بر عکس منافقین و کفار که دارای آلات قمارند) تسبیح آلت ذکر است (ذکر ظاهری گفتن اذکار است. و ذکر قلبی در همه حال بیاد خدا بودن و ذکر واقعی آنست که در مقابل اوامر قرآن و ائمه مطیع و در مقابل شیطانهای جنی و انسی مقاوم باشیم)
- ۵۰ - مؤمن بوی خوش به کار می‌برد. (حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوی خوش را دوست می‌داشت و خرج عطر و گلاب ایشان از خرجهای دیگرشان فزونی داشت و می‌فرمود اگر کسی می‌خواهد بوی مرا حس کند، گل سرخ را ببوید).
- ۵۱ - مؤمن حسود نیست.
- ۵۲ - مؤمن بخیل نیست.
- ۵۳ - مؤمن ثواب و کارهای خوب گذشته خویش را فراموش می‌کند.
- ۵۴ - مؤمن گناهان گذشته خود را در نظر دارد.
- ... فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ ... (سوره نجم، آیه ۳۲)
- ... پس خودتان را پاکدامن مشمرید ...
- ۵۵ - مؤمن در امور دنیا به پایین تر از خود نگاه می‌کند.

۵۶- مؤمن در امور آخرت به بالاتر از خود (به اولیاء الله) نگاه می‌کند.

۵۷- مؤمن آئینه مؤمن دیگر است. (المؤمن مرآة المؤمن)

چونکه مؤمن آئینه مؤمن بود=روی او از آلودگی ایمن بود= ۵۸- مؤمن قلبش عرش الهی است. «قلب المؤمن عرش الرحمان».

۵۹- مؤمن قلبش برتر از کعبه است. «قلب المؤمن افضل من الکعبه».

۶۰- مؤمن دوست مؤمن و هر دو دوستار علمند، و بردباری وزیرشان و عقل سیاست، و مدارا برادر مؤمن و احسان پدر مؤمن است.

۶۱- مؤمن در هنگام تنگدستی هم انفاق می‌کند.

۶۲- مؤمن آنچه را برای خود می‌خواهد برای دیگران هم می‌خواهد و آنچه را برای خود نمی‌پسندد برای دیگران هم نمی‌پسندد.

۶۳- نماز معراج مؤمن است «الصلاة معراج المؤمن» به نماز نمی‌گوید کار دارم به کار می‌گوید وقت نماز است. لذا نماز اول وقت را اهمیت می‌دهد.

۶۴- مؤمن آبروی خود را برای هر چیز نمی‌ریزد و دست حاجت به سادگی پیش هر کسی دراز نمی‌کند.

۶۵- مؤمن طالب علم است.

۶۶- مؤمن مرگ را دوست می‌دارد. (چون برای آخرتش کار کرده و همانند آن است که از خرابه‌ای به کاخی برود و به عکس

کافر و منافق از مرگ هراس دارد، زیرا دنیای خود را به هر ترتیب و از هر راهی بوده آباد کرده و آخرت خود را خراب نموده است)

۶۷- مؤمن حسن ظن به خداوند متعال دارد، و او را مراقب اعمال و کمک خود می‌داند.

۶۸- مؤمن کظم غیظ دارد یعنی خشم خود را فرو می‌برد و آن را فقط با رضایت خدا اعمال می‌کند.

۶۹- مؤمن بین خوف و رجاء زندگی می‌کند و از رحمت خدا مأیوس نیست.

۷۰- مؤمن نیتش خالص است. (که بر اثر خلوص نیت رزقش افزون است)

ادامه صفات مؤمن در این مقوله نمی‌گنجد و خوانندگان محترم را به مطالعه خطبه همام در نهج البلاغه که یکصد و ده عنوان دارد، توصیه می‌کنم. خلاصه اینکه وقتی انسان متصف به صفات خدائی باشد، خدا گونه می‌شود. مثلاً- انسان کریم، رنگ خدایی می‌گیرد، زیرا خدا کریم مطلق است.

اعمال صالح، ایمان به خدا و اولیاء الله (ائمه معصومین) در دل مؤمنین بزرگ و مادون اینها را کوچک و حقیر می‌دانند. در این حالت است که پیامبر صلی الله علیه و آله در دعوت به توحید، وقتی کافران پیشنهاد مال و ثروت و مقام را به ایشان دادند که دست از دعوت بردارند، ایشان گفتند اگر کوهی از طلا به من بدهید، و خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم قرار دهید، دست از دعوتم بر نخواهم داشت.

عزت نفس:

در این قسمت به عزت نفس می‌پردازیم که یکی از بارزترین صفات مؤمن است.

حافظ آب رخ خود بر در هر سفله مریز=حاجت آن به که بر قاضی حاجات بریم= عزت اختصاص به خداوند متعال و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و مؤمنین دارد.

«اطلبوا الحوائج بعزة النفس» حوائج خود را با عزت نفس طلب کنید.

با حقارت چون بیارد بر سرت باران چون دُر=آسمان را گو برو بارندگی در کار نیست= علی علیه السلام چه شیوا می‌فرماید: «الحياة فی موتکم قاهرین و الموت فی حیاتکم مقهورین». زندگی این است که بمیرید و پیروز باشید و مُردن این است که بمانید و مقهور

باشید و باز معصوم می‌فرماید: «الموت اولی من رکوب العار، هیهات منا الذلّة» مرگ از متحمل شدن ننگ بهتر است، دور باشد ذلت و خواری.

و در جای دیگر امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «انی لا- اری الموت الا- سعادة و الحیاء مع الظالمین الا برماً». من مرگ را جز سعادت نمی‌بینم و زندگی با ظالمین را جز مرارت و سختی نمی‌دانم - شهادت که خیلی بالاترست.

«الموت فی عز خیر من الحیاء فی ذل». مردن با عزت از زندگی با ذلت بهتر است.

«الصدق عزّ و الکذب عجز». راستگویی باعث عزت است و دروغگویی باعث ذلت است.

و باز می‌فرماید: «لا تکن عبد غیرک قد جعلک الله حراً». یعنی خود را بنده غیر خدا قرار نده که خداوند تو را آزاد آفریده است.

اطاعت از مقررات و قبول قوانین مملکتی احترام به حقوق دیگران است. در نهج البلاغه است که: «ازری بنفسه من استشعر الطمع». آن کس که طمع را شعار خود قرار داده، نفس خود را به حقارت وادار کرده است، شرعاً مکروه است که اگر انسان گرفتاری و یا ابتلایی دارد پیش هر کس که رسید بگوید.

قال الصادق علیه السلام: «و قل تحدث الناس بكل ما انت فیه تفهون علیهم». هر گرفتاری که داری، جلو مردم بازگو مکن تا خوار نشوی.

هر دوست که بی‌وفاست، دشمن به از اوست= هر نقره‌ای کم بهاست، آهن به از اوست= هر کس که نمک خورد و نمک را نشناخت= در مذهب رندان جهان، سگ به از اوست= تفنگ آبرو بر دست نامحرم اگر دادی= به خاک و خون کشد روزی پر و بال امیدت را. در کتاب تحف العقول امام صادق علیه السلام به هشام می‌فرماید: اگر به آنچه خداوند در اختیارت قرار داده قانع شدی تو غنی هستی و اگر نه، هیچگاه غنی نخواهی شد. (ثروتمند بودن نوعی احساس است و آن موقعی به دست خواهد آمد که روندی در زندگی انتخاب کنیم که محتاج دیگران نباشیم و حتی بعضی مواقع با علو طبع ثروتهای مادی را بین دیگران تقسیم کنیم نه برای خود انبار و گنج کنیم، که پیروی از قارون است.

«و رضی بالذل من کشف عن ضوء و هانت علیه نفسه من امر علیها لسانه المیتة و لا الدنیه». یعنی آن کس که درد و ناراحتی خود را جلو مردم باز می‌کند به ذلت تن داده است و هر کس شهواتش را بر خود حکومت ندهد نفسش را در مقابل خود خوار کرده است. «قال الصادق علیه السلام عن امیر المؤمنین علیه السلام: لیتجمع فی قلبک الحاجه الی الناس الاستفتاء عنهم». همیشه در قلب خود دو حس متضاد را با هم داشته باش، احساس کن که به مردم نیازمندی یعنی مانند یک نیازمند با مردم رفتار کن، و احساس کن که از مردم بی‌نیازی و مانند یک بی‌نیاز و بی‌اعتناء با مردم رفتار کن.

خودتان را مستغنی کنید از سؤال (درخواست نمودن) ولو به قدر آب مسواک باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: طلب حاجت از مردم، لباس عزت انسان را می‌رباید و حیا را از بین می‌برد.

خودت را برتر و بالاتر بدان از اینکه به کارهای پست دست بزنی از قبیل سؤال و کارهای دیگر (خودفروشی و دزدی و ...) ولو اینکه این کارها شما را به مطلوب خودت برساند.

امام حسن علیه السلام: تو هرگز نمی‌توانی عوض آبروی از دست رفته را به دست آوری.

حضرت امام علی علیه السلام: بر نیامدن نیاز گواراتر از خواهش از ناکس است.

حضرت امام علی علیه السلام: اگر دستم را تا مرفق (آرنج) در دهان ازدها بکنم و از آن چیزی در آورم، آسانتر است از اینکه دستم را به پیش آدم تازه به ثروت رسیده و تازه به دوران رسیده دراز کنم.

عزت و بزرگی انسان، در نخواستن چیزیست از مردم.

«الکریم من صان عرضه بماله و اللئیم من صان ماله بعرضه».

کریم انسانی است که آبروی خود را با مال حفظ می‌کند، دفعاً یا رفعاً. اگر آبروی او جایی در خطر است مال خود را می‌دهد و آبرویش را حفظ می‌کند و اگر گرفتن مالی از آبروی او می‌کاهد آن را نمی‌گیرد، در موقع دفع یا در موقع رفع به وسیله دادن مال یا نگرش آن آبروی خود را حفظ می‌کند ولی لئیم عکس مطلب بالا عمل می‌کند.

دست طمع چو پیش کسان می‌کنی دراز=پل بسته‌ای که بگذری از آبروی خویش =ای دل تو ز خلق هیچ یاری مطلب=وز شاخ برهنه سایه‌داری مطلب =عزت به قناعت است و خواری به طمع=با عزت خود بساز و خواری مطلب= شایسته نیست هر آنچه می‌دانی و می‌توانی فی الجمله انجام دهی و به طوری که در آیات قران کریم بعضاً با کنایه صحبت شده: و حافظ در مورد عزت نفس و رابطه آن با صبر چنین می‌گوید.

این همه شاهد و شکر کز سخنم می‌ریزد=اجر صبری است کز آن شاخه نباتم دادند=صبر باشد مشت‌های کودک=صبر باشد مشت‌های زیرکان=گر سخن خواهی تو گویی چون شکر=صبر کن بر حرص و این حلوا مَکْر=عزت انسان به ایمان و تقوایش است نه به زور و زیور، که نوعاً آلوده‌اند و نه به مقام که اغلب ناشی از حب دنیا است. که خود این، نوعی بردگی است.

جمله شاهان برده خودند=جمله خوبان مُرده مُرده خودند=می‌شود صیاد مرغان را شکار=تا در آخر سازد آنان را شکار=مرغ بر بالا، پران سایه‌اش=می‌دود بر خاک پران، مرغ وحش=ابلهی صیاد آن سایه شود=می‌دود چندان که بی مایه شود=ره نبرده هیچ در مقصود خویش=رنج ضایع، سعی باطل، پای ریش عزت دیگر آن است که از مردم انقطاع حاصل کرده و به خدا متصل شویم .

از خلق جهان رشته امید بریدم=یک بار دگر وارد دنیا مکنیدم=در خلد برین بهر دو تا دانه گندم=همچون مثل آدم و حوا مکنیدم=همچون یوسف محزون نبریدم سر بازار=نعمت زده عشق زلیخا مکنیدم پناه بردن به خداوند متعال :

درد ما را نیست درمان الغیث=هجر ما را نیست پایان الغیث=دین و دل بردند و قصد جان کنند=الغیث از جور خوبان الغیث=همچو حافظ روز و شب بی خویشتن=گشته‌ام سوزان و گریان الغیث.، کسی که بندهای هوس را پاره نکرده بلکه به عکس اطاعت از نفس نموده در حقیقت از دشمن خود اطاعت می‌کند.

روح ما را حق به سویی می‌کشد، شیطان به سوئی=عقل روشن بین ز یک سو، نفس نافرمان به سویی =در هجوم زندگانی می‌برد ما را، چو موجی=حالت عصیان ز سویی، قدرت ایمان ز سویی=کشتی بی بادبان آدمی را، می‌رباید=جذبه ساحل ز سویی، حمله طوفان ز سویی=در کویر آفرینش مرد و زن را می‌کشاند=رحمت یزدان ز یک سو، غفلت انسان ز سویی=نورباران می‌کند شبها، مردان خدا را=مشعل عرفان ز سویی، طلعت رحمان ز سویی=در سکوت خلوت شب عالمی داریم با هم=من ز سویی، دل ز سویی، دیده گریان ز سویی=بزم خوبان جهان بی شعر من، گرمی نیابد=دفترم را می‌کشاند دائم، این ز سویی آن ز سویی.

خداوندا به چنگ نفس نافرمان گرفتارم=چو آهوئی که افتد بی خبر در دام صیادی=دلچون گرد، تاریک است و از آن بر نمی‌خیزد=نه شور نغمه‌ای، نه آه جانسوزی، نه فریادی=الهی دلی ده که طاعت افزون کند و رفعتی ده که طاعت به بهشت رساند. تَبَه کردم جوانی، تا کنم خوش زندگانی را=چه سود از زندگانی چون تَبَه کردم جوانی را=جوانی شمع ره کردم که جویم زندگانی را=نجستم زندگانی را و گم کردم جوانی را.، بندگی غیر خداوند متعال، انسان را به ذلت و خواری خواهد کشید.

آدم از بی بصری بندگی آدم کرد=گوهری داشت ولی نذر قباد و جم کرد=یعنی از خوی غلامی ز سگان پست تر است=من ندیدم که سگی پیش سگی سر خم کرد .، و بیت اخیر کمال عشق به خدا را یادآور می‌شود که گفته‌اند:

درد عشقی کشیده‌ام که مپرس=زهر هجری چشیده‌ام که مپرس=گشته‌ام در جهان و آخر کار=دلبری برگزیده‌ام که مپرس=و سعدی در این مورد می‌گوید:

چو دست خویش پیش کسان می‌کنی دراز=پل بسته‌ای که بگذری ز آبروی خویش

نقل است حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله کارهایشان را خودشان انجام می‌دادند حتی بستن زانوی شتر را و می‌فرمودند اگر می‌خواهید با شخصیت‌ترین مردم باشید از کسی چیزی نخواهید حتی چوب خلال دندان را.

به شیخ شهر، فقیری ز جوع برد پناه=بدان امید که از لطف خواهدش نان داد=نداشت حال جدل و آن شیخ غیور=ببرد آبش و نانش نداد تا جان داد=عجب که با همه دانایی این نمی‌دانست=که حق به بنده روزی، نه شرط ایمان داد=یکی دیگر از امور عزت نفس قانع بودن و تا جایی که امکان دارد از غیر خدا چیزی طلب نکنید.

قانع به یک استخوان چو کرکس بودن=بِه ز آنکه طفیل خوان ناکس بودن=با نان جوین خویش حقاً که به است=کآلوده به پالوده هر کس بودن.، . به قول مولوی:

گر بریزی بحر را در کوزه‌ای=چند گنجد قسمت یک روزه‌ای،

قال الصادق علیه السلام: الركعتان فی جوف اللیل احب من خیر الدنیا و ما فیها.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: دو رکعت نماز شب را نمی‌دهم به دنیا و آنچه در دنیا است.

(دو رکعت نماز در دل شب بهتر است از دنیا و آنچه در دنیا است).

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام سه مرتبه فرمودند بر توباد خواندن نماز شب که در آن بیست و پنج فایده است که عبارتند از:

۲۵ فایده خواندن نماز شب

- ۱- روی انسان را سفید می‌کند.
- ۲- انسان معطر می‌شود.
- ۳- بدنش صحت و سلامت پیدا می‌کند.
- ۴- خدا را از خود خشنود می‌کند.
- ۵- خدا رحمتش را نصیب آن می‌کند.
- ۶- آبروی خواننده نماز شب بین مردم زیاد می‌شود.
- ۷- خداوند اخلاقش را نیکو قرار می‌دهد.
- ۸- قرضهایش ادا می‌شود.
- ۹- غم و غصه او رفع می‌شود.
- ۱۰- نور چشم را زیاد می‌کند.
- ۱۱- خداوند گناهان او را می‌بخشد.
- ۱۲- سنت پیامبر است.
- ۱۳- آداب و عبادت صالحین را به جا آورده است.
- ۱۴- عمرش طولانی می‌شود.
- ۱۵- روز قیامت سایه بر سر انسان می‌اندازد.
- ۱۶- نماز شب عزت انسان است.
- ۱۷- لباس بر تن او پوشیده می‌شود در روز قیامت.
- ۱۸- نماز شب تاج سر انسان است.

- ۱۹ - در قیامت نوری در جلو راه اوست.
- ۲۰ - یک پرده است بین انسان و آتش.
- ۲۱ - در قیامت ترازوی عملش سنگین است.
- ۲۲ - مانند برق از پل صراط می گذرد.
- ۲۳ - نماز شب کلید بهشت است.
- ۲۴ - نام شخص نماز شب خوان جزء سعادت‌مندان در دفتر الهی ثبت می شود.
- ۲۵ - وقتی که نماز شب خوان از دنیا رحلت می کند ملائکه به استقبالش خواهند آمد.
- قال امیر المؤمنین علیه السلام: «نبته بالتفکر قلبک و جاف عن اللیل جبک و اتق الله ربک». خود را با تفکر بیدار کن و در شب خود را از رختخواب جدا کن و به عبادت پرداز و پرهیزگار باش و خدا را در نظر بگیر.
- بکن با فکر قلب خویش تنبیه=بر این کن تو قیامت را تشبیه=برون از رختخواب شب بنه پا=به تقوا کوش بهر حق بهر جا. شبهای دراز پی عبادت چه کنم=طبعم به گناه کرده عادت چه کنم=گویند که خدا گناه را می بخشد=او بخشد و من از این خجالت چه کنم.

عزت نفس :

قامت به بر خصم خم و راست مکن=با مردم بد نشست و برخاست مکن=چیزی ز کسی به غیر ذات ازلی=تا جان به لب رسید درخواست مکن.، نغمه باد سحرگاه طربها دارد=خیز از جای که بسیار ثمرها دارد=ترک کن بستر آرامش و نکن پندار=که صدف چون شکند بار گوهرها دارد=سعی و اندیشه نما با که سخن می گویی=که صفای دل از آن شور و شررها دارد=اندر آن حالت خوش راز دل خویش بگویی=گفتن راز در آن لحظه اثرها دارد=سیر در عالم بالا کن و بگذر ز ابعاد=که چنین طی مکان گشت و گذرها دارد=هر که بر عاقبت کار خود اندیشه نکرد=عاقبت دید که آن کار ضررها دارد=تو، به درگاه خداوند زمانی روی آر=که ز الطاف بهر بنده نظرها دارد=دیگری می گوید:

مرغ خوشخوان را بشارت باد کاندر راه عشق=دوست را با ناله شبهای بیداران خوش است=یارب چه چشمه ایست محبت که من از آن=یک جرعه آب خوردم و دریا گریستم=طوفان نوح قطره شد از آب چشم من=با آنکه در غمت به مدارا گریستم=شعر در ادبیات فارسی خلاصه مطلب را ادا می کند.

معاد :

معاد یعنی زمان و مکان بازگشتن همه انسانها، پس از مرگ و برزخ برای حسابرسی به اعمال آنها و پاداش دادن به مؤمنین (بهشت) و عقاب و عذاب کافرین و مشرکین و منافقین و فاسقین (جهنم).

معاد یکی از اصول پنجگانه دین اسلام (شیعه) است و اعتقاد به آن جزء ضروری دین است و منکر آن کافر است.

اعتقاد به معاد باید از روی دلیل باشد و آیات بسیاری در قرآن به آن اشاره شده است.

منظور از یاد معاد یعنی یاد مرگ و روز رستاخیز و ترس از شرمندگی روز جزا که این یاد و تذکر موجب دقت و مراقبت در رفتار انسانها شده و عامل بسیار قوی در تقوا و اجتناب از معاصی و محرمات است و انسان را در انجام اعمال خیر تشویق کرده، و سرعت می بخشد. لذا کسانی به معاد معتقدند، که به غیب و آنچه مربوط به غیب است معتقد باشند. (مانند وجود خدا، ملائکه و حور العین و ...). پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید زیرکترین مردم کسانی هستند که زیاد بیاد مرگ (توشه راه که تقوا و عمل صالح است) هستند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «من راقب الموت سارع الی الخیرات».

کسی که به یاد مرگ باشد در انجام امور خیر سرعت می‌گیرد. (اصول کافی، جلد ۱، کتاب اجلال).

انسان موجودی است چند بعدی، بُعد جسمانی و طبع آن دارای غرایز و شهوات جسمانی، و نیز بعد فطرت روح الهی و ملکوتی و بالتبع گرایشات متعالی و ربانی. انسان عوالم مختلفی را در طول حیات ابدی خود سیر می‌کند. ابتدا در رحم مادر، سپس در دنیا و پس از آن در برزخ و بالاخره، محشر، و سپس حیات جاوید ابدی در آخرت.

در رحم مادر از خون مادر تغذیه نموده و اراده‌ای از خود ندارد و کاملاً وابسته به مادر است. ولی در دنیا به تدریج از وابستگی خود به مادر می‌کاهد و از حاصل زحمت خود تغذیه می‌کند ولی کاملاً به محیط و طبیعت وابسته است.

از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند، برزخ چیست؟ فرمود: «القبر منذ حین موته الی یوم القیامه». (برزخ همان قبر است از آن زمانی که انسان می‌میرد تا قیامت). اما وقتی می‌میرد به عالم برزخ می‌رود، دیگر فرصت عمل را از دست می‌دهد (مگر سه دسته، اول کسانی که از خود فرزند، یا فرزندان صالحی باقی گذارند. دوم کسانی که برای خود صدقه جاریه ای مانند مراکز خیریه و مدرسه یا بیمارستان و یا موقوفاتی بجای گذاشته باشد. و سوم کارهای عام المنفعه از خود بیادگار گذارند مانند، نوشتارهای هدایت کننده و ایجاد پل و جاده و مبلغی بطور مستمر برای اصلاح ذات البین شیعیان قرار دهد). و فقط منتظر روز قیامت کبری می‌ماند. و فرموده‌اند برزخ بعهده خودتان و اعمالتان است. (مسئله شفاعت مربوط به قیامت است).

... وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (سوره مؤمنون، آیه ۱۰۰)

... باشد که در آنچه فروگذار کرده‌ام، کاری شایسته پیش گیرم، حاشا، این سخنی است که او (ظاهراً) گوینده آن است، و پیشاپیش آنان (زندگی) برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند.

او در برزخ به طبیعت وابسته نیست بلکه با اعمال خود زندگی می‌کند و به آنها وابسته است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برای عالم برزخ مصاحبین خوبی انتخاب کنید. پرسیدند یا رسول الله مگر انتخاب مصاحبین برزخ با خود ماست؟ فرمودند: بله. مصاحبین خوب شما اعمال نیک شماست.

قیامت هر کس نامه عمل خود را می‌گیرد و می‌بیند و پس از رسیدگی به اعمال دسته‌ای به بهشت می‌روند و دسته‌ای به جهنم. در آنجا انسانها با نتایج اعمال خود زندگی می‌کنند یعنی بهشت و نعمتهایش، و یا جهنم و آتش، آن هم نتیجه عمل خود انسانهاست. آثار و فوائد معاد

اگر آدمی متوجه و متذکر باشد که هر عملی در دنیا انجام می‌دهد توسط ملائکه الهی ثبت و ضبط می‌گردد و هرگز از بین نمی‌رود و در برزخ و قیامت و در تمام طول زندگانی جاویدانش موثر است و در واقع اعمال او آینده او را می‌سازد، انجام عمل را دست کم نمی‌گیرد و مسامحه نمی‌نماید.

انسانی که یاد نعمتهای بهشت و عذاب جهنم می‌کند و یقین و باور دارد دیگر به نعمتهای دنیا دل نمی‌بندد و برای به دست آوردن آنها مرتکب معصیت خداوند نمی‌شود و به راحتی سختی‌ها و بلاهای زودگذر دنیای موقت و فانی را تحمل می‌کند. زیرا لذت و سختی دنیا هر دو زودگذر و تمام شدنی است، امالذت و سختی‌های آخرت طولانی و جاوید است.

کسی که می‌داند و یادآور میشود، که در معاد در محضر خدا می‌ایستد و نامه اعمالش نمایان می‌شود و از اینکه علیرغم آن همه نعمت و لطف خداوند باز معصیت و نافرمانی کرده شرمنده می‌شود بنابراین سعی می‌کند مرتکب خطا نشود.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «اذکروا انقطاع اللذات و بقاء التبعات». (به یادتان باشد که لذتها بریده است، ولی آثارش باقی است).

انسانی که توجه دارد که عمر دنیا اولاً- موقتی است، در ثانی احتمالی است و فردا را کسی تضمین نکرده است، هرگز به دنبال

آروزهای طولانی و هوسهای مستمر نمی‌رود. هرگز توبه را به تأخیر نمی‌اندازد. عبادت را به فردا و زمان پیری حواله نمی‌دهد. به حق الناس و بیت المال اهمیت می‌دهد و خودش آن را رعایت می‌کند.

یاد معاد ارزش لحظه‌های موجود را بالا می‌برد و انسان را ترغیب می‌کند تا از لحظه، لحظه‌های عمر خود حداکثر بهره‌برداری را داشته باشد.

پیری رسید و مستی طبع جوان گذشت = ضعف تن از تحمل رطل گران گذشت = برنامه حیات دو روزی نبود بیش = آن هم کلیم با تو بگویم چسان گذشت = یک روز صرف بستن دل شد به این و آن = روز دگر به کندن این و آن گذشت فرصت عمر:

انسان برای جاودانگی خلق شده، نه برای نابودی، برای خدا خلق شده، نه برای هوس، برای عبادت آفریده شده، نه برای معصیت، هدف دار خلق شده نه عبث و بیهوده، برای خداشناسی و کمال آفریده شده، نه برای غفلت و انحطاط و اگر خدا را فراموش کند، خود را نیز فراموش کرده و هرگز در جهت منافع و مصالح خویش گام بر نمی‌دارد. لکن اگر یاد خدا باشد، خدا نیز او را فراموش نمی‌کند و او را به یاد دارد و هدایت می‌نماید. اگر دین خدا را یاری کنیم، خدا ما را یاری می‌کند. اگر تقوا پیشه کنیم در امورمان گشایش ایجاد می‌شود. اگر سعی و تلاش کنیم به راههای الهی نزدیک می‌شویم، اگر خوبی یا بدی کنیم در واقع به خود کرده‌ایم. اگر ایمان داشته باشیم برتر از دیگران خواهیم شد. اگر آخرت را بر دنیا ترجیح دهیم سود کرده‌ایم و عکس آن ضرر است. اگر به اندازه ذره‌ای عمل خیر یا شر انجام دهیم آثارش را در روز رستاخیز می‌بینیم. اصولاً اعمال ما در روز آخرت مصاحبین ما هستند. برای انسان چیزی مانند سعی او نیست، هر کس در گرو اعمالی است که انجام داده و حاصلی که به دست آورده از آن بهره‌مند خواهد بود. دنیا مزرعه آخرت است.

کسی را در قبر دیگری نمی‌گذارند و گناه دیگران را بر ما نخواهند نوشت (مگر اینکه ارتباطی در آن باشد) هر کس بر مبنای شخصیتی که برای خود ساخته عمل می‌کند. گرامی‌ترین افراد نزد خدا با تقواترین افراد است. کسانی که علم دارند، دارای درجاتی هستند، کسانی که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند ترفیع می‌گیرند. آیات و روایاتی، امثال موارد فوق به ما بینش و انگیزه می‌دهد که قدر لحظه‌ها را بدانیم و سرنوشت جاوید خویش را تا فرصت داریم بسازیم که به قول مولای متقیان فرصت حال را غنیمت شماریم.

مراقبه و محاسبه :

انسان باید قبل از مردن مرگ را درک کند. قبل از محاسبه قیامت، خود به حساب خود رسیدگی کند. همواره خود را شناخته و ارزیابی کند و نیز خود را مورد تشویق و عتاب، به خاطر ثواب و گناه قرار دهد. چه کنیم که دچار غفلت نشویم و یاد خدا و معاد باشیم، باید همیشه و در همه حال و در هر کجا از یاد خدا که هم مبدأ ماست و هم معاد ما، غافل نبود، بلکه ذاکر باشیم و این فقط مخصوص وقت عبادات چون نماز نیست، اما به طور خالص فلسفه نماز یاد خداست. قرآن بیشتر بخوانیم و به ترجمه آیات دقت نموده و تدبیر و تفکر کنیم خصوصاً آیات مربوط به معاد و بهشت و جهنم. با مؤمنین معاشرت داشته و به مذاکره در مورد خدا و خود و معاد و دیگر واجبات پردازیم. سعی کنیم آنچه مربوط به معاد است و برای ما مجهول است را از علما سؤال کنیم و به بحث پیرامون آن پردازیم. در هر فرصت مقتضی هم در عوالم هستی و عوالم حیات و زندگانی جاوید خود تفکر کنیم و سعی کنیم صحنه‌های مرگ و پس از مرگ را برای خود ترسیم کنیم در مجالس تذکر در گذشتگان و اموات به ویژه از نزدیکان و آشنایان شرکت نماییم.

گهگاه در قبرستان و به ویژه غسلخانه به مناسبتها حضور یابیم و عواقب خود را به دیده عبرت بنگریم و یادمان باشد یاد مرگ برای بهره‌برداری از زندگی دنیاست، برای سعادت و کمال است زیرا تجربه مرگ فقط یکبار است و وقتی اجل آمد تجربه‌اش سودی به

ما نمی‌دهد. پس تا در دنیا هستیم باید به نوعی دیگر مرگ را تجربه کنیم، یعنی مرگ دیگران را ببینیم، شاید یکی از دلایل مستحب بودن تشییع جنازه همین تذکر و فایده آن است که روزی هم نوبت من و شما خواهد رسید.

هر چه بیشتر مشغول دنیا بوده و دنیای فانی خود را زینت داده و به آن دل ببندیم دل کندن از آن و جان دادن سخت‌تر و حسرت‌مان بیشتر خواهد بود. خداوند در آیاتی می‌فرماید: کسانی که دنیا را بخواهند از دنیا به آنها می‌دهیم و دیگر نصیبی از آخرت ندارند. و تجارت آنها سود بخش نیست. و در سوره والعصر می‌فرماید: قسم به عصر (که منظور زمان ظهور امام عجل الله تعالی فرجه است و همچنین به زمان قسم یاد کرده است که خود وقت و زمان عظمتی دارد) که انسانها در خسران و زیانند به جز آنهایی که ایمان آورده‌اند و یکدیگر را سفارش به حق و صبر می‌کنند. این همه آیاتی که در قرآن راجع به معاد وجود دارد، اکثراً برای بیداری و تذکر ماست تا هر چقدر می‌توانیم فکر زاد و توشه آخرت باشیم زیرا پل صراط است که یک سوی آن در دنیا است و سر دیگر آن در آخرت است. این که روز رستاخیز وحشی‌ها محشور می‌شوند دو احتمال دارد یکی آن که شکل تجسمی و خلقانی انسانی، گنهکار است که به شکل حیوان وحشی خلق می‌شوند، دوم آن که از زیادی وحشت و خوف روز جزا مانند وحشی‌ها می‌شوند. اما در آن روز کسانی آرامش دارند و به شکل انسان هستند که در دنیا به ذکر خدا دل‌هایشان آرامش می‌یافت. خداوند به همه ما توفیق بیداری، عمل صالح و راحتی جان دادن و حسن عاقبت در آخرت عنایت فرماید.

نقل است که حضرت ابراهیم علیه السلام ملک الموت (عزرائیل) را ملاقات نمودند و از ایشان خواستند چگونه هیبت خود را در موقع قبض روح مؤمنین نشان دهد. حضرت عزرائیل گفت شما صورت خود را از من برگردانید و سپس به من نگاه کنید. حضرت ابراهیم این چنین کردند. ملک الموت را در سیمای جوانی دیدند که اگر همه دنیا را یک طرف می‌گذاشتند و آن جوان را در طرف دیگر، نگاه کردن به آن جوان ترجیح داشت. بعداً حضرت ابراهیم از ملک الموت خواستند که هیبت خود را در موقع قبض روح کفار و منافقین به حضرت نشان دهد، ملک الموت از حضرت ابراهیم خواست که از دیدن این منظره صرف‌نظر کند ولی حضرت خواستار شدند، لذا عزرائیل به حضرت ابراهیم گفت صورت خود را برگردانید و بعد به من نگاه کنید، با نگاه کردن حضرت ابراهیم به آن موجود وحشتناک و دلهره‌آور که خارج از وصف است حضرت بیهوش می‌شوند، و به خدا پناه می‌برند که اگر تمام سختی‌ها و شکنجه‌های دنیا یک طرف بود و این منظره یک طرف، قبول سختی‌ها و شکنجه‌های دنیا ترجیح داشت به دیدن چنین منظره‌ای.

جان دادن مؤمن در حالت احتضار مانند بو کردن گل است و برای کافر و منافق از قیچی کردن بدن سخت‌تر. چون در روایت است قبض روح منافق و کافر توسط سیخهای آتشین و شلاقهای آتشین صورت می‌گیرد ولی چون ما در قالب ماده هستیم آنها را درک نمی‌کنیم.

علی بن ابیطالب علیه السلام در موقع قبض روح مؤمن و کافر و منافق خواهند آمد ولی برای مؤمنین رحمت و برای کفار و منافقین عذاب خواهند بود.

جان دادن افرادی که مال یتیم می‌خورند و یا شهادت ناحق می‌دهند و یا حاکم جور (ولو برای خانواده) باشند طبق گفته پیامبر اسلام از چرخش پایه درب قلعه بر روی چشم سخت‌تر خواهد بود، و برای مؤمن همانند این است که در بیابانی سوزان و طاقت فرسا از حرارت آفتاب، آب سرد و گوارایی بیابد و بیاشامد.

حال دنیا را بپرسیدم من از فرزانه‌ای =گفت یا باد است یا خواب است یا افسانه‌ای =گفتمش احوال عمرم را بگو این عمر چیست =گفت یا برق است یا شمع است یا پروانه‌ای =گفتمش آنانکه می‌بینی بر او دل بسته‌اند =گفت یا کورند یا مستند یا دیوانه‌ای ،، بدان ای عزیز که آن موقع زندگانی تو بر مرگ تو ترجیح دارد که ده چیز را به جا آوری.

اول با حق سبحانه و تعالی به صدق رفتار کردن، دوم با خلق با انصاف بودن، سوم با نفس به قهر، چهارم با دیگران به عزت، پنجم با

کمتران به شفقت، ششم با دوستان به نصیحت، هفتم با دشمنان به مروت، هشتم با عالمان به تواضع، نهم با درویشان به سخاوت، دهم با جاهلان به خاموشی گذراندن.

گویند پس از مرگ بذر جمهر دیدند که نه جمله بر کمر بندش نوشته است که هر کدام نکته‌ای بزرگ در خود دارد:

- ۱- اگر خدا کفیل روزی است غصه برای چه؟
- ۲- اگر رزق تقسیم شده، حرص برای چه؟
- ۳- اگر دنیا فریبنده است، اعتماد به آن چرا؟
- ۴- اگر بهشت حق است، کار نکردن چرا؟
- ۵- اگر مرگ حق است، ساختمان مجلل برای چه؟
- ۶- اگر جهنم حق است، این همه خنده و قهقهه برای چه؟
- ۷- اگر حساب حق است، جمع مال برای چه؟
- ۸- اگر قیامتی هست، بیتابی کردن برای چه؟
- ۹- اگر شیطان دشمن انسان است، بهتر روزی به چه مناسبت؟

هر که به تأدیب دنیا راه صواب نگیرد به تعذیب عقبی گرفتار آید. جان در حمایت یک دم است و دنیا وجودی میان دو عدم. دین به دنیا فروشان، بفروشدند، یوسف را تا چه بخرند. هر که در زندگانی نانش نخوردند چون بمیرد نامش نبردند.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «یا شیب ابن آدم و یا شیب فیه خصلتان، الحرص و طول الامل». حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودند: فرزند آدم پیر می‌شود و حال آنکه دو خصلت در او جوان می‌گردد، حرص و آرزوی دراز. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اشد الناس عذاباً فی یوم القیامه عالم لم یعلم بعلمه و لم ینفعه علمه». حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: کسی که چیزی را می‌داند و به آن عمل نمی‌کند و از دانش خود بهره نمی‌گیرد، مجازاتش در قیامت از همه شدیدتر است.

کسی که بمیرد رشته حیات (ودفتر اعما لش) از دنیا قطع می‌شود مگر سه نفر:

- ۱- کسی که صدقه جاری گذاشته باشد.
 - ۲- کسی که اثر علمی به جا گذاشته باشد.
 - ۳- کسی که فرزند صالحی تربیت کرده باشد که برای پدر و مادر خود دعا کند (یا وسیله دعای ایشان را فراهم کند).
- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من حفظ من ائمتی اربعین حدیثاً کنت له شفیعاً یوم القیامه». حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: هر که از امت من چهل حدیث حفظ کند. من او را در قیامت شفاعت می‌کنم. نامهای روز قیامت که در قرآن آمده است عبارتند از:

۱- یوم الخروج، روزی که از قبرها خارج می‌شوند:

یَوْمَ یَسْمَعُونَ الصَّیْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ یَوْمُ الْخُرُوجِ (سوره قاف، آیه ۴۲)

روزی که صیحه را به حق بشنوند، آنگاه روز رستاخیز است.

۲- یوم الحسره، روز حسرت و پشیمانی:

وَأَنْذِرْهُمْ یَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِی غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ (سوره مریم، آیه ۳۹)

و آنان را از روز حسرت، بترسان، که امر (الهی) تحقق یابد و آنان غافل باشند و ایمان نیاورند.

۳- یوم الحساب، روز رسیدگی به حسابها:

وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ (سوره غافر مؤمن، آیه ۲۷)

و موسی گفت من به پروردگار خود و پروردگار شما از (شر) هر متکبری که به روز حساب ایمان ندارد، پناه می‌برم.

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَلْ لَنَا قِطْنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (سوره صاد، آیه ۱۶)

و ادعا کردند که پروردگارا کارنامه ما را پیش از روز حساب، هر چه زودتر به ما بده.

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (سوره صاد، آیه ۲۶)

ای داود ما تو را در روی زمین خلیفه (خود) برگماشته‌ایم، پس در میان مردم به حق داوری کن، و از هوی و هوس پیروی مکن، که تو را از راه خدا گمراه کند، بی گمان کسانی که از راه خدا گمراه می‌شوند عذاب سخت و سنگینی (در پیش) دارند، چرا که روز حساب را فراموش کرده‌اند.

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ (سوره صاد، آیه ۵۳)

این است آنچه به شما برای روز حساب وعده داده شده است.

۴ - یوم التلاق، روز ملاقات:

رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ (سوره غافر مؤمن، آیه ۱۵)

(او) برافرازاننده درجات (و) صاحب عرش است، و وحی را به فرمان خویش بر هر کس از بندگانش که بخواهد فرو می‌فرستد، تا از روز هم‌دیداری هشدار دهد.

۵ - یوم الخلود، روز جاودانگی:

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ (سوره قاف، آیه ۳۴)

گوئیم به سلامت (و امن و امان) وارد آن (بهشت) شوید، این روز (آغاز) جاودانگی است.

۶ - یوم العسیر، روز بسیار سخت و دردناک:

فَذَلِكِ يَوْمِئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ (سوره مدثر، آیه ۹)

بدینسان چنین روز، روزی دشوار است.

۷ - یوم الموعود، روز وعده داده شده:

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (سوره بروج، آیه ۲)

و سوگند به روز موعود.

۸ - یوم التناد، روزی که مردم یکدیگر را ندا می‌کنند:

وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ (سوره غافر مؤمن، آیه ۳۲)

و ای قوم من، من بر شما از روز فریادخوانی بیمناکم.

۹ - یوم عصب، روز سخت و روز ناراحتی:

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سَاءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ (سوره هود، آیه ۷۷)

و چون فرشتگان ما به نزد لوط آمدند از ایشان نگران شد و (از کمک به آنان) دستش کوتاه شد، و گفت امروز روزی سخت و سنگین است.

۱۰ - یوم تبلی السرائر، روزی که پرده‌ها کنار برود و اسرار و ماهیت هر کس فاش شود.

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ (سوره طارق، آیه ۹)

روزی که رازها از پردها بیرون افتند.

۱۱ - یوم التغابن، روزی که انسان متوجه گول خوردنش می‌شود:

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفَرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (سوره تغابن، آیه ۹)

روزی که برای روز محشر گردتان آورد، آن روز تغابن است و هر کس به خداوند ایمان آورد و نیکوکاری کند، سیئاتش را از او می‌زداید، و او را به بوستانهایی که جویباران از فرودست آن جاری است، درآورد، که همواره - جاودانه - در آن باشند، این رستگاری بزرگ است.

قال علی علیه السلام: «موتوا قبل ان تموتوا».

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: بمیرید قبل از آنکه بمیرانند شما را.

و نیز می‌فرماید: آن کس که نگران مرگ است در نیکوکاری شتاب می‌کند.

بمیرای دوست پیش از مرگ اگر می‌زندگی خواهی = که ادريس از چنین مردن بهشتی گشت پیش از ما، سوره واقعه، واقعه قیامت را صد در صد تأیید نموده و می‌فرماید:

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (سوره واقعه، آیه ۱)

چون واقعه (قیامت) واقع شود.

لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ (سوره واقعه، آیه ۲)

در وقوع آن دروغی نیست.

(کلمه اذا به معنای اگر و آن هنگامی که موضوع حتمی است می‌آید).

هنگامی که واقعه قیامت واقع می‌شود و در آن هیچ دروغی نیست.

یکی از دلایل عدالت حق تعالی واقعه قیامت است چون عدالت در دنیا تا قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه یا تحقق پیدا نکرده، و نمیکند. و یا اگر در شرف تحقق بوده مردم تاب تحمل آن را نداشته‌اند.

در دوزخ نوزده دربان وجود دارد که از دوزخیان، آمدن پیامبران را سؤال می‌کنند که مگر پیامبران نیامدند و شما را هدایت نکردند، دوزخیان گویند چرا آمدند ولی ما گوش نکردیم.

دربهای دوزخ:

دوزخ هفت درب دارد که عبارتند از:

درب اول:

خوف، رجاء، غرور (که این کلمات بالای درب اول نوشته شده است) یعنی کسی که امید به رحمت خدا داشته باشد سعادت‌مند است و کسی که از رحمت خدا به دور باشد بدبخت است.

درب دوم:

بدون جامه، تشنگی و گرسنگی، کسی که می‌خواهد در قیامت عریان نباشد برهنگان را بپوشاند و کسی که می‌خواهد تشنگی قیامت به او فشار نیارد تشنه‌ای را برای خدا سیراب کند و کسی که می‌خواهد گرسنه نباشد گرسنگان را سیر کند.

درب سوم:

خدا لعنت کند دروغگویان را. خدا لعنت کند بخیلان را. خدا لعنت کند ستمگران را.

درب چهارم:

خدا لعنت و ذلیل کند کسی را که می‌خواهد اسلام را ذلیل کند، خدا لعنت کند کسی را که می‌خواهد اهل البیت را ذلیل کند، خدا لعنت کند کسی را که کمک به ظلم می‌کند.

درب پنجم:

کسی که اطاعت از نفس خود می‌کند و هر قدر بیشتر از هوای نفس اطاعت کند، ایمان او کمتر شود، کسی که کمک به ظلم نماید (همانند ظالم خواهد بود).

درب ششم:

جهنم برای سه کس حرام است:

- ۱ - افرادی که نماز شب می‌خوانند.
- ۲ - صدقه دهندگان در راه خدا.
- ۳ - روزه‌داران در راه خدا.

درب هفتم:

شامل :

- ۱ - «حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا» خودتان حساب خودتان را بکنید قبل از اینکه به حسابتان رسیدگی کنند.
 - ۲ - خودتان بنشینید و خودتان را ملامت کنید قبل از اینکه شما را ملامت کنند.
 - ۳ - قبل از اینکه قیامت پیش بیاید و نتوانید دعا کنید دست از دامن کبریایی خدا بر ندارید.
- امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: کسی که دنیا را به خاطر آخرت و یا آخرت را به خاطر دنیا ترک کند از ما نیست.
- قال علی علیه السلام: «کن لدنیا تعیش ابدًا وکن لآخره تموت غدا».
- حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: در دنیا طوری زندگی کن که همیشه جاوید خواهی ماند و برای آخرت آن چنان آمادگی داشته باش که فردا خواهی مرد.

دربهای بهشت:

دربهای بهشت، هشت درب است که بالای هر درب، کلمه طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله و علی ولی الله نوشته شده

علامات اهل بهشت شش صفت زیر است:

- ۱ - کسانی که صورتشان خوش سیما و نمکین (بشاش) باشد.
- ۲ - کسانی که زبان آنها به ذکر مشغول باشد.

۳ - کسانی که دارای قلب خاشع (و فروتن) باشند.

۴ - کسانی که همیشه نمازشان را بخوانند.

۵ - کسانی که همیشه روزه کامل بگیرند. (روزه دست و زبان و چشم و دل).

۶ - کسانی که هر کس را ملاقات می‌کنند سلام می‌کنند. (مگر افراد متظاهر به فسق و گناه).

آنچه از روایات به دست می‌آید محشر و جهنم در همین دنیا است و بهشت در آسمانهاست.

تا یکی در خواب غفلت خفته‌ای بیدار شو= کس نماند از یاورانت در جهان، هشیار شو =جملگی رفتند از عالم تو هم در کار شو=ای دل از دنیای فانی یک دمی بیزار شو= گر چه قارون گنج و مالت باشد از اندازه دُر= چون سلیمان حکمران باشی تو بر هر خشک و تر بیدار شو= در شجاعت گر شوی چون رستم ابن زال زر= چاره‌ای نبود بیاید رفت از این عالم به در بیدار شو= هیچ دانی کس نماند از همکسانت در جهان= شو مصمم می‌روی جانا تو همچون دیگران بیدار شو = بار خود بر بند بر اشتر نشین تا ساربان= آید و راند تو را با اشتران کاروان بیدار شو= گیر عبرت ز آنکه در شب، خرم و خندان بود= بامدادان مرده، و اهلش بر او گریان بود بیدار شو= جان من بنگر، بین مرگ این چنین آسان بود= هر که غافل باشد از مردن نه او انسان بود بیدار شو= ای عزیزم عاقبت باید روی این راه را= چاره نبود غیر مردن گر بیابی گاه را بیدار شو = با رفیقان شو تو خندان، دور کن اکراه را= کن تکبر دور، تا عقبی بیابی جاه را= روی بنما با تواضع بر خداوند کریم= هر کجا رو آوری گو نام رحمان و رحیم = از صداقت بندگی بنما به حق بی خوف و بیم= تا که در محشر، نگردی در تف نارش مقیم، منقول من کتاب لباب الالباب: «جاء رجل الى نبي صلى الله عليه و آله فقال اتاذن لي او اتمني الموت، فقال صلى الله عليه و آله الموت شيء لا بد فيه و سفير طويل ينبغي لمن اراده ان يرفع عشر هدايا فقال و ما هي قال صلى الله عليه و آله هديه عزرائيل، و هديه القبر و هديه لمنكر و نكير و هديه الميزان و هديه الصراط و هديه مالک و هديه الرضوان و هديه النبي صلى الله عليه و آله و هديه الجبرئيل و هديه الله تعالى».

نقل است از کتاب لباب الالباب: مردی خدمت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسید. پس گفت: آیا اجازه می‌دهید من آرزوی مرگ کنم. پس حضرت فرمودند: مرگ چیز است اجتناب ناپذیر و سفری است طولانی، شایسته نیست برای کسی که چنین چیزی اراده بکند مگر اینکه ده هدیه قبلا بفرستد. پس آن مرد گفت آنها چیست؟ حضرت فرمودند: هدیه برای عزرائیل، هدیه‌ای برای قبر، هدیه‌ای برای نکی و منکر و هدیه‌ای برای میزان و هدیه‌ای برای صراط و هدیه‌ای برای مالک جهنم و هدیه‌ای برای مالک بهشت و هدیه‌ای برای نبی صلی الله علیه و آله و هدیه‌ای برای جبرئیل و هدیه‌ای برای خداوند متعال.

«اما هديه عزرائيل فاربعة اشياء: رضاء الخصماء، و قضاء الفوائت، و آالشوق الى الله و التمني للموت».

اما هدیه عزرائیل چهار چیز است:

اشاره

۱ - رضایت آنانکه به آنها ظلم کرده‌ای.

۲ - به جا آوردن آنچه از واجبات فوت شده است.

۳ - اشتیاق داشتن به طرف خداوند.

۴ - آرزوی مرگ داشتن.

«هدیه القبر اربعة اشياء: ترك النيمه، و استبراه من البول و قراؤه القرآن و صلوة الليل».

هدیه قبر چهار چیز است:

۱ - ترك سخن چینی.

۲ - استبراء از بول.

۳ - قرائت قرآن.

۴ - نماز شب.

«هدیه منکر و نکیر اربعه اشياء: صدق اللسان و ترك الغيبة و قول الحق و التواضع لكل واحد».

هدیه نکیر و منکر چهار چیز است:

۱ - ترك سخن چینی.

۲ - ترك غیبت.

۳ - گفتن حق.

۴ - تواضع برای هر کس.

«هدیه المیزان اربعه اشياء: كظم الغیظ و ورع صادق و المشی الى الجماعات و الداعی الى المقولات».

هدیه میزان چهار چیز است:

اشاره

۱ - خشم خود را فرو بردن.

۲ - ورع و تقوای صادقانه داشتن.

۳ - رفتن به طرف جماعتها (نماز جماعتها).

۴ - پیوسته طلب مغفرت داشتن.

«و هدیه الصراط اربعه اشياء: اخلاص العمل و حسن الخلق و كثرة ذكر الله و احتمال الاذکاء».

هدیه صراط چهار چیز است:

۱ - خلوص در عمل.

۲ - خوش خلقی.

۳ - زیاد یاد خدا بودن.

۴ - همت داشتن در ذکرهای خداوند متعال.

«هدیه المالك اربعه اشياء: البكاء من خشية الله و صدقة السر و ترك المعاصی و بر الوالدین».

هدیه نگهبان بر جهنم چهار چیز است:

۱ - گریه از عظمت الهی.

۲ - صدقه مخفی دادن.

۳ - ترك گناهان.

۴ - خوبی و احسان به والدین.

«هدیه الرضوان، اربعة اشياء: الصبر على المكاره و الشكر على النعمة و انفاق المال فى طاعته و حفظ المائنة فى الوقف».

هدیه نگهبان بهشت چهار چیز است:

- ۱ - صبر بر مصائب.
 - ۲ - شکر بر نعمت.
 - ۳ - انفاق مال در طاعت.
 - ۴ - حفظ امانات در امور وقف.
- «هدیه النبى صلى الله عليه و آله اربعة اشياء: محبته و القتداء سنته و محبته اهل البيته و حفظ اللسان عن الفحشاء».

هدیه حضرت رسول اکرم صلى الله عليه و آله چهار چیز است:

- ۱ - دوستی و محبت او.
 - ۲ - به سنت وی عمل نمودن.
 - ۳ - محبت اهل البيت را داشتن.
 - ۴ - حفظ زبان از فحشاء (گناه).
- «هدیه جبرئیل اربعة اشياء: قلۀ الكل و قلۀ النوم و مداومۀ الحمد و ...».

هدیه جبرئیل چهار چیز است:

- ۱ - کم خوردن.
 - ۲ - کم خوابیدن.
 - ۳ - تداوم حمد.
 - ۴ - در روایت نیامده، احتمالاً کم گفتن است.
- «هدیه الله تعالى اربعة اشياء: الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و النصيحة الخلق و الرحمة على كل احد».

هدیه خداوند متعال چهار چیز است:

- ۱ - امر به معروف.
- ۲ - نهی از منکر.
- ۳ - نصیحت خلق.
- ۴ - رحمت بر کل مردم (خیرخواهی). این جهان همچون درخت است ای گرام ما بر او چون میوه‌های نیم خام سخت گیرد خامها مر شاخ را چونکه خامی در نشاید کاخ را چون پخت و گردید لب گران سست گیرد شاخها را بعد از آن سخگیری و تعصب خامی است تا جینی کار خون آشامی است قول دیگر با تو باید گفتنش با تو روح القدس گوید نی منش. اشعار مذکور مراحل تکامل انشان را تذکر می دهد. وقرآن کریم درسوره توبه آیه یکصد و پنج میفرماید: وقل اعلمو فسیری الله عملکم ورسوله والمؤمنون، وستر دون الی عالم الغیب والشهادة فینبئکم بما کنتم تعملون. و بگوبه خلق، که هر عملی کنید، خدا بشما می نمایاند. وهم رسول ومؤمنان (ائمہ اطهار) بر آن آگاه میشوند، آنگاه بسوی خدائی دانای، عوالم غیب وشهود باز خواهید گشت تا شمارا به جزای

اعمالتان برساند .

روح و روان :

و يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (سوره اسراء، آیه ۸۵)

و از تو در باره روح می‌پرسند، بگو روح از (عالم) امر پروردگارم است، و شما را از علم آن جز اندکی نداده‌اند.

در اندرون من خسته دل ندانم کیست= که من خموشم و او در فغان و غوغاست= در جامعه کنونی علوم زیادی پا به عرصه وجود گذاشته و لمس آن برای بشریت جزء امور ضروری زندگی به شمار می‌آید. ولی در مورد روح و روان انسان، هر چه بیشتر مطالعه شود کمتر نتیجه می‌گیرند.

دانشمندان این علم پس از مطالعات فراوان، روان انسان را به روان کاوی و روان پزشکی تقسیم نموده‌اند و یکسری تئوریهایی هم داده‌اند مثلاً از نظر روانی کسی که قولش با عملش نمی‌خواند و چیزی را که به آن معتقد نیست می‌خواهد به زبان بیاورد سیمهایش قاطبی شده و تویق می‌زند و یا اینکه دچار تناقض گویی می‌شود که در روایات اسلامی داریم شخص دروغگو کم حافظه است و حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: دروغ مگویند حتی به شوخی. فلسفه آن هم همین است که همیشه حقیقت را بگوییم ولو به ضررمان باشد، چون بلای خرابی روانمان از سودی که از دروغ عاید مان می‌شود به مراتب بیشتر است.

عدم برنامه ریزی در خانواده و جامعه و نامناسب بودن شغل، یا محیط شغلی انسان و نامطلوب بودن وضع اقتصادی و فرهنگی باعث فشارهای روحی و روانی می‌شود.

ضعف اعصاب داشتن، یا روانی شدن، افراد جوامع را مبتلا به سکنه، یابیماری صنعت می‌کشاند زیرا مشغله‌های جور و ناجوری که مردم برای خود تهیه می‌کنند، آنها را از واقعیت و عواطف زندگی دور می‌کند، ولی از طرف دیگر موقعیت جهانی طوری است که نمی‌توان بدون کمک دیگران تمام مایحتاج زندگی خود را برطرف نمود. لذا برای موفقیت در کارها باید برنامه‌ریزی کوتاه مدت و طویل‌المدت داشت و با تأمل و صبر و بردباری به اهداف دنیا و آخرت رسید. اخلاق نیکو داشتن و خوش برخورد بودن و در عین حال دوستان کمتر و خوبی انتخاب کردن در روحیه انسان موثر است، به قول حافظ:

چه خوش است هم زبانی و حریف نکته دانی= که سخن نگفته باشد به سخن رسیده باشد= از افراد ناباب و کج خلق و ماتم گرا (یو بث) در حد امکان دوری کنید.

چون روح و جسم با یکدیگر عجین هستند بنابراین به موازات اینکه احتیاجات جسمی خود را برطرف می‌کنیم، بایستی احتیاجات روحی خود را هم از طریق دعا و عبادت و مجلس انس داشتن و تفریحات سالم و مسافرت و ورزش و تفریح تقویت نماییم. شنا در آب سرد یا کوهنوردی یا دوندگی و پیاده‌روی در کنار آب و جاهای خوش منظره، در روحیه ما بی نهایت موثر است. استراحت به اندازه و کار به اندازه و خوراک به اندازه در اعتدال روحیه ما موثر است.

معمولاً کسانی از روحیه و اعصاب خود شکایت دارند که یا ناموفق بوده‌اند و یا در نیل به هدف به شکستگی رسیده‌اند چه بسا در اثر ضعف ایمان اقدام به خودکشی خواهند کرد.

الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (سوره رعد، آیه ۲۸)

همان) کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، بدانید که با یاد خداست که دل‌ها آرام می‌گیرد.

البته قبول داشتن خدا، با باور کردن فرق می‌کند و بدون شک منظور از آیه، باور داشتن ذکر خداست. زیرا در این صورت است، بقیه دستورات خداوند را که در قرآن و دستورات پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام را شامل می‌شود، و باید تصمیم به انجامش داشت. مثلاً یکی از آنها نوافل است که مهمترین آنها نافله شب است. به طوری که خداوند قسم یاد می‌کند به شب آن هنگامی که قرار می‌گیرد یعنی دیگر مشغله و برخوردهای دورویی یا صدرویی و مزاحمت‌های دیگران نیست، و بجاست که بگوییم زمان نماز

شب ساعت مانور بنده است در برابر قدرت الهی و سفره‌ایست که تا قبل از اذان صبح پهن است و بعد از اذان جمع می‌شود اگر چه سفارش شده در صورت غفلت، قضای آن را به جا آورید. البته باید با حضور قلب باشد نه تعجیل، اگر دو رکعت آن باشد. در دوره آخر الزمان به علل تهدیدات نظامی ابر جنایتکاران و بالا-رفتن آمار دزدیها، جنایات و سوانح و کلاه برداری و هزاران مطلب دیگر، فکرها مشوش می‌شود و از حالت فرمان خود منحرف شده و این عوامل با شدت تمام به نگرانی و ضعف اعصاب اشخاص منجر شده که بهترین درمان مأنوس بودن با آیات قرآنی و احادیث و اخبار است و کسی که راضی به رضای خداست، حرص و طمع و بخل و حسد و کینه ندارد و خود را از رذائل اخلاقی پاک و به صفات الهی مزین می‌کند. لذت را در عبادت و شب بیداری و راز و نیاز و زیارت و دعا و ثنا و خوشی خود را در خوشی دیگران می‌یابد.

خدا را بر آن بنده بخشایش است= که خلق از وجودش در آسایش است= کسی نیک بیند به هر دو، سرای= که نیکی رساند به خلق خدای= از امام هشتم حضرت رضا علیه السلام در کتاب کافی روایت شده است که انسان به حقیقت ایمان نمی‌رسد تا اینکه صفتی از خداوند و صفتی از انبیاء و صفتی از ائمه اطهار داشته باشد و اما صفتی که باید از خداوند متعال کسب کنیم ستار العیوب بودن است و صفتی که بایستی از انبیاء کسب کنیم صبر و بردباری است و آنچه بایست از ائمه اطهار کسب کنیم. مدارا کردن با مردم است که گفته‌اند: مداراة الناس نصف الايمان و در مورد بعضی افراد باید همچنانکه از حیوان وحشی و درنده فرار می‌کنید باید از افراد احمق فرار کرد.

در روایات اشاره شده است کسی که در صدد عیب‌جویی دیگران است و دائم مترصد این است که بر عیب دیگران انگشت گذارد و به قول معروف پیراهن عثمان کند، اگر چه هزاران حسن هم داشته باشند، به پریشانی مبتلا می‌شود، لذا دستور قرآن است که در کارهای دیگران تجسس نکنید. رعایت این دستور الهی به همان اندازه سودمند روان انسان است که تعبیر آیه: یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا و اشربوا و لا تشرّفوا انه لا یحبّ المشرّفين (سوره اعراف، آیه ۳۱) ای فرزندان آدم زینت (پوشاک) خود را در هر مسجد بگیرید و بخورید و بیاشامید ولی اسراف مکنید چرا که او اسرافکاران را دوست ندارد.

شخصی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسید و از ایشان دستوری مفید و مختصر خواست. حضرت فرمودند: لا تغضب (خشمگین مشو) و در روایات دیگر آمده است اگر ایستاده‌اید جهت فرو نشاندن آتش خشم خود بنشینید و اگر نشسته‌اید بخوابید و اگر ایستاده‌اید و برایتان مقدر نیست راه بروید و در مورد ارحام باید تماس بدنی ایجاد کرد، تا خشم فرو بنشیند. به تجربه ثابت شده است افرادی که راضی به نامالایمات زندگی دیگران هستند پیوسته زندگیشان ناملایم و ملال‌آور خواهد بود، لذا اینکه گفته‌اند هر کس آب قلب خودش را می‌خورد چندان بی ربط نیست:

«نیت المؤمن خیر من عمله و نیت الکافر شر من عمله» (نیت مؤمن از عملش بهتر است و نیت کافر از عملش بدتر است).

اولین وظیفه این است که مراقبت از جسم و روانتان داشته باشید و دستورات شرعی و بهداشتی را دقیقاً به انجام برسانید در خوردن غذا، هر چه قدر خوشمزه و مورد علاقه شما باشد افراط نکنید.

میوه و سبزی را از غذای روزانه خود حذف نکنید، غذای خیلی چرب نخورید، ورزش و تحرک روزانه خود را ترک نکنید، از خواب خود زیاد نگاهید. بیش از حد کار نکنید و زندگانی خود را طوری تنظیم کنید که در معرض فشار روانی قرار نگیرید.

مسائل و مشکلات را یک فرد، شخصاً برای خودش فراهم می‌کند و کسی او را مجبور به یک ازدواج نامناسب و یا انتخاب شغلی که مورد علاقه و منطبق استعدادهای او نباشد نمی‌کند. به او نمی‌گویند که بیش از امکانات مالی اش مقروض شود. به او توصیه نمی‌شود که دروغ بگوید، بلوف بزند، و بعداً شرمنده شود. وعده بدهد و آن را نقض کند.

این لغزشهای کوچک به تدریج مسائل روانی بزرگ را پدید می‌آورد و خوشی و لذت را از فرد سلب می‌کند و یک بی‌قراری و ناآرامی دائمی را همانند خوره به جان او می‌اندازد و قدرت شادی کردن و شاد زیستن را از او می‌گیرد.

انتخاب همسر، شغل و محل سکونت در دست خود فرد است و تصور نمی‌کنم قبل از استقلال و تشکیل خانواده آن را به کسی تحمیل کنند. اگر یک برنامه‌ریزی صحیح در زندگانی داشته باشید و با چشم باز همسر، کار، خانه (خوب و بهداشتی) را برای خود تهیه کنید و اتومبیلی که در دسرد ندارد بخرید و برای فرزند داشتن هم برنامه تنظیم کنید (در صدد دختر یا پسر بودنش نباشید چون بشر دخالتی در آن ندارد) آن وقت هرگز ناراحتی خیال نخواهید داشت. سالم باقی خواهید ماند و از عمر خود لذت خواهید برد. باید مدیر زندگانی خود باشید و همانند یک مدیر لایق برای هر کار آتی، برنامه‌ریزی کنید و این برنامه‌ها را دقیقاً به اجرا در آورید. از اعتیادهای زیان‌آور پرهیزید، هر اعتیادی ولو کوچک و کم اهمیت فرد را اسیر و برده خود می‌کند و استقلال او را متزلزل می‌سازد. بکوشید تا عصبی نشوید، اعتدال و میانه‌روی را از دست ندهید. آز رابه خود راه ندهید. همسر و فرزند یا فرزندان و هنر و مهارت خود در کار را، بزرگترین موفقیت بدانید و همین‌ها را که سلب نشدنی نیستند اساس قرار دهید. از هر گونه اعتیادی دوری کنید. اینها مایه سالم زیستن هستند و همه آنها هم در دست و حیطه قدرت خود شماست. با تفکر بر همه مسائل زندگی می‌توانید فائق آئید. این مسائل زیاد به شرایط محیطی که در آن زیست می‌کنید ارتباط ندارد.

همیشه در صدد کمال معنوی و کمال مادی باشیم و این دو مورد را بر هم ترجیح ندهیم. کمال مادی یعنی مفید بودن برای خود و خانواده و شهر و مملکت و جهان از نظر امور مادی شامل تکنیک، هنر و تجارت و کمال معنوی آن است که به بندگان خالص خدا اقتدا کنیم که در صدر آنان، ائمه اطهار علیهم السلام هستند. در این بحث اگر چه مقداری هم وارد امور دیگر و سلامت تن شدیم ولی بنظر حقیر: «ما حکم به العقل حکم به الشرع». هر آنچه عقل سلیم آن را تأیید نماید شرع هم آن را تأیید خواهد کرد. تأثیر گناه در دنیا و آخرت:

گناه ذلال دل و صفای روح را از بین می‌برد، کسی که مثلاً بخل می‌ورزد در حقیقت به خدا بد گمان است و می‌ترسد از اینکه اگر ببخشد، جای آن پر نشود. در صورتی که قرآن می‌فرماید:

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (سوره انعام، آیه ۱۶۰)

کسی که کار نیکی پیش آورد، ده چندان آن پاداش دارد، و هر که کار بدی پیش آورد، جز همانند آن کیفر نیابد، و بر ایشان ستم نرود.

کسی که یک کار خوب انجام دهد ده برابر به او پاداش خواهیم داد و این پاداش به طور مطلق است. (یعنی هم در دنیا و هم در آخرت).

آنکه تو را توشه ره می‌دهد=از تو یکی خواهد و ده می‌دهد=کسی مرتکب گناه می‌شود که خداوند متعال را ناظر خود نمی‌داند و یا به نسیان مبتلا شده (فراموشی) و یا قیامت را فراموش می‌کند. لذا در مورد معصومین که معتقدیم نه تنها گناه نمی‌کنند بلکه فکر گناه را هم نمی‌کنند و آن به علت تداوم حضور خداوند و تجسم اعمال در زندگی آنان است.

تا جایی که از انجام گناه متنفر شده و آن چنان که از مردار و اجسام متعفن بیزاریم آنان از گناه گریزانند.

گناه هر چه باشد چه صغیره و چه کبیره در حد خود صیقل روح را مکدر می‌کند و هر چه گناه سنگین‌تر شود تأثیر آن بر زندگی حتی چهره انسانها مشهودتر خواهد شد.

مگر کسانی که خداوند آنها را به علت کثرت گناهان به خودشان واگذار نموده و همانند کرم ابریشم به دور خود می‌تنند که منجر به نابودی خود خواهند شد و این در مورد کفار و منافقینی که از نظر مادی وضع خوب و حتی از نظر پست و مقام دنیوی مقام شامخی هم دارند ولی همه اینها همانند حباب و کف روی آب دریاست که پس از تلاطم دریا محو و نابود می‌شوند.

گناه همانند صفات رذیله دیگر از کم شروع می‌شود و به حداکثر خود خواهد رسید لذا یکی از گناهان بزرگ، کوچک شمردن گناه است اگر چه صغیره باشد زیرا تکرار آن منجر به انجام گناه کبیره خواهد شد نقطه مقابل گناه، تقوی است که آن باعث

گره‌گشایی کارهای دنیوی و آخرتی خواهد شد.

داناترین، عالمترین و با ذکاوت‌ترین و زرنگترین افراد، آنهایی هستند که از انجام هر گناهی سر باز می‌زنند و سعی و کوشش خود را در هر کار با معیار شرع تطبیق نموده و هر کجا چراغ زرد یا قرمز است توقف نموده و تنها در مواردی که چراغ شرع سبز است اقدام به انجام آن کار می‌کنند، ظلم گناهی است که خداوند انتقام آن را در دنیا و آخرت می‌گیرد و یا کسی که حق الناس کرده و مالی یا حقوقی را چپاول کرده گرچه حق مردم را باید پردازد در عین حال باید از عمل خود هم توبه نماید چون نافرمانی از فرمان خدا نموده است. لذا دو حق وجود دارد حق الناس و حق الله. بعضی مواقع گناه ناشی از عصیان یا نسیان است که در هر حال مذموم است انجام گناه سدی است برای اجابت دعا که مولای متقیان علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

به علل زیر دعاهای شما مستجاب نمی‌شود:

- ۱ - خدا را شناخته‌اید ولی حق او را شناخته‌اید.
- ۲ - پیامبر را شناخته‌اید ولی به دستورات او عمل نکرده‌اید.
- ۳ - کتاب خدا (قرآن) را می‌خوانید ولی به آن عمل نمی‌کنید.
- ۴ - از کیفر خدا می‌ترسید ولی همواره کارهایی می‌کنید که کیفر خدا را به دنبال دارد.
- ۵ - به پاداش خدا امیدوارید ولی عملی که رضایت خدا در آن باشد انجام نمی‌دهید.
- ۶ - حق نعمتهای خدا را اداء نمی‌کنید. (که کمترین حق نعمت آن است که نعمت را در جهت خودش استفاده کنید نه سوء استفاده).

۷ - باید دشمن شیطان باشید ولی از او اطاعت می‌کنید.

۸ - شما عیوب مردم را بر ملا می‌سازید و عیوب خود را فراموش کرده‌اید. مردم را ملامت می‌کنید و حال آنکه شما مستحق سرزنش هستید، تقوا داشته باشید تا دعاهای شما مورد اجابت قرار بگیرد.

با رعایت موارد فوق باز اگر دعای انسان اجابت نشد، نباید ناراحت شد، چون حقیقت ایمان و یقین، آن موقع حاصل می‌شود که به آنچه بر وفق مراد انسان است و آنچه مخالف میل انسان است راضی باشیم و همانند امام حسین علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام بگوییم: «رضا بقضائک» راضی به پیش آمد الهی هستم. زیرا بعضی مواقع با شرایط فوق دعایی کرده می‌شود ولی مستجاب نمی‌شود حتماً مصلحتی در کار است و در روایتی آمده است خداوند دعاهایی که از مؤمنین می‌شود، بنا به مصالحی قبول نکرده است. پس از این زندگی فانی آن چنان نعمتی به او خواهیم داد که می‌گوید ای کاش هیچکدام از دعاهایم در دنیا قبول نشده بود و اینجا ثواب می‌دیدم.

بهترین تعریف تأثیر گناه را از دعای کامل که از قول مبارک مولی الموحدین علی بن ابی طالب علیه السلام است باید استخراج کرد که فراهایی از آن چنین است:

اللهم اغفر لی الذنوب التي تهتك العصم. اللهم اغفر لی الذنوب التي تنزل النقم.

خداوندا بیامرز گناهی را که پرده‌ها را بالا می‌زند - رسوا می‌کند - خداوندا بیامرز گناهی را که نغم و بدبختی را نازل می‌کند.

اللهم اغفر لی الذنوب التي تحبس الدعاء. اللهم اغفر لی الذنوب التي تقطع الرجا.

خداوندا بیامرز گناهی را که حبس می‌کند دعا را. خداوندا بیامرز گناهی را که امیدواری را قطع می‌کند.

اللهم اغفر لی كل ذنب اذنبته و كل خطيئة اخطأتها.

خداوندا بیامرز مرا از هر گناهی که انجام داده‌ام.

و بایستی اثر وضعی هر گناه را در نظر گرفت و از آن به عنوان یک سم مهلک پرهیز نمود که چند فراز آن از قول معصومین به قرار زیر است:

قال علی علیه السلام: الفتن ثلاث: حب النساء و هو سیف الشیطان و شرب الخمر و هو فخر الشیطان و حب الدنیا و الدرهم و هو سهم الشیطان.

گرفتاری انسان در سه چیز است: عشق به زنان که تیغ شیطان است، باده گساری که دام شیطان است و پول و دنیاپرستی که تیر شیطان است.

قال امیر المؤمنین علیه السلام: کم من شهوة الساعة او رثت حزناً طویلاً (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۱۴۱).

چه شهوترانی کوتاه و نامشروعی که مایه اندوه و غصه فراوان در روزگاری دراز می‌گردد.

تأثیر زنا، زلزله و طوفان است.

عدم پرداخت خمس و زکات، نابودی مال است.

ظلم در قضاوت و رشوه‌خواری (حق ضعیف پایمال نمودن) مانع بارندگی است.

عدم وفای به عهد موجب تسلط مشرکان می‌شود.

قطع رحم باعث کوتاه شدن عمر می‌گردد.

عاق والدین باعث تباهی دنیا و آخرت می‌شود.

ترک نماز باعث فقر در دنیا و کوری در آخرت می‌شود.

عدم امر به معروف و نهی از منکر باعث تسلط جاهلان بر عاقلان می‌شود (خسران دنیا و آخرت).

قال النبی صلی الله علیه و آله : یا اباذر، لا تنظر الی صغر الخطیئة و لكن انظر الی من عصیت (بحار الانوار، جلد ۷۴، صفحه ۷۷).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: ای ابوذر به کوچکی گناه و خطا نگاه نکن بلکه توجه کن از چه کسی نافرمانی کرده‌ای.

قال علی علیه السلام: اتقوا المعاصی فی الخلوات فان الشاهد هو الحاکم (غرر الحکم، جلد ۱).

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: پرهیزید از گناه کردن در پنهان، زیرا شهادت دهنده همان حاکم (خداوند) است.

بعضی از گناهان اثر وضعی بر روی گناه کننده است، بعضی از آنها بر روی خانواده و بعضی بر روی اجتماع یا کشور یا جهان

است. لذا عقوبت و جبران آنها شدت و ضعف دارد و در بعضی مواقع جبران ناپذیر است که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

کسی که دروغ نمی‌گوید برایش فرقی نمی‌کند مصلحتی در کار باشد یا نباشد. امیر المؤمنین حتی از دروغ مصلحتی هم در امر

خلافت اجتناب کردند ..

و کسی که قطع رحم می‌کند یا کسی که علاوه بر قطع رحم ایذاء هم دارد مطمئن باشد که در طول عمر و چگونگی زندگی

دنیایش موثر خواهد بود و در هر صورت عمرش در دنیا کوتاه می‌شود و از معصوم نقل است که از قاطع رحم پرهیز. (شاید بلایی

نازل شود بر او و شما را هم شامل شود).

کسی که پدر خود را اگر چه کافر هم باشد بکشد جوانمرگ خواهد شد.

یا معشر المسلمین، ایاکم و الزنا فان فیه ست خصال: ثلاث فی الدنیا و ثلاث فی الاخرة فاما التي فی الدنیا: فانه یدهب بالبهاء و یورث

الفقر و ینقص العمر و اما التي فی الاخرة فانه یوجب سخط الرب و سوء الحساب و الخلود فی النار (خصال، جلد ۱، صفحه ۳۲۰،

چاپ قم).

ای مسلمانان، پرهیزید از زنا که شش نتیجه بد برای انسان به جا می‌گذارد: سه تای آنها مربوط به دنیاست و سه تای دیگر مربوط به آخرت است. اما سه تای دنیا:

۱ - انسان را بی بها و بی ارزش می‌کند.

۲ - انسان را تهی دست می‌گرداند.

۳ - عمر انسان را کوتاه می‌سازد.

اما سه تای آخرت:

۱ - موجب غضب خداوند می‌شود.

۲ - موجب بدی حساب اعمال در آخرت می‌شود.

۳ - جای انسان همیشه در آتش خواهد بود.

تأثیر ربا و نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله :

قال علی علیه السلام: لعن رسول الله الربا و آكله و بايعه و مشتریه و كاتبه و شاهده (وسائل الشیعه، جلد ۱۳، صفحه ۴۳۰).
امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله لعن و نفرین فرموده‌اند ربا و رباخوار و فروشنده و خریدار و نویسنده و شاهد ربا را.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله : یأتی علی الناس زمان لا یبقی احد الا اکل الربا فان لم یأكله اصابه من غباره. (مجمع البیان، جلد ۲، صفحه ۳۹۰).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی بر مردم بیاید که باقی نماند احدی جز اینکه ربا بخورد و اگر هم ربا نخورد گرد و غبار ربا و گناه آن دامنگیرش شود.

قال النبی صلی الله علیه و آله : من کل الربا ملا لله بطنه نار جهنم بقدر ما اکل، فان کسب منه ما لا لم یقبل الله شیئاً من عمله و لم یزل فی لعنة الله و ملائكة مادام معه قیراط. (بحار الانوار، جلد ۱۰۰، صفحه ۱۲۰).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: خداوند شکم ربا خوار را از آتش جهنم پر می‌کند به همان اندازه که ربا خورده است، و اگر ربا خوار از ربا سودی ببرد، خداوند هیچ چیز از اعمالش را نمی‌پذیرد و رباخوار مادامی که مبلغ ناچیز از پول ربا در نزد او باشد، پیوسته مورد لعن و نفرین خدا و فرشتگان خواهد بود.

در فرازهایی از دعای ابو حمزه ثمالی حضرت سجاد علیه السلام تأثیر گناه را چنین می‌فرمایند:

لم یکلنی الی الناس فیهیونی (خداوندا مرا به سوی مردم وانگذار تا مرا خوار گردانند).

بنابراین جزای اینکه انسان امیدش به غیر خداوند باشد خواری و ذلت است (مردم تنها وسیله‌اند).

وجدتني فی مقام الکاذبین فرضنی اولئک رأیتنی غیر شاکر لنعماتک ... (و مرا در جایگاه دروغگویان یافته‌ای پس کنارم زدی - یعنی از ولایت خودت خارجم کردی - این تأثیر دروغ است یا شاید دیدی که نعمت‌هایت را شکرگزار نیستم پس محروم ساختی یا شاید که تو مرا در مجالس دانشمندان نیافتی پس به حال خودم گذاشتی یا شاید تو مرا در زمره غافلانم دیدی پس از رحمت خویش رهایم کردی یا شاید مرا که با مجالس بطالت، انس گرفته‌ام دیدی پس میان من و آنان را بی مانع ساختی ...).

سیدی اخرج حب الدنيا من قلبی واجمع بینی و بین المصطفی و آله خیرتک من خلقک و خاتم النبیین محمد صلی الله علیه و آله .

(ای آقای من محبت دنیا را از قلبم بیرون کن، میان من و میان مصطفی و آلش که بهترین آفریدگانت هستند و خاتم پیامبران محمد صلی الله علیه و آله را جمع کن).

این موارد برای راهنمایی ما می‌باشد و ایشان علاوه بر اینکه جزء خاندان پیامبر هستند، امام و دارای مقام عصمت می‌باشند ولی تأثیر هر گناه را مشخص نموده‌اند که در ادامه دعا امید به عفو رحمت الهی را توضیح می‌دهند ...

شخصی خدمت حضرت صادق علیه السلام مشرف شده و ابراز فقر می‌کند و می‌گوید هر چه می‌کنم از فقر نجات یابم میسر نمی‌شود و دعایم مستجاب نمی‌شود. حضرت پرسیدند: آیا نشسته شلوار می‌پوشی؟ آن شخص جواب می‌دهد: خیر. حضرت پرسیدند: آیا به رو می‌خوابی؟ می‌گوید: خیر. حضرت پرسیدند آیا ایستاده بول می‌کنی؟ می‌گوید: خیر. حضرت می‌پرسد: آیا استبراء می‌کنی؟ شخص می‌گوید: بله. حضرت می‌پرسند: پدر و مادرت در دنیا هستند یا از دنیا رفته‌اند؟ می‌گوید: از دنیا رفته‌اند. حضرت می‌پرسند: آیا خیرات برای آنها می‌دهی تا موجبات مغفرت آنها را فراهم کنی؟ جواب می‌دهد: خیر. حضرت می‌فرمایند: علت همین امر است، آن شخص مراعات نمود و غنی گردید.

نکته جالب توجه این است که حضرت به اموری که مکروه است یا مستحب است اشاره می‌کنند و آن موارد عامل فقر است پس پناه بر خدا از گناه که از محرمات است.

نظام الهی طوری طراحی شده است که از یک کامپیوتری که ساخت بشر است دقیقتر عمل می‌کند و هیچ عملی هر چند کوچک باشد، بی‌اثر نخواهد بود.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (سوره زلزال، آیه ۷)

پس هر کس همسنگ ذره‌ای عمل خیر انجام داده باشد، (پاداش) آن را می‌بیند.

و مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (سوره زلزال، آیه ۸)

و هر کس همسنگ ذره‌ای عمل ناشایست انجام داده باشد، (کیفر) آن را می‌بیند.

در جای دیگر معصوم می‌فرماید: اگر می‌خواهی خدا دوستت بدارد تقوا داشته باش و اگر می‌خواهی مردم دوستت بدارند نماز اول وقت بخوان و اگر می‌خواهی مالت زیاد شود صدقه بده. (حتی در حال فقر) به هر حال انسان تا در دنیاست وقت بازگشتن از صفات رذیله به صفات حمیده را دارد و پس از یک توبه واقعی و گذراندن مرحله تخلیه و تحلیه خود را می‌تواند به مقام تجلیه و سپس به مقام عبودیت و بندگی برساند که فقط و فقط عبد خدا باشد، هیچ چیز در دلش نباشد جز خدا، برسد به آنجا که کردارش، گفتارش، افکارش برای خدا باشد و مصداق آیه: و مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (سوره ذاریات، آیه ۵۶) و جن و انس را جز برای آنکه مرا پرستند، نیافریده‌ام، باشد. (یعنی این انسان را برای نیل به مقام عبودیت خلق کردم). برای رسیدن به این هدف عالی علاوه بر قرآن (کتاب منزل) از کتاب صاعد که (مفاتیح) می‌باشد و روایات و احادیث چهارده معصوم علیهم السلام بایستی استمداد جست.

بیا و عشق حقیقی ز خود نما آغاز=حیله دست بردار و به دوستی پرداز.، هر آنکه ظلم کند، در عوض نیکی کن.، ز نیکی که کنی با کسان مکن ابراز.، سخی چون حاتم طایی کنی چون پیشه بسی.، بود به درگه یزدان همین عمل ممتاز.، خدای گفته به قرآن که رازق تو منم.، به پیش خلق مکن دست خویش تو دراز. مخور مال خلائق که نیست بر تو حلال.، قناعتی کن و با بیش و کم همیشه بساز.، سوار اسب سخن گرچه گشته‌ای شوقی.، عنان بگیر و در این سرزمین دو اسبه متاز (میرزا جواد شوقی)

چهل حدیث از حضرت محمد صلی الله علیه و آله

حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله در تاریخ ۱۷ ربیع الاول متولد شدند و در ۲۸ صفر سال دهم هجرت رحلت فرمودند (به شهادت رسیدند). مدت عمر شریف ایشان بر حسب ظاهر ۶۳ سال بوده است که از سن چهل سالگی به مسئولیت خطیر رسالت از طرف خداوند متعال برگزیده شدند و در مدت ۲۳ سال ابلاغ رسالت از هیچ کوشش و فداکاری و ایثار دریغ نمودند. لقب ایشان، مصطفی و کنیه ایشان ابوالقاسم، نام پدرشان عبدالله و نام مادرشان آمنه می‌باشد. قاتل ایشان زنی یهودی بوده که با زهر

ایشان را به شهادت رسانید. محل دفن مدینه در منزل ایشان می‌باشد.

ایشان شجره طیبه‌ای بودند که اهل البیت میوه آن و ما شیعیان از باقیمانده گِل آنها سرشته شده‌ایم (نقل از معصوم است که شیعتنا خلقوا من فاضل طینتنا). از طرف خداوند متعال چهارده دفتر به حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسید که متعلق به چهارده معصوم بود و حضرت رسول اکرم در زمان خود، دفتر خود را باز نمودند و آنچه مربوط به خودشان بود بنا به دستور خداوند متعال عمل نمودند و پس از خود دفاتر را به حضرت علی علیه السلام دادند و ادامه پیدا کرده تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه.

همزمان با تولد ایشان آتشکده زرتشتیان خاموش شده و سقف ایوان کسری فرو ریخت. پیامبر همچون معلمی بود فداکار که خود را وقف مردم کرده بود و برای هدایت بشر آن چنان جدیت داشت که خداوند متعال در قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (سوره اسراء، آیه ۲۹)

و دستت را (از شدت سخاوت) بر گردنت مبنده، و نیز بسیار گشاده‌اش مدار که ملامت زده و درمانده می‌نشینی.

معلم چو کانونی از آتش است، همه کار او سوزش و سازش است. همی سوزد از مهر و گرمی دهد، به سنگین دلان درس نرمی دهد، در طی بیست و سه سال رسالتشان از مال حضرت خدیجه علیها السلام تا جان خود ذره‌ای دریغ نکرده، هم و غم ایشان نجات بشریت از حیوانیت به کمال انسانیت بود.

در جامعه‌ای که آلوده به انواع گناهان، مانند بت پرستی، دزدی، غارت و زنده به گور کردن دختران و سایر گناهان بود، با رسالت خود انسانهایی را تربیت و به دنیای انسانیت معرفی کرد که اگر چه انسانند ولی از فرشته فراترند و هیچ مزد و پاداشی جز مودت (مزد رسالت) به خانواده خود را انتظار نداشت و می‌فرمود:

لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ (سوره شوری، آیه ۲۳).

برای آن کار از شما مزدی نمی‌طلبم، مگر دوستداری و پیروی در حق نزدیکان «اهل بیت».

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله چنانچه در آیه مباحله آمده است کسانی جز علی بن ابی طالب علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام، امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام نبودند که به اتفاق حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای مباحله با نصارای نجران حاضر شدند و نیز در حدیث کساء همین افراد بودند که تحت کساء جمع شدند و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را اهل بیت خود معرفی نمود آنجا که فرمود: «اللهم ان هولاء اهل بیتی و خاصتی...» (خداوند! همانا اینان اهل البیت و مورد توجه منند)

قبول نکردن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله همانند قبول نکردن حرکت زمین است به دور خود و به دور خورشید که اگر کسی چنین ادعایی کند دلیل بر بی سوادی و جهل است. آنچه قرآن پیروان خود را منع کرده، افتخار به سنتهای پدران است حال چه خوب باشد و چه زشت. چون شخصیت هر کس بستگی به رفتار خود شخص دارد و وراثت افراد انتخابی نیست بلکه تقدیر انسانهاست. یکی از اهداف حضرت محمد صلی الله علیه و آله مبارزه با تعصبات و افکار جاهلیت بود. (وراثت فقط زمینه را فراهم می‌کند ولی اراده، عمل انسان را).

به طوری که محمد ابوبکر را علی بن ابیطالب، فرمودند نگویید محمد بن ابوبکر، بگویید محمد بن علی، لذا کسی که از نظر وراثت والا و آدم خوبی نباشد گناه آن دو برابر است.

عربهایی که اگر خداوند دختری به ایشان عنایت می‌کرده چهره‌شان سیاه شده و نوعاً تصمیم به زنده به گور کردن آن می‌گرفتند و کمتر خواری دختردار بودن را تحمل می‌کردند.

پیامبر دختر را هدیه‌ای از طرف خدا معرفی کردند و فرمودند پدر و مادر نقشی در پسر یا دختر بودن فرزندشان ندارند بلکه:

«هو الذی یصورکم فی الارحام...» (سوره آل عمران، آیه ۶)

اوست خدایی که به تصویر می‌کشد در رحم مادران که پسر باشد یا دختر، یا هم پسر باشد هم دختر و یا هیچ کدام. مکتب اسلام برتری را در تقوا معرفی می‌کند نه جنسیت.

«ان اکرمکم عند الله...» (سوره حجرات، آیه ۱۳)

اهداف حضرت محمد صلی الله علیه و آله خارج از چند کتاب است و اگر بخواهیم خدمات ایشان را از طفولیت تا پایان عمرشان مکتوب نماییم در هر مورد کتابی باید عنوان نمود و از حوصله این مختصر نویسی به دور است و اینجانب خود را در ادای حق مطلب بسی کوچک می‌دانم لذا به سخنان آن بزرگوار که قطره‌ای از دریای معارفشان است بسنده کرده‌ام. حتی در ساعتهای آخر عمر مبارکشان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند قلم و کاغذ بیاورید که بعد از من گمراه نشوید و شیطان صفتان امتناع کردند و حتی گفتند: پیامبر صلی الله علیه و آله نعوذ بالله هذیان می‌گوید. پیامبری که قرآن ما می‌گوید:

«و ما ینطق عن الهوی...» (سوره نجم، آیات ۳ و ۴)

من از روی هوای نفس چیزی نمی‌گویم بلکه آنچه به من ابلاغ می‌شود می‌گویم.

هدف آنها چیزی جز محو کردن قضیه غدیر خم نبود، چون پذیرش رسالت مساوی بود با انتصاب خلافت امیر مؤمنان علی علیه السلام، تا جایی که خداوند فرمود: «و ان لم تفعل فما بلغت رساله...» (سوره مائده، آیه ۶۷) و پس از معرفی امیر المؤمنین علیه السلام

و در ادامه آیه است .

«الیوم اکملت لکم دینا...» (سوره مائده، آیه ۳)

آمده است که در همین حین یکی از منافقین به حضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت آیا این پیام از طرف خودت می‌باشد یا از طرف خداوند، اگر از طرف خودت می‌باشد قبول ندارم و اگر از طرف خداوند است آتشی بیاید مرا از بین ببرد و حضرت می‌فرماید جایی که من باشم عذاب نمی‌آید اگر مایلی، دور شو تا عذاب خداوند تو را بگیرد و آن شخص چون دور شد سنگی از سنگهای جهنم (تهاجر) آمده و او را متلاشی کرد.

در زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله روزی ایشان روی زمین خطی مستقیم کشیدند و خطوطی به خط اصلی وصل کردند و فرمودند بعد از من اتم فرقه فرقه می‌شوند (هفتاد و سه فرقه) و تنها یکی از آنها ناجی است و سپس نامهای ائمه را بردند تا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه رسیدند و فرمودند وی جهان را پر از عدل و داد می‌کند بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد و ای جابر تو فرزند پنجم مرا که به نام باقر است (شکافنده علم) درک می‌کنی و تو در کهولت سن خواهی بود، سلام مرا به او برسان و اینچنین شد.

یکی دیگر از نشانه‌های امام و جانشین وی آن است که بر امام قبلی خود نماز بخواند. لذا بعد از پیامبر علی بن ابیطالب و بعد از علی بن ابیطالب امام حسن علیه السلام و بعد از امام حسن، امام حسین علیه السلام و بعد از امام حسین علیه السلام، امام سجاد علیه السلام بر پدر بزرگوارشان نماز خواندند و امام محمد باقر بر امام سجاد و امام جعفر صادق بر امام محمد باقر و امام موسی کاظم بر امام جعفر صادق و امام رضا بر امام موسی کاظم و حضرت جواد الائمه (محمد تقی) با دوری مسافت تا مشهد به صورت طی الارض بر پیکر پاک و مطهر پدر بزرگوارشان نماز خواندند تا امام عسکری که برادرشان به نام جعفر کذاب چنین تصمیمی را داشت و حتی آماده برای نماز شده بود که جوانی آمد با صغر سن و گفت ای عمو من نسبت به شما در خواندن نماز بر پیکر پدرم مقدمترم و با گرفتن عبای جعفر او را به کنار کشید و خود آن بزرگوار که هنوز در پس غیبت کبری هستند (پس از طی غیبت صغری) اقدام به خواندن نماز کردند.

اگر در جاده‌ای مرتب تابلوهای هشدار دهنده باشد و با علامت و چراغ و تذکر کتبی، باز راننده‌ای به بیراهه برود و دچار صدمه شود مقصر کیست که گفته‌اند:

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را= برون کن ز سر باد خیره‌سری را = تو خود اختر خویش را می‌کنی بد= مدار از فلک چشم نیک اختری را= فرق مختلف اسلام اگر تعصباتی که از زمان جاهلیت نشأت می‌گیرد و از نظر علمی و زمانی هم منطقی به نظر نمی‌رسد را کنار بگذارند و ولایت را قبول نمایند و به کشتی نجات پیامبر سوار شوند عزت و اقتداری خواهد یافت که خود ابر قدرتی خواهند شد، بس توانا، که در همه زمینه‌ها اسوه و الگو خواهند بود.

نه آنکه اقتصاد که زیر بنای هر خانواده و ملتی است را دلار آمریکا تعیین کند، فرهنگ غیر مسلمین را توسط ماهواره‌ها به مسلمین تحمیل کنند و به علت عدم برنامه‌های صحیح ایده‌های استعمارگرانه را جایگزین کنند.

مگر فرق غیر شیعه نمی‌دانند که شیعه و یاوران علی علیه السلام در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله وجود داشتند و بنا به استدلال علامه حلی در مجلس سلطان محمد خدا بنده هیچ کدام از فرق شیعه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نبودند بدین طریق به اقرار خود علمای مالکی و شافعی و حنبلی و ناصبی‌ها ثابت شد.

(سلطان محمد خدا بنده از نواده‌های مغول بود که اسلام آورد و بنا به مناسبتی همسر خود را در یک مجلس سه طلاقه کرد و پس از پشیمانی بنا به نظریه اهل تسنن بایستی رجوع نکند، پس از مدتی، تحقیق راجع به شیعه را شروع کرد و خواست مجلسی از فرق شیعه و سنی تشکیل شود، از طرف شیعیان علامه حلی معرفی شد و روز مقرر کمی دیر آمد و کفشهای خود را همراه خود به داخل مجلس برد و چون همه جای مجلس پر بود و نزدیک سلطان خالی بود رفت و کنار سلطان نشست که با اعتراض حاضران مواجه شد، در جواب گفت مگر پیامبر چیزی در این رابطه گفته که شما می‌گویید. در هیچ جای مجلس جایی نبود من هم آنجا که جا بود نشستم، گفتند چرا کفشهایت را همراه آورده‌ای مگر دزد اینجاست، گفت من شنیده‌ام ابوحریره کفشهای پیامبر را دزدید، گروه ابوحریره‌ها اعتراض کردند و گفتند ابوحریره اصلاً در زمان پیامبر نبوده، در جواب علامه می‌گوید، ببخشید مالکی بوده، آنها هم اعتراض می‌کنند، می‌گویند ناصبی بوده باز ناصبی‌ها اعتراض می‌کنند، علامه می‌گوید شافعی یا حنبلی بوده آنها هم اعتراض می‌کنند و می‌گویند اینها هم در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده‌اند. لذا علامه می‌گوید گروهی که در زمان پیامبر نبوده‌اند چگونه ابراز حقانیت می‌کنند. با همین استدلال ساده، سلطان محمد خدا بنده شیعه می‌شود و بعداً با عقیده شیعه با همسر خود زندگی می‌کند.)

لذا آنانکه کارهای الهی به اذن خداوند انجام می‌دادند به حقیقت بندگی عمل کرده‌اند (الهیت جوهره عبودیت) بنابراین شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار اگر چه به خاطر سرشت آنهاست ولی به خاطر بندگی و فعالیت چشمگیر خودشان هم بوده است و مصداق «الذین آمنوا ثم استقاموا» هستند، در تشهد نماز می‌خوانیم اشهد انّ محمداً عبده و رسوله یعنی شهادت می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله اول بنده خداست بعداً پیامبر و فرستاده او. در مورد ائمه اطهار هم چنین است، امام حسین علیه السلام اگر به مقام سید الشهداء رسید به خاطر قبول کردن شهادت در حال مبارزه است، عظمت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را خود قرآن تعریف می‌کند و می‌فرماید:

«و ما ارسلناک الا رحمةً للعالمین» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۷)

ای پیامبر تو را نفرستادیم مگر اینکه رحمتی برای جهانیان (که شامل مردم زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و حال و آینده می‌باشد) گردی.

به مناسبت ولادت با سعادت حضرت ختمی مرتبت

خورشید جمال خویش بنمود=مه از رخ خود نقاب بگشود=آمد به جهان یگانه فرزند=از دامن مادری برومند=انوار تجلی الهی
 =تاییده ز ماه تا به ماهی=خاک ز کعبه مشگ گردید=دریاچه ساوه خشک گردید=زنجیر ستم گسست از هم=آزاد نمود نوع
 آدم=شد از قدمش جهان منور=اسلام عزیز نور گستر=ای راه گشای راه انسان=هر درد ز داروی تو درمان =تو تاج کرامت
 جهانی=تو فخر زمین و آسمانی=در پیکر مردمان تو جانی=پیغمبر آخر الزمانی =ای فخر رسل ولی کونین=ای رفته فزون ز قاب
 قوسین=خُلق تو نهایت کمال است=مرآت جمال ذو الجلال است=در شأن تو گفت ایزد پاک=لولاک لما خلقت الافلاک=مصطفی
 هادوی (شهر اصفهانی)

در مدح و منقبت حضرت ختمی مرتبت

طلوع کرد ز مشرق چو آفتاب رسالت=جهان به یمن رسالت گرفت نور هدایت =و ما محمد الا رسول ز امر الهی=نمود مهر نبوت
 کشید خط ولایت=خدای خواند چو او را به مسجد الاقصی=گرفت پرچم توحید را به دست کفایت =مقام قرب وصالش به لیلۃ
 الاسری=رهی بود که نه آغاز دارد و نه نهایت=رسید نغمه لولاک تا دل افلاک=زهی به حجت بر حق زهی مقام رسالت=پیمبران
 سلف ز افتخار نور وجودش=گرفته مسند عزت به زیر چتر حمایت=شهر مدح پیمبر نه کار نطق و بیانست=بمدح خواجه عالم خدا
 نموده اشارت = مصطفی هادوی (شهر اصفهانی)

چهل حدیث از خاتم الانبیاء :

در مدح حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله :

ربنا صل علی احمد خیر المرسلین=و علی صاحب الحوض امیر المؤمنین=و علی فاطمه الزهرا ام ابیها=و علی السبطين و سجاد زین
 العابدین=و علی الباقر و الصادق علماً و یقیناً=و علی الکاظم و موسی الرضا دیناً=و النقی الخاشع الباسط بالجود مبیناً=و علی الهادی
 اشراق کاشمس مبیناً=آل یاسین الهداه الطیبین الطاهریناً=ربنا سیدنا صل علیهم اجمعینا=و الزکی العسکری الحسن خلق مبینا=و علی
 القائم بالقسط یقیناً و معیناً=۱) قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لا یومن عبد حتی اکون احب الیه من نفسه و یکون عترتی احب
 الیه من عترته. (ینابیع الموده، جلد ۲، صفحه ۹۶).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ایمان کامل نیاورده است بنده‌ای مگر آنگاه که مرا از خودش بیشتر دوست داشته باشد و
 اهل بیت مرا از اهل بیت خود بیشتر دوست داشته باشد.

۲) قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اذا رأیتم الرجل کثیر الصلوة و کثیر الصیام لا تباهوا به حتی تنظروا کیف عقله. (اصول کافی،
 جلد ۲، صفحه ۲۹).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر گاه دیدید مردی زیاد نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد به او مباحات نکنید تا عقل و خرد
 او را بسنجید.

۳) قال رسول الله صلی الله علیه و آله : یا علی! رکعتان یصلیهما العالم افضل من الف رکعة یصلیهما العابد. (بحار الانوار، جلد ۷۴،
 صفحه ۵۷).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی! دو رکعت نماز انسان دانشمند و عالم با فضیلت تر از هزار رکعت نماز عابد است.

۴) قال رسول الله صلی الله علیه و آله : یا علی! نوم العالم افضل من عبادة العابد الجاهل. (بحار الانوار، جلد ۴، صفحه ۵۷).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی! خواب انسان دانشمند از عبادت عابد نادان برتر است.

۵) قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لا تطلبوا العلم تباهوا به العلماء ولايتها ردابه السفهاء و لا یتراوا به فی المجالس و لا یتصرفوا
 وجوه الناس الیکم للتراس فمن فعل ذلك کان فی النار. (لثالی الاخبار، صفحه ۱۹۳).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: علم را برای فخر فروشی به دانشمندان و مجادله نمودن با بیسوادان و خودنمایی در مجالس و جلب توجه دیگران به منظور برتری و ریاست طلبی نیاموزید، چه آن کس که هدفش از آموختن دانش این چنین باشد قرارگاهش در آتش است.

(۶) قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لكل داء دواء و دواء الذنوب الاستغفار. (وسائل الشیعه، جلد ۱۱، صفحه ۳۵۴).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: برای هر دردی، درمانی است و درمان گناهان توبه و استغفار است.

(۷) قال رسول الله صلی الله علیه و آله : يا اباذر! لا يكون الرجل من المتقين حتى يحاسب نفسه أشد من محاسبة الشريك شريكه فيعلم ممن اين مشربه و من اين ملبسه امن حل ذلك ام من حرام. (بحار الانوار، جلد ۷۴، صفحه ۸۶).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابوذر! کسی پرهیزگار نیست مگر آنکه خویشتن را شدیدتر و دقیقتر از شریک خویش حسابرسی کند تا اینکه بداند غذایش را، نوشیدنی‌اش را، خوراکش را، لباسش را از کجا تأمین کرده است. آیا از راه حلال بوده یا از راه حرام؟

(۸) قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من احب ان يكون اقوى الناس فليتوكل على الله. (بحار الانوار، جلد ۶۸، صفحه ۱۵۱).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: آنکس که بخواهد قدرتمندترین و شجاع‌ترین افراد باشد باید تنها بر خداوند توکل کند (و از دیگران دل بکند).

(۹) قال رسول الله صلی الله علیه و آله : عنوان صحیفه المؤمن حب علی بن ابیطالب علیه السلام. (کنز العمال، جلد ۱۱، صفحه ۶۰۱).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: سر آغاز نامه عمل مؤمن، دوست داشتن علی بن ابیطالب علیه السلام است.

(۱۰) قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ارفعوا اصواتکم بالصلاة علی فانها تذهب النفاق. (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۴۹۳).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: صدای خود را با صلوات بر من بلند کنید زیرا صلوات بلند نفاق را از وجود انسان دور می‌کند.

(۱۱) قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لو اجتمع الناس علی حب علی بن ابیطالب علیه السلام لما خلق الله النار. (بحار الانوار، جلد ۳۱، صفحه ۳۰۵).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر همه مردم بر محبت علی بن ابیطالب گرد می‌آمدند هرگز خداوند آتش را خلق نمی‌کرد.

(۱۲) قال رسول الله صلی الله علیه و آله : يا ابالحسن لو وضع ایمان الخلائق و اعمالهم فی کفه میزان و وضع عملک یوم احد فی الکفه الاخری لرجح عملک یوم احد علی جمیع ما عمل الخلائق. (کتاب التفصیل، صفحه ۲۵).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی! اگر ایمان و عمل همه مردم را در یک کفه ترازو قرار داده و عمل تو را در جنگ احد در کفه دیگر ترازو قرار دهند، عمل ارزشمند تو بر همه اعمال مردم رجحان خواهد داشت.

(۱۳) قال رسول الله صلی الله علیه و آله : و الذی نفسی بیده لو عمل احد عمل سبعین نبیاً لم یدخل الجنة حتی یحب هذا اخی علیاً. (بحار الانوار، جلد ۲۷، صفحه ۱۹۶).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: سوگند به خداوندی که جان من در دست اوست، اگر کسی عمل هفتاد پیغمبر را انجام دهد و این برادر علی را دوست نداشته باشد، هرگز وارد بهشت نخواهد شد.

(۱۴) قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من رأى منکم منکر اقلیغیره بیده فان لم یستطع فلبسانه فان لم یستطع فبقلبه و ذلك اضعف الایمان. (میزان الحکمه، جلد ۶، صفحه ۲۷۵).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر کسی عمل منکری را مشاهده کرد پس باید با دست آن را منع کند، اگر نتوانست به

وسيله زبانش و اگر نتوانست به وسيله قلب خود با آن مبارزه کند که این ضعیفترین حالت ایمان هر فرد است.

۱۵) قال رسول الله صلى الله عليه وآله: كيف بكم اذا فسدت نسائكم و فسق شبابكم و لم تأمروا بالمعروف و لم تنهوا عن المنكر؟ فقیل له: و يكون ذلك يا رسول الله؟ فقال: نعم و شرّ من ذلك كيف بكم اذا امرتم بالمنكر و نهيتم عن المعروف. فقیل له: يا رسول الله و يكون ذلك؟ قال: نعم و شرّ من ذلك، كيف بكم اذا رأيتم المعروف منكراً و المنكر معروفاً. (وسائل الشیعه، جلد ۶، صفحه ۳۹۷).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: چگونه خواهید بود آنگاه که زندهای شما فاسد و جوانهایتان فاسق و آلوده شوند و شما امر به معروف نکرده و مردم را از زشتیها باز نمی‌دارید؟ گفتند یا رسول الله آیا این چنین چیزی می‌شود؟ فرمود: آری و بدتر از این، چگونه خواهید بود زمانی که به زشتیها فرمان داده و از خوبیها نهی می‌کنید؟ گفتند یا رسول الله آیا چنین چیزی می‌شود؟ فرمود آری و بدتر از این، چگونه خواهید بود خوبیها را زشت و ناپسند و بدیها را زیبا و پسندیده ببینید؟ (خوبیها را زشت جلوه دهند و بدیها را زیبا).

۱۶) قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ان الله يبغض المؤمن الضعيف الذي لا دين له فقیل: و ما المؤمن الضعيف الذي لا دين له؟ قال الذي لا ينهي عن المنكر. (وسائل الشیعه، جلد ۱۱، صفحه ۳۹۷).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا خداوند مبعوض می‌دارد مؤمن ضعیفی را که دین ندارد. سؤال کردند: ای رسول خدا! آن مؤمن ضعیفی که دین ندارد کیست؟ فرمود کسی که گناهی را می‌بیند و نهی از منکر نمی‌کند.

۱۷) قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ... من طلب الدنيا حلالاً في عفاف كان في درجة الشهداء. (محجبه البيضاء، جلد ۳، صفحه ۲۰۳).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: آن کس که از راه حلال همراه با عفاف کسب روزی می‌کند در مقام و منزلت شهیدان خواهد بود.

۱۸) قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا اباذر! من لم يبالي من اين اكتسب المال لم يبالي الله عزوجل من اين ادخله النار. (بحار الانوار، جلد ۷۴، صفحه ۸۶).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابوذر! هر کس اهمیت ندهد که از کجا و از چه راهی پول به دست می‌آورد خداوند نیز اهمیت نمی‌دهد که از کدام در او را وارد جهنم سازد.

۱۹) قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من خرج مرابطاً في سبيل الله تعالى او مجاهدوا فله بكل خطوة سبع مائة الف حسنة و يمحي عنه سبع مائة الف سيئة و يرفع له سبع مائة الف درجة و كان في ضمان الله تعالى حتى يتوفاه باي حتف كان، شهيداً فان رجع مغفوراً له مستجاباً له دعاه. (ثواب الاعمال، صفحه ۳۴۵).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر کسی برای نگهبانی و حراست از سرحدات مسلمانان یا به قصد جهاد در راه خدا از منزلش خارج شود، با هر قدمی که بر می‌دارد هفتصد هزار حسنه (در نامه اعمالش می‌نویسد) و هفتصد هزار گناه (از نامه اعمالش پاک می‌کند) و هفتصد هزار درجه مقامش بالا می‌رود و همواره در پرتو رحمت الهی خواهد بود تا اینکه از دنیا برود به هر صورت که بمیرد، شهید از دنیا رفته، و چنانچه زنده باز گردد، آمرزیده بازگشته و دعاهایش به هدف استجابت رسد.

۲۰) قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من جبن من الجهاد فليجهز بالمال رجلاً يجاهد في سبيل الله. (مستدرک الوسائل، جلد ۱۱، صفحه ۲۴).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر که از حضور در میدان نبرد با دشمن خدا ناتوان باشد، و بترسد باید با ثروت و مال خود مجاهدان در راه خدا را تجهیز و آماده نماید.

- ۲۱) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ما زال جبرئيل يوصيني بقيام الليل حتى ظننت ان خيار امتي لن ينالوا. (صدوق، با ترجمه، صفحه ۴۲۸).
- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: همواره جبرئیل مرا به شب زنده‌داری سفارش می‌کرد که گمان کردم، نیکوکاران امت هرگز نخواهند خوابید.
- ۲۲) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : خيركم من اطاب الكلام اطعم الطعام و صلى بالليل و الناس نيام. (عيون الاخبار الرضا، جلد ۲، صفحه ۶۵).
- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: بهترین شما کسی است که: ۱ - خوب سخن بگوید. ۲ - اطعام کند. ۳ - نیمه شب در حالی که مردم در بستر خواب آرمیده‌اند به نماز بایستد.
- ۲۳) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : اتخذوا الاهل فانه ارزق لكم. (من لا يحضر الفقيه، جلد ۳، صفحه ۳۸۳).
- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: همسر اختیار کنید که روزی شما را افزایش خواهد داد.
- ۲۴) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : تزوجوا و لا تطلقوا فانّ الطلاق يهتز منه العرش. (مکارم الاخلاق، صفحه ۱۹۷، چاپ بیروت اعظمی).
- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ازدواج کنید و اقدام به طلاق و جدایی نکنید زیرا عرش خدا از طلاق به لرزه در می‌آید.
- ۲۵) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ما بنى بنای فى الاسلام احبّ الى الله تعالى من التزويج. (من لا يحضر الفقيه، جلد ۳، صفحه ۳۸۳).
- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هیچ بنایی در اسلام دوست داشتنی‌تر از ازدواج و انتخاب همسر نزد خداوند متعال نیست.
- ۲۶) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : التمسوا الرزق بالنكاح. (مستدرک الوسائل، جلد ۱۴، صفحه ۱۷۳).
- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: روزی را در ازدواج بیابید.
- ۲۷) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : يا معشر الشباب عليكم بالباه. (وسائل الشيعه، جلد ۱۴، صفحه ۲۵).
- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ای جوانان! بر شما باد ازدواج و همسر گزینی.
- ۲۸) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من احب ان يلقى الله ظاهراً مطهراً فليلقه بزوجه. (بحار الانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۲۰).
- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر که دوست دارد خداوند را پاک و پاکیزه دیدار کند، باید ازدواج کند و همسری انتخاب کند.
- ۲۹) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ما من شاب تزوج فى حدائه سنة الا عجّ شيطانه يا ويله يا ويله عصم منى ثلثى دينه فليتنق الله العبد فى الثلث الباقي. (بحار الانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۲۱).
- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هیچ جوانی در اوائل جوانی ازدواج نمی‌کند مگر اینکه شیطان فریاد کند، وای بر من وای بر من، دو سوم دینش را از دستبرد من نگه داشت. پس بنده باید در یک سوم باقی مانده دینش تقوای الهی پیشه کند.
- ۳۰) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من تزوج احرز نصف دينه فليتنق الله فى نصف الباقي. (بحار الانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۱۹).
- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را نگه داشته، پس در نیمه باقیمانده باید تقوای الهی را رعایت کند.
- ۳۱) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : يا افضل نساء امتي اصبحهن وجهاً و اقلهن مهراً. (من لا يحضر الفقيه، جلد ۳، صفحه ۳۸۶).
- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: با فضیلت‌ترین بانوان امت من، زیبارویان کم مهر هستند.

۳۲) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : الناس اياكم و خضراء الدّمن قيل: يا رسول الله و ما خضراء الدّمن؟ قال: المرأة الحسناء في منبت السوء؟ (بحار الانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۳۲).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ای مردم بپرهیزید از گیاهی که در لجنزار روئیده است. پرسیدند آن کدام است؟ حضرت فرمودند: زن خوشرویی که در خانواده بدی (بد اخلاق و لا ابالی) رشد یافته است.

۳۳) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : انظر في اى شىي تضع ولدك فانّ العرق دساس المستطرق. (بحار الانوار، جلد ۲، صفحه ۲۱۸).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ببین نطفه خویش را در چه محلی قرار می‌دهی زیرا رفتار و کردار والدین، به فرزندان ارث می‌رسد.

۳۴) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من زوج كريمته من فاسق نزل عليه كل يوم الف لعنة. (محجبه البيضاء، جلد ۳، صفحه ۹۴). پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر که دختر خویش را به ازدواج مردی لا ابالی و گنهکار در بیاورد، هر روز هزار لعنت بر او نازل می‌شود.

۳۵) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : لا تزوجوا النساء لحسنهن فعسى لحسنهن يريدهن و لا تزوجهن لاموالهن ان تطغين و لكن تزوجهن على الدين. (کنز العمال، جلد ۳۷، صفحه ۴۴۵).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: با زنان به خاطر زیبایی‌شان ازدواج نکنید، زیرا بسی زیبایی آنها باعث سقوط آنها می‌شود، همچنین به خاطر ثروتشان با آنها ازدواج نکنید، زیرا بسا ثروت، عامل طغیان آنان می‌گردد، بلکه ازدواج بایستی بر اساس دین و ایمان آنان استوار گردد.

۳۶) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : اشتد غضب الله على امرأة ذات بعل ملات عينها من غير زوجها. (بحار الانوار، جلد ۱۰۴، صفحه ۳۹).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: خشم و غضب الهی بر آن زنی شدید خواهد بود که با وجود داشتن شوهر، چشمان خود را از نگاه به غیر شوهرش پر کرده باشد.

۳۷) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : من صبر على سوء خلق امرأة و احتسبه اعطاء الله بكل مرة يصبر عليها من الثواب مثل ما اعطى ايوب على بلائه. (مکارم الاخلاق، صفحه ۲۱۳).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس بر تند خوئی همسر خود صبر پیشه نماید، خداوند در هر بار صبر او به اندازه پاداشی که به ایوب علیه السلام در برابر گرفتاریهایش عطا نمود، اجر و پاداش به وی هم عطا خواهد نمود.

۳۸) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : ائمة امرأة تتطيب ثم خرجت من بيتها فهي تلعن حتى ترجع الى بيتها متى رجعت. (بحار الانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۴۷).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر زنی که خود را معطر و خوشبو کرده و از خانه خود خارج شود، مورد لعن قرار گرفته و از رحمت الهی دور می‌شود تا وقتی که به خانه‌اش باز گردد.

۳۹) قال رسول الله صلى الله عليه وآله : يا معشر المسلمين! اياكم و الزنا فانّ فيه ستّ خصال ثلاث في الدنيا و ثلاث في الآخرة. فاما التي في الدنيا: فانه يذهب بالبهاء و يورث الفقر و ينقص العمر و اما التي في الآخرة: فانه يوجب السخط الرب و سوء الحساب و الخلود في النار. (بحار الانوار، جلد ۷۹، صفحه ۲۱).

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ای مسلمانان! مبدا به زنا نزدیک شوید که شش رذیلت را خواهد داشت، سه تای آن در دنیا و سه تای آن در آخرت. رذائل دنیایی عبارتند از: بی بها و بی ارزش شدن انسان، فقر و تنگدستی و کوتاهی عمر، و رذائل

آخرتی عبارتند از: خشم و غضب الهی، بدی و سختی حسابرسی قیامت و جاودانه بودن در آتش.

مختصری درباره امیر المؤمنین علی علیه السلام

علی علیه السلام در سیزدهم رجب در خانه کعبه مکرمه متولد و در ۲۱ رمضان فرمان حضرت باریتعالی را لیبیک گفته و به شهادت رسیدند، مدت عمر شریفشان ۶۳ سال بود.

لقب ایشان، مرتضی، کنیه ابوالحسن، نام پدرشان ابوطالب (عمران)، نام مادر فاطمه بنت اسد، دوران رهبری ۳۰ سال، نام قاتل ایشان عبد الرحمن ابن ملجم مرادی، محل دفن ایشان نجف اشرف است.

میسر نگردد به کس این سعادت=به کعبه ولادت، به مسجد شهادت= پیامبر در جاهای مختلف به مناسبتهای متفاوت جانشین خود را تعیین نمودند، ولی پس از رحلت آن حضرت به انواع حیلها علی علیه السلام را از صحنه، بر حسب ظاهر کنار زدند. و پس از معرفی سومی، ایشان با تمنای مردم قبول مسئولیت کرده و خلافت که حق مسلم ایشان بود و آن مدت از ایشان غصب خلافت شده بود را به عهده گرفتند. باز دنیا طلبان فتنه و فساد ایجاد کردند و طلحه و زبیر که برای گرفتن مقام و رشوه و طمع به بیت المال خدمت آن حضرت آمدند، چراغ مربوط به بیت المال را، حضرت خاموش کردند و گفتند: اگر شما کار شخصی دارید باید از چراغ شخصیم استفاده شود و آنان که دقت عمل آن حضرت را دیدند، جنگ جمل و نهروان و کارهای دیگر را دامن زدند که درد دل‌های حضرت در نهج البلاغه ایشان در قسمت خطبه‌ها و نامه‌های حضرت مبسوطاً ذکر شده است.

بی حب علی علیه السلام بهشت رضوان مطلب=بی روزه و بی نماز ایمان مطلب=خواهی ز پل صراط آسان گذری=آزار دل هیچ مسلمان مطلب= آن حضرت اسوه و الگوی صبر و بردباری بودند و با وجود قدرت و توانایی دفع اشرار به خاطر نوپا بودن مکتب اسلام و مصالح دیگر تحمل مصائب و شدائد نمودند و چنانچه قبلاً هم توضیح داده شد ایشان تنها مردیست بعد از پیامبر، که حقیقت را فدای مصلحت نکرد و قدرت را و مقام را و عمل را و همه دنیا را وسیله‌ای برای تکامل انسان می‌دانست و انسان را چنین تعریف و توصیف نمود. چه عجیب و حیرت آور است کار بشر! اگر در موردی امیدوار شود طمع خوارش خواهد کرد. اگر طمع او را به جنبش در آورد حرص هلاکش خواهد کرد. اگر دچار ناامیدی شود غصه و غم او را می‌کشد، اگر به خوشبختی و سعادت رسد، نگهداری آن را فراموش می‌کند. اگر دچار خوف و هراس شود از ترس حیرت زده می‌گردد، اگر نعمت به او تشدید گردد دچار گردنکشی و بلند پروازی خواهد شد. اگر دچار مصیبتی شد تأثر و حزن او را رسوا می‌کند. اگر فقر گریبانگیرش شد غرق اندوه می‌شود. اگر دچار گرسنگی شد از ناتوانی زمینگیر می‌شود، اگر ثروتی به دست آورد دچار طغیان مالی می‌گردد، پس کندروییها در زندگی بشر مضر است و تندروییها باعث ویرانی و فساد، هر خیری را شری و هر نوشی را نیشی است.

حضرت علی علیه السلام، تجلی قدرت الهی در بشر بود به طوری که حضور ایشان در صحنه‌های مختلف از قدرت و استعداد افراد عادی خارج بوده است و الگو و اسوه در همه زمینه‌ها بوده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«عنوان صحیفه المؤمن حب علی بن ابیطالب علیه السلام». (کنز العمال، جلد ۱۱، صفحه ۶۰۱).

سر آغاز نامه عمل مؤمن، دوست داشتن علی بن ابیطالب علیه السلام است.

عمل به تقیه اگر چه شامل پیامبر هم در بعضی موارد شد ولی در زمان علی علیه السلام شدت گرفت. چه اذیتها و ظلمها که به وجود پاک و مبارک آن حضرت روا نداشتند و چه تهمتها که به آن ابر مرد تاریخ زدند تا جایی که پس از ضربت خوردنشان بعضی تعجب کرده و گفتند در مسجد ضربت خورده؟! مگر علی هم نماز می‌خواند و اینها همه و همه بر اثر تبلیغات سویی بود که بر علیه مولای متقیان روا می‌داشتند.

در مصافی که به فرماندهی مالک اشتر با معاویه داشتند، سپاه معاویه در هم شکسته شد و می‌رفت که تخم نفاق بدتر از کفر را از

صفحه گیتی پاک کند، معاویه به راهنمایی عمروعاص خشتهایی را به عنوان کتاب بر سر نیزه‌ها بلند کرده و ادعای اسلامیت کردند و علی آن مرد همیشه زنده تاریخ بشریت، داماد پیامبر و کسی که در دامان نبوت آموزش دیده بود و از مردان، اول کسی بود که قبول اسلام نمود و بدین وسیله جانشین و وزیر پیامبر محسوب می‌شد و در جنگ خندق حضرت رسول در وصفش فرمودند:

«ضربت علی یوم الخندق افضل من عباده ثقلین».

یعنی ضربت خوردن علی در جنگ خندق (در مصاف با عبدود که با اسبش از خندق پرش کرد و مبارز می‌طلبید و کسی جرأت مبارزه با او را نیافت جز علی علیه السلام) بهتر است از عبادت ثقلین. و کسی که پیامبر در موردش فرمود:

«أنت منی بمنزلة هارون من موسی الا لانی بعدی».

تو نسبت به من مانند هارون و برادر موسی هستی با این تفاوت که بعد از من پیامبری، خاتمه می‌یابد. و علی آن شخصیتی است که در تبانی کفار و تصمیم قتل حضرت رسول در بستر پیامبر خوابید و خود را در بستر آن بزرگوار قرار داد.

در مصاف با معاویه و لشکرش می‌فرمود: قرآن ناطق منم، گول این جوسازی‌ها را نخورید. کار به جایی رسید که فرماندهان پشت جبهه حضرت علی علیه السلام شمشیرها را کشیده و وی را تهدید کردند که اگر جنگ خاتمه نیابد و مالک را فراخوانی خودمان تو را می‌کشیم و ما با قرآن جنگی نداریم.

حاجب اگر محاسبه روز حشر با علی است= شرم از رخ علی کن و کمتر گناه کن= و مسأله حکمیت را تحمیل آن بزرگوار نمودند، خلاصه کلام کسانی که شیعه نبوده‌اند با شنیدن دعای کمیل آن بزرگوار، با مطالعه نهج البلاغه ایشان شیفته وی شده و تصدیق کردند تنها کسی می‌تواند چنین بگوید که علم الهی داشته باشد. بعضی از فرازهای ایشان را باید با طلا نوشت و در مکتب تشیع شرط قبولی نماز و دیگر عبادات را ولایت علی بن ابیطالب و فرزندانش می‌دانند.

نماز بی ولای او عبادتی است بی وضو= به منکر علی بگو نماز خود قضا کند علی علیه السلام آن شخصیتی است که پیامبر در معراج فرشته‌ای را مشاهده کردند عین علی علیه السلام، حضرت چگونگی آن را سؤال کردند در جواب گفته شد: ای پیامبر این فرشتگان از بس شیفته علی علیه السلام هستند فرشته‌ای را همانند او خلق کرده‌ام، و در وداع حضرت با فرشته وحی عنوان یا علی به کار می‌بردند و سنت پیامبر این چنین بود. به تنهایی غذا نخورند، از اتفاق روزی تنها شدند و منتظر کسی شدند، کسی بیاید. به ایشان وحی شد شروع کن ما مهمان تو را می‌فرستیم حضرت شروع کردند، در حین غذا خوردن دستی مانند علی علیه السلام، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را همراهی می‌کردند.

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را= که به ماسوا فکندی همه سایه هما را= دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین= به علی شناختم من به خدا قسم خدا را= مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ارنه دوزخ= به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را= برو ای گدای مسکین در خانه علی زن= که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را= به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من= چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا= به جز از علی که آرد پسری ابوالعجائب= که علم کند به عالم شهدای کربلا را= چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان= چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را= نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت= متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را= به دو چشم خون‌فشانم هله ای نسیم رحمت= که ز کوی او غباری به من آر توتیا را= به امید آنکه شاید برسد به خاک پایت= چه پیامها سپردم همه سوز دل صبا را= چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان= که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را= چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم= که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را= همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی= به پیام آشنایی بنوازد آشنا را= ز نوای مرغ یا حق، بشنو که در دل شب= غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا= قال رسول الله صلی الله علیه و آله : «علی خیر البشر و من ابی فقد کفر».

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: علی علیه السلام بهترین بشر است و کسی که از او تکبر ورزد کافر است. افضل چو ز علم و فضل آگاه علی است=در مسند عرفان ازل شاه علی است=از بعد نبی امام خلق دو جهان=بالله علی است، ثم بالله علی است=مولی رفیع قزوینی با استفاده از احادیث و اخبار و آیات قرآن کریم حضرت علی را در چند بیت زیر معرفی کرده است: چراغ شبستان دلها علی است=کزو ظلمت و کفر شد منجلی=امامی که بی باده مهر او=نخیزد کسی از لحد سرخ رو=به شمشیر آن شاه والا- گهر=جدا شد حق و باطل از یکدگر=نه قهرش همی فتح خیر نمود=که مهرش بسی قلعه دل گشود=نبی و ولی هر دو نسبت به هم=دو تا و یکی چون زبان قلم=دو سر، چون قلم لیکن از جان یکی=زبانشان دو تا و سخنشان یکی=قلم وار بردند از آن=که مو در میانشان نگنجد مگر=خط شرع گردید ناخوان از آن=که گنجیده گیری چو مو در میان=چهل حدیث از امیر المؤمنین علی علیه السلام

۱- قال امیر المؤمنین علیه السلام لولده الحسن علیه السلام: «یا بنی الا اعلمک اربع خصال تستغنی بها عن الطب؟ فقال: بلی، قال لا تجلس علی الطعام الا- و انت جائع و لا- تقم عن الطعام الا- و أنت تشتهیه وجود المضغ و اذا نمت فاعرض نفسك علی الخلاء فاذا استعملت هذا استغیت عن الطب». (بحار، جلد ۶۲، صفحه ۲۶۷).

امیر المؤمنین علیه السلام به فرزند خود امام حسن علیه السلام فرمودند: آیا به تو یاد ندهم چهار خصلتی را که تو را از طب بی نیاز گرداند؟ عرض کرد: آری، فرمودند:

۱- بر سر سفره غذا منشین مگر انگاه که گرسنه باشی.

۲- و از سر سفره غذا برخیز مگر در حالیکه هنوز میل به غذا داری.

۳- غذا را کاملاً بجو.

۴- و چون خواستی بخوابی به بیت الخلاء برو، چون این چهار عمل را انجام دادی از طب بی نیاز می شوی.

۲- قال امیر المؤمنین علیه السلام: «لعن رسول الله صلی الله علیه و آله الربا و آكله و موكله و بائعه و مشتریه و كاتبه و شاهده». (مستدرک الوسائل، جلد ۱۳، صفحه ۳۳۶).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله لعن و نفرین فرمودند ربا و رباخوار و فروشنده و خریدار و نویسنده و شاهد ربا را.

۳- قال امیر المؤمنین علیه السلام: «اعمال العباد فی الدنيا نصب اعینهم فی الآخرة». (غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۷۹).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: رفتار و کردار بندگان در دنیا، روز قیامت در برابر چشمانشان مجسم می گردد.

۴- قال امیر المؤمنین علیه السلام: «الدهر یومان، یوم لك و یوم عليك فاذا لك فلا- تبطر و ان كان عليك فاصطبر فکلاهما سیحضر». (بحار، جلد ۷۳، صفحه ۱۳۵).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: روزگار دو روز خواهد بود، روزی به سود تو و روزی به زیانت. پس آن زمان که به سودت بود، مغرور مشو و آنگاه که به زیانت بود بردباری پیشه خود ساز.

۵- قال امیر المؤمنین علیه السلام: «انما الدنيا دار مجاز و الآخرة دار قرار فخذوا من ممرکم لمقرکم». (غرر الحکم، صفحه ۸۲).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: دنیا منزل گذران و آخرت مقر جاوید است. فرصت را غنیمت بشمارید، و از گذرگاه خود چیزی برای قرارگاه خویش ذخیره سازید.

۶- قال امیر المؤمنین علیه السلام: «فی تصاریف الدنيا اعتبار». (غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۳۱۹).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: در گردش دنیا پند گرفتن است.

۷- قال امیر المؤمنین علیه السلام: «اذا احب الله عبداً بغض الیه المال و قصر منه الامال». (غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۳۱۹).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هنگامی که خداوند بنده‌ای را دوست بدارد او را دشمن مال گرداند و آرزوهایش را کوتاه کند.
 ۸ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «الا ان اخوف ما اخاف علیکم اتباع الهوی و طول الامل». (غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۱۶۲).
 امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: آگاه باشید! بالاترین و بیشترین ترس من بر شما، پیروی از هوای نفس و آرزوی طولانی داشتن است.

۹ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «من کانت الدنیا اکبر همه طال شقاؤه و غمه». (بحار الانوار، جلد ۷۳، صفحه ۸۱).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هر که هم او فقط به دنیایش باشد، در روز قیامت بدبختی و اندوهش فراوان است.

۱۰ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «ان کنتم تحبون الله فاخرجوا من قلوبکم حب الدنیا». (غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۲۷۸).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: اگر خداوند را دوست دارید، پس محبت دنیا را از دلهایتان بیرون کنید.

۱۱ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «من غصّ طرفه قلّ اسفه، و امن تلفه». (غرر الحکم، جلد ۲، صفحه ۷۱۹).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هر کس به آنچه دارد قناعت کرده، و از تعدی به حقوق دیگران دیده بر بندد، تأسف و اندوهش کم و از هلاکت در امان خواهد بود.

۱۲ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «جمع الخیر فی ثلاث خصال:

النظر و السکوت و الکلام فکل نظر لیس فیہ اعتبار فهو سهو و کل کلام لیس فیہ ذکر فهو لغو و کل سکوت لیس فیہ فکر فهو غفلة فطوبی لمن کان نظره عبراً و سکوته فکراً و کلامه ذکراً و بکی علی خطیئة و آمن الناس شره». (بحار، جلد ۷۱، صفحه ۲۷۵).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: همه خوبیها در سه چیز جمع شده است:

۱ - نگرستن ۲ - سکوت ۳ - سخن. هر نگرستنی که در آن پند و اندرز و بیداری نباشد در آن سودی نیست و هر سکوتی که در آن فکر و اندیشه صحیح نباشد غفلت است و هر سخنی که در آن یاد خدا نباشد سهو و بیهوده خواهد بود. پس خوشا به حال کسانی که نظرشان از روی عبرت و سکوتشان اندیشه و سخنشان یاد خدا باشد و به خاطر معصیتهایی که از آنان سر زده گریه و اظهار پشیمانی کنند و مردم از آنان در امان باشند.

۱۳ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «کم من شهوة ساعة اورثت حزناً طویلاً». (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۴۵۱).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: چه بسا شهوترانی کوتاه و نامشروعی که مایه اندوه و غصه فراوان در روزگاری دراز می گردد.

۱۴ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «اتقوا المعاصی فی الخلوات فانّ الشاهد هو الحاکم». (غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۱۳۴).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: پرهیزید از گناه کردن در پنهانی، زیرا شهادت دهنده همان حاکم (خدا) است.

۱۵ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «النعمه موصوله بالشکر و الشکر موصوله بالمزید و هما مقرونان فلن یقطع المزید من الله تعالی حتی ینقطع الشکر عن الشاکرین». (فهرست غرر الحکم، صفحه ۱۷۷).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: باید بر نعمت شکر نمود زیرا شکر کردن باعث فزونی نعمت است و این دو همواره با هم خواهند بود و هرگز رشته فزونی از طرف خداوند متعال قطع نمی شود تا زمانی که رشته شکر از طرف شکر کننده بریده شود.

۱۶ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «البكاء من خشية الله مفتاح الرحمة». (غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۹۱).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: گریه کردن از ترس خدا، موجب نزول رحمت و آمرزش الهی است. (به تازگی کشف شده است که رگی در کنار قلب انسان است که اگر ترشح کند هر دردی را شفا خواهد داد و حکم داروخانه بدن را دارد و آن فقط در مواقعی ترشح می کند که انسان جز خدا از همه کس مأیوس شود و شدیداً متأثر و انقطاع کامل داشته باشد).

۱۷ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «ان للتقوی علامات: الخوف من الجلیل و العمل بالتنزیل و القناعة بالقلیل و الاستعداد لیوم الرحیل». (غرر الحکم، صفحه ۴۱۴).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: نشانه پرهیزگاری چهار چیز است:

۱ - ترس از خدا ۲ - عمل به قرآن ۳ - قناعت نمودن به کم ۴ - آماده بودن برای مرگ.

۱۸ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «لا یخلفون رجل بامرأه فان ثالثهما شیطان». (مستدرک الوسائل، جلد ۱۴، صفحه ۲۶۶).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هرگز هیچ مردی با زن نامحرمی خلوت نمی‌کند مگر آنکه نفر سوم آنها شیطان و تحریکات اوست.

۱۹ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «ملعون ملعون من ضیع من یعول». (بحار، جلد ۱۰۳، صفحه ۱۳).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: از رحمت خدا دور است مردی که عائله تحت تکفل خویش را تباه نماید.

۲۰ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «فان المرأه ریحانه و لیست بقهر مانه...». (بحار، جلد ۷۷، صفحه ۲۱۲).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: زن یک شاخه گل ریحانه است نه یک کارگر و خدمتکار ...

۲۱ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «الفتن ثلاث: حب النساء و هو سیف الشیطان و شرب الخمر و هو فخ الشیطان و حب الدنیا و الدرهم و هو سهم الشیطان». (بحار، جلد ۲، صفحه ۱۰۷).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: گرفتاری انسان در سه چیز است: ۱ - عشق زنان که تیغ برای شیطان است. ۲ - باده‌گساری که دام شیطان است. ۳ - پول‌پرستی که تیر شیطان است.

۲۲ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «لا تغالوا عبهور النساء فیکون عداوه». (بحار الانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۳۵۱).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: مهریه زنان را سنگین نگیرید که نتیجه‌اش دشمنی و عداوت در خانواده است.

۲۳ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «ان اسرق الناس من سرق من صلاه». (بحار، جلد ۸۴، صفحه ۲۴۱).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: دزدترین مردم آن کسی است که از نمازهای واجب خود کاسته و در انجام آنها اهمال کند.

۲۴ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «الجهاد عماد الدین و منهاج السعداء». (غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۴۹).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: جنگ و پیکار یا کوشش در راه خدا، ستون دین و روش نیک‌بختان است.

۲۵ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «ان اعظم الناس حسره يوم القيامة رجل اکتسب مالاً من غیر طاعة الله فورثه رجلا انفقه فی طاعة الله فدخل به الجنة و دخل الاول النار». (غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۲۴۲).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: پر حسرت‌ترین افراد در روز قیامت کسی است که مالی را از غیر راه رضایت خدا به دست آورده باشد و پس از او مردی آن را به ارث ببرد و آن را در راه خدا انفاق کند و به واسطه آن به بهشت رود و اولی داخل جهنم شود.

۲۶ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «کم من مسوف بالعمل حتی هجم علیه الاجل». (غرر الحکم، جلد ۲، صفحه ۵۵۱).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: چه بسا افرادی که در انجام کار نیک سستی می‌کنند و به تأخیر می‌اندازد، تا آنکه سرانجام اجل و مرگ به آنها حمله‌ور می‌شود.

۲۷ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «علموا الناس الخیر بغير السننکم و کونوا دعاة لهم و الزموا الصدق و الورع». (سفینه البحار، صفحه ۹۷۴).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: خوبیها را به وسیله اعمالتان به مردم تعلیم دهید نه با زبانتان و راستگو و پرهیزگار باشید.

۲۸ - من الوصایا امیر المؤمنین علیه السلام عند الشهادة للحسنین علیه السلام: «و لا تترکوا الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یتجاب لکم». (بحار، جلد ۴۲، صفحه ۲۴۸).

امیر المؤمنین علیه السلام در قسمتی از وصایای خود به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید چرا که در این صورت بدترین افراد به شما مسلط می‌شوند سپس دعا می‌کنید ولی استجاب نمی‌شود.

۲۹ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «من ترك انكار المنكر بقلبه و يده و لسانه فهو ميت بين الاحياء». (بحار، جلد ۱۰۰، صفحه ۹۴).
 امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: کسی که امر به معروف و نهی از منکر را به تمام وجود (قلب و زبانش) ترک کند پس او مرده‌ایست، بین زنده‌ها.

۳۰ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «لا يجد عبد طعم الايمان حتى يترك الكذب هزله و جدّه». (بحار، جلد ۷۲، صفحه ۲۴۹).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: مزه ایمان را بنده نمی‌چشد مگر آنکه دروغ را چه شوخی و چه جدی ترک کند.

۳۱ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «لا يكمل ايمان المؤمن حتى يعد الرخاء فتنه و البلاء نعمه». (غرر الحکم، جلد ۲، صفحه ۸۴۹).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: ایمان شخص مؤمن کامل نمی‌گردد مگر اینکه وسعت و راحتی را امتحان، و بلا را نعمت بداند.

۳۲ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «المؤمن دائم الذکر، كثير الفکر، على النعماء الشاکر و فى البلاء صابر». (غرر الحکم، صفحه ۱۲۳).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: فرد با ایمان همواره به یاد خداست و بسیار می‌اندیشد و زیاد بر نعمتهای خداوند شاکر است و در بلاها و سختیها بردبار و صبور است.

۳۳ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «جهل المرء بعبوبه من اكبر ذنوبه». (بحار، جلد ۷۷، صفحه ۴۲۱).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: جهل و بی‌خبری انسان از عیوب اخلاقی خویش، در ردیف بزرگترین گناهان اوست.

۳۴ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «الجهل بالفضائل من اقبح الرذائل». (غرر الحکم، جلد ۱).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: بی‌خبری آدمی به فضائل اخلاقی خویش از زشتترین صفات رذیله و پست است.

۳۵ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «احصد الشر من صدر غيرك بقلبه من صدرك». (غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۱۱۱).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: شر و بدی را از سینه دیگران به وسیله پاک کردن شر و بدی از سینه خودت پاک کن.

۳۶ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «اعجز الناس من قدر ان يزيل النقص عن نفسه و لم يفعل». (مستدرک الوسائل، جلد ۲، صفحه ۳۱۰).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: ناتوانترین مردم آن کسی است که بتواند نقایص معنوی و زشتیهای اخلاقی خویش را اصلاح کند، ولی اقدام ننماید.

۳۷ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «ايها الناس! انى واللّه ما احتکم على طاعة الا و اسبقکم اليها، و لا انهاکم عن معصيته الا و اتناهی قبلکم عنها». (بحار، جلد ۴۰، صفحه ۱۰۹).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: ای مردم! من شما را وادار به اطاعتی نمی‌کنم جز اینکه خودم قبل از شما، آن را انجام دهم و شما را از گناهی منع نمی‌کنم جز اینکه قبل از شما، خودم از آن پرهیز نمایم.

۳۸ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «اقوى الناس ايماناً اكثرهم توکلا على اللّه سبحانه». (غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۱۹۳).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: با ایمان‌ترین مردم، آنهایی هستند که توکلشان بر خدا بیشتر است.

۳۹ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «عزيمه الكيس جده لاصلاح المعاد و الاستكثار من الزاد». (غرر الحکم، جلد ۲، صفحه ۵۰۲).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: انسان زیرک همه کوشش خود را صرف افزایش زاد و توشه آخرت و بهتر شدن امور آخرت خود می‌نماید.

۴۰ - قال امیر المؤمنین علیه السلام: «المؤمن اذا مات و ترك و رقة واحدة عليها علم تكون تلك الورقة يوم القيامة سترًا فيما بينه و بين النار». (بحار، جلد ۲، صفحه ۱۴۴ و ۱۹۸).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: شخص مؤمن هر گاه بمیرد و ورقه‌ای که بر آن علمی باشد به جا گذارد، آن ورقه در روز قیامت

چون سپری بین او و آتش واقع می‌شود.

آری علی علیه السلام در عالم خاکی نمی‌گنجید و مصداق شعر زیر می‌بودند:

آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست = عالمی دیگر نباید ساخت وز نو آدمی = مختصری درباره فاطمه زهرا علیها السلام

حضرت فاطمه علیها السلام در ۲۰ جمادی الثانی سال پنجم بعثت به دنیا آمدند و ۱۲ جمادی الاول تاریخ شهادت ایشان است. مدت عمر مبارکشان ۱۸ سال و ۷۵ روز بوده است.

لقب ایشان: زهرا، کنیه: ام اییها، نام پدر: محمّد صلی الله علیه و آله، نام مادر: حضرت خدیجه، محل دفن: مدینه، علت شهادت: صدمات جسمی و روحی منافقین.

فاطمه علیها السلام تنها دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و تنها فرزند پیامبر بوده است. حضرت محمّد صلی الله علیه و آله علاوه بر فاطمه علیها السلام دو دختر به نام ام کلثوم و زینب و یک پسر به نام ابراهیم داشتند که جز فاطمه آن سه تن به رحمت ایزدی پیوستند. مقام آن بزرگوار بعد از مولای متقیان است و در طول زندگی با علی علیه السلام غمخوار وی و الگوی زنان بشریت است. پیامبر اگر به سفری می‌رفتند آخر کسی که زیارت می‌کردند حضرت فاطمه علیها السلام بود و در مراجعت اول شخص فاطمه علیها السلام بود. دشمنان اسلام حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله را ابتر خطاب می‌کردند، به خاطر اینکه پسر پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفته بود، در صورتی که خداوند فاطمه علیها السلام را کوثر خطاب کرد و کافران را دُم پریده اعلام نمود، و حال که هزار و اندی از رحلت پیامبر می‌گذرد تمام سادات عظمت و شوکت خود را از آن مادرشان زهرا می‌دانند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برترین و بزرگترین زنان همه عالم فاطمه علیها السلام است. او پاره تن من و نور دیدگان من و میوه روح و جان من است. هر که او را بیازارد مرا آزرده و هر که او را شاد کند مرا شاد کرده است. اجر و پاداش رسالتشان را هم دوستی اهل بیت اعلام نمودند:

قُلْ لَا أَشِئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (سوره شوری، آیه ۲۳). حال شما قضاوت کنید چرا حضرت زهرا علیها السلام به خلفای ناحق در کسالت اواخر عمر مبارکشان اجازه ملاقات نمی‌دادند و تنها آن موقع که مصلحت شوهر گرامیشان را دیدند گفتند، خانه خانه توست و من همسر توام ولی شرط کردند که با آنها صحبتی نکنند و چون اصرار نمودند، حضرت صورتشان را از ایشان بر می‌گرداندند، جریانهای زمان پدر بزرگوارشان در سفارش اهل بیت و غضب فدک و اینکه آزار دهندگان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله یهودی هستند و غیره را مطرح نمودند. راستی چرا حضرت زهرا علیها السلام وصیت می‌کنند مرا شب غسل بده و محل دفن دقیق ایشان نامعلوم است و مخفیانه انجام شد و هنوز هم روشن نیست (به نظر بنده به همان دلیل که قبر مطهر علی علیه السلام تا زمان امام باقر علیه السلام مخفی بود) و انشاء الله با ظهور مولایمان حضرت مهدی ارواحنا له الفداء محل دفن زهرا علیها السلام مشخص می‌شود. میوه زندگی حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام دو برادر که هر دو امام بر حق هستند و حضرت زینب کبری بود و حضرت ابوالفضل علیه السلام از همسر دیگر علی علیه السلام که بعد از شهادت زهرا به سفارش خود ایشان انتخاب کردند، از ام البنین می‌باشند که فضل و مناقب ایشان خود زبانزد خاص و عام است. اهل کتاب در گرفتاریهایشان به قمر بنی هاشم باب الحوائج متوسل می‌شوند و نتیجه می‌گیرند.

در روایت است که حضرت زهرا علیها السلام از پدر بزرگوارشان تقاضای یک خدمه‌ای جهت کمک به کارهای منزل را داشتند که حضرت محمّد صلی الله علیه و آله در جواب فرمودند:

هرگز به رختخواب مرو مگر موقعی که یک ختم قرآن بخوانی و رضایت مؤمنین و مسلمین را حاصل کنی و یک حج و یک عمره بجا آوری و بر همه پیامبران پس از من نماز صلوات بفرستی. حضرت فاطمه علیها السلام از پدرشان سؤال کردند چگونه این امور ممکن است در حالی که وقت کم است.

حضرت فرمودند: سه مرتبه سوره توحید را خواندن در حکم یک ختم قرآن است و یک مرتبه تسبیحات اربعه در حکم یک حج و یک عمره است و گفتن اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات در حکم طلب مغفرت برای همه مردم است و صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و جمیع انبیاء و المرسلین در حکم صلوات بر همه پیامبران می‌باشد. فاطمه از دوران کودکی یاور پدر بوده است، از شعب ابی طالب که در محاصره اقتصادی بودند تا التیام زخمهایی که پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ پیدا می‌کردند به همین دلیل فاطمه را ام اییها گفته‌اند. ایشان به احترام پدر و شوهر گرامیشان چندان خود را مطرح نمودند و حتی از پدر بزرگوارشان راجع به تقسیم کار بین خودشان و حضرت علی علیه السلام نظر خواهی نمودند؟ پیامبر فرمودند: کارهای داخل خانه مربوط به شماس و کارهای خارج از خانه مربوط به علی علیه السلام است. ایشان می‌گویند از این تقسیم فوق العاده خوشحال شدم.

قالت فاطمه علیها السلام: جعل الله ايمان تطهيراً لكم و الصلوة تنزيهاً لكم عن الكبر و الزكاه للنفس و نماء للرزق.

در نطقی حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: خداوند ایمان را وسیله پاکی از شرک، نماز را برای جلوگیری از تکبر، زکات را جهت تهذیب نفس و توسعه رزق را جهت انفاق و روزه را برای اثبات اخلاص و حج را برای استواری دین و عدالت را سبب نظم و نزدیکی قلبها و اطاعت از ما برای انتظام امور و امانت را مانع پراکندگی و جهاد را سبب سربلندی اسلام و صبر را مایه رسیدن به ثواب و امر به معروف و نهی از منکر را به منظور صلاح عمومی واجب دانست.

میلاد حضرت فاطمه علیها السلام

جشن میلاد حضرت زهراست=جلوه گر نور او به ارض و سماست=یوم عشرين جمادی الثانی=فصل بشکفتن گل طاهاست=چون خدیجه گرفت مخاض=دید، نی یار و بی کس و تنهاست=داد پیغام بر زنان قریش=کانتظار کمک مرا ز شماس=همه گفتند یک صدا با هم=پا نهادن به خانه تو خطاست=با محمد صلی الله علیه و آله چو گشته‌ای همسر=یاری از ما مکن درخواست=شد خدیجه از این خبر محزون=کمک از ذات حق تعالی خواست=درب حجره بیست و با خود گفت=که خدا یار و یاور غرباست=ناگهان سقف حجره شد منشق=چار زن دید زان میان پیداست=تلبیه گو به خدمتش هر دم=کلمت و مریم و هاجر و حواست=مفتخر برای قابلگی=گرد آن بانوی خجسته لقاست=گشت چو نور فاطمه ظاهر=فتبارک الله ز قدسیان برخاست=خلق ام القرى همه مبهوت=کاین تلالو به نیمه شب ز کجاست=یا دگر بار مگر به وادی طور=در مناجات حضرت موسی است=یا مسیحا ز چرخ رجعت کرد=کین چنین شورش و چنین غوغاست=چیست این غلغله بروی زمین=مگر امشب قیامت کبری است=داد این مژده هاتفی از غیب=جشن میلاد حضرت زهراست=ملک از عرش، حوری از رضوان=جمله را مکه مقصد و ماواست=حامل وحی، جبرئیل امین=تهنیت گو به اشرف سفراست=مشک، بار دگر آسمان نه عجب=چونکه میلاد دختر طاهاست=این نسیم معطر جان بخش=امشب از نوشکفته طوبی است=فرش بر عرش می‌نماید فخر=ز آنکه در زیر مقدم زهراست=از رخ دخت منجی عالم=جلوات محمدی پیداست=عالمه، طیبه، حبیبه رب=زوجه شیر حق ولی خداست=با علی بحر بیکران کرم=هم قرین وقت فضل و جود و سخاست=داد شام زفاف جامه نو=سائلی را که پیرهن می‌خواست=لطف و احسان این دو مظهر حق=منتقل بر شهید کربلاست=بهر غارت عدو نشد محروم=زان حسینی که سر جدا ز قفاست=لیک گویم چه کرد آن ظالم=کاندر این گلستان نوا برخاست=کیست صاحب عزا به پرده غیب=طاها مادر حسین زهراست=تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام که به راهنمایی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بعد از هر نماز واجبی توصیه شده است، ثواب هزار رکعت نماز (مستحبی) دارد و آن بدین صورت است: ۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمد لله، و گفتن ۳۳ مرتبه سبحان الله است که جمعاً صد ذکر می‌شود.

در جزای هر الله اکبر یا الحمد لله و یا سبحان الله یک درخت در بهشت برای گوینده غرس می‌شود ولی باید مواظبت کرد آتشی

که آن درختها و جنگلها را بسوزاند نفرستیم.

قال الله تعالی: یا احمد لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمه لما خلقتکما.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ای پیامبر اگر تو نبودی افلاک را نمی‌آفریدم و اگر علی نبود تو را نمی‌آفریدم و اگر فاطمه علیها السلام نبود شما را نمی‌آفریدم (که منظور از مقام فاطمه علیها السلام علت مبقیه است نه اینکه مقام پیامبر صلی الله علیه و آله یا علی علیه السلام دون از مقام فاطمه علیها السلام است).

لوح فاطمه زهرا علیها السلام

این حدیث با سلسله سندی که نوشته‌اند به عبد الرحمن بن سالم رسانده‌اند که عبد الرحمن بن سالم از ابوبصیر و ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند:

در پایان حدیث لوح ابوبصیر به عبد الرحمن بن سالم می‌گوید اگر در عمر خود غیر از این حدیث، حدیث دیگری نشنیده باشی تو را کفایت می‌کند آن را از غیر اهلش حفظ کنی.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: پدرم امام محمد باقر علیه السلام جابر بن عبد الله انصاری فرمود: با تو به خلوت حاجتی دارم، چه وقت را معتنم می‌دانی؟ جابر گفت هر وقت که بخواهید، پس روزی با او به خلوت نشست و فرمود: ای جابر! مرا از لوحی که در دست مادرم فاطمه علیها السلام دیدی خبر ده و از آنچه در آن نوشته شده بود و آنچه از آن مادرم با تو سخن گفت بازگو. جابر گفت: خدا را گواه می‌گیرم که من در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله در ولادت حسین علیه السلام برای عرض تهنیت و تبریک به خانه مادران فاطمه علیها السلام رفتم و تبریک گفتم، لوح سبز رنگی در دست مادرت زهرا دیدم که پنداشتم زمرده است و در آن نوشته‌هایی سفید رنگ شبیه رنگ خورشید به چشم می‌خورد، عرض کردم پدر و مادرم به فدایت این لوح چیست؟ گفت این لوحی است که خدای متعال به پیامبر خود هدیه فرستاده و در این لوح اسم پدرم و اسم شوهرم و اسم دو پسر و نامهای جانشینان پسرم مکتوب است و پدرم آن را به من عطا فرموده تا مرا به آن مژده دهد و مسرور سازد. پس از آن مادرت لوح را به من داد قرائت کردم و از آن رونوشت برداشتم. حضرت صادق علیه السلام فرمودند: پدرم به جابر فرمود، ممکن است آن رونوشت را به من نشان دهی؟ جابر گفت: آری! پدرم همراه جابر به منزل او رفت و صحیفه‌ای را که از پوست بود از آستین به در آورد و به جابر فرمود در نوشته خوب نگاه کن، من از روی صحیفه خود می‌خوانم، مقابله انجام گرفت. حرفی با حرف آن اختلاف نداشت. جابر گفت: خدا را گواه می‌گیرم که این صحیفه شما همان مکتوب در لوح است. (از کتاب شیخ مفید و کافی کلینی و احتجاج و طبرسی و بحار علامه مجلسی ثبت و ضبط شده است).

چهل حدیث از حضرت فاطمه علیها السلام

چهل حدیث گوهر از دریای بیکران فضائل صدیقه کبری حضرت زهرا علیها السلام، نوشته آقای محمد حسین یوسفی جهت علاقمندان معرفی می‌شود و تنها به فرازهایی از آن در اینجا اکتفا می‌شود:

- ۱ - برکت نام خوبان ۲ - جلوه خدای سبحان ۳ - اسامی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ۴ - منجی دوستان ۵ - شب قدر عارفان ۶ - خورشید تابان ۷ - نور زمین و آسمان ۸ - زهره اهل آسمان ۹ - مهبط فرشتگان ۱۰ - فخر طاهران ۱۱ - احترام هم نامان ۱۲ - توشه آن جهان ۱۳ - محبوبه خاتم پیامبران ۱۴ - بوسه گاه برترین پدران ۱۵ - لعنت بر آزار دهندگان ۱۶ - بهترین زنان ۱۷ - حوریه‌ای از آدمیان ۱۸ - موجب آمرزش دوستان ۱۹ - سرور بانوان ۲۰ - همتای امیر المؤمنان ۲۱ - زفاف فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام ۲۲ - دانای اسرار جهان ۲۳ - دو دریای بیکران ۲۴ - دانای به گذشته و آینده ۲۵ - اولین بهشتیان ۲۶ - علت خلق

جهان ۲۷ - آفتاب بهشتیان ۲۸ - گوهر شب نشان ۲۹ - حق نزدیکان ۳۰ - دعاگوی همسایگان ۳۱ - وظیفه بانوان ۳۲ - حجاب خانه داران ۳۳ - فضیلت پرده نشینان ۳۴ - بهترین چیز برای زنان ۳۵ - اندوه امامان علیهم السلام (نسبت به مصائب مادرشان) ۳۶ - اثر ناله پاکان ۳۷ - نفرین بدسیرتان ۳۸ - امید مستمندان ۳۹ - فریادرس بیچارگان ۴۰ - وعده خدای رحمان.

مختصری درباره امام حسن مجتبی علیه السلام

امام حسن علیه السلام در ۱۵ رمضان ولادت و در ۲۸ صفر به شهادت رسیدند. مدت عمر شریفشان ۴۷ سال و چند ماه است. لقب ایشان مجتبی، کتبه ابو محمد، نام پدر علی علیه السلام، نام مادر فاطمه علیها السلام، دوران رهبری ۱۰ سال، نام قاتل ایشان جعدده با زهر، محل دفن بقیع می باشد.

امام حسن علیه السلام پس از شهادت پدرشان به امامت رسیدند و در جنگ با معاویه به پیشنهاد معاویه و موقعیت خاص نظامی - سیاسی مفاد صلح نامه‌ای تهیه کردند و برای معاویه فرستادند که در جا قبول کرد، اگر چه معاویه پایبند به تعهدات خود نبود. در قطعنامه ذکر شده بود پدر بزرگوار امام سب نشود، و خلافت غصب شده به وسیله معاویه به یزید پسر معاویه که مردی فاسد و شرور بود منتقل نگردد.

این صلح با جنگی که برادر بزرگوارشان امام حسین علیه السلام بعد از شهادت امام حسن علیه السلام انجام دادند یکی است. همسر امام حسن علیه السلام توسط اشار حکومتی خریداری شد و توسط زهر، ایشان مسموم شدند.

موقع به خاک سپردن امام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله با منافقان و یهودیان امت مواجه شدند و امام حسین علیه السلام دستور دادند ایشان را به قبرستان بقیع ببرند. طبق گفته راویان حدیث به جنازه حضرت در این گیر و دار تیراندازی شد و این بی حرمتی ناشی از بی حرمتی به تنها دختر پیامبر در قضیه در بین در و دیوار قرار دادن و آتش زدن منزل حضرت زهرا بود و بعداً و حال تا ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه ادامه دارد.

آن منافقان محبت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را اینچنین جبران کردند. کتاب صلح امام حسن مجتبی علیه السلام را به خوانندگان گرامی توصیه می‌کنم و خلاصه داستان اهل بیت را در اشعار زیر خلاصه می‌نمایم:

به نام قادر بی مثل و مانند=بگویم از برایت نکته‌ای چند=حقیقت داستانی پر معانی=بری لذت گر آن را باز دانی=تو هم ای مستمع ای مرد باهوش=بکن بر آنچه گویم لحظه‌ای گوش=زمانی مصطفی صلی الله علیه و آله ختم رسالت=به مسجد بود مشغول عبادت=بر او وارد شدی از آستانه=دو نور چشم فرزند زمانه=دو فرزند علی علیه السلام، فاتح خبیر=عزیز فاطمه، شبیر و شبر=پیمبر زان زیارت گشت مدهوش=گرفت آن دو برادر را در آغوش=حسن را بر دهان زد بوسه‌ای چند=که تا گیرد حلاوت زان شکر خند=حسین آمد چو یکدم در بر او=زدی بوسه به زیر حنجر او=چو بر گشتند فرزندان به خانه=به نزد فاطمه علیها السلام فخر زمانه=حسین گفتا به زهرا جان مادر=بیا مادر که هستم من مکدر=جوابم گو از غم وارهانم=مگر بد بوست مادر من دهانم=غمین شد زین سخن دخت پیمبر=شگفتن آمد و گشتی مکدر=که منظورت چه باشد نازنینم=مباد آن دم که رنجورت بینم=بگفتا جد من آن سرور من=زدی بوسه به زیر حنجر من=ولی از مجتبی بوسید لبها=بگو مادر تو حل این معما=که ناگه گشت روشن خانه او=ز نور مصطفی کاشانه او=پس از عرض سلام آن مادر زار=بگفتا با پدر با حال افکار=که ای باب گرام و مهربانم=بگو علت که تا آن را بدانم=محمد صلی الله علیه و آله گفت کای فرزانه فرزند=عیان علت این کار میسند=چو زهرا بهر آن اصرار کردی=حقیقت را پدر اقرار کردی=خبیر آمد ز سوی حق برایم=کنون من آن خبر افشا نمایم=حسن را دخترم از روی کینه=بر آید آه و افغانش ز سینه=ولی در کربلا شمر ستمگر=حسین را لب تشنه برد سر=چو بشنید این سخن زهرای اطهر=بر آشفت و بزد بر سینه و سر=سپس پرسید کای باب گرامم=بگو بر من تو این را تا بدانم=در آن دوران پدر جان در کجایی=مدینه یا به دشت کربلایی=سپس گفتا علی آن شاه مردان=کجا باشد بگو ای راحت جان=من افسرده آیا در حیاتم=بگو کز دست شد صبر و ثباتم=محمد صلی الله علیه و آله

آله گفت ای آرام جانم=که من بر تو در آن دم میزبانم=علی و مجتبی باشند آن دم=به جنت ما همه هستیم همدم=بگفتا فاطمه علیها السلام کز راه یاری=که بر آنها نماید آه و زاری =بگفتا غم مخور ای ماه رخسار=بود این دو مه را غمخوار بسیار =خداجو ملتی چون کوه محکم=بخونخواهی به پا خیزند با هم =عزاداری کنند بهر همت=بریزند اشک بر نور دو عین=کنند ایثار از مال و هم از جان=پی اجرای دستورات قرآن=بگفتا فاطمه کز بهر آنها=چه خواهی کرد ای آرام جانها=محمد صلی الله علیه و آله گفت من در نزد داور=شفاعت می کنم ز آنها به محشر=علی علیه السلام گفتا که من از حوض کوثر=عزاداران کنم سیراب یکسر=حسن علیه السلام گفتا من از راه عنایت=کنم از جمله آنها حمایت=بگفتا فاطمه علیها السلام آن با محبت=که باشم من برون بر درب جنت=که تا آن ملت با دین و ایمان=شوند داخل همه در باغ رضوان=همان ملت شمائید ای عزیزان=که گفته مصطفی ختم رسولان=که در جنت الا آن نیک منظر=کند سیرابشان از حوض کوثر=شرایطی که امام حسن علیه السلام با معاویه بسته بودند برای ایجاد صلح به قرار زیر است:

- ۱- عمل به کتاب خدا و دستورات پیغمبر صلی الله علیه و آله.
 - ۲- پس از خود خلافت را به مسلمین واگذار کند. (یعنی معاویه مسلم نیست که یزید را جانشین خود نکند).
 - ۳- مردم در امان باشند و اموال و آبرو و خون آنان محفوظ باشد.
 - ۴- لعن بر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از میان مردم برداشته شود.
- این مفاد هر کدام احتیاج به توضیحات کامل دارد و اگر چه معاویه (لعنت الله علیه) آنها را شفاهاً و کتباً قبول کرد و امضاء نمود ولی عملاً هیچکدام از آنها را رعایت نکرد.

چهل حدیث از امام حسن علیه السلام

- ۱- قال حسن بن علی علیه السلام: «استعد لسفرک و حصل زادک قبل حلول اجلک». امام حسن علیه السلام می فرماید: مهیای سفر آخرت باشید و توشه تهیه کنید قبل از رسیدن مرگتان. (بحار الانوار، جلد ۴۴، صفحه ۱۳۹).
- ۲- قال حسن بن علی علیه السلام: «عجبت لمن یتفکر فی مأکوله، کیف لا یتفکر فی معقوله». امام حسن علیه السلام می فرماید: عجب دارم از کسی که در خوراک خود دقت می کند (چه بخورد) چگونه در غذای فکری و معارف دینی خود فکر نمی کند. (بحار الانوار، جلد ۱، صفحه ۲۱۸).
- ۳- امام حسن علیه السلام می فرماید: دانش خویش را به مردم بیاموز و دانش دیگران را نیز فرا بگیر تا بخشنده دانش و فراگیر آن باشی. (فلسفه صلح، محمد مقیمی، صفحه ۳۶).
- ۴- امام حسن علیه السلام می فرماید: سیاست آن است که فرمان خدای را انجام دهی و از حرامش دوری کنی، حق برادران مسلمانان را به جای آوری و از خدمتگزاری ملت باز نمانی. (اگر به حکومت دست یافتی به دادگری رفتار کن و از طریق عدالت انحراف مجو) و اگر حکومت به دادگری رفتار کند، مدد کارش باشی و اگر از طریق عدالت انحراف جست بر رویش فریاد کنی. (فلسفه صلح، محمد مقیمی، صفحه ۱۰۳).
- ۵- امام حسن علیه السلام می فرماید: از گناهان به دور باش تا عابد باشی، به آنچه خدایت داده راضی باش تا بی نیاز شوی، همسایه خوبی باش تا مسلمان باشی. (فلسفه صلح، محمد مقیمی، صفحه ۱۱۶).
- ۶- امام حسن علیه السلام می فرماید: اگر خواهی که عزیز باشی بی قوم و قبیله، و مهابت داشته باشی بی سلطنت و حکمی، پس بیرون رو از مذلت معصیت خدا، به سوی عزت اطاعت خدا. (فلسفه صلح، محمد مقیمی، صفحه ۱۵۷).
- ۷- امام حسن علیه السلام می فرماید: مردم در خانه سهو و غفلت به سر می برند. کاری می کنند و نمی دانند چه می کنند و چون آنها

را به آخرت راندند و به خانه یقین رسیدند آن وقت می‌دانند، چه بکنند که نمی‌توانند تحمل کنند، چه این دنیا دار عمل و آخرت دار جزا و سزاست. (فلسفه صلح، محمد مقیمی، صفحه ۱۶۸).

۸- امام حسن علیه السلام می‌فرماید: با مردم چنان باش که می‌خواهی با تو باشند تا دادگر باشی.

۹- امام حسن علیه السلام می‌فرماید: بخل مساوی با تمام عیوب است و قطع کننده تمام مودت و دوستی قلوب است. (امام مجتبی علیه السلام، صفحه ۱۷۵).

۱۰- امام حسن علیه السلام می‌فرماید: مرد با ایمان برای آخرت توشه بر می‌دارد و کافر به لذت دنیا مشغول می‌شود. (امام مجتبی علیه السلام، صفحه ۱۸۹).

۱۱- امام حسن علیه السلام می‌فرماید: سه چیز مایه هلاکت مردم است: تکبر، حرص، حسد.

تکبر دین را تبه می‌کند چنانچه شیطان را دچار لعنت کرد.

حرص دشمن جان است، چنانچه آدم را از بهشت بیرون کرد.

حسد، پیش درآمد فساد است چنانکه قاییل را به کشتن برادرش هابیل واداشت.

۱۲- امام حسن علیه السلام می‌فرماید: گورها کوی ما و رستاخیز وعده گاه ما و خداوند نشان دهنده ماست، ولایت پدرم علی علیه السلام دری است که هر کس به آن داخل شود، پناه یابد و آنکه دوری گزیند کافر گردد. (فلسفه صلح، صفحه ۲۳۲).

۱۳- از امام حسن علیه السلام پرسیدند: نابخردی چیست؟ فرمود: پیروی فرومایگان و همنشینی گمراهان. پرسیدند: برادری چیست؟ فرمود: برابری در سختی و فراخی. (فلسفه صلح، صفحه ۲۲۵).

۱۴- جابر گفت از امام حسن علیه السلام شنیدم که فرمودند: مکارم اخلاق ده تاست:

راستگویی، درستکاری، بخشندگی، نیکخویی، پاداش خیر، پیوند با خویشان، حمایت از همسایگان، حق شناسی، مهمان نوازی و سرآمد همه آنها حیاست. (زندگانی حسن بن علی علیه السلام صفحه ۱۹۷).

۱۵- امام حسن علیه السلام به فرزندانشان فرمودند: دانش بجوید که شما امروز کودک هستید و فردا بزرگ می‌شوید و اگر نمی‌توانید مطلبی را حفظ کنید، آن را بنویسید. (فصول المهد).

۱۶- امام حسن علیه السلام می‌فرماید: آن کس که عقل ندارد فرهنگ ندارد، آن کس که همت ندارد ارزش دوستی ندارد. آن را که شرم نیست، دین نباشد. سرآمد خردمندی معاشرت نیکو با مردمان است. سعادت دو جهان به وسیله عقل به دست می‌آید و آن کس که عقل ندارد از همه خوشبختی‌ها محروم است. (عیان الشیعه).

۱۷- امام حسن علیه السلام درباره قرآن می‌فرماید: در این قرآن چراغهای هدایت می‌درخشد و دلها به راهنمایش بهبود می‌یابد پس باید دل را به فروغ تابناکش روشن ساخت و دلها را به فرامینش استوار کرد، دلها به وسیله اندیشه درست روشن می‌ماند و راه می‌یابد، همچنانکه رهروان در پرتو نور از تاریکیها می‌گذرند. (کشف الغمه).

۱۸- امام حسن علیه السلام درباره نیایش می‌فرمایند: خداوند باب سؤال را بر کسی نگشود که باب اجابت را بر او فرو بندد و دری از عمل بر کسی باز نکرد که راه پاداش را بر او ببندد. باب شکر را بر کسی نگشود که باب فراوانی نعمت را بر او سد کند. (اعیان الشیعه).

۱۹- امام حسن علیه السلام درباره سیاست می‌فرماید: سیاست رعایت حقوق خدا و زندگان و مردگان است. حق خدا انجام فرائض و برکناری از گناه است. حق مردم آن است که وظیفه خود را نسبت به آنها انجام دهی و هرگز از خدمت اجتماع خود باز نمانی و همچنان که زمام دار با تو به دوستی رفتار کند تو نیز با وی به دوستی و اخلاص عمل نمایی و چون بستگان از طریق راست منحرف شدند، آنها را به راه راست رهنمون باشی و حق مردگان بر تو آن است که از خوبیهای آنها سخن گویی و از

بدکاریهایشان چشم پوشی، زیرا خدایی است که حساب کار آنها را می‌کند. (مجله‌العرفان).

۲۰ - مردی از امام حسن مجتبی علیه السلام خواست که دوست و همنشین او باشد. حضرت فرمودند: به شرطی که از من ستایش نکنی، زیرا من خودم را بهتر از تو می‌شناسم و مبادا مرا دروغگو شماری که دروغگو رأی و عقیده‌ای ندارد و مبادا در برابر من از کسی غیبت کنی. آن مرد چون شرایط دوستی با آن حضرت را مشکل دید گفت از درخواست خود منصرف شدم، امام فرمود: آری هر طور می‌خواهی بکن. (تحف العقول، صفحه ۵۵).

۲۱ - امام حسن درباره بخل می‌فرماید: بخل سرآمد همه عیبه‌ها و بدیهاست که دوستی‌ها را از دل می‌رباید و چون پرسیدند بخل چیست؟ فرمود: بخل آن است که انسان آنچه را جمع می‌کند شرف بداند و هر چه را انفاق کند تلف شمارد. (نهایه‌الادب).

۲۲ - امام حسن علیه السلام درباره فروتنی می‌فرماید: فروتن کسی است که حق مردم را بشناسد و در برآوردن نیاز آنها بکوشد که در این صورت در پیش خدا مقامی والا دارد. هر کس در این جهان نسبت به برادران دینیش فروتن باشد، در نزد پروردگار از صدیقان است و از شیعیان علی بن ابیطالب به شمار می‌رود.

۲۳ - مردی خدمت امام حسن علیه السلام آمد و گفت ای پسر رسول خدا: من از مرگ می‌ترسم. فرمود اگر آنچه داری پشت سر می‌گذاری باید بترسی و اگر هر چه داری پیش می‌فرستی باید از مردن شادمان باشی. (جامع السادات).

۲۴ - امام حسن علیه السلام به مردی که یکی از خویشاوندانش را از دست داده بود چنین تسلیت دادند: اگر این مصیبت به تو پندی می‌دهد و اجری می‌بخشد نیکو مصیبتی است و گر نه مصیبت بیچارگی خودت از مصیبت این مرگ بزرگتر است. (تاریخ یعقوبی).

۲۵ - امام حسن علیه السلام در مورد مساجد می‌فرماید: هر کس همیشه به مسجد برود یکی از این هشت امتیاز را ببرد: از آیات محکم پروردگار بهره یابد، دوستی پیدا کند که به او سود رساند، دانشی تازه فرا گیرد، رحمتی از خداوند دریابد، سخنی هدایت آموز بشنود، کلامی که از هلاکتش برهاند بیاموزد، و از ترس خدا و شرم مردم مرتکب گناه نشود. (عیون الاخبار ابن قتیبه).

۲۶ - پیرو امام حسن علیه السلام کیست؟

مردی خدمت آن حضرت آمد و گفت: ای پسر رسول خدا! من از پیروان شما هستم. امام فرمودند: ای بنده خدا! اگر در انجام فرائض و خودداری از گناهان ثابت قدم باشی پس راست می‌گویی و اگر چنین نیستی با این دعوی دروغ، بر گناهان خود می‌افزایی که پیروی از ما مقامی بس بلند است و تو اهل آن نیستی، مگوی که من پیرو تو هستم، بلکه بگو من از دوستان و دوستداران شما و از بدخواهان دشمنان شما هستم، در این صورت تو در خیر و به سوی خیر خواهی بود. (مجموعه ورام).

۲۷ - از امام حسن علیه السلام درباره سکوت سؤال شد، فرمودند:

سکوت پوشش عجز و ناتوانی و زیور آبروست. سکوت کننده در آسایش است و همچنین وی در آرامش. (البحار، جلد ۱۰، چاپ قدیم).

۲۸ - شخصی به امام حسن مجتبی علیه السلام گفت: زندگی کدام دسته از مردم از همه نیکوتر است؟ فرمودند: زندگی آن کس که مردم را در زندگی خویش شرکت دهد. (تحف العقول).

۲۹ - شخصی به امام حسن مجتبی علیه السلام گفت: بدترین مردم کیست؟

فرمودند: آن کس که دیگران در سایه زندگیش به سر نبرند. (تحف العقول).

۳۰ - امام حسن علیه السلام می‌فرماید: هر گاه یکی از شما با دوست خود مواجه شود باید موضع نور از پیشانی او را، که جای سجده است ببوسد. (تحف العقول).

۳۱ - امام حسن علیه السلام می‌فرماید: به آن کس که پیش از سلام ابتدا به سخن کند پاسخ مدهید. (ناسخ التواریخ).

۳۲ - امام حسن علیه السلام درباره آداب غذا خوردن می‌فرماید: بر هر مسلمانی لازم است که به هنگام غذا خوردن دوازده نکته را

رعایت کند، که چهار نکته فریضه است و چهار نکته سنت است و چهار نکته دیگر از موارد ادب.

فریضه‌ها: نعمت خدا را شناختن، به قسمت الهی دلخوش بودن، نام خدا را بر زبان آوردن و سپاسگزاری کردن.

سنتها: پیش از غذا وضو ساختن، چپ نشستن، با سه انگشت غذا خوردن، و انگشتان خود را لیسیدن. (که این نکته تأثیر طبی دارد).
موارد ادب: از جلو خود خوردن، لقمه کوچک برداشتن، خوب جویدن و به چهره مردم کم نگرستن. (مصایح الانوار فی حل مشکلات، جلد ۲، صفحه ۲۷۱).

۳۳ - امام حسن علیه السلام درباره نماز می‌فرماید: ای آدمیزاد، که پروردگارت با تو به خلوت نشسته، چه کسی چون تو است؟ هرگاه بخواهی بر او در آیی، وضو می‌سازی و در برابرش می‌ایستی. او میان تو و خودش حجایی و حاجبی قرار نداده است، تا شکوه اندوه و تنگدستی و فقرت را به پیشگاه او بری، نیازهایت را از او طلب کنی و در کارهایت از او مدد جویی. (ارشاد القلوب، تألیف حسن بن محمد دیلمی، صفحه ۷۹ و ۸۰).

۳۵ - امام حسن مجتبی علیه السلام درباره نماز گزاران می‌فرماید: نماز گزاران زائران خدایند، و بر خداست که به زائرش هدیه‌ای عطا فرماید. (تحف العقول).

۳۶ - امام حسن علیه السلام می‌فرماید: هر کس به مسجد رفت و آمد نماید به یکی از این هشت بهره نائل آید:

نشانی استوار، دوستی مفید، دانشی تازه، رحمتی مورد انتظار، سخنی که به راه راست هدایتش کند یا از هلاکتش برهاند، ترک گناهان به جهت شرم از مردم و بیم از خدا. (تحف العقول).

۳۷ - امام حسن علیه السلام درباره عفو خدا می‌فرماید: خداوند در روز رستاخیز آنچنان می‌بخشاید که همه بندگان را شامل می‌شود، تا آنجا که مشرکان گویند: سوگند به خدا که پروردگار ماست، ما هرگز شرک نمی‌ورزیدیم. (اعیان الشیعه، تألیف سید محمد امین عاملی، جلد ۴، صفحه ۸۸).

۳۸ - امام حسن علیه السلام درباره جبر و اختیار می‌فرماید: هر کس قضا و قدر الهی را قبول نداشته باشد ناسپاس و کافر است و هر کس گناه خود را به پروردگار نسبت دهد نابکار و فاجر است، نه کسی به اجبار خدا را اطاعت می‌کند و نه به قهر و غلبه سر از طاعتش باز می‌زند، زیرا خداوند مالک اصلح چیزهایی است که به مردمان داده و توانای مطلق بر نیروهایی است که در اختیارشان نهاده. اگر فرمانش ببرند از اعمالشان جلوگیری نکند و اگر نافرمانیش کنند، بدین معنی نیست که او آنان را به انجام معاصی واداشته است، چون اگر خدا مردمان را به اطاعت از خویش مجبور گرداند، پاداشی به آنان نخواهد داد و اگر به انجام معاصی وادارشان نماید، عذابشان نخواهد نمود و اگر آنان را به حال خود واگذارد، عجز و ناتوانی خویش را خواهد رساند، ولیکن او درباره بندگان خود خواست و اراده‌ای دارد که آن را از نظرشان پنهان داشته است. بنابراین اگر فرمانش ببرند و به طاعت او پردازند، منت خویش بر آنان روا دارد و اگر نافرمانیش کنند و به گناه روی آورند، حجت خدا بر آنان تمام باشد. (جهره رسائل ذلغرب، جلد ۱، صفحه ۲۵).

۳۹ - امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

نیکو پرسیدن خود نیمی از دانش است. (نور الابصار، تألیف شیخ شبلنجی، صفحه ۱۱۰).

۴۰ - امام حسن علیه السلام می‌فرماید: به مردمان دانش بیاموز و از دیگران دانش بجوی، تا دانش خویش را استوار ساخته و آنچه را که نمی‌دانستی، آموخته باشی. (الاثنی عشریه، صفحه ۳۷).

مختصری درباره امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام در روز سوم شعبان متولد شده و دهم محرم به شهادت رسیدند و مدت عمر شریفشان ۵۷ سال و چند ماه بوده است.

لقب ایشان سید الشهداء، کنیه ایشان ابو عبد الله، نام پدر علی علیه السلام، نام مادر فاطمه علیها السلام، دوران رهبری ۱۱ سال، نام قاتل ایشان شمر به دستور یزید، محل دفن کربلا.

مولود نامه امام حسین علیه السلام

باید امشب محفل ما، جلوه دیگر بگیرد=تا که شادی بهر نابودی غم سنگر بگیرد=باید امشب جای شعر از سینه من در بریزد=تا که اشعار مرا انسان به آب زر بگیرد=باید امشب ماه گردون از خجالت رخ بیوشد=تا که خورشید نقاب از چهره خود بر بگیرد=باید امشب ساقی مجلس به عشق روی دلبر=ز آب کوثر ساغری از ساقی کوثر بگیرد=باید امشب پر شود پیمانۀ ظلم و شقاوت=تا عدالت بهر انسان، زندگی از سر بگیرد=باید امشب از صفای مقدم فرزند زهرا=شور و شادی عالمی را همچو جان در بر بگیرد=باید امشب جلوه گر گردد جهان کبریایی=تا که از نور جمالش عالمی زیور بگیرد=باید امشب پا نهد در عرصه گیتی حسینی=تا که داد خلق مستضعف از مستکبر بگیرد=باید امشب سر نهد در خط حق، آزاد مردی=تا که بر طاغوتیان، ره همچو شیر نر بگیرد=باید امشب دامن فرزند دلبنده علی علیه السلام را=بهر کسب نور، خورشید و مه و اختر بگیرد=باید امشب پطرس پر سوخته از بهر پرواز=از حسین بن علی بار دگر شهپر بگیرد=باید امشب بوسه از لعل لب و زیر گلویش=خاتم پیغمبران، با دیدگان تر بگیرد=باید امشب با دلی شادان علی دستش بیوسد=تا که فردا روی دست خود علی اصغر بگیرد=باید امشب آه مظلومان اثر بخشد که ظالم=جای در آتش برای دیدن کیفر بگیرد=باید امشب خون سرخ ثار الله بجوشد=تا قیام سرخ عاشورای خونین در بگیرد=باید امشب نهضت ما سر خط پیرویش را=با ورود این سپهر از خالق اکبر بگیرد=باید امشب رهبر رزمنده ایران بکوشد=تا امان خطی، برای این کشور بگیرد = (ژولیده)

حسین علیه السلام مظهر آزادی و آزادگیست و خداوند اراده کرد که حسین علیه السلام را در کربلا شهید ببیند، و امام حسین علیه السلام اختیار داشت که قبول کند یا نکند. البته در صورت قبول کردن به آن مقام (سید شهیدان) نائل می‌شد و توسط خون این بزرگوار اسلام آبیاری و قامت آن عالم گیر می‌شد و چه سعادت‌ی بالاتر از این که خداوند در سوره فجر در وصف ایشان می‌فرماید:

يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (سوره فجر، آیه ۲۷)

هان ای نفس مطمئنه.

ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (سوره فجر، آیه ۲۸)

به سوی پروردگارت که تو از او خشنودی و او از تو خشنود است، باز گرد.

فاذْخُلِي فِي عِبَادِي (سوره فجر، آیه ۲۹)

و در زمره بندگان من در آی.

وَأَدْخُلِي جَنَّاتِي (سوره فجر، آیه ۳۰)

و به بهشت من وارد شو.

شعار «لا يظلمون و لا تظلمون» (نه ظلم کن و نه زیر بار ظلم برو) را امام حسین علیه السلام در عمل نشان دادند.

گانندی مصلح بزرگ هند می‌گوید: من برای مردم هند چیز تازه‌ای نیاوردم. ارمغان هند، فقط نتیجه‌ای از مطالعات و تحقیقاتم درباره تاریخ زندگی قهرمانان کربلا بوده است که اگر بخواهیم هند را نجات دهیم واجب است همان راهی را بپیماییم که حسین بن علی علیه السلام پیمود.

محمد جناح قائد اعظم پاکستان می‌گوید: هیچ نمونه از شجاعت بهتر از آنکه امام حسین علیه السلام از لحاظ فداکاری و تهور نشان داد، در عالم پیدا نمی‌شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین اسلام قربانی کرد، پیروی نمایند.

ایرونیك مورخ مشهور آمریکایی می گوید: برای امام حسین علیه السلام ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن به اراده یزید نجات بخشد. لیکن مسئولیت پیشوا و نهضت آزادی بخش اسلام اجازه نمی داد که او یزید را به عنوان خلیفه بشناسد. او به زودی خود را برای قبول هر ناراحتی و فشاری به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی امیه آماده ساخت.

در زیر آفتاب سوزان سرزمینی خشک، و در روی ریگهای تفتیده عراق با روح فناپذیر برخاست. ای پهلوان و ای نمونه شجاعت و ای شهسوار من، ای حسین علیه السلام شما عمل به تکلیف نمودید. امید است که با پیروی از شما اهل بیت پیامبر، ما هم از بوته آزمایش رو سفید و سر بلند بیرون آئیم.

نه ظلم کن به کسی و نی زیر بار ظلم برو= که این مرام حسین است و منطق دین است= امام حسین علیه السلام بر حسب ظاهر اگر چه با ناجوانمردی دشمن در کربلا مغلوب شدند، ولی در باطن و با مراجعه به تاریخ پیروزی ایشان همچون خورشید غیر قابل انکار است.

در اینجا از زبان خود ایشان احادیث و روایاتی را مطرح می کنیم که عظمت و اصالت خانوادگی این بزرگوار بیش از پیش برای محققان آشکار گردد که تنها قطره‌ای از دریای فضائل ایشان خواهد بود. در ضمن جهت فشردگی کتاب، بعضاً از عبارات عربی آنها صرف نظر می کنیم.

چهل حدیث از امام حسین علیه السلام

۱- بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده‌اند که روز عرفه در عرفات در خدمت آن حضرت بودیم. پس، از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان با نهایت تذلل و خشوع پس در جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را به سوی کعبه گردانیدند و دستها را برابر رو برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد و این دعا را خواندند: «الحمد لله الذی لیس لقضائه دافع و لا لعطائه مانع و لا کصنعه صنع صانع و هو الجواد الواسع فطر اجناس البدایع و انقض بحکمته الصنایع».

حمد و ستایش برای خدایی است که برای قضایش دافعی و برابر عطایش مانعی نیست و مانند صنعش، صنعت صناعی نمی باشد و او جواد است و سعت بخش که پدیده‌های گوناگون بیافرید و به حکمت خویش مصنوعات را متقن و مستحکم کرد.

۲- «یشیهون الله بانفسهم یضارهنون قول الذین کفروا من اهل الکتاب».

به گفتار نابخردان گوش مدارید و از بیخبران حدیث عشق و مستی مپرسید، اینان که مبدأ اعلای وجود را با اوهام و اندیشه‌های خویش همی سنجند و حقیقت مطلق را همچون خویشتن کوچک و فرومایه می پندارند گمراه باشند و کورکورانه به انحراف می روند.

کور از نور چه داند و شب تیره را با آفتاب چه آشنایی باشد. او را همتایی نیست تا در برابرش به جانب نسبت ایستد و همانندی نشناسد تا با وی دم از رقابت زند.

یکتایی و عظمت را ویژه خویش قرار داده و بر عرش قدرت جبروت بر آمده و مستبدانه فرمان داده و با قلم تقدیر قضا را امضاء فرموده است هم رازی نداشت تا رأی وی را با اراده خویش بیامیزد و همسری نمی جست که با وی در حکمت آفرینش مشورت کند.

۳- «لا متنازع له فی شی من امره و لا کفو یعاده و لا ضد نیازعه و لا رسمی له یشابهه و لا مثل له یشاکله».

زبان آوران گیتی در وصف عظمتش لال بمانند و خردمندان قوم به هويت اقدسش نیندیشند، زیرا نیکو دانند که شهباز بلند پرواز خرد در اوجی بدین عزم پشه‌ای ناتوان و بی نوایی بیش نیستند.

مغز بشر در اندیشه‌های گوناگون خویش نتواند بدو اندیشد زیرا ذات مقدس وی از مغزها و اندیشه‌ها و تخیلات و مشاعر بزرگتر

باشد.

۴ - امام حسین علیه السلام در مورد توصیف خدایی که پرستش می‌کنید به نافع بن ارزق چنین فرمودند: آن کس که دین خویش را بر اساس قیاس گذارد در حیرت و ضلالت فرو رود. از راه راست انحراف گیرد و به کجی و کجروی گردد. در بیغوله ضلالت فرو ماند و هر چه گوید ناستوده و نکوهیده گوید.

نه با حواس ما ادراک شود و نه در کائنات نظیری دارد تا طرف قیاس قرار گیرد. از هر نزدیکی به ما نزدیکتر است ولی با ما تماس ندارد و از دوری نسبت به ما دور است اما از ما جدا نیست. (سخنان امام حسین علیه السلام، جواد فاضل، صفحه ۶).

۵ - امام حسین علیه السلام در مورد مکارم اخلاق به بشر چنین می‌فرماید: نیکو آن باشد که به سوی نیکوکاری شتاب ورزید و برای خویشتن نام نیک و یادگار درخشان بگذارید.

در خیرات و حسنات چشم توقع به پاداش کس مدوزید و خیرات و حسنات را وظیفه خویش بشناسید. آن کس که نیکویی می‌کند و نیکویی نمی‌بیند پاداش خود را از خدای خود بخواهد.

پرودگار ما، که ما را به خیرات و حسنات فرمان داده هم خویشتن مزد ما را خواهد داد. او جمیل و عطای جزیل است. اگر نیکوکاری به صورت بشری جلوه می‌کرد، انسانی زیبا و شاداب و خندان بود. آن چنان که هر کس بدو می‌نگریست چشم به دیدارش مشتاق می‌داشت. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۸).

۶ - قال الامام الحسين عليه السلام: «ايها الناس من جاد ساد و من بخل رذل». (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۶).

امام حسین علیه السلام فرمودند: ای مردم! آنان که ببخشند بزرگ باشند و بزرگی کنند و آن کس که بخل ورزد پستی جوید و لاجرم پست و فرومایه گردد.

بخشنده‌تر از همه آن دست شریفی است که ناخواسته نعمت بخشد و خلاف توقع و انتظار به دستگیری پیش آید و بخشاینده‌تر از همه آن کس که با قدرت انتقام از گناه دیگران چشم همی پوشد و گناهکاران را ببخشد. اگر خواهید که در دل جوش کمال دلجویی را دریابید در برابر قهر مهر ورزید و با آنان که از شما بیردند بیوندید.

۷ - امام حسین علیه السلام فرمودند: هر که نیکویی کند از پیشگاه پروردگار نیکویی بیند. پروردگار متعال نیکوکاران را دوست همی دارد.

۸ - امام حسین علیه السلام به اصحاب خویش می‌فرمودند: زینت آدمیزاد بردباری و شکیبایی است و مردانگی او در گرو وفای او، دلها را به هم نزدیک سازید و با صاحب‌دلان بیوندید تا نعمت زندگی را دریابید.

آنان که خویشتن را بزرگ بینند، و یا کبر و نخوت ورزند سخت ابله باشند، و از خود در خاطر دیگران نفرت و بیزاری گذارند. شتابزده‌گان خرد ندارند زیرا از شتاب خویش جز زیان نبرند.

نابخردان مردمی ضعیف و بیچاره باشند و آنان که پای از گلیم خویش فراتر نهند به بلا در افتند. با بدان منشینید تا بدی نبینید، پیداست که از شرور جز شرارت نخیزد و جز شر به دست نیاید. از اصحاب فجور و فحشا دوری گزینید تا تهمت فجور و فحشا دامانتان را به لجن نکشد و بر پیشانیتان لکه ننگ نگذارد. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۱).

۹ - امام حسین علیه السلام در موقع وداع به ابوذر که بنا به فرمان عثمان، به ربه تبعید می‌شد چنین فرمودند: ای عم گرامی، دلتنگ مباش که پروردگار متعال اگر امروز چنین مشیت فرموده فردا مشیت دیگری خواهد داشت. «و الله کل یوم هو فی شأن».

این قوم خسیس و لئیم که اکنون تو را به جلای وطن واداشته‌اند و دور از عدل و انصاف به بیابانهای رانده‌اند بر دنیای خویش ترسیده‌اند.

این قوم ترسیده‌اند که شخصیت شریف تو دنیایشان را به تباهی کشاند.

این قوم تو را از دنیای خود طرد کرده‌اند و تو آنان را از دین خویش طرد کرده‌ای. از درگاه پروردگار متعال مسئلت کن ای نازنین عمو که به قلب تو صبر و به جهاد تو نصرت و ظفر عنایت فرماید. به درگاه اعلای الهی پناهنده باش و از او بخواه که تو را از ترس و جزع و طمع ایمن بدارد.

مردم بردبار مردمی کریم و دین‌دار باشند و آنانکه طمع ورزیدند بیش از روزی مقدر خویش به دست نیاوردند و قلبهای جباران و جزع‌کار از آسیب مرگ در امان نمانند. تو را به خداوند مهربان سپرده‌ام و چنان خواهم که پرهیزگاری و تقوا، تو را از هر گزند و آسیب برکنار بدارد.

۱۰ - امام حسین علیه السلام این خطاب را به عنوان موعظه و نصیحت در برابر اصحاب خود فرمودند: شما را به تقوا و پارسایی وصیت می‌کنم و گردش روزگار رابه یادتان می‌آورم از گردش روزگار بترسید و به آیات و بینات الهی سر تعظیم فرو آورید. گذشت روزگار آدمیزاد را دم به دم از گهواره به سمت گور می‌کشاند و سایه حوادث به دنبال آفتاب و مهتاب از پیش چشم ما می‌گذرد و ما را به هلاک و دمار تهدید می‌کند. ناگهان لحظه‌ای فرا می‌رسد که دیگر به زندگانی امیدی نیست. دیگر دستی نیرومند نمی‌ماند که به سوی آسمانها برداشته شود و در دیدگان روشن و روشن‌بین فروغی نمی‌افروزد تا جهان ببیند و جهانیان بشناسد. هم اکنون که پیکر زنده و تن توانا دارید به پای خیزید و فرصت عمر را غنیمت بشمارید و بدان سوی که راهنمایی شده‌اید بشتابید. به آن روز بیندیشید که از کمین قضا تیر اجل پر کشد و بر شریان حیاتتان بنشیند. از پشت به زمین به زانو در افتید و در دل زمین جای گیرید. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۴).

۱۱ - «فسفلکم من ظهر الارض الی بطنها و من علوها الی سفلها و من انسها الی وحشتها و من روحها و صوتها الی ظلمتها و من سعتها الی ضیقها حیث الابرار حمیم و لا یعاذ سقیم و لا یجاب صریخ». (خطبه‌های امام حسین علیه السلام، صفحه ۱۴). آری از پشت زمین به دل زمین فرو روید و بخت بلند بختان آهنگ پستی کند و از اوج عزت و آسایش به حسیض مسکنت در افتد.

در محفل انس و الفتش شمع بمیرد و جمع پریشان شود و خواه و ناخواه به وحشتکده‌ای که تنگ و باریک و خاموش و خراب باشد راه گیرد.

کو آن همه ناز و نعمت و کو آن همه غمخوار و غمگسار؟ آن قصر مجلل چه شد که یکباره به دخمه‌ای نمناک و غمناک تبدیل یافته و چه پیش آمد که کام شیرین از تلخی مرگ لبریز شده است.

۱۲ - «لا- تنفع نفساً ایمانها لم نکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً». (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۱).

آن جا که از نعمت ایمان بی‌بهره باشد دیگر نتواند ایمان آورد و از ایمانشان بهره‌ای برگیرد و آن کس که خیرات و حسنات نپرداخته برای ابد از برکت خیرات و حسنات محروم خواهد بود. هرگز گمان مدارید که کس بتواند آفریدگار خود را بفربید و با رنگ و نیرنگ به بهشت برین راه گیرد و رضای الهی جوید. بهشت برین را به سایه حیلۀ نتوان کشید و رضوان پروردگار را با مکر و تزویر نتوان به دست آورد. تنها طاعت و عبادت است که اجر جزیل و ثواب جمیل به همراه خواهد داشت و آن کس مزد نتواند برد که کار نتواند کرد.

۱۳ - امام حسین علیه السلام این خطابه را درباره این نکته که، علی علیه السلام هدایت است، ایراد فرمودند: به درگاه الهی سپاس و ستایش آورم و بر روان مقدس محمد صلی الله علیه و آله درود می‌فرستم و آنچه از جد گرانمایه‌ام پیغمبر شنیده‌ام به شما باز می‌گویم.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: علی علیه السلام شهر هدایت است. آن کس که به این شهر پناه آورد از حصارش پناه جوید، نجات خواهد یافت و تیره‌بختان که شهر هدایت را ترک گویند و از کنارش دوری جویند به هلاکت رسند.

۱۴ - امام حسین علیه السلام این خطابه را در نخستین زمره‌های معاویه، راجع به ولایت عهدی یزید در برابر وی ایراد فرمودند: با حمد پروردگار و صلوات رسول اکرم صلی الله علیه و آله: ای معاویه سخنان خود را آنچنان آغاز کنم و تو را که این همه در خصائل حمیده پیامبر اکرم سخن سرایی کنی شایسته ملامت و سرزنش شمارم.

گویندگان جهان آنچه در فضائل و محامد محمد صلی الله علیه و آله داد سخن دهند باز هم کم گفته‌اند زیرا یک از هزار را نیز ناگفته بگذارند، ولی تو شرمسار باش که همی خواهی منبر وی را به عنصری ناستوده و ناموزون باز گذاری. افسوس! ندانی تو ای معاویه که سپیده صبح، ظلمت را از هم بشکافد و خورشید حقیقت به فروزندی‌های کرمک شب تاب مجال نورفشانی ندهد. در ادای سخن به افراط رفتی، به هنگام احقاق حق جانب اجحاف گرفتی. منع را با بخل در آمیختی و پای خویش را از گلیم فراتر بردی. آن چنان مستحق را از حقتش به دور راندی که شیطان نصیب وافر باز یافت، و به کمال مطلوب خویش رسید.

از یزید یاد کردی و وی را پیشوای شایسته خواندی، که تواند بر ملک و ملت سیاست راند! و امت محمد صلی الله علیه و آله را هدایت کند. چنین پنداری که از موجودی مستور سخن گفتی و وصف عنصری ناشناس باز گویی؟ یزید مردیست که خود را در برابر مردم آن چنان که هست نشان داد و تو را از رنج بیهوده و ادای اباطیل و اراجیف آسوده گذاشت.

یزید را به سگهای شکاری وی که به دنبالش سر به دشت و صحرا گذارند و کبوترهای بازیگوشی که با او بازی کنند، به بازیچه‌ها و سرگرمی‌های کودکانه‌اش، به کنیزکان خواننده و نوازنده‌اش که در محفل معصیت سرگرمش دارند، تعریف کن تا مردم نیکوترش شناسند.

شرم دار ای مرد، و ناستوده گویی بگذار، این همه لغزش و عصیان، این همه وزر و وبال، این همه سیاه‌رویی و تباه‌روزی که تاکنون گرد آورده‌ای تو را بس باشد. تو که از منکرات و مناهی گوشه‌ای فرو نگذاشته‌ای دیگر سزاوار نیست باری بدین سنگینی و ستبری بر دوش گذاری، روزگارت به نهایت رسیده و پیمان‌ات لبریز شده، بر لب گور گام گذاشته‌ای و میان تو و مرگ بیش از یک چشم به هم زدن مهلتی نمانده است. این لحظه هم به پایان خواهد رسید و موی سپیدت آغشته به سیاهی گناه در خاک پنهان خواهد شد.

۱۵ - امام حسین علیه السلام با نخبه دانشمندان قوم و رجال اسلام حقایقی چند به میان آوردند و تصدیق آنها را از ایشان گرفته که به قرار زیر است:

شما را به خداوند بی همتا قسم می‌دهم که آن روز که رسول اکرم صلی الله علیه و آله اصحاب خود را با رشته اخوت با هم پیوند می‌داد و هر دو نفر را برادر هم می‌نامید، که علی علیه السلام را برادر خویش برگزید و فرمود در دنیا و آخرت تو برادر من باشی و من هم برادر تو باشم.

شما را به خداوند لایزال قسم می‌دهم آیا می‌دانید وقتی بنای مسجد مدینه به پایان رسید و از هر خانه دری به مسجد گشوده می‌شد، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور فرمودند که مردم درهای خانه خود را به مسجد ببندند و حتی درهای خانه خود را به مسجد فرو بست ولی اجازت فرمود که در خانه علی به مسجد گشاده باشد و در پاسخ اعتراض مردم گفت: من به اختیار خود دری را نبسته‌ام و دری را نگشوده‌ام این خداست که در خانه‌های شما را به روی مسجد بست و در خانه علی علیه السلام را گشوده است.

آیا می‌دانید از خوابیدن دیگران در محیط مسجد نهی فرمود ولی علی علیه السلام را در این کار معاف داشت. آیا این درست است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز عید غدیر خم علی علیه السلام را به دنیای اسلام نشان داد و فرمود

آنان که حاضرند، غایبان را آگاه سازند.

هر کس مرا دوست می‌دارد، علی علیه السلام را دوست بدارد و من مولای هر که باشم، علی هم مولای اوست. خداوندا! دوستان علی علیه السلام را دوست بدار و دشمنانش را دشمن بشمار.

آیا می‌دانید که در جهاد تبوک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: مقام تو در زندگی من، مقام هارون در زندگی موسی کلیم است.

شما را به خدا قسم می‌دهم آیا در روز مباحله پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله جز علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و برادرش را، کسی دیگر را هم با خود به میعادگاه برده است؟

آیا این درست است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز خیبر پرچم اسلام را به علی علیه السلام سپرد و فرمود پرچمدار ما کسی است که خدا و رسول او را دوست می‌دارد و خدا و رسول هم دوستش می‌دارند، حمله می‌کند و از فرار می‌پرهیزد و پیروزیها نصیب اوست.

آیا می‌دانید که سوره براءت را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از ابوبکر باز گرفت و به او داد و فرمود: این امانت را جز مردی که از من است کسی نتواند به مکه رساند.

آیا می‌دانید که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در معضلات تبلیغات خویش همیشه علی علیه السلام را می‌خواند و می‌خواست و همیشه وی را به نام برادر خود می‌نامید، و می‌فرمود برادرش را به حضورم بیاورید.

آیا می‌دانید که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام می‌فرمود تو از من می‌باشی و من از تو می‌باشم.

آیا می‌دانید که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را بر همه حتی حمزه و جعفر ترجیح بخشید و به فاطمه علیها السلام فرمود شوهر تو شریفترین شخصیت از خانواده من است. از همه زودتر به اسلام گروید و از همه در شداوند بردبارتر است، از همه در علوم و حکم دانشمندتر است.

آیا می‌دانید که علی علیه السلام همواره با رسول خدا خلوت داشت و هر چه از رسول خدا می‌خواست حاجتش به اجابت مقرون بود.

آیا می‌دانید که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خویش را سید فرزندان آدم و علی علیه السلام را سید قبایل عرب نامید و فاطمه را سیده زنان دنیا و من و برادرش را سید جوانان اهل بهشت خواند.

آیا می‌دانید که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین خطابه خویش فرمود:

از میان شما می‌روم و به جای خود در میان شما دو امانت گرانبها و گرانمایه می‌گذارم. آن دو امانت یکی قرآن مجید و دیگری اهل بیت من است. چنان چه به این دو یادگار من توسل و تمسک جوید گمراه نخواهید شد.

آیا می‌دانید که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: آن کس که گمان دارد با دشمنی تو می‌تواند دوستم بدارد به خطا رفته و دروغ گفته است. این محال است که دوست من دشمن تو باشد و دشمن تو با من دم از دوستی زند. زیرا تو از من باشی و من از تو باشم. هر که تو را دوست بدارد مرا دوست داشته و آن کس که دشمن توست دشمن من است. دشمن من هم دشمن خداست. حضار در انتهای هر سؤال تصدیق می‌کردند و می‌گفتند: خدایا! ما به گفتار حسین بن علی علیه السلام گواهی می‌دهیم و در پایان این خطابه مردم از آن انجمن پراکنده شدند و هر کدام به سوی شهر و دیار خود بار بستند. (سخنان امام حسین علیه السلام ترجمه جواد فاضل، صفحه ۳۳ تا ۳۵).

۱۶ - این نامه را امام حسین علیه السلام برای بنی هاشم مرقوم فرمودند:

آن کس که در این سفر با من همگام و همراه باشد به فیض شهادت خواهد رسید و آن کس که به امید زندگی از من باز گردد

هرگز روی پیروزی نخواهد دید. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۳۰).

۱۷ - آن کس که پروردگار متعال را به شایستگی عبادت کند کمال آرزوی خویش را در زندگی دریابد و در پناه خدای خویش آسوده ماند. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۴۱).

۱۸ - گروهی به امید بهشت خدا را بندگی کنند و این عبادت سودایی بازاری است.

گروهی خدا را لایق عبادت می‌دانند و وی را از روی عشق می‌ستایند. این عبادت مخلصین است.

۱۹ - اگر این سه حادثه نبود غرور بنی آدم در برابر هیچ حادثه‌ای در هم نمی‌شکست. این است آن سه حادثه: فقر، بیماری و مرگ. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۴۱).

۲۰ - به مردی که از دیگران غیبت می‌گفت چنین فرمود: از غیبت پرهیزید زیرا غیبت شما خوراک سگان جهنم خواهد بود. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۴۱).

۲۱ - آن کس که در ادای سلام بخل بورزد از هر بخیل بخیلتر است.

۲۲ - همواره سلام را بر کلام مقدم دارید. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۴۲).

۲۳ - در تفسیر این آیه شریفه:

«و اما بنعمتک ربک فحدث» (سوره ضحی، آیه ۱۱)

چنین فرمود:

این نعمت که فرمان داد، از آن یاد کنیم و حکایتش باز گوئیم، نعمت دین است.

۲۴ - امام حسین علیه السلام به پسرشان حضرت سجاد علیه السلام چنین می‌گویند:

زنهار از ستم به آن کس که جز خدا یاوری ندارد، پرهیز.

۲۵ - این سه طایفه شایسته‌اند که حاجت حاجتمندان را بر آورند و به سؤال سائل پردازند:

۱ - دین داران که به خاطر دینشان نومی‌دی کس نخواهند و مشت منع بر دهان محتاجان نکوبند.

۲ - جوانمردان که رد سائل را از مروت به دور دانند.

۳ - بزرگ زادگان که بزرگی خویش را در اطعام و اکرام دیگران بیابند. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۴۳).

۲۶ - نشان نیکبخت آن است که با خردمندان نشیند و نشان تیره‌بخت آن است که در حلقه فرومایگان در آید و دانشمند کسی است که از حقایق آگاه است. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۴۴).

۲۷ - از لغزش و پوزش پرهیزید، مردم روشنفکر از لغزش اجتناب ورزند تا حاجت به پوزش نداشته باشند اما منافقین و نابخردان دم به دم معذرت خواهند.

۲۸ - آنان که در کار خود وابمانند و راه چاره از چهار طرف به رویشان فرو بندد جز مدارا گریزی ندارند. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۴۴).

۲۹ - با این پنج شرط هر چه خواهید توانید صورت دهید و به هر معصیتی دامن آلائید.

۱ - از روزی خدا بهره‌مگیرید و گناه کنید.

۲ - از زمین خدا به در روید و گناه کنید.

۳ - در آنجا پنهان شوید که خداوند دانا و بینا شما را نبیند و جای شما را نداند و گناه کنید.

۴ - با مرگ در آویزید و بروی پیروز شوید و هر چه خواهید گناه کنید.

۵- از فرمان عذاب گردن بپسچید و تا توانید گناه کنید.

و اگر احراز این پنج شرط برای شما صورت نپذیرد از ارتکاب معصیت بپرهیزید.

۳۰- برادر چهار گونه است:

۱- برادری که هم سود تو را می‌خواهد و هم سود خویشتن را می‌جوید تا آن هنگام که چنین است روزگار دلپذیری خواهید داشت.

۲- برادری که جز سود تو هدفی ندارد و خود را با آرزوهای خویش در راه تو فدا می‌کند، چنین موجود محمود، گوهری گرانبه‌است.

۳- برادری که جز نفع خویش هدفی ندارد و حتی فرصت می‌جوید تا تو را نیز به خاطر نفس خویش قربانی کند، موجودی ملعون است و عدمش به از وجودش باشد.

۴- برادری که نه در سود خویش و نه در غم زیان تو باشد از این احمق سفیه بگریزید. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۴۲).

۳۱- پادشاهان را از این سه خصلت ناپسند خصلتی ناپسندتر و نکوهیده‌تر نیست:

۱- از دشمنان بترسند. ۲- بر زیر دستان ستم کنند. ۳- به هنگام بخشش بخل ورزند.

۳۲- به دنبال محال مدوید و بیش از آنچه طاقت دارید بر خود فشارید و افزون از درآمد خویش خرج کنید و جز در عمل پاداش نخواهید و در آن هنگام که خدای را از خود خشنود یافته‌اید خشنود شوید و پای از گلیم خویش فراتر مگذارید. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۴۴ و صفحه ۱۴۷).

۳۳- مال شما اگر مملوک شما نباشد، مالک شماست. مال شما دشمن شماست. بر جایش مگذارید زیرا او بر جای نخواهد گذاشت. آن را بخور و گرنه تو را خواهد خورد. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۴۷).

۳۴- راستی، نشانه عزت و دروغ برهان عجز است. اسرار مردم امانت مردم است و همسایگی نوعی از خویشاوندی است. خردمندان از کار خویش تجربه آموزند و خوی نیکو عبادت شمرده شود.

سکوت زینت مرد است و حریص گدایی تیره‌بخت باشد. سخاوت بی‌نیازی است و مدارا خردمندی است. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۴۸).

۳۵- مرگ در عزت از زندگی در ذلت نیکوتر و گرامی‌تر است. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۴۹).

۳۶- آن کسان که مال دنیا را ذخیره می‌کنند و ذخیره خویش را به وارث گذارند رنجی بی‌گنج برند. قومی تیره‌بخت باشند زیرا ناپرده لذت، تلخی عذاب بچشند. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۴۹).

۳۷- با مردمی که زشت‌خو و ناسزا خویند آشنایی مکنید، زیرا این قوم جز از آشنایان خویش بد نگویند و زخم زبان خود را جز در دل دوستان نشانند.

۳۸- ای آدمیزاد! خویشتن را جزء زمان پندار، و هوشیار باش آن روز که می‌گذرد، جزیی از وجود تو باشد و با گذشت روزها و شبها روزی هم خواهد رسید که از تو نشانی نمانده است. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۵۱).

۳۹- امیر المؤمنین علی علیه السلام از امام حسین علیه السلام پرسیدند بزرگواری در چیست؟

در پاسخ فرمودند: زیردستان را پاس داشتن و از گناهانشان گذشتن.

پرسیدند: بی‌نیازی کدام است؟

فرمودند: از آرزوها کاستن و به قسمت قناعت کردن.

پرسیدند: فقر چیست؟

فرمودند: طمع در همه چیز و نومییدی از همه چیز.

پرسیدند: چه کسی شایسته ملامت است؟

فرمودند: آن کس که خویشتن را آسوده دارد و عیال خویش را به رنج اندازد.

پرسیدند: ابله کیست؟

فرمودند: آن کس که با قویتر از خویش پنجه در اندازد.

علی علیه السلام به حارث همدانی که حضور داشت فرمود: این سخنان را که سرمایه خرد و فکر و دانش است به فرزندان خود بیاموزید تا در زندگی به مطلوب خویش رسند. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۵۶).

۴۰ - مردم بنده دنیا و درهمند و کلمه دین را جز به خاطر دنیا بر زبان نیاورند در آن هنگام که حادثه‌ای روی آورد دین داران اندک باشند، آنان که در مال و جاه دنیا، با چشم تحقیر می‌نگرند و نمی‌اندیشند که کلید مال در کف چه کسی و مسند قدرت در زیر پای کیست از همگان شریفتر و بزرگترند. (سخنان امام حسین علیه السلام، ترجمه جواد فاضل، صفحه ۱۵۲ و صفحه ۱۵۷).

مختصری درباره علی بن حسین علیه السلام ملقب به حضرت سجاد علیه السلام

امام زین العابدین علیه السلام فرزند امام حسین علیه السلام در پانزدهم جمادی الثانی متولد و در ۲۵ محرم رحلت یافتند. مدت عمر شریفشان ۵۷ سال بوده است. امام زین العابدین علیه السلام معروف به حضرت سجاد علیه السلام در روز عاشورا کسالتی داشتند که به خاطر آن بیماری از مبارزه با دشمن معاف شده و بنا به مصلحت الهی مأمور به باقی ماندن حجت الهی در زمین و پاسداری از خون پدر بزرگوارشان و دیگر شهیدان کربلا شدند. زحماتی که ایشان تا رسیدن به شام و مراجعه به کربلا با عمه بزرگوارشان حضرت زینب علیها السلام متحمل شدند خارج از وصف است. حقایقی که حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید از خاندان وحی و رسالت مطرح کردند پایه‌های ظلم یزید را متزلزل کرد و خطبه‌ای که حضرت سجاد علیه السلام خواندند مردم را آماده برای قیام مختار نمودند. لقب ایشان: زین العابدین، کنیه: ابوالحسن، نام پدر: حسین علیه السلام، نام مادر: شهربانو، دوران رهبری: ۳۵ سال، نام قاتل: ولید بن عبد الملک با زهر، محل دفن: بقیع.

سخنانی که حضرت سجاد علیه السلام در معرفی خود و پدرانشان بر بالای منبر کردند می‌رفت که فی المجلس شورشی علیه یزید پیا نماید که یزید ریاکارانه متوسل به اذان شد و دستور داد اذان بگویند که حضرت سجاد علیه السلام از همان اذان در خطبه‌شان استفاده نمودند و پس از شهادت به وحدانیت خداوند باری تعالی نام مبارک حضرت رسول که برده شد گفتند: ای یزید آیا این محمد صلی الله علیه و آله جد من است یا جد تو. اگر بگویی جد من است دروغ گفته‌ای و اگر بگویی جد تو است چرا با اهل بیت و فرزندان او اینچنین کردی. خلاصه مطلب یزید جرائم را از سر خود رفع کرده و آن را متوجه ابن زیاد نموده و مجلس عزا برپا کرده و کاروان اباعبد الله علیه السلام را با احترام به طرف کربلا فرستاد. حضرت سجاد علیه السلام پیکر شهدا را به خاک سپردند و در مراجعه به مدینه در بیرون شهر خیمه زدند و عزاداری نمودند که پس از آن حضرت سجاد علیه السلام را کسی خندان ندید و به هر مناسبتی که پیش می‌آید مظلومیت و کشته شدن پدر بزرگوارشان را مطرح می‌کردند، مثلاً اگر گوسفندی را می‌دیدند که ذبح می‌کنند می‌پرسیدند آیا آبش داده‌ای و به یاد شهید شدن پدرشان شروع به گریه می‌کردند و یزید و یزیدیان را به مردم معرفی می‌کردند. مختار انتقام امام حسین علیه السلام و دیگر یاران باوفایشان را گرفت که جریانهای دقیق و کامل در مقاتل مبسوطاً ذکر شده است.

حضرت سجاد علیه السلام دریای علم و معرفت بودند و تبلیغات خود را بیشتر در غالب دعا عنوان نموده‌اند، دعای جوشن کبیر و دعای ابو حمزه ثمالی و صحیفه سجادیه نمونه‌ای از تبلیغات ایشان است.

پنج مناجات از حضرت سجاد علیه السلام

اشاره

مناجات حضرت که به نام زُبُور اهل بیت معروف شده است و اگر چه همه ائمه مقام عصمت دارند ولی برای دیگران الگوی توبه و انابه به درگاه حضرت منان بوده است. فرزدق شامی چند بیت شعر در حضور عبد الملک مروان گفته است که به قرار زیر است:

نادره پیری ز عرب هوشمند=گفت به عبد الملک از روی پند=زیر همین قبه و این بارگاه=روی همین مسند و این دستگاه=بر سپری چون سپر آسمان=تازه سری بود و از آن خون چکان=سر که هزارش سر و افسر خدا=صاحب دستار رسول خدا=بودم و دیدم بر ابن زیاد=دیده چه‌ها دید که چشمم مباد=از پس چندی سر آن خیره‌سر=بود بر مختار به روی سپر=باز چو مصعب بود ای نامدار=تا چه کند با سرِ دگر روزگار=مات همینم که درین بند و بست=این چه طلسمی است که نتوان شکست=در این قسمت به فرازهایی از دعاها و مناجاتهای حضرت سجاد علیه السلام بدون متن عربی آن که خود جایگزین چهل حدیث از آن بزرگوار خواهد بود، می‌پردازیم.

مناجات اول:

مناجات توبه کنندگان از صحیفه کامل سجادیه

خدایا: گناهان، جامه خواری در من پوشید، و کناره‌جویی از تو لباس بیچارگی در تن من کرد و از جنایت بزرگ خود دل مرده شدم، پس دل مرا به توبه زنده گردان. ای آرزو و مقصد و ای مطلوب و امید من، به عزت تو سوگند که برای گناهان خویش آمرزنده‌ای غیر تو نیابم. به بازگشت به سوی تو سر فرود آوردم و به زاری تو فروتنی کردم. اگر مرا از در خود برانی به که روی آورم، و اگر مرا از آستان خویش دور کنی به که پناه آورم. واحسرتا، دریغا از شرم و رسوایی من! دردا از بدکاری و گناه من! از تو می‌خواهم ای که گناه بزرگ را آمرزنده تویی و استخوان شکسته را پیوند کننده تویی، گناهان مرا ببخش، رسوائیهای پنهان را بر من بپوش و در گرمگاه رستاخیز طعم عفو آمرزش خود رابه من بچشان و مرا از جامه رحمت و غفران برهنه مساز.

خدایا ابر رحمت تو بر گناهان من سایه افکند و باران مهر تو بر عیبهای من ببارد.

ای خدای من! آیا بنده گریخته سوی غیر مولای خویش باز می‌گردد و از خشمش کسی او را ایمن می‌گرداند؟ خدایا اگر پشیمانی بر گناه توبه باشد، سوگند به عزت تو که من پشیمانم و اگر طلب آمرزش، گناهان را می‌ریزد، من از مستغفرانم، چندان رضای تو جویم که از من خشنود گردی. خدایا به قدرت خود بر من، توبه‌ام را بپذیر و به بردباری از من در گذر و به علم خود با من مدارا کن، خدایا تو دری سوی عفو خود بر بندگان گشودی و آن را توبه نام نهادی و گفתי سوی خدا باز گردید، بازگشتی خالص و بی ریا، پس بهانه کسی که از آمدن بدین در، سرباز زد چیست؟

خدایا اگر گناه از بنده زشت است عفو از تو زیباست، خدایا من نخستین کسی نیستم که نافرمانی تو کردم و تو مرا بخشیدی و به امید احسان پیش تو آمدم و تو بر من بخشیدی، ای چاره ساز بیچارگان و گشاینده مشکل در ماندگان، ای صاحب عطای بزرگ، ای دانای راز و پوشنده عیب، از جود و کرم تو پامردی خواهم و به مهر و بخشندگی تو توسل جویم. پس دعای مرا مستجاب کن و امید مرا قطع مفرما و توبه مرا بپذیر و گناه مرا بپوش به رحمتت یا ارحمن الرحیمین.

مناجات دوم:

مناجات دردمندان از صحیفه کامل سجادیه

خدایا سوی تو شکایت می‌کنم از نفس خود که مرا به زشتیها و ادا می‌کند و سوی گناه می‌شتابد، و به معاصی تو حرص می‌ورزد و خویش را پیش خشم تو فرا می‌دارد و به راه هلاک می‌سپارد و هستی مرا تباه و مرا پیش تو بی‌ارزشترین مردم می‌کند. بسیار بهانه‌جو است، دراز آرزوست. اگر شری به او رسد فریاد بر آرد و اگر خیر یابد از دیگران دریغ دارد، به لهو و بازی راغب است، مبتلا به لهو و بیخبری سوی گناه می‌شتابد و توبه را به تأخیر می‌دارد.

خدایا سوی تو شکایت دارم از دشمنی که مرا سرگشته می‌گرداند و شیطانی که مرا بر می‌انگیزد و دوستی دنیا را در نظر من آرایش می‌دهد و میان طاعت و قربت مانع می‌شود. خدایا سوی تو شکایت می‌کنم از دلی سخت که به اندیشه‌های شیطانی تیره می‌گردد و به چرک و زنگ، آلوده است و از چشمی که خشک گردیده از ترس تو نمی‌گرید و نگران چیزهایی است که از آنها لذت برد. ای خدای من توانایی و نیرویی نیست مگر به قدرت تو از رنجهای دنیا آسودگی نباشد مگر به حفظ تو. پس از تو می‌خواهم به حکمت بالغه و مشیت نافذ خود، مرا نگران بخشش دیگران مگردان و آماج فتنه‌ها مساز.

مرا یاور باش بر دشمنانم و رسوایی و عیبهای مرا بپوشان و از بلا نگهدار و از گناهان حفظ کن، به مهر و بخشایش خدایی که از هر مهربان مهربانتر است، یا ارحم الراحمین.

مناجات سوم:

مناجات امیدواران از صحیفه کامل سجادیه

ای که چون بنده، از تو چیزی بخواهد عطا می‌کنی و هرگاه آرزوی آن نعمت کند که نزد تو است او را به آرزو می‌رسانی و هنگامی که روی به تو آرد او را به خود نزدیک می‌کنی و نزد خویش جای می‌دهی و وقتی گناه آشکار کند، گناهان او را پنهان می‌کنی و می‌پوشانی و اگر توکل بر تو کند او را کافی باشی و کار او بسازی، ای خدای من کیست که به امید میهمانی در سرای تو فرود آمد و او را نپذیرفتی و کیست که به امید عطا راحله خود را بر در خود خوابانید و او را عطا ندادی. آیا شایسته است که به نومییدی از در سرای تو بازگردم با آنکه سروری غیر تو که بر من احسان کند نمی‌شناسم؟ چگونه امیدوار غیر تو باشم؟ با آنکه هر خیری در توست. چگونه از غیر تو آرزو کنم؟ با آنکه عالم ظاهر و باطن در اختیار توست، آیا امید از تو بی‌برم؟ با آنکه سؤال نکرده از فضل خود به من عطا کردی. آیا مرا محتاج به مانند خودم می‌کنی با آنکه من چنگ به رشته رحمت تو زدم. ای کسی که قاصدان در گاه تو خوشبختند و آمرزش طلبان به انتقام تو مبتلا نگشتند. چگونه تو را فراموش کنم، با آنکه تو پیوسته در یاد منی و چگونه از تو غافل باشم با آنکه تو همیشه مراقب منی.

خدایا دست به دامن کرم تو زده‌ام و آرزوی عطای تو کرده‌ام پس مرا به توحید خالص گردان و از بندگان برگزیده خویش قرار ده، ای کسی که هر گریخته به تو پناه می‌برد و هر آرزومندی امید به تو دارد. ای بهترین مرجع امیدواران و کریمترین مسئول دریوزگان که سائل خود را باز نمی‌گردانی و آرزومند را نا امید نمی‌کنی، ای کسی که در سرای تو برای خواهنده باز است، ای کسی که پرده از برابر امیدواران برداشته، از تو می‌خواهم به کرم خویش عطا بخشی که چشم من بدان روشن شود و امید خویش را چندان در دل من جای دهی که دلم آرام گیرد و یقین چندان عنایت کنی که معصیتهای دنیا را در نظر من ناچیز گرداند و پرده کوری از پیش چشم من بردارد. یا ارحم الراحمین.

مناجات چهارم:

مناجات دوستان خدا از صحیفه سجادیه

ای خدای من! کیست که مزه دوستی تو را چشیده و به جای تو دیگری را برگزیده و کیست که با تو آشنا شد و خواست از تو جدا

شود. خدا یا ما را از آنها قرار ده که برای قرب و نزدیکی خویش برگزیدی و برای دوستی و محبت خود از آلودگیها پاک کردی و آنها را مشتاق دیدار و راضی به رضای خود گردانیدی. نعمت نظر به روی خود را بدو عنایت کردی و او را به رضای خود نواختی، و از دوری و قهر خود در پناه گرفتی و در جوار خود و در جای راستان منزل دادی و به شناسایی خود مخصوص داشتی و شایسته بندگی شناختی و دل او را شیفته اراده او ساختی و برای دیدار خود برگزیدی و یک سره روی او را به جانب خویش گردانیدی و دل او را برای محبت خود از همه چیز خالی کردی و رغبت او را به جانب خویش گردانیدی و دل او را برای محبت خود از همه چیز خالی کردی و رغبت او را در نعمتی که نزد تو است قرار دادی و یاد خود را در اندیشه او انداختی و سپاس خود را بدو الهام کردی و به طاعت خود سرگرم فرمودی و از بندگان شایسته خود گردانیدی و برای مناجات خود اختیار کردی و هر چه او را از تو جدا کند از او دور ساختی. خداوند ما را از آن مردم گردان که به زاری پیش تو خو گرفته و عمر خود به بلا و ناله گذرانند، پیشانی آنها در پیش عظمت تو به خاک سوده و چشمهای آنها در خدمت تو بیدار و سرشک آنها از ترس تو روان و دل آنها به دوستی تو، پیوسته از بیم تو دلهای عارفان را به شوق آورده.

ای آرزوی دل مشتاقان و ای نهایت امید دوستان، از تو می‌خواهم دوستی خودت و دوستی هر کسی که تو را دوست دارد و هر کاری که مرا به تو نزدیک سازد را در دل من افکنی و محبت خود را در دل من بیش از دیگران گردانی چنانکه دوستی من، مرا به سوی خوشنودی تو کشاند و رغبت من به تو مرا از معصیت تو باز دارد و بر من منت گذار که تو را بینم و خود به چشم دوستی و مهر سوی من نگر و روی خود را از من باز مگردان و مرا نزد خود نیکبخت و بهره‌مند گردان، یا مجیب یا ارحم الراحمین.

مناجات پنجم:

دعای آن حضرت درباره رنج و اندوه و طلب رفع آن

خداوندا! دشمن مرا به مصیبت من شاد مکن و خویش و دوست مرا اندوهگین مساز. خداوند یک نگاه لطف سوی من افکن و بدان رنجوری مرا برطرف کن و مرا به بهترین حالت که همیشه عادت تو بود درباره من، باز گردان و دعای من و دعای هر کس که تو را به اخلاص خواند مستجاب کن که نیروی من سست و راه چاره بر من فرو بسته و حال من دشوار است و از آنچه در دست آفریدگان توست ناامیدم و جز تو به کسی امید ندارم.

ای خدای من، قدرت تو بر نجات من مانند قدرت توست بر مبتلا کردن من و یاد نعمتهای تو مرا دلخوش دارد و امید انعام و فضل تو مرا نیرو می‌دهد، چون از آن هنگام که مرا آفریدی از نعمت تو خالی نبوده‌ام و تو ای خدای من پناه و سنگر و نگاهدار و دور کننده رنجی از من و مهربان و بخشاینده و ضامن روزی من هستی، آنچه بر من آمد به حکم تو بود و آنچه بدان رسیدم در علم تو گذشته، پس از مولا و سرور من، در قضا و قدر حتمی خود عافیت و صلاح و خلاص مرا از این رنج مقرر فرما، چون من برای رفع آن به غیر تو امید ندارم و اعتماد من بر توست. پس ای صاحب بزرگی و کرم، با من چنان باش که گمان نیک من با تو چنانست و بر سستی و بیچارگی من ترحم فرما و اندوه مرا بگیر و بدین حال منت نه بر من و بر هر کسی که تو را بخواند ای مولای من! تو ما را فرمودی دعا کنیم و اجابت آن را بر عهده گرفتی، وعده تو حق است و خلاف و تغیر ندارد. پس درود بفرست بر محمد صلی الله علیه و آله که پیغمبر تو و بنده توست و بر خاندان پاک او و به فریاد من برس، چون هر که فریادرس ندارد تو به فریادش برسی و آنکه پناه ندارد تو پناهش دهی و منم مُضطرّ که اجابت او را وعده دادی و بردن رنج و سختی او را بر خود واجب شمردی. پس مرا اجابت کن و اندوه مرا ببر و از غم گشایش ده و مرا به بهترین حالی که داشتم باز گردان و در خور من، مرا مکافات مفرما و لکن به رحمت خود که هر چیز را فرامی‌گیرد با من رفتار کن.

ای خدای غالب، ای صاحب بزرگی و کرم، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او درود بفرست و سخن مرا بشنو و اجابت کن.

فضایل و مناقب آن بزرگوار در این چند صفحه نمی‌گنجد و از آن حضرت است که دو کس سیرایی ندارند، طالب علم و طالب دنیا. بنابراین علم، خود مشوق مطالعه خواهد بود که این گونه احادیث را در کتابهای تحف العقول و منتهی الامال مطالعه کنید.

مختصری درباره محمد بن علی علیه السلام ملقب به باقر العلوم علیه السلام

امام محمد باقر علیه السلام فرزند حضرت سجاد علیه السلام در اول رجب متولد و در هفت ذیحجه هر سال سالگرد شهادت ایشان است. مدت عمر شریفان ۵۷ سال بود. لقبشان: باقر، کنیه ایشان: ابوجعفر، نام پدر: علی، نام مادر: فاطمه دختر امام حسن علیه السلام و نام قاتل ایشان ابراهیم بن ولید با زهر بوده و محل دفن ایشان بقیع می‌باشد.

جابر بن عبدالله انصاری از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله است که مأمور رساندن سلام پیامبر به حضرت باقر علیه السلام بود و از قول پیامبر صلی الله علیه و آله به جابر گفته شده بود که تو پنجمین امام را که ملقب به باقر العلوم (شکافنده علم) است درک خواهی کرد و سلام مرا به او ابلاغ کن.

ائمه اطهار علیهم السلام اگر چه در زمان خودشان همه علوم را دارا بودند ولی بدون زحمت هم به دست نمی‌آورده‌اند، در روایت است که هر شب جمعه علم ما ائمه زیاد می‌شود، و بر اثر عبادت و انجام مستحبات و پذیرفتن آنچه خداوند متعال مقدر کرده و می‌خواهد، ایشان را به درجه امامت می‌رساند و حدیث قدسی «عبدی عبادی يجعلک مثلی» مصداق با ارزش در مورد ائمه اطهار است. نکته جالب توجه اینکه حضرت امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در مقطعی از زمان می‌زیستند که بنی امیه و بنی عباس بر سر حکومت غاصبه با یکدیگر به ستیز پرداخته بودند و این موقعیت خوبی بود برای تربیت شاگردانی که سرآمد علم شیمی و فلسفه و منطق و فقه و اصول بودند که توضیح آن در این مختصر نمی‌گنجد، دیگر اینکه امام حسین علیه السلام با پذیرفتن شهادت، نهال درخت اسلام را بارور نمودند و حضرت سجاد علیه السلام غیرت مذهبی و تولی و تبری را بین مسلمین و خصوصاً تشیع شعله‌ور نمودند و زمینه را برای پذیرش حق و حقیقت و علم و تقوی آماده ساختند و خود این امور از اعجاز اهل بیت و اتمام حجت است که هر کدام نقشی را به اقتضای زمان به عهده داشته‌اند.

حال روایاتی از امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌شود، باشد که آنها چراغ راه زندگی خود و خانواده‌مان و جامعه گردد. ان شاء الله.

چهل حدیث از امام محمد باقر علیه السلام

۱ - عن ابا جعفر علیه السلام: «قال عالم ینفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد». (اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۴۰).

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: عالم و دانشمندی که مردم از علم او نفع می‌برند برتری دارد از هفتاد هزار مرد عبادت کننده که دائماً به عبادت مشغول باشند.

۲ - عن ابا جعفر علیه السلام: «ذروة الامر و سنامه و مفتاحه و ... الطاعة بالامام بعد معرفته».

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: بزرگی و برتری و کلید و ... هر کاری پیروی امام از روی شناخت است. (کتاب کافی، صفحه ۴۸۱).

۳ - امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: دوازده امام از آل محمد صلی الله علیه و آله همگی محدث و اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله و علی بن ابیطالب علیه السلام هستند، پس پیغمبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام دو پدر این امتند. (کتاب کافی، جلد ۱، صفحه ۴۸۲).

۴ - امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: ما دوازده امام هستیم از جمله آنان حسن و حسین است و امامان از فرزندان حسین علیه السلام هستند. (کتاب کافی، جلد ۱، صفحه ۴۸۲).

- ۵ - امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: هیچ نکبتی به بنده نرسد (پایش به سنگی نخورد) مگر به سبب گناه و آنچه خداوند از آن می‌گذرد، بیشتر است. (کتاب کافی، جلد ۳، صفحه ۳۷۰).
- ۶ - امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: همانا بنده مرتکب گناه می‌شود و روزی از او بر کنار می‌گردد. (کتاب کافی، جلد ۳، صفحه ...).
- ۷ - امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: در میان مخلوق خدا سزاوارترین کس به تسلیم بودن قضای خدای عزوجل کسی است که خدای عزوجل را بشناسد و هر که به قضاء، راضی باشد، قضا بر او وارد شود و خدا اجر او را بزرگ فرماید و هر که قضا را ناخوش دارد، قضا بر او وارد شود و خدا اجرش را تباه سازد. (کتاب کافی، جلد ...، صفحه ۱۰۲).
- ۸ - امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: زن یهودیه را که گوشت گوسفند را مسموم کرده بود تا پیغمبر صلی الله علیه و آله بخورد خدمت آن حضرت آوردند، حضرت فرمودند: چه چیز تو را به آن کار واداشت، گفت با خود گفتم اگر او پیغمبر باشد زیانش نرساند و اگر پادشاه باشد مردم را از او آسوده خواهم کرد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله از او در گذشت. (کتاب اصول کافی).
- ۹ - امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: مؤمن، برادر و پدر و مادر مؤمن است، زیرا خدای عزوجل مؤمنین را از سرشت بهشتی آفرید و از نسیم بهشت در پیکرشان دمید، از این جهت مؤمنین برادر و پدر و مادر یکدیگرند. (کتاب اصول کافی، جلد ۳، صفحه ۲۴۲).
- ۱۰ - امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: از حق مؤمن بر برادرش (برادر مؤمن‌ش) این است که گرسنگی او را سیر کند و عورتش را بپوشاند و از گرفتاریش نجات بخشد و بدھیش را بپردازد و چون بمیرد نسبت به خانواده و فرزندان او جانشینی کند. (کتاب اصول کافی، جلد ۳، صفحه ۲۴۶).
- ۱۱ - قال الباقر علیه السلام: «الکمال کل الکمال، التفقه فی الدین و الصبر علی النائبة و التقدير علی المعيشة».
- امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: کاملترین کاملها سه چیز است: تفقه (تحقیق) در دین و صبر بر آنچه از شدائد به تو می‌رسد و اندازه در معیشت.
- ۱۲ - قال الباقر علیه السلام: «ان اکمل المؤمنین ایماناً احسنهم خلقاً».
- امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: به درستی که کاملترین مؤمنین از نظر ایمان کسی است که خلق نیکو داشته باشد.
- ۱۳ - قال الباقر علیه السلام: «ان المؤمن تفرقاً من غیر ذنب».
- امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: به درستی که وقتی دو مؤمن با یکدیگر مصافحه کنند، از یکدیگر متفرق و جدا می‌شوند در حالی که گناهانشان ریخته شده باشد. (کتاب اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۱۸۲).
- ۱۴ - قال الباقر علیه السلام: «ما عرف الله من عصاه و انشد».
- امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: کسی که معصیت خدا را می‌کند، نشناخته است خدا را.
- ۱۵ - قال ابو جعفر الباقر علیه السلام: «لا تنال ولايتنا الا بالعمل و الورع».
- امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: ولایت و دوستی ما به کسی نمی‌رسد مگر به عمل و تقوی و پرهیزگاری از گناه و فرمان برداری از خدا. (صفات الشیعه، صفحه ۵۵).
- ۱۶ - قال الباقر علیه السلام: «شیعتنا من اطاع الله».
- امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: شیعه ما کسی است که اطاعت امر خداوند متعال می‌کند. (بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۱۸۶).

شیعه ما در حقیقت پیرو امر خداست=گر نباشد پیرو امر خدا از ما جداست=بهر ما جز راه حق راه دگر در پیش نیست=هر که باشد شیعه ما در دلش تشویش نیست= ۱۷ - قال الباقر علیه السلام: «ایاکم و الخصومة فانها تشغل القلب و تورث النفاق».

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: از دشمنی پرهیزید، زیرا خصومت، قلب را فاسد می‌کند و نفاق به وجود می‌آورد. (مگر با دشمنان خدا). (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۳۰۱).

۱۸ - قال الباقر علیه السلام: «ان الله تعالى عوض الحسين عليه السلام من قتله ان جعل الامامة في ذريته و الشفاء في تربته و الاجابة الدعاء عند قبره و لا تعد الايام زائرية جائياً و راجحاً من عمره». (بحار الانوار، جلد ۴۴، صفحه ۲۲۱).

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: به درستی که خداوند متعال عوض شهادت حسین علیه السلام امامت را در ذریه او، قرار داد و شفا را در تربیت او، اجابت دعا را نزد قبر او قرار داده و ایام رفت و برگشت زیارتی زائرانش را جزو عمر آنها حساب نمی‌نماید.

۱۹ - قال الباقر علیه السلام: «ما ضر من مات منتظراً لامرنا الا يموت في وسط شطاط المهدي و عسكر».

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: ضرر نکرده است کسی که بمیرد و منتظر امر فرج ما باشد، زیرا وضع او مانند کسی است که در وسط خیمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه و لشکریانش جان داده باشد.

کسی گوی دولت ز دنیا ببرد=که با خود نصیبی به عقبی ببرد= ۲۰ - قال الباقر علیه السلام: «في قول الله عزوجل: يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم، قال: الائمة من ولد علي و فاطمه الي ان يقوم الساعة».

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: از قول خداوند متعال، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا و رسول و ائمه را، منظور از (اولی الامر) امامان از اولاد علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام یکی پس از دیگری می‌باشند تا روز قیامت. (تفسیر نور الثقلین، جلد ۱، صفحه ۴۹۹).

۲۱ - قال الباقر علیه السلام: «من احينا فهو اهل البيت، فقلت جعلت فداك منكم؟ قال: منا و الله، اما سمعت قول ابراهيم عليه السلام: فمن تبعني فانه مني».

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: کسی که دوست داشته باشد ما را، از خانواده ماست، راوی عرض کرد فدایت شوم از شماست؟ فرمود: آری، آیا نشنیدی سخن خدا را که در بیان ابراهیم علیه السلام فرمود: کسی که پیروی از من بکند به درستی که او از من است. (نور الثقلین، جلد ۲، صفحه ۵۴۸).

۲۲ - عن فضل عن ابي جعفر الباقر عليه السلام: «هل لهذا الامر وقت؟ فقال: كذب الوقتون كذب الوقتون».

فضل می‌گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم، آیا وقت ظهور امام زمان تعیین شده است؟ امام سه مرتبه فرمودند: کسی که برای ظهور امام زمان وقت تعیین کند، دروغ می‌گوید. (اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۶۸).

۲۳ - قال الباقر علیه السلام: «ان العبد ليزن الذنب فيزوي عنه الرزق».

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: بنده خدا برای گناهی که مرتکب می‌شود، از رزق و روزی خود دور می‌افتد و در تنگی معیشت قرار می‌گیرد. (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۷۰).

۲۴ - قال الباقر علیه السلام: «تسبيح فاطمة عليها السلام في كل يوم في دبر كل صلاة احب الي من صلاة الف ركعة في كل يوم».

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: تسبیح مادرم فاطمه زهرا علیها السلام در هر روز بعد از نماز بهتر است نزد من از هزار رکعت نماز مستحبی در هر روز. (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۵۳۳).

۲۵ - قال الباقر علیه السلام: «من عاد مريضاً في الله لم يسل المريض للعائد شيب الا استجاب الله له». (وسائل الشیعه، جلد ۲، صفحه ۶۳۸).

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند:

کسی که مریضی را به خاطر خدا عیادت کند، درخواست نمی‌کند مریض برای او، چیزی را مگر اینکه دعای او را خداوند مستجاب کند.

۲۶ - قال الباقر علیه السلام: «ما من شی احب الی الله و یطلب ما عنده».

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: در نزد خداوند چیزی بهتر و با فضیلت‌تر از آن نیست که بنده حاجات و مطلوب خود را از پیشگاه خداوند درخواست کند. (بحار الانوار، جلد ۹، صفحه ۲۹۴).

۲۷ - قال الباقر علیه السلام: «ما من قطرة احب الی الله تعالی من قطرة دموع فی سواد اللیل مخافة من الله لا یراد بها غیره». (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۴۸۲).

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: هیچ قطره‌ای در پیشگاه خداوند، از قطره اشکی که در تاریکی شب از خوف خدا ریخته شود و منظور از آن غیر خدا نیست، بهتر و محبوب‌تر نیست.

۲۸ - قال الباقر علیه السلام: «ما من نکبته نصیب العبد الا بذنب و ما یعفو الله عنه اکثر». (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۲۶۹).

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: هیچ نکبت و گرفتاری به بنده‌ای روی نمی‌آورد مگر به واسطه گناهی که از او سر زده است، در عین حالی که آنچه را خداوند عفو می‌فرماید بیشتر است از آنچه باقی مانده است.

۲۹ - قال الباقر علیه السلام: «و الله لا یلح عبد مؤمن علی الله عزوجل فی حاجته الا قضاها له». (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۴۷۵).

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: به خدا سوگند الحاح و التجا نمی‌کند بنده مؤمن به درگاه خدا برای گرفتن حاجت خود، مگر اینکه آن حاجت برآورده است اگر در دنیا به مصلحتی نشد، در برزخ یا قیامت انجام خواهد شد.

نقل است که شیخ بهایی در زمان شاه عباس به ماده‌ای برخورد کرده بود که آن را در سرمه‌دان می‌ریخت و خاصیت آن چنان بود که اگر کسی قطره‌ای از آن را در چشمش می‌ریخت غیب می‌شد. از این ماده یکی از شاگردانش با خبر شد و اصرار زیاد به شیخ نمود که من قسم یاد می‌کنم و قول می‌دهم از آن در موارد حرام استفاده نکنم و با سماجت و حتی قسم کفاره‌دار کمی از آن ماده را از شیخ گرفت و چون یکی دو قطره از آن را در چشم ریخت، کاملاً مطمئن شد که دیگران او را نمی‌بینند. پس از مدتی تصمیم گرفت به قصر برود و از اوضاع داخل قصر با اطلاع شود، و از آنجائی که شخصی شکم دوستی بود، بو و نوع غذاها او را مجذوب نمود و موقعی که سفره شاهانه پهن شد شکمی از غذا درآورد، مستخدم سفره متوجه شد که در این محل سفره کسی نبوده ولی غذا خورده شده است و چون این عمل چند روز تکرار شد، جریان را به شیخ اطلاع دادند و شیخ متوجه موضوع شد، و تعهد گرفت من طریق گرفتن این شخص را می‌دانم ولی باید فقط او را تسلیم من دهید و او را اذیت نکنید. با شرط شیخ موافقت شد و بنا شد در سر سفره به محض احساس وجود ایشان همگی از اطاق خارج شوند و درب اطاق را ببندند و از قبل راههای فرار را مسدود نمایند. به هر حال این چنین کردند و شیخ را خبر نموده، راه علاج را خواستند. شیخ گفت: گاه بیاورند و از پنجره ایجاد دود کرده و اطاق را پر از دود کردند. در نتیجه دودها به چشم شاگرد شیخ رفته و با ریختن اشکهای چشم، سرمه‌های مخصوص پاک شده و شخص ظاهر گردید، او را دستگیر و خدمت شیخ آوردند، شیخ هم سرمه‌دان مخصوص را از او گرفت و تنبیهش نمود. به هر حال علاوه بر داستان فوق فرض کنید طفلی یرقان (زردی) گرفته و غسل برای او مرگ‌آور است ولی میوه و هندوانه خنک برای سلامتی وی مفید است. آیا پدر دلسوز، اگر طفل گریه کند و غسل بخواهد، باید به دل فرزندش عمل کند یا به صلاح وی؟! دعا هم این چنین است دعا یعنی خیر، اگر شر در آن باشد دیگر دعا نیست.

۳۰ - قال الباقر علیه السلام: «عن آبائه علیها السلام: قال انما سمیت فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله الطاهرة لطهارتها من کل دنس و طهارتها من کل رفت و ما رأت قسط یوماً حمرة و لا نفاساً». (بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۹).

امام محمد باقر علیه السلام از پدرانش روایت می‌کند که: همانا فاطمه علیها السلام دخت گرامی خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی

الله علیه و آله طاهره نامیده شد، زیرا از هر آلودگی ظاهری و هر پلیدی و ناروایی به دور و پاکیزه بود و هیچگاه (و لو یک مرتبه) عادت زنان را که هر ماه و بعد از زایمان در خود می‌بینند، مشاهده نکرد.

۳۱ - قال الباقر علیه السلام: «من توکل علی الله لا یغلب و من العتصم بالله لا یهزم». (بحار الانوار، جلد ۶۹، صفحه ۱۵۱).

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: کسی که بر خدا توکل کند هیچ‌گاه مغلوب نمی‌شود، و کسی که بر ریسمان محکم خداوند چنگ بزند، هیچگاه شکست نمی‌خورد.

۳۲ - قال الباقر علیه السلام: «و الله ما ینجو من الذنب الا من اقر به». (رسائل، جلد ۱۱، صفحه ۳۵).

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: به خدا قسم هیچکس از کیفر گناه نجات نمی‌یابد مگر آنکه به گناه خود اعتراف و از آن اظهار پشیمانی کند. (البته نباید نزد دیگران به گناه اقرار کرد، زیرا باعث ترویج گناه و فساد می‌شود بلکه باید بین خود و خدا به گناه اعتراف کرده و از خدا بخشش و مغفرت نمود. پس به یاد داشته باشید اعتراف به گناه دیگران، خود گناه بزرگتری است).

۳۳ - قال الباقر علیه السلام: «من هم بشی من الخیر فلیعله فان کل شی فیهِ للشیطان فیهِ نظره». امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: کسی که قصد کار خیری می‌کند در انجام آن بشتابد زیرا هر چه در آن تأخیر افتد شیطان را نسبت به آن مهلتی پیدا می‌شود. (اصول کافی، صفحه ۲۱۳).

۳۴ - قال الباقر علیه السلام: «اذا جائکم من ترضون دینه و امانته فزوجوه ان لا تعلموه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر». (اصول کافی، جلد ۵، صفحه ۳۴۷).

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: اگر کسی برای خواستگاری دخترتان آمد که از نظر دینی و اخلاقی مورد پسندتان بود به او پاسخ مثبت دهید و گرنه روی زمین فساد و آشوب بزرگی رخ خواهد داد.

۳۵ - نقل الباقر علیه السلام عن الرسول صلی الله علیه و آله عن الله تعالی: «اذا ردت ان اجمع لمسلم خیر الدنیا و الاخره جعلت له قلباً خاشعاً و لساناً ذا کراً و جداً علی البلاء صابراً و زوجة مؤمنه تسره اذا نظر اليها و تحفظه اذا غاب عنها فی نفسها و ماله».

امام محمد باقر علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرمود که خداوند فرموده است: هرگاه بخواهیم برای فرد مسلمانی خیر دنیا و آخرت را جمع نماییم برای او دلی خاشع و زبانی ذاکر و تنی صابر بر مصائب و همسری صالح قرار می‌دهیم که هر گاه به او نظر افکنده شادمان گردد و اگر غائب و بیرون از خانه باشد، ناموس خود و اموال و دارایی شوهر خویش را نگهداری نماید.

۳۶ - عن اباجعفر علیه السلام: «فی قوله تعالی فاقم وجهک للدين حنیفاً، قال: هی الولاية». (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۲۸۶).

امام محمد باقر علیه السلام درباره قول خداوند متعال در باره آیه بالا می‌فرماید: منظور از آن ولایت است.

۳۷ - عن جابر، عن ابا جعفر علیه السلام قال: «انا نعرف الرجل اذا رأیتنا بحقیقه النفاق». (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۳۲۲).

نقل شده از جابر، از امام محمد باقر علیه السلام که فرمودند: ما هرگاه مردی را می‌بینیم، ایمان یا نفاق او را به حقیقتش می‌شناسیم (یعنی حقیقت و واقع ایمان یا حقیقت و واقع نفاق او را می‌شناسیم و چیزی از ایمان یا نفاق او بر ما پوشیده نمی‌ماند).

۳۸ - ... عن ابا جعفر علیه السلام: «قال لما ولدت فاطمة علیها السلام: اوحی الله الی ملک فانطق به لسان محمد صلی الله علیه و آله فیماها فاطمة ثم قال انی فطمتک بالعلم و فطمتک من الطمث، ثم قال ابو جعفر علیه السلام و الله لقد فطمها الله بالعلم و عن الطمث فی الميثاق». (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۳۵۸).

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: چون فاطمه علیها السلام متولد شد خدا به فرشته‌ای وحی کرد تا به زبان محمد صلی الله علیه و آله جاری نماید که او را فاطمه نام گذارد، سپس فرمود: من تو را (از جهل باز گرفتم و) به علم پیوستم، به خدا سوگند که خدا او را با علم از شیر و از خون حیض در عالم میثاق باز گرفت.

۳۹ - ... عن ابا جعفر و عبد الله علیه السلام قال: «ان فاطمة علیها السلام لما ان کان اخذت بتلابیب عمر فجه انه اليها ثم قالت اما و

اللّه یا ابن الخطاب لولا انی کره ان یصیب البلاء من لا ذنب له لعلمت من الطمث ...» (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۳۵۸).

امام محمّد باقر علیه السلام می‌فرماید: چون آن مردم کردند (در خانه علی و فاطمه را آتش زدند و ...). فاطمه {P} - در حق فاطمه {P}

علیها السلام، گریبان عمر را گرفتند و او را پیش کشیدند و فرمودند: همانا به خدا، ای خطاب اگر من از رسیدن بلا به بی گناهان کراهت نداشتم می‌فهمیدی که خدا را سوگند می‌دادم و او را زود اجابت کننده می‌یافتی. (یعنی نفرین می‌کردم و به زودی بلا نازل می‌شد و تو را و بی گناهان را شامل می‌شد ولی می‌خواهم بی گناهان با آتش تو نسوزند).

۴۰ - عن ابی جعفر علیه السلام - قال ان اللّٰه جنّة لا یدخلها الا ثلاثه. احدکم من حکم فی (علی) نفسه بالحق. (اصول کافی، جلد ۳، صفحه ۲۱۸).

امام باقر علیه السلام فرمود - خداوند بهشتی دارد که جز سه کس به آن وارد نمی‌شوند. یکی از آن سه، کسی است که در باره خویش به حق داوری کند.

مختصری درباره امام جعفر صادق علیه السلام ملقب به اباعبدالله علیه السلام

رئیس مذهب جعفری در ۱۷ ربیع الاول سال ۸۳ هجری متولد و در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ هجری در سن ۶۵ سالگی به شهادت رسیدند.

لقب: صادق، کنیه: ابوعبدالله، نام پدر: محمّد، نام مادر: ام فروه (فاطمه)، دوران رهبری: ۳۴ سال، نام قاتل: منصور عباسی با زهر، محل دفنشان نیز قبرستان بقیع می‌باشد.

زمان امام صادق علیه السلام همانند پدر بزرگوارشان مصادف با جنگهای بنی امیه و بنی عباس بود و این فرصتی بود که امام علیه السلام علاوه بر تربیت شاگردان زیاد، حقانیت شیعه را مطرح نمایند.

در اینجا به چهل حدیث از ایشان اکتفا خواهیم کرد.

۱ - قال الصادق علیه السلام: «اعرفوا منازل الناس علی قدر روايتم عنا».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: مقام و منزلت مردم را به اندازه نقل احادیث آنها از ما بشناسید. (اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۵۰).

۲ - قال الصادق علیه السلام: «من اطاع رجلاً فی معصيته فقد عبده».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: کسی که از گناهکاری در معصیت پیروی کند، در واقع بندگی آن گناهکار را نموده است. (بحار الانوار، جلد ۲، صفحه ۳۹۸).

۳ - قال الصادق علیه السلام: «من ایمان علی مؤمن بشرط کلمه؟ لقی اللّٰه عزوجل و بین عینیه مکتوب آیس من رحمتی».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هر کسی علیه شخص مؤمن کلمه‌ای بگوید، فردای قیامت خداوند متعال را ملاقات می‌کند که میان پیشانی او نوشته شده است: این شخص از رحمت خداوند محروم گردیده است. (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۳۶۸).

۴ - قال الصادق علیه السلام: «قال اللّٰه عزوجل، البخيل من بخل بالسلام».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: که خداوند فرمود، بخیل کسی است که در سلام کردن به دیگران بخل بورزد. (بحار الانوار، جلد ۷۳، صفحه ۵).

۵ - قال الصادق علیه السلام: «ما من رجل تکبر او تجبر الا لذلة وجدها فی نفسه».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هیچ مردی نیست که تکبر کند و ظلم نماید مگر به خاطر کوچکی و احساس حقارتی که در وجود خود سراغ دارد. (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۳۱۲).

۶ - قال الصادق علیه السلام: «ان من التواضع ان يجلس الرجل دون شرفه».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: از علامات تواضع هر کسی این است که پائین تر از مقام خود بنشیند. (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۱۲۲).

۷ - قال الصادق علیه السلام: «ما بلی العباد شی اشد علیهم من اخراج الدراهم».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: خداوند بندگان را به چیزی که سخت تر از خرج کردن پول و دارایی باشد امتحان نکرده است. (بحار الانوار، جلد ۷، صفحه ۱۳۹).

برای بندگان باشد ز افعال=نهایت امتحان بگذشتن از مال=به راه حق اگر بگذشتی از پول=عملهايت مسلم گشته مقبول= ۸ - قال الصادق علیه السلام: «من اراد ان یكثر خیر بینه فلیتوض عند حضور طعامه».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: کسی که می‌خواهد خیر و برکت خانه‌اش زیاد شود قبل از غذا خوردن وضو بگیرد. (بحار الانوار، جلد ۶۳، صفحه ۳۵۵).

۹ - قال الصادق علیه السلام: «الناس اثنان، عالم و متعلم و سائر الناس همج و الهمج فی النار».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: مردم دنیا دو گروهند، عالم و متعلم و بقیه به شکل پشه زیر پا می‌باشند و سرانجام در آتش خواهند بود. (بحار الانوار، جلد ۶۴، صفحه ۱۷۶).

۱۰ - امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: همه کارهای خوب در خانه‌ای قرار داده شده است که کلید آن خانه زهد در دنیا است. (مشکوٰه الانوار).

۱۱ - امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: سکوت کنید که آن کلید کلیه راحتیهای دنیا و آخرت می‌باشد. (نوری، مستدرک الوسائل).

۱۲ - امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: اساس و پایه وجود انسان عقل است و آن کلید کارهای اوست. (علل الشرایع، جلد ۱، صفحه ۱۲۷).

۱۳ - امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: پرهیزکاری کلید درب آخرت است. (مستدرک الوسائل، جلد ۲، صفحه ۱۷).

۱۴ - امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: فقرا را محروم مکن و چیزی به آنان ببخش، اگر چه چند دانه انگور باشد.

۱۵ - قال الصادق علیه السلام: «ما عبد الله بشی افضل من اداء حق المؤمن».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: عبادت کرده نشده خدا به چیزی که افضل و بالاتر از اداء حق مؤمن است. (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۷).

۱۶ - قال الصادق علیه السلام: «افضل العبادۃ ادمان التفکر فی الله و فی قدرته».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: بالاترین عبادت آن است که پیوسته درباره خداوند و قدرت او بیندیشی. (نوادر راوندی، جلد ۱، صفحه ۴۰).

۱۷ - قال الصادق علیه السلام: «لو ددت ان اصحابی ضربت رؤسهم بالنسائط حتی یتفقهوا».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هر آینه دوست دارم با تازیانه بر سر اصحابم بزنند، تا اینکه دانش و علم دین را فرا گیرند. (اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۳۱).

۱۸ - قال الصادق علیه السلام: «معلم الخیر تستغفر له دواب الارض و حیتان البحر و کل صغیره و کبیره فی الارض و سمائه».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: معلمی که مردم را به نیکی دعوت نماید، جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر موجود کوچک و بزرگ در آسمان و زمین برای او از خداوند طلب آمرزش می‌کنند. (بحار الانوار، جلد ۲، صفحه ۱۷).

- ۱۹ - قال الصادق عليه السلام: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله، الدعاء سلاح المؤمن وعمود الدين ونور السماوات والارض».
- امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمودند، دعا اسلحه مؤمن و ستون دین و نور آسمان و زمین است. (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۴۶۸، حدیث ۱).
- ۲۰ - قال الصادق عليه السلام: «عليك بالدعاء، فانه شفاء من كل داء».
- امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: تو را به دعا کردن به درگاه الهی سفارش می‌کنم، زیرا دعا شفا دهنده هر دردی است. (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۴۷۰، حدیث ۱).
- ۲۱ - قال الصادق عليه السلام: «الدعاء كهف الاجابة كما ان السحاب كهف المطر».
- امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: دعا در بر گیرنده و مقرون به اجابت است، همچنانکه ابر در بر گیرنده باران است. (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۴۷۱).
- ۲۲ - قال الصادق عليه السلام: «ان الله عزوجل لا يستجيب دعاء بظهر قلب قاس».
- امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: خدای عزوجل دعای کسی القلب و انسان سنگدل را به اجابت نمی‌رساند. (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۴۷۴، حدیث ۴).
- ۲۳ - قال الصادق عليه السلام: «اف للرجل المسلم لا يفرغ نفسه في الاسبوع يوم الجمعة لامر دینه فيسأل عنه».
- امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: وای به حال مرد مسلمانی که در هفته یک روز جمعه خود را تعطیل نکند تا بتواند به مسائل دینی‌اش رسیدگی کند. (وسائل، جلد ۸، صفحه ۲۵۲).
- ۲۴ - قال الصادق عليه السلام: «لكل شى اساس و اساس الاسلام حبا اهل البيت».
- امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: برای هر چیزی پایه و اساس است، پایه و اساس اسلام دوستی و محبت ما اهل بیت است. (میزان الحکمه، جلد ۴، صفحه ۵۲۶).
- ۲۵ - قال الصادق عليه السلام: «تسيح الفاطمه عليها السلام في كل يوم دبر كل فريضة احب الى من الصلوة الف ركعة في كل يوم».
- امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: تسبیح فاطمه علیها السلام در هر روز بعد از هر نماز واجب از هزار رکعت نماز مستحبی در هر روز بهتر است. (مجموعه ورام، صفحه ۳۰۱).
- ۲۶ - قال الصادق عليه السلام: «يأتى على الناس زمان ليس فيه شى اعز من اخ انيس و كسب درهم حلال».
- امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: زمانی بر مردم بیاید که در آن هیچ چیز از برادر و رفیق مونس، و همدم و کسب حلال کمیاب‌تر نباشد. (بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۲۵۱).
- ۲۷ - قال الصادق عليه السلام: «اورع الناس من عند الشبهة اعبد الناس من اقام الفرائض اجهد الناس من ترك الحرام، اشد الناس اجتهاد امن الذنوب».
- امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: پرهیزگارتین مردم کسی است که از انجام امور شبهه‌ناک پرهیز نماید، عابدترین مردم کسی است که واجبات را به جای آورد، کوشاترین مردم در راه خدا، کسی است که از محرّمات دوری کند. (بحار الانوار، جلد ۶۷، صفحه ۳۰۵).
- ۲۸ - قال الصادق عليه السلام: «حجّة افضل من الدنيا و ما فيها، و صلاة فريضة افضل من الف حجة».
- امام جعفر صادق عليه السلام فرمودند: یک حج به جا آوردن برتر است از دنیا و آنچه در آن است و یک نماز واجب از هزار حج برتر است. (وسائل الشیعه، جلد ۳، صفحه ۲۷).
- ۲۹ - قال الصادق عليه السلام: «منج مات و لم يحج حجة الاسلام فليمت ان شاء يهودياً او نصرانياً».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هر که مرگش فرا رسد و حج واجب را انجام نداده باشد، پس همانند یک یهودی یا نصرانی می‌میرد. (در صورت مستطیع بودن و اهمال نمودن در انجام حج). (مستدرک الوسائل، جلد ۸، صفحه ۱۸).

۳۰ - قال الصادق علیه السلام: «ان الله عزوجل يحب البيت الذي فيه ال عرش و يبغض البيت الذي فيه الطلاق، و ما من شی ابغض الی الله عزوجل من الطلاق».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: خداوند عزوجل دوست می‌دارد خانه‌ای را که در آن ازدواج و عروسی برپا می‌شود و خوش نمی‌دارد خانه‌ای را که در آن طلاق واقع شود و هیچ چیز بدتر از طلاق نیست در نزد خداوند متعال. (فروع کافی، جلد ۶، صفحه ۵۴، حدیث ۳).

۳۱ - قال الصادق علیه السلام: «رکعتان یصلیهما المتزوج افضل من سبعین رکعة یصلیهما اعزب».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: دو رکعت نماز که فرد متأهل می‌خواند از هفتاد رکعت نماز فرد مجرد بهتر است. (وسائل، جلد ۱۴، صفحه ۷). ۳۲ - قال الصادق علیه السلام: «من ترک الترویج مخافة العيلة فقد اسا بالله الظن».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: کسی که از ترس مخارج همسر و فرزند، ازدواج نکند به روزی رساندن خدا به بندگانش بدگمان است. (فروع کافی، جلد ۵، صفحه ۳۳۰).

۳۳ - قال الصادق علیه السلام: «من سعادة المرء ان لا تطمت ابنه فی بینه».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: از نشانه‌های سعادت انسان آن است که دخترش در خانه او عادت ماهانه نبیند. (این حدیث موقعیت جغرافی عربستان را مد نظر دارد و یا ضرورت عمل به آن بستگی به شرایط زمانی است). (وسائل، جلد ۱۴، صفحه ۳۹).

۳۴ - عن الصادق علیه السلام: «جاء رجل الی النبی صلی الله علیه و آله فشکا لله الی جة فقال تزوج فوسع علیه».

از امام جعفر صادق علیه السلام است که: مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و از فقر و تنگدستی شکایت کرد آن حضرت فرمود: برو همسر انتخاب کن او رفت و طبق دستور پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد و روزیش فراوان شد. (وسائل، جلد ۱۴، صفحه ۲۵).

۳۵ - قال الصادق علیه السلام: «الکفو ان یکون عقیفاً و عنده یسار».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: کفو بودن (همسان بودن) مرد و زن این است که او مردی پاکدامن بوده و از نظر مالی بتواند زندگی خود را اداره نماید. (من لا یحضر، جلد ۴، صفحه ۳۹۴).

۳۶ - قال الصادق علیه السلام: «اذا تزوج الرجل المرأة لجمالها او مالها و کل الی ذلک و اذا تزوج لدینها رزقه الله الجمال و المال».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: اگر کسی زنی را به خاطر زیبایی یا ثروت و مالش به ازدواج خود درآورد، خداوند او را با همان وا می‌گذارد لیکن اگر دین و ایمان دختر هدف باشد خداوند مرد را از جمال و مال بهره‌مند می‌سازد. (مستدرک کتاب نکاح، باب ۱۴).

۳۷ - قال الصادق علیه السلام: «السراق ثلاثة مانع الزکوة و مستحل مهور النساء و كذلك من اشتدان و لم ینو قضاؤه».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: دزدان سه دسته هستند، کسانی که زکات مالشان را نمی‌پردازند و آنهایی که مهریه زنانشان را بر خود حلال می‌دانند و کسانی که قرض می‌گیرند و موقع پرداختن آن را نمی‌دهند. (بحار الانوار، جلد ۹۳، صفحه ۱۲).

۳۸ - قال الصادق علیه السلام: «جهاد المرأة حسن التبعل».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: جهاد زن، نیکو شوهرداری است. (خصال، صفحه ۶۲).

۳۹ - قال الصادق علیه السلام: «لا ینبغی للمرأة ان تجمر ثوبها اذا خرجت من بیتها».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: شایسته نیست زن به هنگام بیرون رفتن از خانه لباسهای خود را خوشبو و معطر سازد (آرایش

کند). (کافی، جلد ۵، صفحه ۵۱۹).

۴۰ - قال الصادق علیه السلام: «من ابتلی من المؤمنین ببلاء فصبر علیه کان له مثل اجر الف شهید».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هر مؤمنی که به بلایی مبتلا شود و بر آن بلا صبر کند، پاداش صبر او معادل پاداش هزار شهید است. (مسکن الفرد، صفحه ۵۱).

مختصری از ابوالحسن بن جعفر علیه السلام ملقب به موسی کاظم علیه السلام

ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام به سال ۱۲۸ و به قولی ۱۲۹ در هفتم صفر متولد و در بیست و پنجم ماه رجب سال ۱۸۳ به سن ۵۴ یا ۵۵ سالگی در بغداد، در زندان سندی بن شاهک شهید شدند.

لقب: کاظم، کنیه: ابوالحسن، نام پدر: جعفر، نام مادر: حمیده، دوران رهبری: ۳۵ سال، قاتل: هارون با زهر، محل دفن: کاظمین می باشد.

تبلیغات و ارشادات ایشان حتی در زندان زبانزد خاص و عام می باشد که نقل آن داستانها در این مختصر نمی گنجد.

تنها به نقل چهل حدیث شریف از ایشان بسنده می کنیم.

۱ - قال الكاظم علیه السلام: «من دخله العجب هلک».

امام موسی کاظم علیه السلام می فرمایند: هر که خودخواهی و تکبر بر او چیره شود، هلاک می گردد.

۲ - قال الكاظم علیه السلام: «ان لابدانکم ثمنا و هی الجنة الا فلا تبوه الا بهاء».

امام موسی کاظم علیه السلام می فرمایند: بدن شما به اندازه بهشت می ارزد، مواظب باشید این بدنها را به کمتر از بهشت نفروشید.

۳ - قال الكاظم علیه السلام: «المعروف غل لا يفکر الا المكافات او شکر».

امام موسی کاظم علیه السلام می فرمایند: خوبی همانند غلی (غلاده‌ای) بر گردن انسان است تا مادامی که یا جبران کند یا تشکر.

۴ - قال الكاظم علیه السلام: «يوم العدل علی ظالم اشد من يوم الجور علی المظلوم».

امام موسی کاظم علیه السلام می فرمایند: روز دادخواهی و عدالت بر ستمگر سخت تر از روز ستم بر ستمدیده است. (الفصول، صفحه ۲۹۱).

۵ - قال موسی بن جعفر علیه السلام: «المؤمن قليل الكلام و كثير العمل، و المنافق كثير الكلام و قليل العمل».

امام موسی کاظم علیه السلام می فرمایند: مؤمن حرفش کم است و عملش زیاد، منافق حرفش زیاد است و عملش کم. (بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۳۱۲).

۶ - قال الكاظم علیه السلام: «ان الصلاة فی الصف الاول كالجهاد فی سبیل الله».

امام موسی کاظم علیه السلام می فرمایند: همانا نماز در صف اول جماعت مثل جهاد در راه خداست (بهترین صفها صف اول است و بدترین آن صف آخر).

۷ - قال الكاظم علیه السلام: «بئس العبد یكون عبد ذا وجهین و ذا السائین یطری اخاه اذا شاهده و یاکله اذا غاب عنه».

امام موسی کاظم علیه السلام می فرمایند: بنده‌ای که دو صورت و دو زبان داشته باشد بد بنده‌ای است، زیرا در حضور برادرش از او تعریف می کند و در غیاب، غیبت او را انجام می دهد. (بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۳۱).

۸ - قال الكاظم علیه السلام: «مجالسة اهل الدین شرف الدنیا و الاخرة».

امام موسی کاظم علیه السلام می فرمایند: همنشینی با اهل دین، موجب شرافت دنیا و آخرت است. (بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۳۱۳).

۹ - قال الكاظم علیه السلام: «محادثه العالم علی المزابل خیر من محادثه الجهل علی الزرابی».

امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرمایند: صحبت کردن با عالم در مکان پست هم اگر باشد بهتر از صحبت کردن با جاهل، در جایگاههای بسیار زیبا و سریرهای آراسته است. (اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۳۹).

۱۰ - قال الكاظم عليه السلام: «سئل رجل عن رسول الله صلى الله عليه وآله ما حق الوالد على ولده؟ قال لا يسميه باسمه، ولا يمشي بين يديه ولا يجلس قبله ولا يتسبب له».

امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرمایند: مردی از پیغمبر صلی الله علیه و آله از حق پدر و فرزند سؤال کرد، حضرت فرمود از حقوق پدر بر فرزند این که به اسم، او را صدا نزنند و جلوتر از او در مجلس ننشینند و در بین مردم باعث فحش و اهانت به پدر نگردد.

۱۱ - قال الكاظم عليه السلام: «ليس من دواء الا و يهيج داء و ليس شى فى البدن انفع من امساک اليد الا عما يحتاج اليه».

امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرمایند: هیچ دارویی نیست مگر اینکه درد دیگری را تحریک کند و چیزی هم برای بدن مفیدتر از آن نیست، که انسان کمتر دست به طرف غذا دراز کند، کم بخورد و در حد احتیاج و ضرورت غذا میل نماید. (بحار الانوار، جلد ۵۹، صفحه ۶۸).

۱۲ - حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: خداوند آنچه را از ایمان، بر قلب واجب گردانیده است عبارتست از اقرار، شناخت، تصدیق، تسلیم، باور و رضا بر این که خدایی جز خدای یکتای بی شریک وجود ندارد، و یگانه است و بی نیاز از همه چیز و همه نیازمند به او هستند نه همسر و فرزندی دارد و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست. (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۳۸ - ۳۹).

۱۳ - امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرمایند: در دین خدا تفقه کنید زیرا، که فقه کلید بینش و باعث کمال عبادت و وسیله رسیدن به درجات عالی و مراقبت والای در دین و دنیا است. فضیلت فقیه بر عابد به مانند فضیلت خورشید بر ستارگان است و هر که در دین خود تفقه نکند، خداوند از عمل او راضی نخواهد بود. (تحلیلی از زندگانی امام موسی کاظم علیه السلام، صفحه ۲۶۹).

۱۴ - قال الكاظم عليه السلام: «يا هشام! قليل العمل من العالم مقبول مضاعف و كثير العمل من اهل الهوى و الجهل مردود». (اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۱۷).

امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرمایند: ای هشام، عمل اندک از عالم قبول شده و دو برابر حساب می‌شود و کار بسیاری از هواپرستان و نادانان مردود و ناقبول است.

۱۵ - قال الكاظم عليه السلام: «يا هشام، ليس منا من لم يحاسب نفسه في كل يوم فان عمل حسناً استزاد منه، و ان عمل سيئاً استغفر الله منه و تاب اليه».

امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرمایند: ای هشام! پیرو ما نیست آن کس که هر روز خود را حسابرسی نکند، پس اگر کار خوب انجام داده بر آن بیفزاید و اگر کار بدی کرده از خداوند طلب آمرزش کند و به سوی او باز گردد. (بحار الانوار، جلد ۹، صفحه ۱۵۲).

۱۶ - قال الكاظم عليه السلام: «انه لما حضر ابى الوفاة قال: لى يا بنى! انه لا ينال شفاعتنا من استخف بالصلاة». (فروع کافی، جلد ۳، صفحه ۲۷۰، حدیث ۱۵).

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: پدرم به هنگام رسیدن وفاتش به من فرمودند: فرزندم آن کس که نماز را کوچک شمرد، شفاعت نصیبش نمی‌شود.

۱۷ - قال الكاظم عليه السلام: «من طلب هذا الرزق عن حله ليعود به على نفسه و عياله كان المجاهد في سبيل الله». (از کتاب سیره عملی اهل البيت عليهم السلام، امام موسی کاظم).

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: کسی که از پی روزی حلال برود تا خود و خانواده خود را سود دهد اجر او در پیشگاه پروردگار مانند اجر سربازی است که در راه خدا جهاد می‌کند. ۱۸ - قال الكاظم علیه السلام: «يستحب غرامه الغلام في صغره لتوكن حليماً في كبره».

امام موسی کاظم فرمودند: بهتر است که طفل در کودکی با سختی و مشکلات رو به رو شود تا در جوانی و بزرگسالی بردبار باشد. (از کتاب سیره عملی اهل البيت عليهم السلام، امام موسی کاظم علیه السلام).

۱۹ - قال الكاظم علیه السلام: «ان الله على الناس حجتين، حجة ظاهرة و حجة باطنه فاما الظاهرة فالرسول و الانبياء و الائمة و اما الباطنة فالعقول».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: خداوند را در بین مردم دو جهت است، یکی ظاهری و آن دیگری باطنی، حجت ظاهری خداوند، رسولان و انبیاء و ائمه هستند و حجت باطنی عقلهای مردم است. (از کتاب سیره عملی اهل البيت عليهم السلام، امام موسی کاظم علیه السلام).

۲۰ - قال الكاظم علیه السلام: «من سلط ثلاثاً على ثلاث فکانما اعان هواه على هوم عقله من اظلم نور تفكره بطول امله و محی طرائف حکمته بفضول كلامه و اطفأ نور عبرته بشهوات نفسه فکانما اعان هواه على هدم عقله، و من هدم عقله افسد علیه دینه و دنياه».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: کسی که سه چیز را بر سه چیز دیگر مسلط کند مثل آن است هوای نفس خویش را جهت نابود کردن عقل خویش، یاری داده است، نور تفکر را با تاریکی آرزوی طولانی زایل سازد، طرائف حکمتش را با حرفهای بی فایده محو سازد و نور عبرت را با شهوات نفسانی خاموش کند. چنین شخصی مثل آن است که هوای خویش را جهت از بین بردن عقل یاری کرده و کسی که عقل را نابود کند، دین و دنیایش را فاسد نموده است. (از کتاب سیره عملی اهل البيت عليهم السلام، امام موسی کاظم علیه السلام).

۲۱ - قال الكاظم علیه السلام: «افضل ما يتقرب به العبد الى الله بعد المعرفة الصلوة و بر الوالدين و ترك الحسد و العجب و الفخر».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: بالاترین چیزی که بعد از معرفت، بنده را به خداوند تبارک و تعالی نزدیک می‌کند نماز و نیکی به پدر و مادر و ترک حسد و عجب و فخر فروشی است. (از کتاب سیره عملی اهل البيت عليهم السلام، امام موسی کاظم علیه السلام).

۲۲ - قال الكاظم علیه السلام: «المتكلمون ثلاثة قوايح و سالم و شاجب فاما الرابع فالذاکر لله و اما السالم فالساکت و اما الشاجب فالذی تخوض فی الباطل ان الله حرم الجنة على کل فاحش بذی قليل الحياء لا يبأحی ما قال و لا ما قيل فيه».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: سخنگویان سه دسته‌اند: سودرسان، سالم و پرحرف و هذیان گو. اما سود رسان آن است که با گفتار خود، یاد پروردگار را در دل قرار دهد و سالم کسی است که سکوت کند و پرحرف و هذیان گو کسی است که در باطل فرو رود. خدای تبارک و تعالی بهشت را بر هر بدکار و بی‌حیا که باکی ندارد که چه می‌گوید و چه به او می‌گویند حرام فرموده است. (از کتاب سیره عملی اهل البيت عليهم السلام، امام موسی کاظم علیه السلام).

۲۳ - یک وقت هارون ملعون به امام نامه‌ای نوشت که: «عظی و اوجز نکتب الیه، ما من شی تراه عينک الا و فيه موعظة». مرا موعظه کن ولی خیلی کوتاه و مختصر. و امام علیه السلام مرقوم فرمودند: در هر چه در این عالم بنگری موعظه‌ای نهفته است. (از کتاب سیره عملی اهل البيت عليهم السلام، امام موسی کاظم علیه السلام).

۲۴ - امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: «ملعون من غش مسلماً او غره او کره».

آن که خیانت ورزد و عیب چیزی را بر مسلمانی ببوشاند یا از هر راهی دیگر او را گول بزند مستوجب لعنت پروردگار است. (از

کتاب سیره عملی اهل بیت علیهم السلام، امام موسی کاظم علیه السلام).

۲۵ - قال کاظم علیه السلام: «ان العاقل البیت من ترک ما لا طاقة له به».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: خردمند هوشیار کسی است که از کاری که از توانایی او خارج است چشم پپوشد. (روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۳۱۱).

۲۶ - قال کاظم علیه السلام: «لا تذهب الحشمه بلنیک و ابن اخیک».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: ملاحظه و حرمت بین خود و دوستان را یکسره کنار مگذار. (روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۳۱۵).

۲۷ - قال کاظم علیه السلام: «لو ظهرت الاجال افتضحت الامال».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: اگر پایان زندگی معلوم می‌شد آرزوها رسوا می‌شدند. (روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۳۳۳).

۲۸ - قال کاظم علیه السلام: «من واده الفقر ابطره الغنی».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: هر که در فقر و تنگدستی پرورش یافت ثروت او را گمراه می‌کند. (روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۳۳۳).

۲۹ - قال کاظم علیه السلام: «اتق الله و قل الحق و ان کان فیهِ هلاک».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: از خدا بترس و حق را بگوی گرچه موجب نابودی تو شود. (روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۳۱۹).

۳۰ - قال کاظم علیه السلام: «السخی الحسن الخلق فی کتف الله».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: شخص بخشنده خوش اخلاق، در پناه خداوند است. (روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۳۲۴).

۳۱ - قال کاظم علیه السلام: «قله المنطق حکم عظیم».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: کم حرفی سرمایه عظیمی است. (روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۳۰۹).

۳۲ - قال کاظم علیه السلام: «ان العاقل لاذ تکذب و ان کان فیهِ هواه».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: خردمند دروغ نمی‌گوید گرچه از راه دروغ بتواند به خواسته خود برسد. (روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۳۰۹).

۳۳ - قال کاظم علیه السلام: «ان الرفق و حسن الخلق و البر یعمر الدیار».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: سازگاری و خوش اخلاقی و نیکی با مردم شهرها را آباد می‌کند. (روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۳۱۱).

۳۴ - قال کاظم علیه السلام: «من طلب الریاسة هلاک».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: هر که جاه طلب باشد هلاک می‌گردد.

۳۵ - قال کاظم علیه السلام: «ایاک و المزاح مایه یذهب بنور اتمانک».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: از شوخی خودداری کن زیرا شوخی جلوه معنوی تو را می‌زداید. (روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۳۱۵).

۳۶ - قال کاظم علیه السلام: «لا تحدثوا انفسکم بطول العمر فانه من حدث نفسه بطول العمر حرص».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: طول عمر برای خود پیش بینی نکنید چون این عمل شما را حریص و آزمند می‌کند. (روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۳۱۱).

۳۷ - قال الكاظم عليه السلام: «مشاوره العاقل الناصح لمن و برکه و رشد».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: با خردمند خیرخواه مشورت کردن موجب میمنت و برکت و ترقی است. (روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۳۰۰).

۳۸ - قال الكاظم عليه السلام: «ما قسم بين العباد افضل من العقل».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: چیزی به انسان بهتر از عقل داده نشده است. (روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۳۰۰).

۳۹ - قال الكاظم عليه السلام: «ان شر عباد الله من تكره مجالسه لفحشه».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: بدترین مردم کسی است که به خاطر بد زبانش مردم از نشست و برخاست با او پرهیز می‌کنند. (روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۳۰۰).

۴۰ - قال الكاظم عليه السلام: «اذا اراد الله بالنمله شتراً انبت له جناحين نظارت فاكلها الطير».

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: چون خداوند بخواهد مورچه‌ای را نابود کند دو بال به او می‌دهد او پرواز می‌کند تا پرندگان او را شکار کنند. (روضه بحار، جلد ۲، صفحه ۳۱۱).

مختصری درباره علی بن موسی الرضا علیه السلام ثامن الائمه

حضرت ابوالحسن امام رضا علیه السلام در ۱۱ ذی‌قعدة سال ۱۴۸ متولد و در آخر صفر سال ۲۰۳ در سن ۵۵ سالگی در شهر طوس در محلی به نام سناباد نزدیک نوقان به دست مأمون توسط انگور یا آب انار آغشته به زهر به شهادت رسیدند.

نام مبارک ایشان: رضا، کنیه: ابوالحسن، نام پدر: موسی، نام مادر: نجمه، دوران رهبری: ۲۰ سال، قاتل ایشان: مأمون با زهر، محل دفن مشهد مقدس.

تاریخچه ایشان خود کتابی است و عظمت مباحثات و خواندن نماز استسقاء آن حضرت و قبول نکردن ولایت عهدی ایشان و معجزات در زمان حیات و پس از شهادت ایشان تاکنون زبانزد خاص و عام است و چون بنای ما بر مختصر نویسی است تنها به چهل حدیث از ایشان اکتفا خواهیم کرد.

چهل حدیث از امام رضا علیه السلام

۱ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «صديق كل امرء عقله و عدوه جهله».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: دوست و رفیق هر مردی عقل اوست و دشمن او جهل اوست. (بحار الانوار، جلد ۷۴، صفحه ۱۷۴).

۲ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «ليس العبادة كثيرة الصيام و انما كثرة التفكير في امر الله عزوجل».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: عبادت به زیادی نماز و روزه نیست بلکه عبادت زیاد فکر کردن در کار (افعال) خداوند متعال است. (بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۳۳۵).

۳ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «ان الله عبادة في الارض يسعون في الحوائج الناس هم الامنون يوم القيامة و من ادخل على مؤمن سروراً فرح الله قلبه يوم القيامة». (بحار الانوار، جلد ۷۱، صفحه ۳۳۲).

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: همانا خداوند بنده‌ای را که تلاش می‌کند در زمین برای رفع حاجت مردم در حالی که ایمان به روز قیامت دارد و در صدد است سروری در قلب مومنی ایجاد کند، خداوند متعال روز قیامت او را خوشحال خواهد کرد.

۴ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «و من اراد ان يكون صالحاً خفيف الجسم فليقلل من عشائه بالليل».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: کسی که می‌خواهد جسم سالم و اندام مناسب داشته باشد باید از غذای شب بکاهد. (طب)

الرضا، صفحه ۱۲۴).

۵ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «ان الله تعالى يبغض القليل و القال و اضاعة المال كثرة السؤال».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: به درستی که خداوند متعال بحث و جدال، ضایع کردن مال و کثرت سؤال را دوست نمی‌دارد. (بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۳۳۵).

۶ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «یابن الشیب، ان شرک ان تكون معنا فی الدرجات العلی من الجنان، فاحزن لحزننا و افرح بفرحنا و علیک بولایتنا فلو ان رجلاً تولی حجر الحشرة الله معه يوم القيامة».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: ای پسر شیب! اگر مسرور می‌شوی با ما در درجات اعلائی از بهشت باشی. پس به خاطر اندوه ما غمناک و برای شادی ما شاد باش و بر تو باد به دوستی و ولایت ما برای اینکه اگر حتی مردی سنگی را دوست داشته باشد در قیامت با همان سنگ محشور می‌شود. (بحار الانوار، جلد ۷۴، صفحه ۲۸۶).

۷ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «المرض للمؤمن تطهیر و رحمة و للكافر تعذیب و لعنة و ان المرض لا يزال بالمؤمن حتی لا یكون علیه ذنب».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: درد و بیماری برای مؤمن موجب پاک شدن از گناه و از طرف خدا رحمت است و برای کافر سبب عذاب و دوری از خدا، پس درد مؤمن زائل می‌شود در حالیکه برای او گناهی باقی نمانده است. (بحار الانوار، جلد ۷۸، صفحه ۱۸۳).

۸ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «رحم الله عبداً احيا امرنا فقلت له و کیف یحیی امرکم قال یتعلم علومنا و یعلمها الناس فان الناس لو علموا محاسن کلامنا تبغونا».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: خداوند رحمت فرماید بنده‌ای را که امر ما را زنده بدارد. راوی گفت چگونه امر شما را زنده بداریم؟ فرمود: علوم ما را فرا گیرید و به مردم بیاموزید چه اگر محاسن و نیکوییهای کلام ما را بدانند مسلماً از ما پیروی می‌کنند.

۹ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «لا یكون المؤمن مؤمناً حتی یكون فیہ ثلاث خصال، سنة من ربه و سنة من نبيه و سنة من ولیه، فاما السنة من ربه فکتمان السر و اما السنة من نبيه فمداراة الناس و اما السنة من ولیه فالصبر فی البساء و الضراء».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: مؤمن تا سه خصلت در او نباشد مؤمن نمی‌باشد. سنتی از پروردگار و سنتی از پیغمبرش و سنتی از ولی و امامش. پس سنتی که از پروردگار باید داشته باشد راز پوشی است و اما سنتی از پیغمبرش که باید داشته باشد با مردم مدارا کردن است و سنتی از امامش که باید داشته باشد شکیبایی نمودن در شدت و سختی است. (کتاب حضرت رضا علیه السلام، فضل الله کمپانی، صفحه ۱).

۱۰ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «صاحب النعمة یجب ان یوسع علی عیاله».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: کسی که صاحب نعمت است باید در مورد هزینه بر عیالش وسعت بخشد. (کتاب امام رضا علیه السلام، فضل الله کمپانی).

۱۱ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «الصمت باب من ابواب الحکمة ان الصمت یکسب المحبة انه دلیل علی کل خیر».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: خاموشی دری است از درهای حکمت. زیرا که خاموشی دوستی می‌آورد و آن به هر کار خیری رهنماست. (کتاب امام رضا علیه السلام، فضل الله کمپانی).

۱۲ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «الاح الاکبر بمنزلة الاب».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: برادر بزرگتر به جای پدر است. (کتاب امام رضا علیه السلام، فضل الله کمپانی).

۱۳ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «و سئل عن حد التوکل فقال: ان لا تخاف احداً الا الله».

از حضرت رضا علیه السلام از حد توکل سؤال کردند پس فرمودند: این است که جز خدا از هیچ کس نترسی.

۱۴ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «الایمان اربعة ارکان: التوکل علی الله و الرضا بقضاء الله و التسليم لامر الله و التفویض الی الله».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: ایمان چهار رکن دارد: توکل کردن بر خدا و به قضای الهی راضی بودن و به امر خدا تسلیم شدن و کار را به خدا واگذار کردن.

۱۵ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «السخی یاکل من طعام الناس لیاکلوا من طعامه و البخیل لا یاکل من طعام الناس لثلا یاکلوا من طعامه».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: شخص با سخاوت از غذای مردم می‌خورد تا از غذای او بخورند و بخیل از طعام مردم نمی‌خورد تا از غذای او نخورند. (کتاب امام رضا علیه السلام، فضل الله کمپانی).

۱۶ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «یاتی علی الناس زمان تكون العافیة فیہ عشرة اجراً تسعة منها فی اعتزال الناس و واحد فی الصمت».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: بر مردم زمانی می‌آید که در آن موقع عافیت ده جزء می‌شود، نه چیز آن در کناره‌گیری از مردم است و یک جزء هم در خاموشی.

۱۷ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «من اخلاق الانبیاء التنظیف».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: پاکیزه بودن از اخلاق پیامبران است.

۱۸ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «من السنة اطعام الطعام عند التزویج».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: مهمانی دادن هنگام ازدواج از سنتهای پیامبر است. (روضه بحار، جلد ۶، صفحه ۲۴۵).

۱۹ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «احسن الظن بالله، فان من حسن ظنه بالله كان الله عند ظنه».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: به خداوند خوش بین باش زیرا هر کس به خدا خوش گمان باشد خداوند هم با گمان او همراه است.

۲۰ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «ان من علامت الفقه، الحلم و الصمت».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: از علائم و نشانه‌های فهمیدن دین بردباری و خاموشی است.

۲۱ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «افضل المال ما وقی به الفرض».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: بهترین مال آن است که حافظ و نگهبان آبرو باشد.

۲۲ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله یقول اذا امتی توکلت الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فلیاذنوا بوقاع من الله تعالی».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: زمانی که امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار کنند بدانند که در جنگ با خدای بزرگ هستند.

۲۳ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «ادفعوا امواج البلاء عنکم بالدعا قبل ورود البلاء».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: امواج بلا را قبل از آمدن به وسیله دعا دفع کنید.

۲۴ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «اذا خطب الیک رجل رضیت دینه و خلقه فزوجه و لا یمنعک فقره و فاقته قال الله

تعالی: و انظ يتفرقا يغن الله كلاً من سعته و قال ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله». (بحار الانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۳۷۲).

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: آنگاه که فرد مؤمنی به خواستگاری آمد که دین و اخلاقش سالم باشد با او وصلت کنید و فقر و تنگدستی و گرفتاریهای او شما را از وصلت با او باز ندارد که خداوند آنها را اگر فقیر باشند از فضل و کرمش بی نیاز گرداند.

۲۵ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «ایاک ان تزوج شارب الخمر فان زوجته فکانما قدت الی الزنا. (بحار الانوار، جلد ۲، صفحه ۲۱۸).

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: بیهیزید از ازدواج با شارب الخمر، همانا اگر چنین کردید همانا مانند این است که به طرف زنا رفته‌اید.

۲۶ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «من اراد ان لا یوذیه معدته فلا یشرب بین طعامه ماء حتی یفرغ و من فعل ذلک رطب بدنه و ضعف معدته و لم تاخذ العروق قوة الطعام». حضرت رضا علیه السلام فرمودند: آن که بخواهد معده او اذیتش نکند در بین غذا آب ننوشد تا از غذا خوردن فارغ شود و هر کس در اثنای غذا خوردن آب بنوشد، بدنش مرطوب و معده‌اش ضعیف می‌گردد و رگها، جوهر و قدرت غذا را نمی‌گیرد و به سایر اجزاء بدن نمی‌رساند.

۲۷ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «لیس لبخیل راحة و لا حسود لذة و لا لکذوب مروءة و لا لملول و خاء». (روضه البحار، جلد ۲، صفحه ۳۳۵).

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: بخیل آسایش فکر نخواهد داشت و حسود از زندگی خود لذت نمی‌برد، دروغگو مردانگی ندارد، افسرده سر قول خود نمی‌ایستد.

۲۸ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «من حاسب نفسه ریح و من غفل عنها خسر». (روضه البحار، جلد ۲، صفحه ۳۲۵).

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: هر کس به خیر و شر اعمال خود توجه داشته باشد از زندگی بهره‌مند خواهد شد و هر که از خود بی خود شود زیان خواهد دید.

۲۹ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «صاحب النعمة یجب ان یوسع علی عیاله». (روضه البحار، جلد ۲، صفحه ۳۳۵).

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: برای اشخاص توانا لازم است که بر زن و فرزند خود توسعه و گشایش دهند.

۳۰ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «احرصوا علی قضاء حوائج المؤمنین و ادخال السرور علیهم و دفع المکره عنهم». (روضه البحار، جلد ۲، صفحه ۳۳۵).

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: برای رفع نیازمندیهای مردم و خوشحال کردن ایشان و رفع نگرانی از آنان جدیت کنید.

۳۱ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «لا تدعوا العمل الصالح و اجتهاد فی العبادة اتکالاً علی حب آل محمّد». (روضه البحار، جلد ۲، صفحه ۳۵۷).

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: هیچ عمل صالح و عبادتی بدون محبت آل محمّد صلی الله علیه و آله قبول نیست.

۳۲ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «لا ورع انفع من تجنب محارم الله و التکف عن اذی المؤمن». حضرت رضا علیه السلام فرمودند: هیچ پارسایی سودمندتر از ترک گناهان و خودداری از آزار خلق نیست.

۳۳ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «اجل الخلاق و اکرمها اصطناع المعروف و اغائة الملهوف و تحقیق امل الامل». حضرت رضا علیه السلام فرمودند: بهترین صفات و ارزنده‌ترین آنها انجام کارهای نیک و سود بخش است و کمک به گرفتاران و به انجام رساندن آرزوی آرزومندان.

۳۴ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «البخل میزق العرض». (روضه البحار، جلد ۲، صفحه ۳۵۶).

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: بخل و تنگ چشمی حیثیت و آبروی شخص را می‌برد.

۳۵ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «العرف ذخیره الابد».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: نیکوکاری پس انداز جاودان است.

۳۶ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «من سئل الله لا توفیق و لم یجهد فقد استهزء بنفسه».

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: هر که تقاضای توفیق از خدا بنماید و خود نکوشد گویی خود را مسخره کرده است.

۳۷ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «من طلب الامر من وجهه لم یزل» (روضه البحار، جلد ۲، صفحه ۳۵۷).

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: هر کس کاری را از راه آن انجام دهد نمی لغزد.

۳۸ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «اصحاب الصدیق بالتواضع و العدو بالتحرز و العامة بالبشر» (روضه البحار، جلد ۲، صفحه

۳۳۸).

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: با دوستان فروتن باش و از دشمن احتیاط کن و با مردم گشاده رو باش.

۳۹ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: «ان شر الناس من اكل وحده» (روضه البحار، جلد ۲، صفحه ۳۴۵).

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: بدترین مردم کسی است که همیشه تنها غذا می خورد.

۴۰ - قال علی بن موسی الرضا علیه السلام: عونك للضعیف من افضل الصدقة. (تحف العقول، صفحه ۴۴۶).

امام رضا علیه السلام فرمودند - از بهترین نوع صدقه، یاری کردن تو نسبت به ناتوان است.

مختصری درباره امام محمد تقی علیه السلام

آن حضرت در دهم رجب سال ۱۹۵ متولد و در آخر ماه ذیقعده سال ۲۲۰ در سن حدوداً ۲۵ سالگی (به گفته‌ای با زهر به دست

همسرشان) به شهادت رسیدند.

لقب آن بزرگوار: جواد، کنیه: ابوجعفر، نام پدر: علی، نام مادر: سبیکه (خیزران)، دوران رهبری: ۱۷ سال، قاتل ایشان: امّ الفضل، به

دستور معتصم با زهر، محل دفن: کاظمین.

ایشان جوانترین امام از ائمه بودند ولی در این عمر کم دارای اثرات و اعجازهای جالب توجه بوده‌اند که یکی از آنها موقع شهادت

بزرگوارشان است. در بین ائمه علیهم السلام چنین بوده و هست که امام معصوم را باید امام معصوم غسل دهد و بر او نماز بخواند و

ایشان با وجود بسته بودن درب منزل با قدرت الهی وارد منزل پدر شده و سر پدر را در دامن گرفته و غسل دادند و نماز خواندند و

فاصله بین مدینه تا مشهد را کمتر از ساعتی طی نمودند که اعجازهای دیگر ایشان و سایر ائمه خود کتابی مفصل می‌خواهد که در

اینجا به چهل حدیث منقول از ایشان می‌پردازیم.

چهل حدیث از امام محمد تقی علیه السلام

۱ - قال امام التقی علیه السلام: «التقه بالله تعالی ثمن لكل غال و سلم الی كل عال».

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: اعتقاد و ایمان به خدای بزرگ با هر چیز با ارزشی برابری می‌کند و نردبانی است به سوی

برتریها و پیروزیها. (بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۳۶۴).

۲ - قال امام التقی علیه السلام: «عز المؤمن غناه عن الناس».

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: عزت و شخصیت فرد با ایمان در این است که چشمش به دست مردم نباشد و چون در یوزگان

به همه امیدوار نباشد، بلکه تنها نیازش به بی نیاز مطلق باشد.

۳ - قال امام التقی علیه السلام: «لا تكن ولی الله فی العلانیة و عدواً فی السر».

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: خود را به ظاهر دوستدار خدا معرفی نکن در صورتی که در باطن دشمن او هستی همه جا از

دوستی خدا دم بزنی و در زندگی و اعمال نشانه‌ای از دوستی و محبت خدا نباشد. (بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۳۶۵).

۴ - قال امام التقی علیه السلام: «من استعاد اخا فی الله فقد استفاد بیتاً فی الجنة».

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: آن کس که در راه خدا، دوستی برای خود به دست آورد، خانه‌ای در بهشت برای خود آماده کرده است، یاران خدایی و آنها که در مسیر الله می‌باشند، انسانی بهشتی هستند. (بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۳۶۵).

۵ - قال امام التقی علیه السلام: «لو سکت الجاهل ما اختلف الناس».

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: اگر افراد ناآگاه و نادان ساکت باشند، میان مردم اختلافی نخواهد بود.

۶ - قال امام التقی علیه السلام: «کیف یضیع من الله تعالی کافله و کیف بنحو من الله تعالی طالبه و من النقطع الی غیر الله و کله الله الیه و من عمل علی غیر علم ما افسده اکثر مما یصلح».

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: آن کس را که خدای بزرگ پشتیبان اوست چگونه ممکن است از بین برود و آن را که خداوند خواسته است که تباه شود چگونه می‌تواند نجات پیدا کند، و آن که از خداوند برید و به دیگری پیوست خدا او را به همان کس واگذار می‌کند و آن کس که از روی جهالت و نادانی کاری را انجام دهد افساد او بیش از اصلاحش خواهد بود. (کتاب تحلیلی از زندگانی امام نهم، صفحه ۵۴۲).

۷ - قال امام التقی علیه السلام: «المؤمن یتحتاج الی ثلاث خصال: توفیق من الله و واعظه من نفسه و قبول ممن ینصحه».

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: سه خصلت ویژه مؤمن است که پیوسته به آنها نیاز دارد: توفیقی از پیشگاه خدا، و وجدان باطنی و خیرخواهی‌ها و اندرزهای شایسته‌ای که آنها را بپذیرد. (کتاب تحلیلی از زندگانی امام نهم، صفحه ۵۴۳).

۸ - قال امام التقی علیه السلام: «ان الله عباداً یخصهم بالنعم و یعرفها فیهم ما بذلوا، فاذا منعوا ترعها و حولها الی غیرهم».

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: خداوند نعمتهای خود را به عده‌ای از بندگانش اختصاص می‌دهد، اگر آن رابه دیگران ببخشاید آن نعمتها را برقرار می‌سازد و اگر همه را برای خود نگاه دارند و بخشش نکنند، خدا نعمت را از آنان می‌گیرد و به دیگری می‌دهد. (کشف الغمه، جلد ۳، صفحه ۱۳۱).

۹ - قال امام التقی علیه السلام: «اربع خصال تعین المرء علی العمل، الصحه و الغنی و العلم و التوفیق».

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: چهار چیز است که انسان را در راه فعالیت و کوشش یاری می‌کند، تندرستی، بی‌نیازی، دانش و توفیق از خدای بزرگ. (کشف الغمه، جلد ۳، صفحه ۱۳۱).

۱۰ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: کسی که برای برادر مؤمنش چاهی بکند، خودش در آن سرنگون خواهد شد. (کشف الغمه، جلد ۳، صفحه ۱۳۱).

۱۱ - قال امام التقی علیه السلام: «کفی بالمرء خیانه ان یكون امیناً للخنه».

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: برای خیانتکار بودن انسان همین بس که مورد اعتماد خیانتکاران (فقط) قرار گیرد. (کشف الغمه، جلد ۳، صفحه ۱۳۱).

۱۲ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: آن کس که سعی کند پرده از عیب دیگران بردارد، ناگهان پرده از عیب خودش برداشته خواهد شد.

۱۳ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: نیکی کن تا به تو نیکی کنند، و رحم کن تا به تو رحم نمایند.

۱۴ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: خطرناکترین مهلکه‌ها، پیروی هوی و هوس است.

۱۵ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: آزاد کسی است که خود را از بند شهوات نجات دهد.

۱۶ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: مردم فرومایه، حربه‌ای جز یاهوسرایی و زشت‌گویی ندارند.

- ۱۷ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: علم خویش را به مردم بیاموز و علم دیگران را فرا گیر، در این صورت دانسته‌ها را انفاق کرده‌ای و ندانسته‌ها را فرا گرفته‌ای، کسی که خرد او از دیگر قوایش بیشتر نباشد به آسانتر چیزی که در اوست هلاک می‌شود.
- ۱۸ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: کار نیک را با منت گذاشتن باطل مکن.
- ۱۹ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: در دوران زندگی به دنبال کارهای شایسته باشید و در محیط‌های الهی و ثواب در آئید.
- ۲۰ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: هر که صبح کند و خیال ظلم به کسی را نداشته باشد، خداوند گناهانش را بیامزد.
- ۲۱ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: کسی که نمی‌داند، نباید از آموختن شرم کند، چرا که قیمت هر کس به قدر معلومات اوست.
- ۲۲ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: صدقه به خویشاوند، هم صدقه است، هم صله رحم.
- ۲۳ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: خوشابه حال آن کس که با مردم خوش اخلاق و در سختیها یاور آنهاست.
- ۲۴ - قال امام التقی علیه السلام: «ایاک و مصاحبه الشریر فانه کالسیف المسلول».
- امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: بر شما باید که پرهیز کنید از مصاحبت اشراک که اینان همانند شمشیر آلوده به زهرند، (خوشبختترین مردم کسی است که با بزرگان و نیکان معاشرت کند). (نور الابصار، ترجمه فارسی، صفحه ۱۸۰۰).
- ۲۵ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: نیکی کنندگان نیازشان به نیکی کردن بیش از نیازمندان است.
- ۲۶ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: در راه خدا از ملامت و سرزنش مردم باکی نداشته باش.
- ۲۷ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: در دوران زندگی به دنبال خیر باشید و در معرض نسیم رحمت خدا در آئید.
- ۲۸ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: با دشمن بزرگوارانه رفتار کن که زودتر پیروز خواهی شد.
- ۲۹ - قال امام التقی علیه السلام: «ما عظمت نعمه الله علی عبد، الا عظمت علیه مؤنه الناس فمن لم یحتمل تلك المؤنه فقد عرض النعمه للزوال».
- امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: خداوند نعمت خود را به کسی زیاده نمی‌گرداند جز آن که مخارج مردم بر او نیز زیاده گردد و اگر به مردم نان رسانی نکرد، نعمت خود را در معرض تباهی قرار داده است. (نور الابصار، صفحه ۵۴۴).
- ۳۰ - امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: سر آغاز زندگی فرد خوشبخت آن است که مردم او را به نیکی بستایند.
- ۳۱ - قال امام التقی علیه السلام: «من استغنی بالله افتقر الناس الیه، و من اتقی الیه احبه الناس و ان کرهوا».
- امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: آنان که به وسیله خداوند بی‌نیازی داشته باشند، مردم به او احتیاج پیدا می‌کنند و نیازمند او می‌شوند و آن کس که تقوا داشته باشد او را دوست خواهند داشت.
- ۳۲ - قال امام التقی علیه السلام: «العلماء غرباء لکثرة الجهال بینهم».
- امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: همواره دانیان غریبند، به خاطر آنکه اکثریت با نادانهاست.
- ۳۳ - قال امام التقی علیه السلام: «الصبر علی ال مصیبه، مصیبه علی الشامت بها».
- امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: صبر بر مصیبت، خود مصیبتی است برای آن کسی که شماتت می‌کند مصیبت تو را.
- ۳۴ - قال امام التقی علیه السلام: «قد عاداک من سر عنک الرشاد اتباعاً لما یهوا».
- امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: هر که راه صواب را از تو بیوشاند به امید آنکه از هوس خود پیروی کرده باشد به تو ظلم کرده است. (روضه البحار، جلد ۲، صفحه ۳۶۵).
- ۳۵ - قال امام التقی علیه السلام: «الایام قهتک لک الامر عن الاشرار الکامیه».
- امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: گذشت ایام پرده از روی رازهای نهفته بر می‌دارد.

۳۶ - قال امام التقی علیه السلام: «من عمل علی غیر علم افسد اکثر مما یصلح».

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: هر که ندانسته دست به کاری بزند، پیش از آنچه اصلاح کند کار را خراب خواهد کرد. (روضه البحار، جلد ۲، صفحه ۳۶۴).

۳۷ - قال امام التقی علیه السلام: «توسد الصبر و خالف الهوی و ارفض الشهوات».

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: صبر را تکیه گاه خود کن و با هوس مخالفت نما و خواهشهای دل را دور انداز. (روضه البحار، جلد ۲، صفحه ۳۵۸).

۳۸ - قال امام التقی علیه السلام: «العافیة احسن عطاء».

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: صحت و تندرستی بهترین بخشش خداوند است.

۳۹ - قال امام التقی علیه السلام: «الحلم لباس العالم فلا تعزین منه».

امام محمد تقی علیه السلام فرمودند: بردباری جامه‌ای است شایسته اندام دانشمندان، هرگز از این جامه برهنه مباش.

۴۰ - قال امام التقی علیه السلام: «من استحسّن قبیحا کان شریکا فیه». (الفصول المهمه، صفحات ۲۷۴ - ۲۷۵).

امام جواد علیه السلام فرمودند - هر کس کار زشتی را نیکو بداند، او هم در آن کار شریک است.

مختصری درباره امام علی النقی علیه السلام ملقب به حضرت هادی علیه السلام

آن حضرت در نیمه ذی حجه سال ۲۱۲ متولد شد و به روایتی تولدشان در ماه رجب سال ۲۱۴ بوده و در ۲۶ جمادی الاخر سال ۲۵۴ و به روایتی دیگر در سوم ماه رجب ۲۵۴ به شهادت رسیدند ایشان به روایت اول ۴۰ سال و ۶ ماه و به روایت دیگر از نظر تاریخ عمر شریفشان ۴۰ سال بوده است.

لقب آن حضرت: هادی، کنیه: ابوالحسن، نام پدر: محمد، نام مادر: سمانه، قاتل ایشان: معتز با زهر، محل دفن: سامرا، دوران رهبری: ۳۳ سال.

متوکل عباسی آن حضرت را همراه یحیی بن هرثمه بن اعین از مدینه به سامرا آورد و در آنجا وفات یافتند. از سخنان آن بزرگوار چهل نمونه زیر می باشد.

چهل حدیث از امام علی النقی علیه السلام

۱ - قال امام النقی علیه السلام: «الناس فی الدنیا بالاموال و فی الاخرة بالاعمال».

امام هادی علیه السلام فرمودند: ارزش مردم در دنیا به اموال و در آخرت به اعمال آنها است.

۲ - قال امام النقی علیه السلام: «الغنی قلّة تمنک و الرضا بما یکفیک».

امام هادی علیه السلام فرمودند: بی نیازی آن است که آرزویت کم باشد و به آنچه به اندازه کفایت توست راضی باشی. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).

۳ - امام هادی علیه السلام فرمودند: به شما توصیه می کنم به راستگویی، وفای به عهد، اداء امانت و سرپرستی یتیمان.

۴ - امام هادی علیه السلام فرمودند: مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند.

۵ - امام هادی علیه السلام فرمودند: کارهای نیک از مرگهای بد جلوگیری می کند. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).

۶ - امام هادی علیه السلام فرمودند: از مال مردم طمع بر گیر تا همه تو را دوست بدارند. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).

۷ - امام هادی علیه السلام فرمودند: فقری سخت تر از نادانی نیست و مالی سودمندتر از عقل وجود ندارد. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).

- ۸ - امام هادی علیه السلام فرمودند: از خدا بترس تا از دیگران در امان باشی (و نترسی). (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).
- ۹ - امام هادی علیه السلام فرمودند: سه چیز موجب جلب محبت است: انصاف در معاشرت، همدردی در حال سختی، با دل سالم با مردم رو به رو شدن. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).
- ۱۰ - امام هادی علیه السلام فرمودند: از دو زبانی و سخن چینی پرهیز، زیرا کینه تو را در دلها می‌کارد و از شرف و شخصیت اجتماعی می‌کاهد. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).
- ۱۱ - امام هادی علیه السلام فرمودند: هر کس تنها به عقل خود متکی باشد و با دیگران مشورت نکند به لغزش می‌افتد. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).
- ۱۲ - امام هادی علیه السلام فرمودند: آن کس مسلمان واقعی است که پرهیزکار باشد. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).
- ۱۳ - امام هادی علیه السلام فرمودند: رحمت خدا بر آن کس باد که چون به سوی فضیلت دعوتش کنند، بپذیرد. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).
- ۱۴ - امام هادی علیه السلام فرمودند: کسی که با تو مشورت کرد، خالصانه راهنمائی کن. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).
- ۱۵ - امام هادی علیه السلام فرمودند: بهترین صدقه آن است که میان دو نفر را که از هم جدا شده‌اند اصلاح نمایی. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).
- ۱۶ - امام هادی علیه السلام فرمودند: از خردمند راه بجوئید و از فرمانش سر متابید که پشیمان خواهید شد. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).
- ۱۷ - امام هادی علیه السلام فرمودند: خوشا به حال کسی که با دانشمندان و خردمندان همنشین باشد. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).
- ۱۸ - امام هادی علیه السلام فرمودند: آنان که آزاد زیسته‌اند و آزاد مانده‌اند، دنیا را جاوید نشمرده و ابدیت را از یاد نبرده‌اند. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).
- ۱۹ - امام هادی علیه السلام فرمودند: آنچه که در بازار این جهان از راه حلال به دست می‌آید در آن جهان به عدالت سنجیده می‌شود. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام).
- ۲۰ - قال امام النقی علیه السلام: «من اطاع الخالق لم یبال سخط المخلوق».
- امام هادی علیه السلام فرمودند: کسی که اطاعت اوامر خدا را بکند، دیگر از غضب مخلوق باکی نخواهد داشت. (بحار الانوار، جلد ۷۴، صفحه ۳۶۶).
- ۲۱ - قال امام النقی علیه السلام: «الدنیا سوق ریح فیها قوم و خسر آخرون».
- امام هادی علیه السلام فرمودند: دنیا بازاریست که یک دسته از مردم فایده می‌برند و باقی گرفتار زیان و خسران خواهند شد. (بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۳۶۶).
- ۲۲ - امام هادی علیه السلام به سند خود از پدران خویش از جد بزرگوارش امام محمد باقر علیه السلام از جابر بن انصاری نقل کرده است که: می‌گفت در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودم، علی در سمت دیگر حضرت قرار داشت که دیدم عمر بن خطاب در حالی که مردی را محکم گرفته بود نزد رسول الله آمده، حضرت فرمودند این مرد چه کرده است؟ عمر گفت: یا رسول الله این مرد از شما نقل می‌کند که شما گفته‌اید هر کس بگوید لا اله الا الله محمد رسول الله وارد بهشت خواهد شد و این مطلب را اگر مردم بشوند در انجام اعمال نیک و واجبات کوتاهی خواهند کرد. آیا شما چنین گفته‌اید؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پاسخ دادند آری به شرط اینکه به دوستی و امامت این شخص (یعنی علی علیه السلام) معترف و پایبند باشند و به امام علی علیه

السلام اشاره کردند. (نقل از کتاب امام هادی علیه السلام، صفحه ۱۷۱).

۲۳ - امام هادی علیه السلام به سند خود از پدران گرامیش نقل می‌کند که امیر المؤمنین علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این حدیث را نقل کردند: یا علی هنگامی که خداوند آدم را آفرید، من و تو را از نور خویش خلق کرد و در صلب او قرار داد، این نور نسل به نسل منتقل شد تا آنکه در صلب عبدالمطلب قرار گرفت. سپس نور من در صلب عبدالله و نور تو در صلب ابوطالب مستقر گشت، نبوت جز برای من و وصایت جز برای تو روا نیست و هر که وصایت تو را منکر گردد، نبوت مرا انکار کرده است و هر کس نبوت مرا منکر شود، خداوند او را به رو در آتش دوزخ خواهد افکند. (بحار الانوار، جزء نهم).

۲۴ - امام هادی علیه السلام به سند خود از پدران خویش نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «یا علی محبک محبی و مبغضک مبغضی». ای علی دوستدار تو، دوستدار من است و دشمن تو، دشمن من است.

۲۵ - امام هادی علیه السلام به سند خود از پدران خویش از جد خود از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرمود: هر کس که خشنود می‌گردد که خداوند را در روز حشر با ایمنی کامل ملاقات کند و از هراس بزرگ روز واپسین نگران نباشد باید تو را یا علی و فرزندان حسن و حسین، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و مهدی خاتم آنها را دوست بدارد. یا علی در آخر الزمان قومی پدیدار خواهد شد که تو و فرزندان را دوست خواهند داشت و شما را بر پدران و مادران و خواهران و خویشان خود مقدم خواهند داشت. یا علی مردمان آن زمان، این قوم دوست‌دار شما را، دشمن خواهند داشت در صورتی که اگر دوستشان داشته باشند برایشان بهتر خواهد بود. بهترین دروهای خداوند بر این قوم باد، اینان روز قیامت زیر پرچم (احمد) خواهند بود و به پاداش اعمال دنیایشان گناهان آنان بخشوده خواهد شد و به درجات بالا خواهند رسید. (بحار الانوار، جزء نهم).

۲۶ - امام هادی علیه السلام فرمودند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردم دو گروهند، مردی که راحت کرد و مردی که راحت شد، اما آن که راحت شد مؤمن است که از رنج دنیا راحت گشت و به سوی رحمت خدا و پاداش کریمانه‌اش پرواز کرد و اما آن که راحت کرد فاجر و بدکار است که با مرگ خود مردم، درختان و چهار پایان را از شر خود راحت کرد و به سوی کردار خود و نتایج آن از این جهان رفت. (امالی طوسی).

۲۷ - قال امام النقی علیه السلام عن امیر المؤمنین علیه السلام: «ایاکم و المنی فانها من بضایع الفجره».

امام هادی علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: از آرزوهای بی حاصل بپرهیزید که آنان سرمایه بدکاران است. (امالی طوسی).

۲۸ - قال امام النقی علیه السلام عن امیر المؤمنین علیه السلام: «من اصبح و الاخره همه استغنی غیر مال و استانس بغیر اهل، و عز بغیر عشیره».

امام هادی علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: هر که اندیشه و سعی خود را مصروف آخرت کند بی مال، دارا خواهد بود، و بدون خانواده‌اش الفت خواهد یافت و بدون نیاز به خاندان، عزیز و محترم خواهد گشت.

۲۹ - قال امام النقی علیه السلام عن امیر المؤمنین علیه السلام: «کم من غافل ینسخ ثوباً لیلبسه، و انما هو کفنه و ینبی بیتاً لیسکنه و انما هو موضع قبره».

امام هادی علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: چه بسیارند غافلانی که پیراهنی می‌بافند تا آن را بپوشند، لیکن کفن آنان خواهد بود و یا خانه‌ای می‌سازند تا در آن زندگی کنند، اما آرامگاه ابدی همین خانه خواهد بود.

۳۰ - امام هادی علیه السلام از جد بزرگوارش از امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند که ایشان می‌فرمود: «اتقوا فراسته المؤمن فانه یبظر بنور الله، ثم تلا قوله تعالی:

ان فی ذلک لآیات للمتوسمین (سوره حجر، آیه ۷۵).

بترسید از تیزبینی مؤمن زیرا او با نور خدایی می‌بیند، سپس این آیه را خواند: به تحقیق که در آن واقعه نشانه‌هایی است برای تیزبینان.

(مؤمن حقیقی خود را از زنگار مادیات پاک کرده است و از تاریکیهای باطل به در آمده تا به آن تیزبینی رسیده است). (مأثر الکبراء، جلد ۳، صفحه ۲۲۰).

۳۱- امام هادی علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که فرمودند: دعای سه تن است که همیشه به اجابت می‌رسد. الف) دعای پدر در حق فرزند، هنگامی که فرزند به پدر نیکی کند و نفرین او هنگامی که فرزند حقوق پدری را رعایت نکند. ب) نفرین مظلوم علیه ظالم و دعای او برای کسی که او را یاری کند.

ج) دعای مؤمنی در حق مؤمن دیگری که او را در راه ما کمک کرده است صورت می‌گیرد و نفرین علیه او هنگامی که امکان کمک را دارد ولی دریغ کند و برادر مؤمنش بدو محتاج باشد. (مأثر الکبراء، جلد ۴، صفحه ۱۶۳).

۳۲- امام هادی علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که فرمودند: بر شما باد دوری از گناه، که آن دین و آئینی است که همراه آن هستی، و خدا را می‌پرستی و این همان خصلتی است که ما از دوستانمان انتظار داریم. (امالی طوسی).

۳۳- امام هادی علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که در تفسیر آیه شریفه:

«فلنجینه حیوة طيبة». (سوره نحل، آیه ۹۷)

منظور از حیات طیبه قناعت است.

۳۴- قال امام النقی علیه السلام عن امیر المؤمنین علیه السلام: «العلم ورائه کریمه، و الاداب حلال حسان، و التفکره مرآه صافه، و الاعتبار منذر ناصح، و کفی بک ادباً لفسک ترکک ما کرهیه لغيرک».

امام هادی علیه السلام به نقل از امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: دانش میراثی است گرانقدر، و آداب، زیورهایی است نیکو و اندیشه، آئینه‌ای است صاف و روشن، اعتبار و پند گرفتن هشدار دهنده‌ای است ساده، بهترین درس اخلاق و ادب برای تو آن است که آنچه را از دیگران نمی‌پسندی خود انجام ندهی.

۳۵- قال امام النقی علیه السلام عن امیر المؤمنین علیه السلام: «من دخله العجب هلک».

امام هادی علیه السلام به نقل از امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: خودپسندی مایه هلاکت آدمی است. (وسائل الشیعه، جلد ۲۱، صفحه ۷۸).

۳۶- قال امام النقی علیه السلام عن امیر المؤمنین علیه السلام: «من ایقض بالخلف جاد بالعطیه».

امام هادی علیه السلام به نقل از امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هر کس به عوض و نتیجه یقین داشته باشد از بخشش و عطا کمترین دریغی نخواهد داشت. (وسائل الشیعه، جلد ۲۱، صفحه ۵۲۳).

۳۷- امام هادی علیه السلام فرمودند: مردی یهودی نزد امیر المؤمنین علیه السلام آمد و از آن حضرت پرسید آن چیست که خداوند ندارد، و آن چیست که نزد خداوند موجود نیست و آنچه را که خدا نمی‌داند چیست؟ حضرت امیر علیه السلام پاسخ دادند: اما آنچه را که خدا ندارد، فرزند است، چون خداوند برای خود فرزندی نمی‌شناسد و این تکذیب ادعای شماس است که می‌گویند عزیز فرزند خداست. و اما آنچه نزد خداوند وجود ندارد ستم است، زیرا خداوند به بندگان خود ظلم و ستم روا نمی‌دارد و آنچه خداوند ندارد شریک است که ساحت ربوبیت از آن منزّه است. یهودی از پاسخ حضرت مبهور شد و شهادتین را بر زبان آورد و مسلمان گشت، سپس امام را مخاطب ساخته گفت شهادت می‌دهم که تو حق هستی و از اهل حق و سخن به حق گفتی. (مأثر الکبراء).

۳۸- امام هادی علیه السلام به سند خود از پدران گرامی خویش نقل می‌کنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: دخترم

فاطمه نامیده شده است، زیرا خداوند تبارک و تعالی او و دوستانش را از جهنم دور کرده است و میان آنان و دوزخ فاصله انداخته است. (البته به شرط عمل به دستورات شوهر و فرزندان ایشان). (بحار الانوار، جزء دهم).

۳۹ - امام هادی علیه السلام فرمودند: روز قیامت من شفاعت چند گروه را به گردن می‌گیرم:

(الف) دوستان و متمسکان به اهل بیت من.

(ب) مدافعان از اهل بیت در برابر دشمنی‌ها.

(ج) هر کس حوائج اهل بیت مرا برآورده سازد.

(د) هر کس مشکلات آنان را برطرف سازد.

۴۰ - قال الامام الهادی علیه السلام - الغنی قلۀ ما تمینک و الرضا بما یکفیک. (اعیان الشیعه، جلد ۲، صفحه ۳۹).

امام هادی علیه السلام فرمود - بی نیازی، در کمی آرزو و رضایت به چیزی است که تو را کفایت می‌کند.

مختصری درباره امام حسن عسکری علیه السلام

اشاره

آن حضرت در هشتم ربیع الاخر سال ۲۳۲ متولد و در روز جمعه هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ به سن ۲۸ سالگی و در خانه خود که پدرشان هم در آنجا دفن شده بودند، به خاک سپرده شدند. لقب آن بزرگوار: عسکری، کنیه: ابومحمّد، نام پدرشان: علی، نام مادرشان: حدیث، دوران رهبری: ۶ سال، قاتل ایشان: معتمد با زهر، محل دفنشان نیز سامرا می‌باشد.

چهل حدیث منصوب به آن حضرت

۱ - قال امام حسن العسکری علیه السلام: «الفقر معنا خیر من الغنی مع غیرنا و القتل معنا خیر من الحیاء مع غیرنا».

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: فقر و تنگدستی با داشتن محبت و ولایت ما و با اهل بیت ما بودن بهتر از غنا و ثروتمندی با غیر ما در تحت ولایت دیگران قرار داشتن است و قتل و کشته شدن همراه با ما خاندان و ولایت ما بهتر از زندگی زیستن با غیر ماست. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).

۲ - قال امام حسن العسکری علیه السلام: «ما اقبح بالمؤمن ان تکون له رغبۀ تذله».

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: چقدر زشت است برای مؤمن علاقه به چیزی که موجب ذلت او شود. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).

۳ - قال امام حسن العسکری علیه السلام: «خصلتان لیس فوقهما شی الايمان بالله و نفع الاخوان».

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: دو خصلت است که بالاتر از آن چیزی نیست، ایمان به خدا و سود رساندن به برادران دینی. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).

۴ - قال امام حسن العسکری علیه السلام: «الورع الناس من وقف عند الشبهۀ و اعبد الناس من اقام علی الفرائض».

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: باتقواترین مردم کسی است که در مقابل شبهه مقاومت کند و بنده‌ترین مردم کسی است که واجبات خود را به جای آورد. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).

۵ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).

- ۶ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: هر غم و اندوهی، شادی و فرحی در پی دارد مگر اندوه دوزخیان که همیشگی و دائمی است. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).
- ۷ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: هر گاه خواستی به کاری اقدام کنی، عاقبتش را در نظر بگیر اگر خیر بود بکن و گرنه واگذار. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).
- ۸ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: مسلمان کسی است که مال و جان مردم از او در امان باشد. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).
- ۹ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: هر که از خطای دیگران بگذرد، خدا از گناهایش می‌گذرد. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).
- ۱۰ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: هر که می‌خواهد مزه ایمان را بچشد، باید مردم را صرفاً برای خدا دوست بدارد. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).
- ۱۱ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: برای هیچ مسلمان روا نیست بیش از سه روز (به عنوان قهر) از برادرش کناره گیرد. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).
- ۱۲ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: صبر و نیکی و بردباری و خوی خوش از اخلاق پیغمبران است. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).
- ۱۳ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: این نقیصه آدمیزاد را بس که عیب دیگران را باز گوید و آن عیب را در خود نبیند. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).
- ۱۴ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: ظلم کردن به اشخاص ضعیف، کثیفترین اقسام ظلم است. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).
- ۱۵ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: خودخواهی و خودپسندی دلیل بی‌خردی است. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).
- ۱۶ - قال امام حسن العسکری علیه السلام: «لا تمار فیذهب بهائک و لا تمازح فیجرأ علیک».
- حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: جدال نکنید که قیمت و ارزش شما کم می‌شود و شوخی نکنید که مردم بر شما جرأت پیدا می‌کنند. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).
- ۱۷ - قال امام حسن العسکری علیه السلام: «ازهد الناس من ترک الحرام، اشد الناس اجتهاداً من ترک الذنوب».
- حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: زاهدترین مردم کسی است که حرامهای خدا را ترک کند و بالاخره از همه مردم فعالتر و پرتلاشتر کسی است که از گناهان و لغزشها دست بردارد. (منتهی الامال، جلد ۲، صفحه ۲۷۳).
- ۱۸ - قال امام حسن العسکری علیه السلام: «لا یشغلک رزق مضمون عن عمل مفروض».
- حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: مواظب باشید روزی که خداوند ضامن آن است، از اعمال واجب که مورد سؤال خواهید بود شما را به خود مشغول نسازد. (تحف العقول، صفحه ۵۱۹).
- ۱۹ - قال امام حسن العسکری علیه السلام: «قیل لعلی علیه السلام، من خیر خلق الله بعد ائمة الهدی، قال العلماء اذا صلحوا».
- حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: از حضرت علی علیه السلام پرسیده شد، بهترین خلق خدا بعد از امامان کیانند، فرمودند علماء و دانشمندان صالح و متقی.
- ۲۰ - روزی امام حسن عسکری علیه السلام عبور می‌نمودند، شخصی از روی فقر و تنگدستی به آن بزرگوار شکایت کرد و قسم خورد که پولی ندارد، امام علیه السلام فرمودند به خدا قسم دروغ می‌گویی و دویست دینار ذخیره داری ...

سپس آن حضرت توقف کرد و گفت: این سخن را از آن لحاظ که چیزی به تو ندهم نگفتم و سپس به غلامشان توجه فرمودند و گفتند چقدر نزد تو موجود است و غلام عرض کرد صد دینار و آن حضرت دستور دادند که آن مبلغ را به او بدهند. سپس آن حضرت اضافه نمود که تو در موقع احتیاج از آن ۲۰۰ دینار که ذخیره کرده‌ای محروم خواهی ماند. این موضوع گذشت، بعدها کار آن شخص سخت شد و هر چه داشت خرج کرد تا بالاخره تنها پولی که برای او مانده بود همان ۲۰۰ دینار مورد اشاره امام علیه السلام بود. روزی که کارش به نهایت سختی رسیده بود به سراغ محلی که ۲۰۰ دینار را مدفون کرده بود رفت. پس از اندکی کاوش متوجه شد که پول را کسی برده است، بعداً معلوم شد که پسرش از محل آن پول مطلع شده و آن را برداشته و فرار کرده است.

۲۱ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام درباره علم و دانش می‌فرمایند: اگر دنیا و هر چه در آن است لقمه‌ای شده آن را به عالم و دانشمند با ایمانی دهم، ترسناکم از اینکه در ادای حق او کوتاهی کرده باشم در برابر آن اگر نادان و جاهل فاسقی را از تمام نعمتهای دنیا، جز جرعه آبی ندهم بیمناکم از اینکه در حق او اسراف و زیاده‌روی کرده باشم. (نقل از کتاب گناهان کبیره، صفحه ۱۵۳).

۲۲ - امام حسن عسکری علیه السلام از آباء گرامیشان از علی بن ابیطالب و او از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و او هم از جبرئیل و او از میکائیل و او از اسرافیل و او خدا را شاهد می‌گیرد که بر لوح محفوظ بود که خداوند متعال می‌فرماید: شرابخوار همانند ستایشگر بت می‌باشد. (تذکر الخوائص، تألیف ابونصیر، صفحه ۲۰۳).

۲۳ - امام حسن عسکری علیه السلام هنگام نیایش و عرض حاجت به پروردگار خود چنین می‌گفت: «یا اسمع السامعین و یا اعینا الناظرین و یا اسرع الحاکمین صل علی محمد و آل محمد و اوسع علی فی رزقی و مد فی عمری و امین علی برحمتک و اجعلنی ممن تنتصر به لدینک».

ای شنواترین شنوندگان! ای بیناترین بینندگان، ای داورترین دادرسان، درود خدا را بر محمد و تبار او برسان، با احسان و لطف خود بر من طول عمر و وسعت روزی عطا فرما، و وجود مرا از عوامل تقویت دین و آئین خود قرار بده.

۲۴ - پیامی امام حسن عسکری علیه السلام برای شیعیان دارند که شما شیعیان را دعوت می‌کند به پرهیزکاری و تقوا و مجاهده و کوشش در راه خدا، به راستگویی و درست کرداری و به پرداختن امانت و ودیعت، خواه از نیکوکار باشد یا از فرد گنهکار، شما را فرا می‌خوانم بر خوش رفتاری با همسایگان، و بر طول سجود و عبادت پروردگار عالم. چون رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر اساس همین کارها بود. بر شما شیعیان است که با دیگران (اهل تسنن) به خوبی و ملائمت معاشرت کنید، به مجالس و محافل آنان رفت و آمد کنید. از مریضان آنان عبادت به عمل آورید (تا جذب مکتب اهل البیت شوند). (زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، صفحه ۱۲۵).

۲۵ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نامه‌ای درباره اتحاد مسلمانان به زُهری نوشته‌اند بدین ترتیب: وظیفه تو این است که مسلمانان را همانند افراد یک خانواده قرار دهی بزرگان را همانند پدر، و خردسالان را همانند فرزند، همسالان را همانند برادر خود فرض نمایی، در چنین فرضی چه کسی می‌تواند به دیگری ظلم کند، و کدام فرد می‌تواند بر ضد دیگری گام بردارد یا اسرار او را هتک نموده یا اقدام به ضرر او نماید؟ زهری: اگر شیطان خواست در دل تو ایجاد شبهه نماید که تو بر دیگر برادران ایمانیت فضیلت و برتری داری چنین شبهات را با این ترتیب از دل خود بیرون آور که آن خود بزرگسال تر از توست، بگو او خیلی سابقتر از من به انجام فرائض و خیرات و مبرات پیشی جسته است، و اگر خردسالتر از تو است بگو من خیلی زودتر از او به ارتکاب گناه در معصیت پیش قدم شده‌ام، پس او بهتر از من است. اگر او همسال و همسن توست، بگو من در مورد گناه خود مطمئن هستم و یقین دارم ولی درباره گناه او در تردید و شک هستم، پس چگونه می‌توانم شک و تردید را بر یقین خود ترجیح دهم.

بدان، بهترین و محبوبترین مردم کسی است که نیکی و خیرش بر مردم سرازیر باشد و اسرار و عیوب مردم را محفوظ داشته و فاش نسازد. (تاریخ سامرا، جلد ۱، صفحه ۱۳).

۲۶ - امام حسن عسکری علیه السلام مقام نیکوکاران را چنین توصیف نموده‌اند: در بهشت دری وجود دارد که موسوم به (معروف) است که از این در جز اهل معروف کس دیگری حق ورود ندارد. من خدا را شکرگذارم که در رفع حوائج مردم کوشا هستم اما در این هنگام نگاهی به یکی از یاران خود به نام ابوهاشم افکند و فرمود شما بر همان روشی که دارید پایدار باشید، چون کسانی که در این جهان بخشش و نیکوکاری کنند در آخرت هم اهل معروف می‌باشند. (احقاق الحق، جلد ۱۲).

۲۷ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: با کسی جدال منماید، که احترام و آبروی تو از بین خواهد رفت، مزاح و شوخی مکن که نسبت به تو جرأت پیدا می‌کنند.

۲۸ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: اگر کسی راضی شود در یک موضعی از مجلس بنشیند که شأن وی از آن اجل باشد، خداوند و ملائکه بر او صلوات و درود می‌فرستند تا آن موقعی که از آنجا برخیزد.

۲۹ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: بسم الله الرحمن الرحيم به اسم اعظم خدا از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیگر است.

۳۰ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: یکی از نمونه‌های تواضع این است که به هر شخصی (مسلمانی) مصادف شوی سلام کنی و در مجلسی که جلوس می‌کنی، در موضعی بنشینی که از شأن تو پائین تر است.

۳۱ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: یکی از بلاهای کمرشکن همسایه‌ای است که اگر از انسان نیکویی ببیند آن را بیوشاند، و اگر بدرفتاری ببیند آن را فاش کند.

۳۲ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: عبادت به زیاد روزه گرفتن و زیاد نماز خواندن نیست بلکه عبادت آن است که انسان درباره امر خدا بسیار تفکر نماید.

۳۳ - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: بد بنده‌ای است آن کسی که دور و دو زبان باشد، وقتی در حضور برادر دینی خود باشد او را می‌ستاید ولی در غیاب او گوشت او را می‌خورد. اگر نعمتی به برادر دینی او عطا شود نسبت به او حسودی می‌کند و اگر مبتلا شود او را تنها می‌گذارد.

۳۴ - یکی از شیعیان در مورد خرید کنیزی برای پسر خویش با نامه با آن حضرت مشورت کرد. جواب آمد آن کنیز جنون دارد و عمر او هم چندان نیست. آن شخص از خرید آن کنیز صرف نظر کرد، پس از چندی با صاحب کنیز مواجه شد و جنون آن کنیز بر او واضح شد، پس از چندی هم از مرگ او اطلاع یافت.

۳۵ - اعجاز دیگر از امام حسن عسکری علیه السلام: روایتی است که به یکی از دوستانشان توصیه می‌کنند اسبش را بفروشد و وی اهمال می‌کند و با برادرش مشورت می‌کند که در همان شب اسبش می‌میرد. (اگر می‌فروخت اسب زنده می‌ماند).

۳۶ - شخصی به نام (محمد بن علی عباس) می‌گوید در سر راه عبور امام عسکری علیه السلام به او عرض حاجت کردم تا او از وضع زندگی من آگاهی یافت، به پیشکار مخصوص خود فرمود، هر چه داری به او بده، او صد دینار طلا با خود همراه داشت که به من بخشید. (نقل از کتاب چهارده معصوم، عمادزاده، صفحه ۵۶۰).

۳۷ - از ابوهاشم روایت شده است که گفت من در عصر امام حسن عسکری علیه السلام دچار تنگی معیشت شده بودم، خواستم پولی از آن حضرت بگیرم ولی خجالت می‌کشیدم، وقتی به منزل وارد شدم آن بزرگوار مبلغ یکصد دینار برای من فرستاد و نوشت هر وقت حاجتی داری، خجالت نکش حاجت خود را بخواه! آن طور که دوست داری روا خواهد شد.

۳۸ - به یکی از ادیبان معروف عصر عباسی امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمایند: تو چرا همانند همکاران خود به خلیفه تقرب

نمی‌جویی تا از عطایای خلیفه و جوایز و صل‌های او بهره‌مند شوی، او در پاسخ می‌گوید: من دیدم عطایای خلیفه روی حساب نیست، گاهی ده هزار درهم را در یک امر ناچیز و جزئی می‌بخشد و گاهی فرد را روی یک عمل ناچیز محروم ساخته از شهر تبعید می‌کند من نمی‌توانم موقعیت خود را روشن سازم تا از کدامین این مردم باشم (پیرو امام عسکری علیه السلام یا کمک خلیفه).

۳۹- زندگی متوکل در برابر امام حسن عسکری علیه السلام: تنها کاخ عروس متوکل سی میلیون درهم هزینه برداشته بود و کاخهای جعفری، غریب، شیدان، برج ملیح، بستان و ... هر کدام به تنهایی دهها میلیون دینار خرج برداشته بودند. (الامام علی صوت العدالة الانبیاء، صفحه ۱۸۸).

۴۰- قال الامام العسکری علیه السلام - لیس من الادب اظهار الفرح عند المحزون. (تحف العقول، صفحه ۴۸۹).

امام عسکری علیه السلام فرمودند - شادی کردن در حضور انسان غمناک از ادب انسانی نیست.

مختصری درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه صاحب الزمان

مهدی است آنکه پرتو توحید پاک را=در قلبهای تیره و آلوده جا کند =مهدی است آنکه پرچم اسلام راستین=بر قلعه‌های محکم دشمن به پا کند=مهدی است آنکه کاخ عظیم ستمگری=با یک نهب خویش دچار فنا کند=مهدی است آنکه دادرسی نهائیش=بر پایه‌های عدل خدائی بنا کند= آن حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شدند و پس از غیبت صغری تاکنون در پس پرده غیب هستند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مدت ۶۸ سال در غیبت صغری به وسیله چهار نفر از سفرای خود احکام را به مردم می‌رساندند و پس از آن در نیمه شعبان ۳۲۸ پس از وفات علی بن محمد سمری آخرین سفیر آن جناب، در غیبت کبری بسر می‌برند.

لقب آن حضرت مهدی، کنیه ایشان ابوالقاسم، نام پدرشان حسن، نام مادرشان نرجس، مدت رهبری از سال ۲۶۰ شروع شده است و تا هر موقع خداوند صلاح بداند ادامه دارد.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه پس از ظهور بیست سال پادشاهی و رهبری می‌کنند و یارانشان ۳۱۳ نفر می‌شوند و عیسی علیه السلام در نماز به ایشان اقتدا می‌کند. منادی آسمان او را با نام و نشان معرفی می‌کند، او موقعی ظهور می‌کند که اختراعات مهیب و سلاحهای مرگبار به وجود آمده است و هیولای مرگ بر سر بشر سایه افکنده است.

از دل قافله بانگ جرسی می‌آید=بهر داد دل ما دادرسی می‌آید =گل خورشید شکوفا شود از مشرق جان=می‌دهد مژده که فریادرسی می‌آید=رخ معشوق توان در دل این آینه دید=از رخ آینه پیداست کسی می‌آید=بوی تأثیر ز گل‌های دعا می‌شنوم=کز نسیم سحر عیسی نفسی می‌آید=آخر ای آینه گردان گلستان وصال=برسان آینه را تا نفسی می‌آید=غم بیهوده «شهریار» به دلت راه مده=کز دل قافله بانگ جرسی می‌آید=از قول حضرت محمد صلی الله علیه و آله روایت است که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه در زمان ظهورش به صورت جوان ۳۰ ساله و قوی و نیرومند است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در روز جمعه‌ای ظهور می‌کنند و ظهور ایشان همانند مسئله قیامت و مرگ امری ناگهانی است.

و تُرِيدُ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (سوره قصص، آیه ۵)

و ما می‌خواهیم بر کسانی که در روی زمین به زبونی کشیده شده‌اند، منت نهیم (و نعمت دهیم) و ایشان را پیشوا گردانیم و ایشان را وارث گردانیم.

(اشاره به طول عمر و حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌باشد) و خود اراده خداوند حاکی از قدرت الهی است و به سادگی طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه به اثبات خواهد رسید.

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (سوره يس، آیه ۸۲)

امر او چون (آفرینش) چیزی را اراده کند، تنها همین است که به آن می‌گوید موجود شود، (و بیدرنگ) موجود می‌شود.

در روایتی از معصوم داریم: «لولا الحجة لساخت الارض باهلها». اگر حجت خدا روی زمین نبود (نباشد) زمین اهلش را فرو می برد. و در جای دیگر خداوند متعال در قرآن می فرماید:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَشَأُ يُدْهِبُكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (سوره ابراهیم، آیه ۱۹)

آیا ندانسته‌ای که خداوند آسمانها و زمین را به حق آفریده است، اگر بخواهد شما را (از میان) می برد و آفریدگان جدیدی به میان می آورد.

پس آیا طول عمر صاحب الزمان برای خداوند کاری دارد؟

- ۱ - چنانچه در بالا اشاره شد خداوند وارثان زمین را بندگانش را صلح خود قرار خواهد داد و در نماز در سلام دوم که می گوئیم: السلام علينا و علی عباد الله الصالحین آیا در حال حاضر صالحتر از امام زمان (روحی له الفداه) کسی را می شناسیم.
 - ۲ - در کتاب زبور داود علیه السلام ظهور آن جناب را بشارت داده است.
 - ۳ - در فصل ۱۲ از آیه ۱ تا ۱۳ کتاب دانیال پیغمبر راجع به ظهور مهدی موعود و رجعت اموات (منتظری که چهل روز بعد از نماز صبح دعای عهد را بخواند که چگونگی آن در مفاتیح الجنان می باشد) را در عصر حکومت او سخن گفته است.
 - ۴ - از کتاب متی از آیه ۲۳ و ۲۴ و در مرقس آیات ۱۲ تا ۳۳ و از کتاب لوقا آیات ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ متی اناجیل، راجع به ظهور حضرت مهدی یا علامات بزرگ آسمانی خبر داده شده.
 - ۵ - در کتاب یوحنا لاهوتی فصل ۲، آیه ۲۶ تا ۲۸ قسمت مکاشفات ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه را با حربه آهنین خیر داده است.
 - ۶ - در کتاب جُوک هندیان ظهور آن حضرت خیر داده شده است.
 - ۷ - کتب پاتیکل از اعظم هندیان و کتاب شاموکانی هندی از تسلط جهانی یک مرد هاشمی در آخر الزمان از نسل دو بزرگوار (پیغمبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام) و عدل و داد زمان وی خبر می دهد.
 - ۸ - در کتاب جاماسب، نامه زردشتیان، آمده است که مردی هاشمی می آید و دین جدش را ترویج کرده و زمین را پر از عدل و داد می کند.
 - ۹ - خود آن حضرت می فرماید: ما هیچگاه رعایت حال شما (شیعیان) را مهمل نمی گذاریم و یاد شما را فراموش نمی کنیم و اگر چنین نبود، بلاها بر شما نازل می شد و دشمنان (کافران و منافقان) شما را ریشه کن می کردند.
- برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه باید دعا کرد که فرج خود ما در آن است و خود آن بزرگوار فرموده اند: برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که آن فرج شما است.
- فوائد دعا برای فرج امام المهدی عجل الله تعالی فرجه
- (۱) دعا برای فرج امام زمان سبب زیاد شدن نعمتها است. (نقل از حضرت صادق علیه السلام، وسائل الشیعه، جلد ۴، صفحه ۱۱۴۸).
 - (۲) کسی که برای صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه دعا کند، امام زمان در حق او دعا می کنند. (نقل از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، کمال الدین، جلد ۲، صفحه ۳۸۴).
 - (۳) نجات یافتن از فتنه های آخر الزمان از جمله اثرات دعا برای امام زمان است. (نقل از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، کمال الدین، جلد ۲، صفحه ۳۸۴).
 - (۴) کسی که در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه دعا کند، مایه استجاب دعا می شود. (نقل از حضرت امام صادق علیه السلام، اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۴۹۴).

- (۵) کسی که برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه دعا کند، مایه دفع بلا است. (نقل از حضرت امام صادق علیه السلام، اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۱۵ - وسائل الشیعه، جلد ۴، صفحه ۱۱۴۸).
- (۶) کسی که برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه دعا کند، باعث آمرزش گناهان می‌شود. (نقل از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، عده الداعی، صفحه ۲۳۸).
- (۷) کسی که برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه دعا کند، تشریف دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب نصیبش می‌گردد. (سید حسن ابطحی، کتاب ملاقات امام زمان عج).
- (۸) کسی که برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه دعا کند، بی حساب داخل بهشت می‌شود. (حضرت امام جعفر صادق علیه السلام).
- (۹) کسی که برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه دعا کند، مایه خرسندی خدای عزوجل می‌شود. (حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۱۸۸).
- (۱۰) مجلسی که در آن برای صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه دعا می‌شود، محل حضور فرشتگان می‌گردد. (حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، بحار الانوار، صفحه ۲۰۲).
- (۱۱) کسی که برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه دعا کند، فرشتگان درباره‌اش دعا می‌کنند. (نقل از کتاب سید الساجدین علیه السلام، جلد ۲، صفحه ۵۰۹).
- (۱۲) کسی که برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه دعا کند، شفاعت امام زمان در قیامت شامل حال او می‌شود (به شرط اینکه به دستورات ایشان هم عمل کند). (حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، بحار الانوار، جلد ۸، صفحه ۳۶).
- بار الها تو را به اسم اعظمت و به حق اسمائی که کائنات را خلق کردی و به حق آبروی محمد و آلش صلی الله علیه و آله و به حق قرآن عظیمت، قسم می‌دهیم به فرج مولایمان حضرت حجه بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه تعجیل بفرمائی. ناگفته نماند، کسی که منتظر مصلح جهانی است خود باید صالح و مطیع اوامر الهی باشد.
- گفتم شبی به مهدی، بردی دلم ز دستم=من منتظر به راهت شب تا سحر نشستم =گفتا چه کار بهتر، از انتظار جانان=من راه وصل خود را، بر روی تو نبستم =گفتم دلم ندارد، بی تو قرار و آرام=من عقده دلم را امشب دگر گسستم =گفتا هوای نفست، باشد حجاب وصلم=گر نفس را شکستی، دستت رسد به دستم =گفتم ببخش جرمم، ای رحمت الهی=شرمنده تو بودم، شرمنده تو هستم =گفتا هزار نوبت، از جرم تو گذشتم=پرونده تو دیدم، چشمان خود بیستم =اما نباش نومید، از در گه امیدم=من کی دل محب شرمنده را شکستم =چه بسیار افرادی که در فراغ مولای خود همچون شمع می‌سوزند ولی در تزکیه نفس خود نمی‌کوشند که عاشقی از عشاق آن جناب گفته است:
- گفتم که روی ماهت از من چرا نهان است=گفتا تو خود حاجبی ورنه ز ما عیان است =گفتم که از که پرسم جانا نشان کویت=گفتا نشان چه پرسی این کوی، بی نشان است =گفتم غم تو من را بترز شادمانی=گفتا دلی که غم هست و آن نیست شادمانی =گفتم که حاجتی هست، گفتا بگو با ما=گفتم غمم بیفزا گفتا که رایگان است =××××
- دنیا در آستانه جنگ مجدد است=از شرق و غرب محنت انسان مشدد است =چون نیک بنگری دل غمگین هر کسی=در انتظار قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است =شناخت امام زمان آن چنان مهم است که هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد مردن او مانند مردن زمان جاهلیت است. من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة.
- ای جان فدای آن که او پیدای ناپیداستی=بر گرد کُویش هر دلی سرگشته و شیدااستی =دریای لطفش، بیکران، امواج مهرش بی امان=در یاد رویش دیدگان پر آب و چون دریااستی =غائب اگر شد از نظر، دانم کجا دارد مقر=جایش درون جان ما، در گوشه

دلهاستی = محبوب ذات کبریا، فرزند پاک مصطفی = نور دو چشم مرتضی، دلداده زهراستی = دنیای روح افزای ما، وین عالم زیبای ما = از غیبت دیدار او، زیبای نازیباستی = تا بینم آن بدر دجی، روی آورم یا رب کجا = آیا به رضوی جای او یا وادی سیناستی = خلقی همه مهمان او، بر سفره احسان او = از پرتو انوار او، افلاک پا برجاستی = نور امام منتظر، باشد ز هر سو جلوه گر = هر کس نبیند روی او، بینای نابیناستی = ای دلبر دلدادگان، وی حامی افتادگان = باز آی که پهنای جهان، جولانگه اعداستی = از شدت آه و فغان، شد تیره روی آسمان = هر لحظه از این زندگی، اینک شب یلداستی = دل در هوای کوی تو، پر می گشاید سوی تو = از سوختن پروانه را، کی وحشت و پرواستی = جانها فدای قائمی، کو گر نتابد رو دمی = در هر دو عالم «قائمی»، بیچاره و رسواستی = حال برای شناخت بیشتر و توفیق اینکه در گروه یاوران و سربازان آن بزرگوار قرار گیریم، به چهل حدیث و روایت از آن بزرگوار می پردازیم:

چهل حدیث از مصلح جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

۱) ظهور ایشان با کلمات «انا بقیة الله فی الارضه و المنتقم من اعدائه، فلا تطلب اقرأ بعد عین انا خاتم الاوصیاء و بی یرفع الله البلاء عن اهلی و شیعتی» شروع خواهد شد. (کلمة الامام، صفحه ۵۴۲).

۲) قال الامام المهدی عج: «ملعون ملعون من تأخر العشاء الی ان تشتک النجوم ملعون ملعون من آخر الفداء الی ان تنقضی النجوم». امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ملعون است ملعون است کسی که به تأخیر اندازد نماز عشا و مغرب را تا اینکه آسمان پر از ستاره شود و ملعون است ملعون است کسی که نماز صبح را به تأخیر اندازد تا ستارگان محو شوند. (کلمة الامام، صفحه ۵۴۲).

۳) قال الامام المهدی عج: «لعنة الله و ملائكة و الناس اجمعین علی من اکل من مالنا درهماً حراماً». امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: لعنت خدا و ملائکه و مردم همگی بر کسی که بخورد از مال ما (اهل بیت) درهمی را حرام.

۴) قال الامام المهدی عج: «آجرک الله فی صاحبک فقد مات و اوصی بالمال الذی کان معه الی ثقة یرعمل فیہ ما یحب». امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: خداوند اجر بدهد به صاحب دوست شما وقتی که می میرد و حال آن که وصیت می کند به مالی که در اختیارش است. وصی خود را فرد معتبر قرار دهد که ما را دوست داشته باشد. (کلمة الامام، صفحه ۵۵۲).

۵) قال الامام المهدی عج: «انا القائم من آل محمد صلی الله علیه و آله انا الذی اخرج فی آخر الزمان بهذا السیف (و اشار الیه) فاملا الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: من قائم آل محمد صلی الله علیه و آله هستم، من کسی هستم که در آخر الزمان با این شمشیر (اشاره به آن) ظهور می کنم و زمین را پر از قسط و عدل می کنم، بعد از اینکه پر از ظلم و جور شده باشد.

۶) قال الامام المهدی عج: «من یحاجنی فی الله فانا اولی بالله». امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: کسی که می خواهد هدایت شود به خداوند، بایستی مقدمتاً مرا بشناسد. (کلمة الامام، صفحه ۵۳۵).

۷) قال الامام المهدی عج: «ایها الناس، من یحاجنی فی آدم فانا اولی بآدم». امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای مردم، کسی که می خواهد مقایسه کند مرا با آدم، پس من مقدمم بر آدم. (کلمة الامام، صفحه ۵۵۵).

۸) قال الامام المهدی عج: «ایها الناس من یحاجنی فی نوح فانا اولی بنوح».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای مردم، کسی که می‌خواهد مقایسه کند مرا با نوح پس من مقدمم به نوح.

(۹) قال الامام المهدي عجل: «ايها الناس من يحاجني في ابراهيم فانا اولي بابراهيم».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای مردم، کسی که می‌خواهد مقایسه کند مرا با ابراهیم پس من مقدمم به ابراهیم.

(۱۰) قال الامام المهدي عجل: «ايها الناس من يحاجني في موسى فانا اولي بموسى».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای مردم، کسی که می‌خواهد مقایسه کند مرا با موسی پس من مقدمم به موسی.

(۱۱) قال الامام المهدي عجل: «ايها الناس من يحاجني في عيسى فانا اولي بعيسى».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای مردم، کسی که می‌خواهد مقایسه کند مرا با عیسی پس من مقدمم به عیسی.

(۱۲) قال الامام المهدي عجل: «ايها الناس من يحاجني في محمد فانا اولي بمحمد».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای مردم، کسی که می‌خواهد مقایسه کند مرا با محمد صلی الله علیه و آله پس من مقدمم به محمد صلی الله علیه و آله.

(۱۳) قال الامام المهدي عجل: «ايها الناس من يحاجني في كتاب الله فانا اولي بكتاب الله». امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای مردم، کسی که می‌خواهد مقایسه کند مرا با کتاب خدا (قرآن) پس من مقدمم به کتاب خدا.

(۱۴) قال الامام المهدي عجل: «فتاولته الرقعه، فكل من غير ان ينظر اليها: قل له صاحب لا خوف عليك في هذه العلة و يكون مالا بدمينه بعد ثلاثين سنه».

پس گفت (آن حضرت) نامه را، پس گفت قبل از اینکه به نامه نگاه کند، بگو به صاحب خود (مولای خود) از این مریضی نترس و پایدار می‌ماند، پس از سی سال زندگی.

(۱۵) قال امام المهدي عجل الله تعالی فرجه: «انا صاحب الحق، ليس هذا الاوان ظهوري و قد بقى مدة في الزمان ثم قلت له يا سيدي متى يظهر أمرک! قال علامه ظهوری أمری کثره، الهرج و المرج و الفتن و آتی مکة فأكون في المسجد الحرام، فيقال ابصوا لنا اماماً و يكثر الكلام حتى يقدم رجل من الناس فينتظر في وجهي ثم يقول: يا معشر الناس هذا المهدي أنظروا اليه.

گر ظلم و ستم، بسی شود عالم سوز= از عمر جهان اگر بماند یک روز = آنقدر بر آن روز خدا افزایش= تا صاحب ما شود به عالم پیروز = (۱۶) قال الامام المهدي عجل: «يا معشر الخلائق الا من اراد ان ينظر الى آدم و شيث فها انا ذا آدم و شيث».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای مردم، آگاه باشید هر کس اراده کند که نگاه کند به آدم و فرزند آدم (شیث) پس منم آدم و شیث.

(۱۷) قال الامام المهدي عجل: «يا معشر الخلائق الا من اراد ان ينظر الى نوح و ولده سام فها انا ذا نوح و سام».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای مردم، آگاه باشید هر کس اراده کند که نگاه کند به نوح و فرزند نوح (سام) پس منم نوح و سام.

(۱۸) قال الامام المهدي عجل: «يا معشر الخلائق الا من اراد ان ينظر الى ابراهيم و اسماعيل فها انا ذا ابراهيم و اسماعيل».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای مردم، آگاه باشید هر کس اراده کند که نگاه کند به ابراهیم و اسماعیل پس منم ابراهیم و اسماعیل.

(۱۹) قال الامام المهدي عجل: «يا معشر الخلائق الا من اراد ان ينظر الى موسى و يوشع فها انا ذا موسى و يوشع».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای مردم، آگاه باشید هر کس اراده کند که نگاه کند به موسی و یوشع (پیامبری که وصی موسی شده بود) پس منم موسی و یوشع.

(۲۰) قال الامام المهدي عجل: «يا معشر الخلائق الا من اراد ان ينظر الى عيسى و شمعون فها انا ذا عيسى و شمعون».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای مردم، آگاه باشید هر کس اراده کند که نگاه کند به عیسی علیه السلام و شمعون (صحابه عیسی) پس منم عیسی علیه السلام و شمعون.

۲۱) قال الامام المهدي عجل: «يا معشر الخلائق الا من اراد ان ينظر الى محمد صلى الله عليه و آله و امير المؤمنين عليه السلام فيها انا ذا محمد صلى الله عليه و آله و امير المؤمنين عليه السلام».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای مردم، آگاه باشید هر کس اراده کند که نگاه کند به محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام پس منم محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام.

۲۲) قال الامام المهدي عجل: «يا معشر الخلائق الا من اراد ان ينظر الى الحسن و الحسين ۸ فها انا ذا الحسن و الحسين ۸».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای مردم، آگاه باشید هر کس اراده کند که نگاه کند به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام پس منم امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام.

۲۳) قال الامام المهدي عجل: «يا معشر الخلائق الا من اراد ان ينظر الى الائمة من ولد الحسين فها انا ذا الائمة عليهم السلام».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: ای مردم آگاه باشید هر کس اراده کند که نگاه کند به ائمه از نسل حسین علیه السلام پس منم همانند امامان علیهم السلام.

۲۴) «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة الجاهلية».

کسی که بمیرد و شناختی از امام زمان خود نداشته باشد مرده است مردنی مانند زمان جاهلیت.

۲۵) قال الامام المهدي عجل: «اجيبوا الى مسالتي فاني ابثكم بما نبثم به و من كان يقرأ الكتاب و الصحف فليسمع مني» (نقل از کتاب امام حسن عسکری علیه السلام، صفحه ۹۷).

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرمودند: از من سؤال کنید، پس من خبری دهم به شما خبرها را که هیچ کس خبر نداده آنها را و کسی که می خواهد قرآن بخواند پس بیاید از من یوسف فاطمه بشنود.

۲۶) از حضرت عبدالعظیم حسنی نقل است که فرمود مشرف شدم خدمت مولایم حضرت جواد الائمه علیه السلام و اراده کرده بودم که درباره قائم علیه السلام سؤال کنم که آیا همان مهدی علیه السلام، قائم علیه السلام می باشد یا اینکه کسی غیر از اوست. پس آن حضرت خود آهنگ سخن نموده، فرمودند ای ابوالقاسم قائم ما آل محمد همان مهدی است که واجب است در زمان غیبت او انتظارش ببرند و به امید ظهورش باشند و در زمان ظهورش او را اطاعت و پیروی نمایند و مهدی از سومین فرزندان من است، اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی بماند، خداوند آن قدر آن یک روز را طولانی می فرماید تا اینکه او قیام کند و جهان را پر از عدل و داد نماید پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد و فرمودند خداوند او را همانند موسی در یک شب قیامش را اصلاح کند و بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج مهدی عجل الله تعالی فرجه است. (بحار الانوار، جلد ۵۶، صفحه ۱۵۸). خداوند!! دیده‌ای خواهیم که باشد شه شناس = تا شناسد شاه را در هر لباس = ۲۷) قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «مثل اهل بيتي مثل سفينة نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق».

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است، هر کس در آن کشتی سوار شد نجات یافت و هر کس تخلف کند غرق شود. (کنز الاعمال، جلد ۱۲، صفحه ۹۵).

۲۸) قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «مثل اهل بيتي فيكم مثل باب حطة في بني اسرائيل من دخله غفر له».

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مثل اهل بیت من مثل باب حطه در بنی اسرائیل است که هر کس در آن داخل شده آمرزیده خواهد شد.

۲۹) حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر مردم اجتماع می کردند در محبت و دوستی علی بن ابیطالب علیه السلام

هرگز خداوند جهنم را خلق نمی‌کرد (در حال حاضر محبت مهدی همانند محبت پدر بزرگوارشان است). (بحار الانوار، جلد ۳۹، صفحه ۳۰۵).

(۳۰) قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لو لم يبق من الدهر الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج رجلاً من اهل بيتي يملا الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً».

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر باقی نمانده باشد، از عمر دنیا مگر یک روز، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند، تا اینکه مردی از اهل بیت من بیاید و زمین را پر از عدل و داد کند در حالیکه پر از ظلم و جور شده باشد.

(۳۱) قال الصادق عليه السلام: «من مات منكم و هو منتظر لهذا الامر كمن هو مع القائم في فسطاط».

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس از شما در حال انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بمیرد همچون کسی است که در خیمه قائم در حال جهاد با حضرتش علیه کفر باشد.

(۳۲) قال الصادق عليه السلام: «ان المؤمن في زمان قائم و هو بالمشرق ليري اخاه في المغرب و كذا الذي في المغرب يري اخاه الذي بالمشرق».

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: به درستی که شخص مؤمن در زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه اگر در مشرق باشد می‌بیند برادرش را در مغرب و همچنین اگر در مغرب باشد او را می‌بیند در مشرق. (بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۹۱).

(۳۳) «الست الله العافية...» خداوند لباس عافیت به تو پوشانده و تو را در دنیا و آخرت با ما قرار دهد.

(۳۴) ای جد بزرگوار، توصیف کردند مرا (در زمان غیبت) و دلالتها علیه من آوردند و نسبتها به من دادند و نامها برای من قرار داشتند، کینه‌ها برایم گذاشته، پس مرا انکار کردند و تمدید شد این غیبت و گفتند: مردم، او به دنیا نیامده است (عقیده مسیحیت) و بعضی گفتند اصلاً چنین چیزی وجود ندارد و بعضیها گفتند پس کجاست، پس کی خواهد آمد و چگونه باشد؟ بعضی گفتند به تحقیق مرده است و تعقیب کرده نشد مردنشان (عقیده وهابیه). بعضی گفتند اگر صحیح باشد این حرف (وجود و بقای امام زمان) خداوند این قدر تأخیر نمی‌انداخت ظهورش را، پس من صبر کردم حسابی، تا اینکه خداوند اجازه داد در آن غیبت ظهور مرا یا جدا.

طلعت مهدی ما بس که بود رخشنده=از فروغش مه و خورشید بود تابنده=گر هلال مه ما جلوه کند از افقش=به خداوند که خورشید شود شرمنده=وای اگر جلوه بدری کند آن ماه منیر=تا ابد آتش دوزخ نبود سوزنده=نار نمرود گلستان نشدی بهر خلیل=گر نمی‌زد مه ما بر رخ آتش خنده=وصف روی مه ما را مه کنعان بشنید=بنده او شد و شد بند گیش زبینه=کشتگان ره عشقش همه معشوقانند=به امیدی که شوند از لب لعش زنده=هم قیامت شود از قامت او وقت قیامت=هم قیامت بود از قامت او پاینده=گفتم ای پرده‌نشین، منتظران را دریاب=که بمردند و بمیرند بسی آینده=گفت عاشق چو موحد شو، نوید مشو=در طلب کوش که جوینده بود یابنده= (۳۵) قال الامام المهدي عج: «انا خاتم الاوصياء و بي يدفع البلاء ان اهل بيتي و شيعتي».

صاحب العصر عجل الله تعالی فرجه فرمودند: من پایان دهنده دوران وصایت هستم و به وسیله من خداوند گرفتاریها را از اهل بیتم و شیعیانم بر می‌گرداند. (بحار الانوار، جلد ۵۱، صفحه ۶۱).

(۳۶) «اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجكم».

برای شتاب در گشایش کلی و همگانی بسیار دعا کنید که به راستی فرج شما در همان است. (بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۱۸۱).

(۳۷) «انه لم تكن لاحد من آباي الا و قد وقعت في عنقه بيعة لطاغية زمانه».

همانا هیچ یک از پدران نبود مگر اینکه بیعتی از گردنکش زمانش به گردن داشت. (بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۱۸۱).

(۳۸) «و اني اخرج حين اخرج و لا بيعة لاحد من الطواغيت في عنقي».

و من به پا خواهم خواست در حالی که پیمان هیچ یک از گردنکشان به گردنم نیست.

(۳۹) «و اما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالاتفاع بالشمس اذا غیبتها عن الابصار السحاب».

اما چگونگی بهره‌وری از من در غیبتم چون بهره‌وری از آفتاب است نگاه که ابرها آن را از دیده‌ها پوشیده دارند. (بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۱۸۱).

(۴۰) «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیکم».

اما در رویدادهای تازه پس به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنهایم. (بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحه ۱۸۱).

مهدی امام منتظر، نوباوه خیر البشر = خلق دو عالم سر به سر، بر خوان احسانش مکین = مهر از خیالش ذره‌ای، بدر از عطایش بدره‌ای = دریا ز جودش قطره‌ای، گردون ز کشتش خوشه چین = امرش قضا، حکمش قدر، حبش جنان، بغضش سقر = خاک رهش زبید، اگر بر طره سایه حور عین = مرآت ذات کبریا، مشکوه انوار هدی = منظور بعث انبیاء، مقصود خلق عالمین = دانند قرآن سر به سر بابی ز مدحش مختصر = اصحاب علم معرفت، ارباب ایمان و یقین = نوح و خلیل و بوالبشر، ادريس و داوود و پسر = ابر فیضش مستمند، از کان علمش مستعین = موسی به کف دارد عصا، دربانیش ختم الاوصیاء = چونانکه جد امجدش گردید ختم المرسلین = ظاهر شود آن شه اگر شمشیر حیدر بر کمر = دستار پیغمبر به سر، دست خدا بر آستین = دیاری، از این ملحدان، باقی نماند در جهان = ایمن شود روی زمین، از جور و ظلم ظالمین = «یُمنه رزق الوری و بوجوده ثبت الارض و السماء».

به برکت او مردم روزی داده شوند. به سبب وجود آن حضرت، زمین و آسمان استوار گردد و ثابت ماند انشاء الله.

حبط اعمال

از نکات حساس که در آیات مختلف قرآن به آن هشدار داده شده است، این است که مؤمنان مراقب اعمالشان باشند تا همچون کفار موجب حبط و نابودی اعمالشان نشوند.

و به تعبیر دیگر اصل عمل، مطلبی است و نگاهداری آن مطلبی مهمتر است، یک عمل پاک و سالم و مفید عملی است که در آغاز سالم و بی عیب باشد و محافظت و مراقبت از آن تا پایان عمر بشود، عواملی که اعمال آدمی را به خطر می‌افکند یا نابود می‌سازد بسیار است از جمله:

۱ - منت گذاری و آزار دادن: چنانکه قرآن می‌گوید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَيْفٍ مُّوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (سوره بقره، آیه ۲۶۴)

ای مؤمنان صدقات خود را با منت نهادن و آزار باطل نکنید، همانند کسی که مالش را برای نمایش دادن در چشم مردم، می‌بخشد، و به خداوند و روز بازپسین ایمان ندارد، آری داستان او همچون داستان تخته سنگی است که بر آن خاکی باشد و باران سنگینی بر آن بیارد و آن را (همچنان) سترون و اگذارد، آنان از کار و کردار خویش حاصلی نبرند، و خداوند، خدانشناسان را هدایت نمی‌کند.

در اینجا دو عامل بطلان عمل است، یکی منت و آزار و دیگری ریا و کفر مطرح شده است که اولی بعد از عمل می‌آید و دومی مقارن آن و اعمال نیک را به آتش می‌کشانند.

۲ - عجب: عامل دیگری است برای نابودی آثار عمل چنانکه در حدیث آمده: «العجب يأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب».

عجب، حسنات انسان را می‌خورد همان گونه که آتش هیزم را از بین می‌برد.

۳ - حسد: در مورد حسد نیز تعبیری شبیه عجب آمده که همچون آتش حسنات را نابود می‌کند:

«ایاکم و الحسد یا کل الحسنات کما تاکل النار الحطب». اصولاً همانگونه که حسنات سیئات را از بین می‌برد

... إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ... (سوره هود، آیه ۱۱۴)

همچنین گاهی سیئات حسنات را به کلی از اثر می‌اندازد.

۴ - مسئله حفظ ایمان: حفظ ایمان تا پایان عمر مهمترین شرط بقای آثار عمل است چرا که قرآن به صراحت می‌گوید

«وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ». (سوره زمر، آیه ۶۵)

و به راستی بر تو و بر کسانی که پیش از تو بوده‌اند، وحی شده است که اگر شرک ورزی، عملت تباه گردد، و بی شک از زیانکاران باشی.

کسانی که بی ایمان از دنیا بروند تمام اعمالشان حبط و نابود می‌شود.

از اینجاست که به اهمیت و مشکلات مسئله نگهداری اعمال پی می‌بریم و لذا در حدیثی از امام محمد باقر علیه السلام آمده که فرمودند:

«الابقاء علی العمل اشد من العمل، قال و ما الا بقاء علی العمل قال یصل الرجل بصله و ینفق نفقه لله وحده و لا شریک له فکتب له سراً ثم یدکرها فتمحی فکتب له علانیة ثم یدکرها فتمحی و تکتب له ریاء».

نگهداری عمل از خود عمل سخت‌تر است، راوی سؤال می‌کند: منظور از نگهداری عمل چیست؟ پاسخ فرمودند: انسان بخششی می‌کند و یا انفاقی در راه خداوند یکتا به عنوان یک انفاق پنهانی بر او ثبت می‌شود، سپس در جایی آن را مطرح می‌کند، این انفاق پنهانی حذف می‌شود و به جای آن انفاق آشکار نوشته می‌شود، دگر بار در جای دیگر آن را مطرح می‌کند باز حذف می‌شود و به عنوان ریا نوشته می‌شود. (اصول کافی، جلد ۲، باب ریاء، حدیث ۱۶).

در حدیث قدسی آمده است: ای احمد، اگر بنده‌ای نماز اهل آسمانها و زمین را بخواند و روزه همه اهل آسمانها و زمین را بگیرد و مثل ملائکه از طعام دوری کند و لباس عابد بپوشد، بعد در قلب او ذره‌ای از محبت دنیا بینم و یا که بخواهد معروف شود یا ریاست کند و یا به زینتهای دنیا علاقمند باشد، او هرگز در بهشت با من همسایه نخواهد شد و من محبت خود را از قلب او بیرون می‌کنم.

لذا برای تقرب به درگاه خداوند متعال و دسترسی به همه علوم دستورات زیر توصیه می‌شود:

۱ - خواندن نماز شب ولو دو رکعت در هر شب. (با توجه خوانده شود ولی پس از اذان صبح قضای آن خوانده شود).

۲ - دائم با وضو بودن.

۳ - در خلوت و در جلوت خداترس بودن.

۴ - غذا را به خاطر کسب نیرو برای انجام عبادات خوردن، نه از روی شهوت.

۵ - از مسواک زدن غافل نشدن. (بخصوص قبل از خواب شب یا موقع نماز).

چهل حدیث قدسی

۱ - خداوند متعال می‌فرماید: ای بنده‌ام من همه اشیاء را به خاطر تو خلق کردم و تو را هم برای خودم آفریدم و من دنیا را با احسان خود به تو بخشیدم و آخرت را هم به وسیله ایمان به تو دادم. (صفحه ۶۳۲ حدیث قدسی).

۲ - خداوند متعال به دنیا فرموده: در خدمت کس باش که به من خدمت می‌کند و برای کسی رنج آور باش که به خودش (دنیا) خدمت می‌کند. (صفحه ۶۳۳ حدیث قدسی).

۳ - خداوند متعال می‌فرماید: ای بنده‌ام، از دنیا خسته مشو، همان طوری که من از اجابت دعا خسته نمی‌شوم، ای بنده‌ام بر تو لازم است اعمال نیکت را پنهان انجام دهی و بر من لازم است آن را آشکار کنم. (صفحه ۶۳۶ حدیث قدسی).

۴ - در کتاب اسرار الصلاة خداوند متعال می‌فرماید:

بر تو لازم است او را در خفا و ظاهر بشناسی و بر من است که این ایمان تو را ظاهر کنم و باز هم می‌فرماید: هر کس میان خود و خداوند را اصلاح بدهد (یعنی اطاعت او را بکند) خداوند هم میان او و مردم را اصلاح می‌دهد. (یعنی از ناحیه کسی به او ضرر نمی‌رسد) باز هم خداوند فرموده: من برای بندگان صالح چیزهایی را مهیا کرده‌ام که نه چشمها آنها را دیده‌اند و نه گوشها آنها را شنیده‌اند و نه به قلب کسی کیفیت آنها خطور می‌کند.

۵ - در کتب آسمانی آمده که خداوند می‌فرماید:

من کسی را که از سه چیز بی‌نیاز کرده‌ام نعمت خویش را بر وی تمام نموده‌ام، یکی کسی که من او را از مال برادرش بی‌نیاز کرده‌ام و دیگر آنکه او را از خطر پادشاهی که هست ایمن داشته‌ام و سوم آنکه او را از طلب شفا از پزشک بی‌نیاز ساخته‌ام. (صفحه ۶۲۷ حدیث قدسی).

۶ - خداوند فرموده: من بر طبق ظن بنده‌ام با وی رفتار می‌کنم، پس همیشه به من ظن خیر ببرید.

۷ - خداوند متعال می‌فرماید: بنده‌ام اطاعت مرا کن تا تو را مانند خود سازم، همان طوری که من زنده هستم و نمی‌میرم تو هم همیشه زنده باشی، همان طوری که من غنی هستم تو هم همیشه غنی باشی، همان طوری که من هر چه را اراده کنم می‌شود تو را هم، همین طور سازم. (صفحه ۶۳۱ حدیث قدسی).

۸ - برای خداوند بندگان هستند که اطاعت از اراده خداوند می‌کنند و در قبال این عمل به هر چه که آنها اراده کنند از آنها اطاعت می‌کنند.

۹ - ای احمد، هر کس بگوید من خدا را دوست دارم، دوست من محسوب نمی‌شود، مگر اینکه به روزی کم قناعت نماید و لباس کم بپوشد و در حال سجده بخوابد (یعنی سجده‌هایش به قدری طولانی باشد که بی‌اراده به خواب برود) و قیام خود را در نماز طولانی کند و سکوت را برای خودش لازم بداند و بر من توکل کند و زیاد گریه کند و کمتر بخندد و با هوی و هوسش مخالفت کند، مسجد را خانه خود قرار دهد و علم را رفیق خویش سازد و با او همنشینی کند و علماء را دوست بدارد و با فقراء تسبیح بگوید.

در وعده‌هایش صادق باشد، به تعهداتش وفا کند، قلبش پاک باشد و در نماز پاکیزه باشد. در انجام واجبات دینی خود جدیت کند و به ثوابهایی که در نزد من هست راغب باشد و از عذاب من بترسد و همیشه با دوستان من همنشین و نزدیک باشد و محبت دنیا در دلش نباشد و شیعیان ما کسانی هستند که به خداوند ایمان و تقوا داشته باشند، باز هم فرموده‌اند جزو شیعیان من نیستند کسانی که در شهری و کشوری باشند که صد هزار جمعیت داشته باشد و در میان جمعیت، مردمی از آنها با تقواتر باشد. (صفحه ۴۱۳ حدیث قدسی).

۱۰ - از امام موسی کاظم علیه السلام نقل است که خداوند متعال فرمود: من ثروتمند را از این جهت غنی نمی‌کنم که به او کرامت بدهم و فقیر را هم برای این فقیر نمی‌کنم که او را خوار سازم بلکه می‌خواهم به وسیله اغنیا آزمایش کنم، چون اگر فقرا نبودند اغنیا مستحق بهشت نمی‌شوند. (صفحه ۶۱۹ حدیث قدسی).

۱۱ - از امام رضا علیه السلام نقل است که خداوند متعال به یکی از پیامبرانش وحی کرد که وقتی به من اطاعت کنی از تو راضی می‌شوم و وقتی که از تو راضی شدم به تو برکت می‌دهم و برای برکت من نهایی نیست، اما وقتی به من معصیتی بکنی از تو خشمناک می‌شوم و تو را لعنت می‌کنم و این لعنت تا هفت نسل تو را می‌گیرد. (صفحه ۶۳۳ حدیث قدسی).

۱۲ - حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید، خداوند متعال می‌فرماید: من نماز بنده‌ای را قبول می‌کنم که در مقابل عظمت من مطیع باشد و نفس خویش را به خاطر من از شهوات باز دارد و روزش را با ذکر من به شب برساند و به مخلوقات من بزرگی نفروشد و

گرسنگان را طعام بدهد و عریانها را بپوشاند و به مصیبت دیدگان ترحم کند و به غریبا جا بدهد. چنین شخصی نورش مانند خورشید می‌تابد و در تاریکی برایش نور می‌دهم (یعنی او را از تاریکی گناه و شرک می‌رهانم).

و در جهل به وی علم می‌دهم، با عزت خودم او را عزیز می‌گردانم و ملائکه‌هایم او را حفظ می‌کنند، هر وقت مرا صدا کند به وی لبیک می‌گویم و هر چه از من بخواهد به وی می‌دهم مثل چنین شخصی نزد من مانند باغی است که میوه‌های آن باغ فاسد نمی‌شود و برگهای درختانش خزان نمی‌بینند. (صفحه ۶۱۰ حدیث قدسی).

۱۳ - خداوند متعال می‌فرماید: ای آدم مرا در قلب خود یاد کن، من هم در ذات خودم تو را یاد می‌کنم. ای فرزند آدم مرا در خلوت یاد کن تا من هم تو را در خلوت یاد کنم و مرا در میان جماعت یاد کن من هم تو را در میان جماعتی یاد کنم، بهتر از آن (یعنی در جمع ملائکه). (صفحه ۶۱۰ حدیث قدسی).

۱۴ - از حضرت صادق علیه السلام نقل است که خداوند متعال فرموده است: یکی از شقاوتهای بنده‌ام این است که کاری را بدون استخاره من انجام می‌دهد. (صفحه ۶۱۲ حدیث قدسی).

۱۵ - از امام صادق علیه السلام نقل است که خداوند متعال فرموده:

من همه عبادتها را به غیر خود واگذار می‌کنم به جز صدقه که من با دست خود آن را می‌گیرم، حتی اگر مرد یا زن مسلمانی یک خرما یا نصف خرما را به عنوان صدقه بدهد، من آن را می‌گیرم و مانند شماها که کاشته‌های خود را تربیت می‌کنید آن را رشد می‌دهم تا اینکه در روز قیامت شخص صدقه دهنده آن را همانند و یا بزرگتر از کوه احد می‌بیند. (صفحه ۶۱۸ حدیث قدسی).

۱۶ - هر کس نعمتهای خداوند را فاسد کند خداوند هم زندگی او را فاسد می‌کند (یعنی چنین شخصی روی رفاه و آرامش را نمی‌بیند و عمرش را بیهوده تلف می‌کند). (صفحه ۶۱۵ حدیث قدسی).

۱۷ - از امام صادق علیه السلام نقل است، خداوند متعال به یکی از پیامبران بنی اسرائیل وحی فرمود که اگر می‌خواهی در روز قیامت با من در حصیرة القدس ملاقات کنی در دنیا تنها و بی کس و مهموم و اندوهناک باش، و از مردم دوری کن، مانند پرنده‌ای باش که به تنهایی در یک دشت بی آب و علف پرواز می‌کند و از برگهای درختان می‌خورد و از آب چشمه‌ها می‌نوشد و وقتی که شب می‌رسد، تنها می‌ماند و با پرنده‌های دیگر مأنوس نمی‌شود، فقط با خداوند مأنوس می‌شود و از پرنده‌ها می‌ترسد. (صفحه ۵۹۵ حدیث قدسی).

۱۸ - خداوند متعال فرموده: سوگند به عزت و جلالم، من دعوت مظلومی که خودش هم به دیگری ظلم کرده و بعد مورد ظلم واقع شده، دعای او را اجابت نمی‌کنم و ستم را از او دفع نمی‌کنم. (صفحه ۶۰۳ حدیث قدسی).

۱۹ - از دو امام محمد باقر علیه السلام و جعفر صادق علیه السلام نقل است خداوند متعال فرموده: ای فرزند آدم من با سه چیز به تو تفضل و احسان کردم، نخست عیبه‌ها و کارهایت را مستور نمودم که اگر نزدیکترین خویشت به آنها آگاه می‌شدند آنها را پنهان نمی‌کردند، دوم آن که وسعت رزق دادم بعد هم از تو قرض خواستم، ولی تو در این امر پیشقدم نشدی.

سوم آنکه هنگام مرگ به تو حق دادم که یک ثلث مالت را هر طوری می‌خواهی عمل کنی، باز هم آن را در راه من انجام ندادی. (صفحه ۶۰۴ حدیث قدسی).

۲۰ - خداوند متعال به یکی از پیامبرانش می‌فرمود که به قومت بگو، لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای دشمنان مرا نخورند و خود را به شکل دشمنان من در نیاورند (یعنی به شکل مشرکین و کفار) چون اگر این کار را بکنند آنها هم دشمنان من هستند همان طوری که آن کفار و مشرکین دشمن من هستند (مگر موافق تقیه). (صفحه ۶۰۴ حدیث قدسی). ۲۱ - از حضرت صادق علیه السلام نقل است که: هر مسلمانی به خاطر خداوند به عیادت و دیدار دوست مسلمانش برود، خداوند به وی می‌فرماید ای زیارت کننده کار خوبی کردی و پاک شدی، بهشت من بر تو واجب شد. (صفحه ۵۸۱ حدیث قدسی).

۲۲ - خداوند متعال می‌فرماید: بهترین اولیاء در نزد من، آن بنده مؤمن است که دارای عمل صالح باشد، به طوری که مردم او را با انگشت به یکدیگر نشان ندهند. (نگویند این مرد بسیار مؤمن است) و رزقش هم به اندازه کفاف زندگیش باشد و به آن قناعت کند، مرگ زود سراغ او بیاید و وارثان و گریه کنندگان او کم باشند. (صفحه ۵۸۱ حدیث قدسی).

۲۳ - هر کس به خاطر خداوند برای زیارت برادر مسلمانش برود خداوند به وی می‌فرماید: تو مرا زیارت کردی و ثواب زیارت تو بر من لازم است که بدهم و من ثوابی برای زیارت این کارت غیر از بهشت چیز دیگری نمی‌دهم. (امام صادق علیه السلام می‌فرماید: شخص بخیل کسی است که به سلام کردن به دیگران بخل ورزد). (صفحه ۵۸۴ حدیث قدسی).

۲۴ - خداوند متعال فرموده: من بهترین شریک در اعمال کسی هستم که می‌خواهد عمل کند و من عمل او را قبول نمی‌کنم مگر اینکه خالصانه باشد. (هر کس مرا در پنهانی یاد کند و ذکر مرا گوید من او را آشکارا یاد می‌کنم). (صفحه ۵۸۷ حدیث قدسی).

۲۵ - از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که حضرت فرموده‌اند: خداوند هر شب از اول شب تا آخر آن ندا می‌دهد، آیا بنده‌ای نیست که قبل از دمیدن خورشید در مورد دین و دنیا از من درخواستی بکند تا من آن را اجابت کنم، آیا بنده‌ای نیست که قبل از طلوع فجر توبه کند تا من توبه او را قبول کنم، آیا بنده‌ای نیست که روزی اش کم باشد و از من درخواست کند تا آن را زیادتر کنم من هم آن را زیادتر کنم و به رزق او وسعت بدهم.

آیا بنده مؤمن بیماری نیست که قبل از طلوع آفتاب از من شفا بخواهد و من او را شفا بدهم، آیا بنده زندانی و غمناک نیست که قبل از طلوع خورشید آزادی خود را از من بخواهد تا من او را آزاد کنم، آیا بنده‌ای نیست که مظلوم باشد و از من بخواهد که از ظالمش انتقام بگیرم تا من او را بر ظالمش یاری دهم و قبل از طلوع فجر انتقام او را از ظالم بگیرم. منادی همین طور تا دمیدن صبح ندا می‌کند و این کلمات را می‌گوید. (صفحه ۵۶۹ حدیث قدسی).

۲۶ - امام صادق علیه السلام از قول خداوند متعال گفته‌اند:

هر کس به ولی من اهانت کند، خود را برای جنگ با من آماده کرده است، و من برای یاری اولیایم خیلی سریع عمل می‌کنم و اگر بنده مؤمنم در قلب خود احساس غرور نمی‌کرد، من هر آینه گردن کافر را با شمشیر آهنین می‌انداختم تا هرگز نتواند مزاحم آن بنده مؤمن باشد. (ائمه اطهار علیهم السلام ولی الله هستند). (صفحه ۵۷۴ حدیث قدسی).

۲۷ - از امام صادق علیه السلام نقل است که خداوند می‌فرماید: هر کس نام مرا در میان جماعتی ذکر کند، من او را در میان ملائکه‌ها ذکر می‌کنم و به آنها معرفی می‌نمایم. ای فرزند آدم مرا در میان مردم ذکر کن تا من هم نام تو را در میان بهترین ملائکه‌هایم ذکر نمایم. (صفحه ۵۷۶ حدیث قدسی).

۲۸ - خداوند متعال می‌فرماید: اخلاق خوب زشتیها و گناهان را خرد می‌کند، همان طوری که تابش آفتاب سنگ را خرد می‌کند، و اخلاق بد، اعمال خوب را فاسد می‌کند همان طوری که سرکه عسل را فاسد می‌کند. (صفحه ۵۷۹ حدیث قدسی).

۲۹ - هنگامی که خداوند عزوجل اولاد آدم را از صلبش بیرون کرد، از آنها برای ربوبیت خود و نبوت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله اقرار گرفت و بعد هم خداوند خطاب به آدم چنین فرمود: ای آدم نگاه کن بین چه می‌بینی؟ آدم در جهان ملکوتی همه اولادانش را از اول تا آخر مشاهده نمود و دید آنها مانند ذرات ریز، آسمان را پر کرده‌اند.

آدم گفت: ای خداوند بزرگ، اولادان من چقدر زیادند! برای چه آنها را آفریده‌ای و منظورت از گرفتن این پیمان چیست؟ «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ».

خداوند پاسخ داد: برای اینکه برای من عبادت کنند و برایم شریکی در خداوندی قائل نشوند و به پیامبران من ایمان آورند و از آنها تبعیت کنند. آدم عرض کرد: خداوند علت آن امر چیست که من از این نقطه بعضی را بزرگ و بعضی دیگر را کوچک می‌بینم؟ در حالی که بعضی از آنها نورشان زیاد است و برخی دیگر کم و بعضی هم نور ندارند؟ خداوند فرمود، ما آنها را مورد آزمایش

قرار می‌دهیم.

آدم گفت: خداوندا به من اجازه بده حرف بزوم، خداوند فرمود: حرف بز، چون روح از من است (لازمه روح، نطق و بیان است) آدم عرض کرد: خداوندا! اگر آنها را یک جور خلق می‌کردی و به همه آنها یک طبیعت و ذات و روزی و عمر یکسان می‌دادی بهتر نبود؟ چون در آن صورت آنها نسبت به هم تعدی نمی‌کردند و میان آنها حسد و کینه و بغض پدید نمی‌آمد، خلاصه هیچ گونه اختلاف با هم نداشتند خداوند عزوجل فرمود: ای آدم تو به وسیله روحی که از من داری حرف می‌زنی و درک می‌کنی ولی به واسطه نقصی که جسمت دارد، مطالبی را می‌گویی که عالم به حقیقت آن نیستی، در حالی که می‌دانی من خداوند عالم و حکیم هستم و من به واسطه همان علم و حکمتی که دارم میان مخلوقاتم اختلاف به وجود آوردم و با مشیت خود امور آنها را اداره می‌کنم و آنها را در مسیر تقدیر و تدبیر من به حرکت و جودی خویش ادامه می‌دهند. در خلقت من تفسیر نیست من جن و انس را خلق کردم تا من را عبادت کنند و بهشت را برای کسانی خلق کردم که من را عبادت کنند و از اوامر اطاعت نمایند و از پیامبرانم تبعیت کنند.

جهنم را برای کسانی آفریدم که به من کافر شدند و عصیان کنند و از پیامبرانم تبعیت نکنند. من تو و فرزندانم را آفریدم در حالی که به شما نیازی نداشتم، بلکه همه شما را برای این آفریدم که آزمایش خود را نشان دهید، تا معلوم شود کدام یک از شما در دنیا کارهایتان خوبست و کدام یک از شما کارهایتان بد است، به همین خاطر بود که دنیا و آخرت، حیات و مرگ، اطاعت و معصیت و بهشت و جهنم را آفریدم.

باز هم من با تقدیر و تدبیر و علم نافذم میان صورتها و اجسام و رنگها و عمرهایشان اختلاف به وجود آوردم و همچنین در میان روزیها و طاعت و معیشتشان تفاوت گذاردم. بعضی از آنها را شقی کردم و بعضی را سعید، بعضی را کور و بعضی را بینا، بعضی را کوتاه قد، بعضی را زیبا و بعضی را زشت، بعضی را عالم و برخی را جاهل، بعضی را فقیر و بعضی را غنی کردم، بعضی را مطیع و برخی را زمین گیر و برخی را بدون عیب، همه این کارها لازم خلقت بود.

برای اینکه آن شخص سالم و بی‌عیب به آن شخص معیوب نگاه کند، به خاطر سلامتی‌اش به من شکر و حمد بگوید و یا آنکه عیب‌دار است به شخص سالم نگاه کند، به من متوسل شود تا به او هم سلامتی بدهم و همچنین برای من صبر کند تا به او پاداش خوب بدهم، یا اینکه شخص غنی به فقیر نگاه کند به خاطر ثروتی که به وی داده‌ام مرا حمد نماید و یا شخص فقیر با دیدن شخص غنی از من ثروت بخواهد و یا اینکه مؤمن به کافر نگاه کند، به خاطر هدایتی که داده‌ام مرا حمد و سپاس گوید.

پس با توجه به این حقایق فطرت است که من انسانها را آفریدم تا آزمایش کنم و آنها را بر حسب نیاز ذاتیشان چنان کردم که در رفاه و سختی، آسانی و گرفتاری به یاد من باشند و متوجه باشند که من چرا به بعضیها نعمت می‌دهم و به بعضی نمی‌دهم.

پس همه بندگان من باید بدانند که من خداوند قادر و توانا هستم و می‌توانم همه تقدیر و تدبیرهای خود را عمل کنم، باز هم می‌توانم آنچه را می‌خواهم از این تقدیر و تدبیر عوض کنم و من خداوند فعالی هستم که برای هر چه اراده کنم، هیچ کس قادر نیست جلو اراده‌ام را بگیرد و یا اینکه درباره کارهایم از من استیضاح کند، ولی من می‌توانم دیگران را درباره اعمالشان استیضاح کنم. (حدیث قدسی).

۳۰- از امام محمد باقر علیه السلام نقل است: وقتی که خداوند اراده کند به اهل زمین عذاب نازل نماید می‌فرماید: اگر این کسانی که یکدیگر را دوست می‌دارند و مساجد را آباد می‌کنند و صبحگاهان استغفار می‌نمایند، در میان شما نبودند مسلماً عذاب خود را بر شما نازل می‌کردم. (صفحه ۵۶۷ حدیث قدسی).

۳۱- خداوند متعال فرموده: هر قومی که به من عصیان کند دل‌های پادشاهان آن قوم را بر آن قوم قسی می‌کنم، یعنی اینکه به وسیله پادشاهان آنها را عذاب می‌نمایم. اگر می‌خواهید در رنج و عذاب نباشید به سوی خداوند توبه کنید، تا دل‌های پادشاهان را نسبت به

شما رثوف و مهربان کند. (صفحه ۵۶۸ حدیث قدسی).

۳۵ - خداوند متعال به بعضی از پیامبرانش نازل کرده که با اشخاص کریم، با کرامت رفتار کنید و با مردم سخاوتمند با سخاوت رفتار کنید و با انسانهای خشن بد خلق سخت گیر باشید، و در نزد شخص بد خلق آرام باشید و با آرامی با وی رفتار کنید. (صفحه ۵۶۴ حدیث قدسی).

۳۶ - علت طولانی شدن عمر نوح این است که وقتی از خداوند خواست بلا بر قومش نازل شود، خداوند روح الامین (جبرئیل) را با هفت دانه تخم رستنی به سوی نوح فرستاد. جبرئیل گفت ای پیامبر خدا، خداوند تبارک و تعالی می گوید اینها بندگان و مخلوقات منند من از بلاهای خود به آنها نازل نمی کنم مگر اینکه قبلاً دعوت را تأکید کنم و حجت را بر آنان تمام نمایم. پس برگرد، قوم خود را دوباره دعوت کن و من حقانیت تو را به آنان نشان می دهم و این دانه‌ها را روی زمین بکار، زیرا وقتی که این دانه‌ها سبز شد و میوه دادند خروج و خلاصی تو را فراهم خواهند نمود. پس این موضوع را به مؤمنانی که با تو هستند خبر بده. نوح آنها را کاشت، وقتی که آنها در زمین روئیدند و بزرگ شدند و ساقه و شکوفه دادند، میوه‌های آنها البته بعد از مدتی طولانی ظاهر شد. دوباره خداوند به نوح دستور داد از تخمهای آن درختان بکارد و صبر و تلاش داشته باشد و حجت را بر قومش با این کارها تمام کند، آن جماعتی که به نوح ایمان آورده بودند، از این موضوع خبردار شدند، دوباره سیصد نفر از آنها از دین نوح برگشتند، چون گفتند، اگر آنچه نوح می گوید که خداوند به او وعده داده عذاب نازل خواهد کرد درست باشد، خداوند که زیر قولش نمی زند، پس چرا تا به حال عذاب نازل نکرده است؟ نوح هر دفعه به پیروانش دستور می داد که از آن دانه‌ها بکارند تا اینکه هفت مرتبه کاشتند، و آنها رشد کردند. در این مدت از همان مردمی که ایمان آورده بودند از دین نوح بر می گشتند تا اینکه فقط هفتاد نفر مرد در ایمان خود باقی ماندند.

پس خداوند به نوح وحی کرد، ای نوح حال دیگر روشنایی ظاهر شده، حق برای قوم تو آشکار گشته، هر کس خبث طینت داشته معلوم گردید، اگر آنهایی که بعداً مرتد شدند و آن موقع به تو ایمان آورده بودند زنده می ماندند، در آن صورت وعده من به مؤمنان که خالصانه به تو ایمان آورده بودند و به نبوت تو متوسل شده بودند که آنها را روی زمین جانشین خواهم نمود، درست نبود، چون من به ضعف ایمان بیشتر آنان آگاه بودم و خبث طینت و سوء نیت آنها را می دانستم، چگونه می توانستم آنها را در روی زمین جانشین خود بکنم و به آنها امنیت و آرامش بدهم چون ایمان آنها واقعی نبوده، وقتی که روی زمین جانشین می شدند با داشتن نفاق و سوء نیت خود را داخل مؤمنان می کردند و چون کسی آنها را نمی شناخت، جری می شدند و برادران خود را به دشمنی می کشاندند و برای به دست آوردن ریاست با آنها می جنگیدند، در آن صورت با بودن آنان میان مؤمنان چگونه آرامش در دین و انتشار امنیت در میان مؤمنان برقرار می شد. نه هرگز چنین وعده تحقق پیدا نمی کرد، ولی من نزول عذاب را به تأخیر انداختم تا مؤمنان حقیقی از دیگران شناخته شوند و آنها از ایمانشان برگردند. حالا که این کار تحقق پیدا کرد من عذاب بدترم را خواهم فرستاد و تو به کمک ما یک کشتی بزرگ بساز. (صفحه ۲۶ حدیث قدسی).

۳۷ - ای محمد، هر کس از امت تو می خواهد در تجارتش نفع کند، هنگام شروع به آن تجارت بگوید:

ای سودآور کننده نفقه اهل تقوی، و ای چندین برابر کننده آنها، ای کسی که رزق بندگانت را به سویشان سوق می دهی، و ای خداوندی که بعضی از ما بندگان را در دادن ارزاق به بعضی دیگر ترجیح داده‌ای، در این تجارت مرا به سوی یک سود سرشار سوق بده، که اشاعه مرا تضمین کند که او را از تو با شکر و سپاس می خواهم تا من از آن نفع برم و تو هم به وسیله آن از من نفع ببری (یعنی من مقداری از آن را در راه تو خرج می کنم) ای سودآور کننده تجارت، همه اهل عالم، که آگاه به اطاعت تو هستند، در این تجارت روزی به من بده که در آن بتوانم رضای تو را جلب کنم و مرا از طغیان کردن در مورد زیادی ثروتم باز دار، و از یأس و نومیدی هم مرا حفظ فرما. ای بهترین روزی دهندگان، خداوند! با رد این دعایم مگذار مردم به من شماتت کنند، و من

ضرر کنم، پس مرا با انجام این خواهش سعادتمند بکن و این دعای مرا بپذیر ای ارحم الراحمین.

زیرا وقتی بنده‌ام با این کلمات سخن بگویم من به تجارت او سود می‌دهم و آن تجارت را برایش نافع می‌سازم. علامت بهشتیان آن است که در دنیا زبانشان را از کلام بیهوده می‌بندند، و شکمهایشان را از طعام فراوان خالی می‌کنند.

۳۸- ای احمد، به عزت و جلالم سوگند، اگر بنده من، آن چهار خصلت که: زبان خود را نگه دارد و فقط هنگامی آن را باز کند که به نفعش باشد (یعنی به نفع آخرت و دنیایش نه فقط دنیایش) و قلبش را از وسواس و شرک خالی نگهدارد و بداند که من همیشه با او هستم و ناظر اعمال او می‌باشم و نور چشم او گرسنگی باشد. من تعجب می‌کنم از بنده‌ای که نمی‌داند من از او راضی هستم یا اینکه بر وی خشمناک می‌باشم معهذاً خوشحال است و می‌خندد.

۳۹- خداوند می‌فرماید: اهل دنیا کسی است که زیاد بخندد، و زیاد بخوابد و زیاد خشمناک شود و کمتر راضی باشد و به هر کس بد می‌کند، از او معذرت نخواهد، و هر کس از او معذرت بخواهد آن را قبول نکند. هنگام اطاعت خداوند کسل است، ولی موقع ارتکاب گناه شجاع و جری است. آرزوهای دور و دراز دارد در صورتی که مرگش به وی نزدیکتر است، از ذهن خود حساب نمی‌کشد، زیاد حرف می‌زند ولی نفعش به مردم کم است. از خداوند نمی‌ترسد، ولی هنگام مشاهده غذا شاد و خندان می‌شود، بدان که اهل دنیا هنگام رفاه و وسعت رزق به خداوند شکر نمی‌کنند و در مقابل بلاها هم صبر نمی‌کنند، خود را با آن کارهایی که عمل نمی‌کنند تعریف می‌نمایند و مردم را به چیزهایی دعوت می‌کنند که خودشان ندارند. بدیهای دیگران را به رخشان می‌کشند، محمد صلی الله علیه و آله عرض می‌کند: خداوند! غیر از این عیبهای آیا در اهل دنیا خوبی هم هست؟ خداوند می‌فرماید: ای محمد، عیوب اهل دنیا زیاد است در وجود آنها جهالت و حماقت است و در مقابل کسی که به آنها تعلیم می‌دهد، تواضع نمی‌کنند و هم در نفس خود، خود را عالم می‌دانند ولی آنها در نزد عرفا، جاهلند.

محبت به من همان محبت کردن به فقراست. پس توجه به فقرا و نزدیک شدن به آنان تو را به من نزدیک می‌کند، از ثروتمندان و مجالس آنها دوری کن، چون فقرا دوستان من هستند.

۴۰- اهل آخرت: ای احمد، اما اهل آخرت، سیمای آنها نرم و مهربان است، حیثشان زیاد است، کمتر حماقت دارند، به مردم نفعشان زیاد است و مکر و کینه‌شان کم است، مردم از جانب آنها در امان هستند، ولی خود آنها از مردم رنج می‌برند، سخنانشان سنجیده و حساب شده است، همیشه از خود حساب می‌کشند و به نفس خود رنج می‌دهند و آن را سرزنش می‌کنند. چشمانشان می‌خوابد ولی دل‌هایشان بیدار است. اغلب از خوف خدا گریه می‌کنند و همیشه به ذکر خدا مشغولند. وقتی که مردم را کاتبان اعمال، غافل می‌نویسند، آنها را ذکر گویان می‌نویسند. در اول استفاده از نعمت، به خدا حمد می‌گویند و در آخر هم شکر می‌کنند. همیشه دعای آنها به سوی خداوند صعود می‌کند و سخنان آنها مسموع می‌باشد ملائکه‌ها به وسیله دعای آنها در زیر حجابهای ملکوتی شاد و خرمند، خداوند دوست دارد همیشه سخنان آنها را بشنود همان طوری که پدر از شنیدن صدای فرزند خوشش می‌آید. حتی به مدت یک چشم بر هم زدن هم از خداوند غافل نیستند. نه به طعام زیاد علاقه دارند و نه به زیاد حرف زدن و نه به زیادی لباس. همه مردم در نزد آنها مرده هستند. فقط خداوند است که در نزد آنها زنده و بخشنده است که هرگز نمی‌میرد. به کسی که از آنها روگردان شود کرم می‌کنند و هر کس بر آنان رو آورد محبت بیشتر می‌نمایند. دنیا و آخرت در نزد آنها یکی است (یعنی آنها دنیا را فقط برای آخرت می‌خواهند). ای احمد، سعی کن همیشه با ورع باشی. چون ورع هم سیر دین است و هم وسط دین و هم آخر دین. برای اینکه ورع یگانه عامل تقرب به خداوند می‌باشد. ای احمد، ورع زینت مؤمنان و ستون نبوت است. مثل ورع مانند کشتی می‌باشد، همان طوری که کسی در دریا باشد فقط به وسیله سوار شدن به کشتی از غرق گشتن نجات می‌یابد، زاهدان هم بدون ورع نجات نمی‌یابند.

ای احمد، هر بنده‌ای که مرا بشناسد در مقابلم خاشع می‌شود و هر بنده‌ای که خاشع باشد همه چیز در برابر او خاشع است، ای احمد

صلی الله علیه و آله، ورع درهای آسمان را به روی بنده باز می‌کند همان طوری که برای ملائکه درهای عبادت را باز می‌کند. پس بنده‌ام به وسیله داشتن ورع در نزد همه عزیز می‌شود و به وسیله ورع به خداوندش نزدیک می‌گردد. ای احمد، همیشه سکوت را شعار خود بکن، چون آباد کننده مجالس دل‌های صالحان سکوت می‌باشد، و بدترین مجالس دل‌های کسانی است که سخنان بیهوده می‌گویند.

«و لو ان اشیا عنا، وفقهم الله لطاعته، علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم، لما تاخر عنهم الیمن بلقائنا، و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا، علی حق المعرفة و صدقها منهم بنا، فما یحبسنا عنهم الا ما یتصل بنا مما نکرهه و لا نوتره منهم، و الله المستعان و هو حسبنا و نعم الوکیل و صلواته علی سیدنا البشیر النذیر محمد و آله الطاهرین و سلم». (احتجاج، جلد دوم، صفحه ۳۲۵).

«اگر شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتشان بخشد - با دل‌هایی متحد و یکپارچه، به پیمانی که با ما دارند وفا می‌کردند، هرگز به میمنت و فیض، ملاقات ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و به زودی، سعادت دیدار ما با معرفتی کامل و شناختی راستین، نصیبشان می‌گردید.

پس ما را از شیعیان، پنهان نساخته مگر آن دسته از کردارشان که بر ما خوشایند نیست و از ایشان توقع نداریم. خداوند مددکار و یاور ما است و او برای ما کفایت کننده و نیکو وکیل است، درو‌دهای خدا بر سرور ما، نوید دهنده و ترساننده، محمد و خاندان پاکش باد».

پیام بالا، قسمت آخر از نامه مبارک حضرت «صاحب الزمان» علیه السلام به یاور راستین و دوست با اخلاص و فداکارشان، مرحوم «شیخ مفید» قدس سره می‌باشد. در پایان از عموم مطالعه کنندگان گرامی التماس دعا دارم و برایتان آرزوی موفقیت دارین را از در گاه ایزد متعال مسئلت دارم.

وسلام من اتبع الهدی

عبا سعلی حقیقی زاده

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

